









## فهرست مطالب

۱۱	گفتاری از مترجم
۱۳	مقدمه چاپ دوم
۱۵	مقدمه چاپ نخست
۱۷	مقدمه
۲۱	دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره «دوستی»
۲۵	اهمیت دوست در زندگی
۳۰	چه کسی را باید به دوستی برگزید؟
۴۶	حقوق دوستی و حدود آن
۵۵	مؤمن آئینه برادر (ایمانی) خویش است
۵۸	میانه روی در دوستی و دشمنی
۶۰	انواع دوستان
۶۳	آزمایش دوستان
۶۸	پایه های دوستی
۶۸	۱- دید و بازدید

- ۷۱ ..... ۲- سلام و مصافحه و معانقه
- ۷۴ ..... ۳- دادن هدیه به یکدیگر
- ۷۵ ..... ۴- گشاده‌رویی و لبخند
- ۷۸ ..... ۵- فروتنی با دوستان
- ۸۰ ..... ۶- خوش گمانی به دوست
- ۸۱ ..... ۷- اعتماد به دوستان
- ۸۲ ..... ۸- رازداری
- ۸۴ ..... ۹- احوال‌پرسی از دوستان
- ۸۶ ..... ۱۰- تصدیق دوستان
- ۸۷ ..... ۱۱- چشم پوشی از بدی
- ۹۲ ..... ۱۲- پذیرش پوزش
- ۹۴ ..... ۱۳- شاد کردن دوستان
- ۹۷ ..... ۱۴- یاری دوستان
- ۹۹ ..... ۱۵- همدردی با دوست و برآوردن حاجت او
- ۱۱۰ ..... ۱۶- احترام و بزرگداشت دوستان
- ۱۱۳ ..... ۱۷- از خود گذشتگی
- ۱۱۷ ..... ۱۸- اندرز
- ۱۲۴ ..... ۱۹- دوست را از محبت خود با خبر کردن
- ۱۲۵ ..... ۲۰- دعا برای دوست
- ۱۲۷ ..... ۲۱- گردهمایی دوستان و دیدار آنها با یکدیگر
- ۱۲۹ ..... ۲۲- شکر و ستایش در برابر کار نیک
- ۱۳۴ ..... ۲۳- نیکی در برابر بدی
- ۱۴۰ ..... ۲۴- حفظ برادر (دینی) در غیاب او
- ۱۴۴ ..... ۲۵- نرمی و مدارا در معاشرت
- ۱۴۸ ..... ۲۶- تبادل دوستی میان دوستان
- ۱۵۱ ..... ۲۷- مداومت بر دوستی
- ۱۵۵ ..... ۲۸- خوب گوش دادن به سخن دوست

فهرست مطالب / ۷

۱۵۷	۲۹- با دوستان به انصاف رفتار کردن
۱۵۹	۳۰- اطعام دوستان
۱۶۱	۳۱- زیادی موافقت و کمی مخالفت
۱۶۱	۳۲- اصلاح خویشتن پیش از اصلاح دیگران
۱۶۵	آنچه زداينده محبت است
۱۶۵	۱- چاپلوسی
۱۶۶	۲- خیانت به دوستان
۱۷۰	۳- جدال و ستیز
۱۷۲	۴- تکلف با دوستان
۱۷۴	۵- دوری گزیدن از دوستان
۱۷۷	۶- دشمنی دوست و دوستی دشمن
۱۷۹	۷- شماتت (سرکوفت زدن) به دوست
۱۸۰	۸- آزار رسانیدن به دوست
۱۸۴	۹- خودپسندی
۱۸۵	۱۰- فراموش کردن دوست
۱۸۶	۱۱- طبقه‌بندی دوستان
۱۸۹	وصیت امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> به فرزندش امام حسن <small>علیه السلام</small> درباره معاشرت با دوستان
۱۹۲	منابع





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱</sup>  
«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَةِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»<sup>۲</sup>  
«هُوَ الَّذِي أَبَدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَاللَّفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ»<sup>۳</sup>  
«إِدْفِعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»<sup>۴</sup>  
«الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»<sup>۵</sup>  
«وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»<sup>۶</sup>

۱- حجرات / ۱۰: مؤمنان برادر یکدیگرند، میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید.

۲- آل عمران / ۱۰۳: و همگی به ریسمان خدا جنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خودتان به یاد آورید که چگونهم دشمن یکدیگر بودید و او در دلهای شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید، و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید و خداوند شما را از آن رهایی داد.

۳- انفال / ۶۲ و ۶۳: ... او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد و در میان دلهای آنها الفت برقرار ساخت، اگر همه آنچه را در روی زمین است صرف می‌کردی که در میان دلهای آنها الفت نیفتی نمی‌توانستی لیکن خداوند میان آنها الفت ایجاد کرد.

۴- فصلت / ۳۴: ... بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند.

۵- زخرف / ۶۷: دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند جز پرهیزگاران.

۶- آل عمران / ۱۵۹: ... و اگر خشن و سخت‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.



بازگشت به فهرست

## گفتاری از مترجم

اخلاق اگر به معنای مجموعه‌ای از اعمال گفتاری و رفتاری انسان باشد یکی از ارکان مهم دین مبین اسلام است، و میزان رسوخ اعتقادات دینی افراد و پایبندی آنان به احکام و تعالیم اسلامی در همین عرصه متبلور و نمایان می‌شود، و ارزش آنان از نظر دین و تقوا بر همین اساس ارزیابی می‌گردد. این رکن مهم دینی به قدری اهمیت دارد که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: **بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ** (من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم). از این رو، بسیاری از امور گفتاری و رفتاری مانند غیبت کردن، دروغ گفتن، تهمت زدن، آزار و تحقیر مسلمانان که موجب سستی روابط حسنه افراد با یکدیگر و تبدیل دوستیها به دشمنیها و مفسد دیگر می‌شود از اهم محرمات الهی و از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است.

متأسفانه ما مسلمانها به آنچه خودمان داریم کمتر توجه می‌کنیم و بیشتر به آنچه دیگران دارند چشم دوخته‌ایم، چه ما از نظر داشتن تعالیم اخلاقی و رهنمودهای زندگی فردی و اجتماعی از هر جامعه دیگری غنی تر و بی‌نیازتریم و انبوه احادیث و اخباری که از پیشوایان دینی و مذهبی در زمینه اخلاق و حقوق برادران دینی و لزوم الفت و دوستی آنان با یکدیگر به ما رسیده است ما را از مراجعه به کتابهایی نظیر کتاب آیین دوست‌یابی دلیل‌کارنگی که خالی از بدآموزیهایی نیست بی‌نیاز می‌کند.

خوشبختانه کتابخانه عمومی اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در بغداد مجموعه‌ای از این احادیث و

اخبار را در کتاب حاضر گرد آورده و در دسترس استفاده گذاشته امید است خوانندگان عزیز از آن بهره وافر برند و یقین داشته باشند اگر ما تعالیم پیشوایان دینی خود را به کار بندیم و روابط فردی و اجتماعی خود را براساس آنها قرار دهیم در نزد خدا و خلق محبوب و در هر دو جهان خوشبخت و سعادت‌مند خواهیم بود.

از بنیاد محترم پژوهشهای اسلامی متشکرم که این کتاب را در دسترس این جانب قرار داد تا توفیق ترجمه آن را به دست آورم. و نیز از آن جایی که مؤلف کتاب، منابع احادیث مندرج در آن را به صورت کلی در فهرستی جداگانه که ضمیمه کتاب است ذکر کرده و لازم بود مأخذ احادیث مذکور در هر صفحه در پانوشته همان صفحه قید گردد، لذا طبق دستور بنیاد محترم همکار عزیز حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدحسین رضویان زحمت این کار را تقبل فرموده و آن را با دقت و صحت انجام دادند که از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.

ومن الله التوفیق

## مقدمه چاپ دوم

ستایش ویژه خداوندی است که عزت بخش و نعمت گستر است، و درود و سلام بر پیامبرش محمد ﷺ، سرور خلائق و خاندان او که ستونهای دین اند، و نیز بر اصحاب ارجمند و برگزیده او باد.

بعد: در چهار سال پیش که چاپ نخست این کتاب انجام شد چنان با استقبال و تشویق خوانندگان روبرو گردید که من فوق العاده احساس فرح و شادمانی کردم، و در مدتی کوتاه تمامی نسخه های آن به فروش رسید.

بی شک این امر گواه بر میزان نیاز مردم به امثال این گونه کتابهای حاوی موضوعات سودمند اجتماعی است و نشانه شدت دل بستگی و شیفتگی آنها به آداب برجسته و فرهنگ عالی به دست آمده از سرچشمه تعالیم اهل بیت علیهم السلام می باشد که سرشار از علوم و فنون و آداب گوناگون است.

از آنگاه که این کتاب نایاب شد بسیاری از مردم نقاط مختلف از من درخواست کردند که نسبت به تجدید چاپ آن اقدام کنم تا امکان استفاده و آگاهی از مطالب آن برای بسیاری از مطالعه کنندگان فراهم شود. من برای اجابت این درخواست و تقدیم حاصل تلاش ناچیز خود پیوسته در پی فرصت بودم و خداوند را سپاس که مرا در این زمان بدین

کار توفیق عطا فرمود و این پس از آن است که من چیزهای بسیاری را که در چاپ نخست این کتاب نیآورده و ذکر نکرده بودم در این چاپ بر آن افزوده‌ام به طوری که با داشتن آن نمی‌توان از این بی‌نیاز بود. از خداوند سبحان درخواست دارم که این خدمت را برای رضای خود خالص گرداند، و در آن روز که مال و فرزند بی‌قلب سلیم سودی ندارد مرا بدان منتفع فرماید.

مؤلف

## مقدمه چاپ نخست

ستایش ویژه خداوندی است که میان دل‌های مؤمنان الفت و دوستی برقرار کرده و در پرتو نعمت خود آنان را برادر گردانیده است. و درود و تحیت بر سرور پیامبران و مقربترین آنان در نزد خداوند سبحان و بر خاندان او باد که از همه جهانیان والاتر و در دانش و ایمان از همه برترند.

اما بعد: این ششمین کتابی است که کتابخانه عمومی اهل‌البیت علیهم‌السلام به منظور تحقق اهداف بزرگ خود و ادای رسالت مقدس خویش به خوانندگان تقدیم می‌کند تا وعده خود را به آنان که گهگاه نشریاتی در زمینه اصلاح و راهنمایی مردم صادر می‌کند ایفاء کرده باشد.

این کتاب درباره مهم‌ترین موضوع اجتماعی که بشر تا کنون شناخته است و آن موضوع برقراری «دوستی و برادری میان مردم است» گفتگو و برای بدست آوردن دوستان و ایجاد تأثیر در مردمان بهترین طریقه را ترسیم می‌کند، طریقه‌ای که مبتنی است بر آنچه پیامبر اسلام و خاندان بزرگوار او علیهم‌السلام ارائه داده‌اند و مشتمل بر راهنمایی‌های دقیق و تعلیمات عالی و ارزشمندی است که برای فرد و اجتماع زندگانی سعادت‌مندی را براساس اتحاد و همبستگی و سرشار از محبت صادقانه و برادرانه صحیح تضمین

می‌کند و بر محور همیاری و همکاری متقابل استوار و از هر سوی آن انوار فضیلت و اخلاق تابان است.

شما خواننده عزیز در این کتاب خواهید دید بیشتر مطالبی را که «دیل کارنگی» رئیس مرکز روابط انسانی در نیویورک ضمن کتاب ارزشمند و متعهد خود به نام کیف تکسب الاصدقاء و تؤثر فی الناس<sup>۱</sup> آورده است پیامبر اسلام ﷺ انسانها و امامان از خاندان اولاد ﷺ بدانها تصریح کرده‌اند و افزون بر این چیزهایی را طی احادیث خود ذکر فرموده‌اند که تا کنون اندیشمندان و دانشمندان بزرگ علوم اجتماعی بدانها نرسیده‌اند.

بغداد ۱۰/۱۲/۱۹۵۶م- مؤلف

---

۱- این کتاب به نام آئین دوستیابی به فارسی ترجمه شده است.



## مقدمه

از جمله سخنانی که از دانشمندان علوم اجتماعی به ما رسیده و پیوسته گفته و تکرار می‌شود این است که «انسان طبیعتاً اجتماعی است». معنای این سخن آن است که انسان برحسب فطرت و سرشت خود ناگزیر است با هم‌نوعان خود پیوند برقرار کند و به طور اجتماعی با آنها بسر برد و این غریزه‌ای است که خداوند در انسانها به ودیعت نهاده تا زندگانی آنها استقامت یابد و امور آنها سامان پذیرد. چه انسان قادر نیست به تنهایی مراحل زندگانی را که از هر سو مکروهات و ناملازمات بدان احاطه دارد و پر از سختیها و دشواریها و مقرون به انواع خطرهایست بگذراند، و ناگزیر است از دیگران کمک و یاری بخواهد. از این رو جوامع متحد به اموری اقدام می‌کنند که هرگز انجام دادن آنها از عهده یک فرد ساخته نیست و از کیان خود دفاع می‌کنند به گونه‌ای که یک تن هرگز توان آن را ندارد.

روشن است که هر چه صفوف جوامع بشری پیوسته‌تر و استوارتر باشد و میان آنها همکاری و همیاری بیشتر شود به همان اندازه در صحنه‌های زندگی موفقتر و در مدارج ترقی و کمال برتر و پیشروتر خواهند بود.

به همین سبب اسلام آیین تقدم و بقاست چه همه افراد بشر را دعوت می‌کند که در کارها یار و یاور یکدیگر و در زندگی دوستدار هم باشند و دوشادوش هم راه حیات را بسپرنند تا آرزوهای آنها تحقق یابد و به اهداف خویش دست یابند. ندای آسمانی قرآن در میان آنها فریاد می‌کند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»؛<sup>۱</sup> «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ»؛<sup>۲</sup> «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛<sup>۳</sup> «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛<sup>۴</sup> «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ».<sup>۵</sup> این است آنچه اسلام همه مردم را بدان فرا می‌خواند و چون هر فردی از افراد انسان در طول زندگانی در معرض شداید رنج دهنده و بلاها و مشکلات به درد آورنده‌ای قرار می‌گیرد که نمی‌تواند به تنهایی در برابر آنها ایستادگی کند لذا هر فردی ناگزیر است کسی یا کسانی از هم‌نوعان خویش را برای روزهای سختی خود داشته باشد، و رابطه‌ای استوار و پیوندی مستحکم و دوستی و مودّتی بیش از آنچه نسبت به دیگران دارد با آنها برقرار کند تا میان آنها احساساتی برادرانه و صادقانه و محبّت و مودّتی خالصانه ایجاد شود به طوری که هر یک از آنها دیگری را یاری و پشتیبانی و در برآوردن نیازهای او با وی همکاری کند و در نجات او از شداید و رهایی او از گرداب مهالک یار و یاور وی باشد. این ارتباط مقدس که موجب پیوند یک فرد به دیگری می‌شود و دل‌های آنها را به هم نزدیک می‌سازد و یکی را محبوب دیگری می‌گرداند «دوستی» نامیده می‌شود. و این در زندگی امری ضروری است به طوری که هر کسی هر قدر هم در تحمل سختیها نیرومند و در برابر مکروهات بردبار و در تدبیر امور از درستی اندیشه برخوردار باشد از آن بی‌نیاز نیست. به همین سبب دانشمندان اجتماعی و رجال تربیتی و داعیان اصلاح برای پیشبرد این امر مهم در زندگی سعی و کوشش فراوان کرده‌اند تا برای استحکام روابط برادرانه و ایجاد مودّت و محبت میان مردم که عنصر اساسی در ساختمان بنای دوستی میان آنهاست موفق‌ترین و شایسته‌ترین راهها را در پیش روی آنان قرار دهند چه دوستی هرگاه بر محبت قلبی صادقانه‌ای که ریا و خودنمایی آن را مشوب و اغراض پست آن را تیره و مکدر نگرداند متکی نباشد چنان دوستی پوچ و برای انسانیت بی‌ثمر است و

- ۱- حجرات / ۱۳: ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، هرآینه گرامیترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.
- ۲- مائده / ۲: و در راه نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر کمک کنید.
- ۳- آل عمران / ۱۰۳: و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.
- ۴- انفال / ۴۶: و نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود.
- ۵- حجرات / ۱۰: مؤمنان برادر یکدیگرند بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید.

انتظار فایده‌ای از آن نیست.

شاید مهمترین کتابی که در این زمان نگارش یافته و این موضوع را مورد بحث قرار داده کتاب کیف تکسب الاصدقاء و توثیر فی الناس تألیف استاد دیل کارنگی بنیانگذار مرکز روابط انسانی در نیویورک باشد که به وسیله استاد مصری عبدالمنعم محمد زیادی به عربی برگردانیده شده است.

گردآورنده کتاب مذکور مردی است که سرد و گرم روزگار را چشیده و حوادث وی را مجرب و آبدیده کرده تا توانسته است از تجارب خود پاکیزه‌ترین نتیجه‌ها و ارزشمندترین درسها را در زمینه معاشرت مردم با یکدیگر به دست آورد و بیان کند که چگونه انسان می‌تواند شمار بیشتری از مردم را به سوی خود جذب و بیشترین دوستان را برای خود فراهم آورد و در آنها تأثیر گذارد. آری کتاب او پر از حوادثی است که روش او را تأیید و ادعای او را گواهی می‌کند.

لیکن من گمان نمی‌کنم همه نظریاتی که او برای حصول این منظور ارائه داده به نتایجی که برای آنها در نظر گرفته منجر گردد و اگر هم فرض شود که این نظریات چنان نتایجی را به بار می‌آورد و موجب تأثیر در مردم می‌شود بی‌شک هر راهی که مایه به دست آوردن دوستان و تأثیر در مردمان می‌شود نمی‌تواند خوب و پسندیده بوده و برای انسان شایسته باشد که در آن گام بردارد هر چند از جهات دیگر به او زیان رساند. و گرنه کسی که با مردم دورویی می‌ورزد و با هر که روبرو می‌شود خودش را در خدمت افکار او قرار می‌دهد و با هر کس دیدار می‌کند در برابرش سر فرود می‌آورد و اظهار حقارت و تملق می‌کند و با هر فردی مطابق تمایلات و بر وفق افکار وی رفتار می‌کند ممکن است بتواند بیشترین افراد را به سوی خود جذب کند، افرادی که مردم دورو و بی‌هدف را دوست می‌دارند و با طرفداران هوا و هوسهایشان انس می‌گیرند و با همفکران خویش همگام می‌شوند، و مردم مخلص و با صراحت را دشمن می‌دارند و از کسانی که تمایلات و گرایشهای آنها را در زندگی تأیید نمی‌کنند دوری می‌ورزند، و متأسفانه چقدر این گونه افراد در جامعه فراوانند. اما آیا به دست آوردن این همه دوستان و این قبیل تأثیر در مردم درست است؟ و عقل سالم آن را تأیید می‌کند؟ یا وجدان بیدار از آن خشنود است؟ و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی که در این گونه امور داوری دادگرند بر آن صحنه

می‌گذارد؟ هرگز، هرگز.

بی‌شک آنانی که به این موضوع مهم اجتماعی از همه جهت احاطه دارند و هموارترین و نزدیکترین راهها را برای تحقق این هدف عالی تعیین کرده و ارائه داده‌اند همان کسانی هستند که گنجینه علوم الهی و معدن تعالیم آسمانی می‌باشند یعنی پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان از خاندان او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، همانهایی که خداوند آنان را امین وحی خود گردانیده و سرپرستی خلق را بدانها سپرده و آنان را دلیل و رهنما به سوی حق و حجت بر خلق قرار داده است. آنان هدایت‌کنندگان و هدایت‌شدگانی هستند که خداوند با نزول آیه تطهیر نشان عالی الهی را به آنها عطا کرده و فرموده است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.<sup>۱</sup>

اینک ای خواننده عزیز! با من همراه باش تا به تعلیمات و راهنمایی‌هایی که پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان از خاندان او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در بدست آوردن دوستان و تأثیر در مردمان ارائه داده‌اند تو را آگاه کنم، دستور این که چگونه انسان می‌تواند با برادرانش از زندگی خوش و پسندیده‌ای برخوردار و با دوستانش زندگی پربار و سعادت‌مندی داشته باشد بی آن که در اعتقادات او خللی وارد و یا از عقیده خود منحرف گردد. بی‌شک، آنچه در این دستورها خواهی دید خودت را مبهوت و دلت را شاد و خرسند خواهد ساخت، ان شاء الله.

سپس این تعلیمات و راهنمایی‌ها را با آنچه در کتاب «دیل کارنگی» آمده است مقایسه کن تا بدانی آنچه او در این زمان در کتاب خود آورده پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان از خاندان او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پیش از این بدانها تصریح کرده و مطالبی را بر آنها افزوده‌اند که این مرد و امثال او توان آوردن آنها را نداشته‌اند، چیزهایی که اجتماع را اصلاح و بشر را سعادت‌مند می‌گرداند تا همه بتوانند با هماهنگی و صلح و سازگاری زندگانی کنند و محبت و دوستی سراسر زندگی را فراگیرند، و سعادت و نیکبختی تعمیم یابد و برادری میان آنها حکمفرما شود.

۱ - احزاب ۳۳: جز این نیست که خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل‌بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

## دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره «دوستی»

براستی سخنان پیامبر اسلام ﷺ و ائمه طاهرين علیهم السلام دانشگاه علمی بزرگی است که در سهای ارزشمندی را در هر فن به اختیار اجتماع می‌گذارد سخنان آنها مشتمل بر مقاصد بلند و معانی ژرف و دارای افقی گسترده است، آنان به علل مشکلات اجتماعی آگاه بوده‌اند و آنها را توجیه کرده و بهترین راههای حل آنها را برای مردم بیان کرده‌اند. پیامبر بزرگوار ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام بیماریهای اجتماعی را شناخته و دردها را تشخیص داده و پرفایده‌ترین درمانها را برای آنها تعیین کرده‌اند. و به سبب برتری دانشهایی که از آنها به ما رسیده و معارف گراندگری که بزرگترین رجال فلسفه و اجتماع در برابر آنها ناتوانند از آنان ظاهر گشته است بحق استادان بشریت و راهنمایان انسانیت‌اند.

چون موضوع «دوستی و برادری» از مهمترین لوازم زندگانی و بزرگترین ضرورت انسانی است لذا این امر از بخش بزرگی از عنایات و توجهات آنها برخوردار است و تعلیمات و راهنماییهای آنان در پایه‌گذاری اساس دوستی و صفات و شرایطی که لازمه آن است از سوی آنان بیان شده و به ما رسیده است. آنان به همه مردم اندرز داده‌اند که در به دست آوردن دوستان و ذخیره کردن آنان سستی نورزند تا آن جا که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «خوبتران شما خوشخوتران شمايند، همانهایی که با دیگران و دیگران با

آنها انس می‌گیرند»<sup>۱</sup>.

نیز فرموده است: «هیچ بنده‌ای برادری در راه خدا به دست نمی‌آورد جز این که خداوند درجه‌ای در بهشت برای او برپا می‌کند»<sup>۲</sup>.

نیز فرموده است: «مؤمن رفیق و همراه است و با او انس می‌گیرند و در کسی که انس نمی‌گیرد و با او انس نمی‌گیرند سودی نیست»<sup>۳</sup>.

نیز فرموده است: «دوستی مؤمن نسبت به مؤمن به خاطر خداوند بزرگترین بخش ایمان است، بدانید کسی که به خاطر خداوند دوست بدارد، دشمن بدارد، ببخشد و یا بازدارد او از برگزیدگان (اصفیاء) خداوند است»<sup>۴</sup>.

اینک می‌بینیم پیامبر خدا ﷺ مردم را به دوستی و برادری ترغیب می‌کند و با پادشاهای بزرگ و نعمتهای جاویدی که خداوند به دو نفری که دوست باشند وعده داده و برای آنها آماده فرموده این امر را محبوب مردم قرار داده است لیکن مشروط به آن است که دوستی در راه خدا از هرگونه اغراض پست و مصلحتهای مادی و مطامع ناچیز دنیوی پاک و منزّه باشد. بنابراین آنچه اسلام بدان دعوت می‌کند دوستی صادقانه و مودت خالصانه است و برای این گونه دوستی است که خداوند به دارنده آن پاداش فراوان وعده داده و در روز قیامت مقام محمود برای او آماده فرموده است، و همین دوستی خالص و محبت صادق است که نشانه بارز ایمان انسان و شایستگی اوست چنان که پیامبر خدا ﷺ به اصحاب خود فرمود: «کدام یک از دستگیره‌های ایمان محکمتر است؟» گفتند: خدا و پیامبرش داناترند، برخی گفتند: نماز، بعضی زکات، برخی دیگر حج و عمره و بعضی جهاد را نام بردند، پیامبر ﷺ فرمود: «برای آنچه گفتید فضیلت است لیکن آن نیست، بلکه محکمترین دستگیره ایمان دوستی در راه خدا و دشمنی در راه اوست»<sup>۵</sup>.

۱- مستدرک، ۴۵۱/۸؛ بحار انوار، ۱۴۹/۷۴.

۲- مستدرک الوسائل، ۳۲۳/۸؛ احیاء العلوم الدین، ۱۱۰/۲.

۳- مستدرک، ۴۵۰/۸؛ جامع السعادات، ۲۵۵/۲ و ۱۹۶/۳.

۴- بحار الانوار، ۲۴۰/۶۹؛ بحار الانوار، ۱۵۲/۷۴.

۵- بحار الانوار، ۲۴۲/۶۹؛ جامع السادات، ۱۸۳/۳.

نیز فرموده است: «کسی که به خاطر خدا برادری کند خداوند در بهشت او را به درجه‌ای می‌رساند که چیزی از اعمال او نمی‌تواند آن را به دست آورد».<sup>۱</sup>

پیشوای مسلمانان علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «مردم برادران یکدیگرند و کسی که برادریش در غیر رضای خدا باشد برادری او دشمنی است، و این مضمون قول خداوند است که: الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «با مردم معاشرت کنید تا اگر بر این حال بمیرید بر شما بگریند و اگر زنده بودید مشتاق شما باشند».<sup>۳</sup>

نیز فرموده است: «خوشا به حال کسی که برای فرمانبرداری خدا با مردم انس می‌گیرد و آنها نیز با او انس می‌گیرند».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که دوستی و دشمنی او به خاطر خدا باشد و به خاطر او ببخشد و باز دارد او از جمله کسانی است که ایمانش کامل است».<sup>۵</sup>

نیز فرموده است: «هیچ یک از شما به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر آنگاه که دورترین افراد خلق را نسبت به خود به خاطر خدا دوست داشته و نزدیکترین کسانی را به خاطر او دشمن بدارد».<sup>۶</sup>

نیز فرموده است: «از مزایای آدمی در نزد خداوند محبت اوست نسبت به برادرانش».<sup>۷</sup>

نیز فرموده است: «سه چیز است که انسان در آنها معذور نیست، رایزنی با خیرخواه، مدارا با حسود و اظهار محبت نسبت به مردم».<sup>۸</sup>

هر اندازه محبت دوست نسبت به دوستش بیشتر و مودتش به او شدیدتر باشد

۱ - احیاء علوم الدین، ۱۰۹/۲.

۲ - زخرف/۶۷: دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند جز پرهیزگاران.

۳ - بحارالانوار، ۱۶۷/۷۴.

۴ - بحارالانوار، ۵۶/۷۸.

۵ - بحارالانوار، ۲۳۸/۶۹.

۶ - بحارالانوار، ۲۵۲/۷۸.

۷ - بحارالانوار، ۳۹۷/۷۴.

۸ - بحارالانوار، ۲۳۲/۷۸.

منزلتش در نزد خداوند برتر و درجه‌اش نزد وی بالاتر خواهد بود چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «آیا شما را خبر ندهم به شبیه‌ترین شما از حیث اخلاق به من؟» عرض کردند: چرا ای پیامبر خدا، فرمود: «آن که خلقش نیکوتر، بردباریش بیشتر، به خویشاوندانش نیکوکارتر، دوستیش نسبت به برادرانش به خاطر خدا زیادتر، بر حق شکیباتر، بر خشم خود چیره‌تر، و در عفو نیکوتر و در انصاف دادن هر چند به زیان خویش شدیدتر باشد».<sup>۱</sup>

نیز پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «دو تن که به خاطر خدا دوستی می‌کنند آن که محبتش نسبت به دوستش بیشتر است نزد خدا محبوبتر است».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هرگز دو مؤمن با یکدیگر دیدار نمی‌کنند جز این که بهترین آن دو کسی است که محبتش نسبت به دیگری بیشتر باشد».<sup>۳</sup>

دین اسلام به سبب اهمی که در ایجاد دوستی و برادری میان مردم دارد کسانی را محبوبترین و بهترین مردمان در نزد خداوند شمرده است که با مردم انس می‌گیرند و محبت آنها را جلب و به نیکی با آنها آمیزش و معاشرت می‌کنند چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «همانا محبوبترین شما در نزد خداوند آنانی هستند که با مردم انس می‌گیرند و مردم نیز با آنان الفت گرفته و دوستی می‌کنند، و منفورترین کسان نزد او آنهایی می‌باشند که در راه سخن‌چینی و تفرقه‌افکنی میان برادران گام برمی‌دارند».<sup>۴</sup>

نیز فرموده است: «خوشخوترین شما بهترین شماست همانها که فروتن و نرم‌خو هستند».<sup>۵</sup>

۱- مصادقه/لاخوان، ۴۱/۱؛ بحارالانوار، ۱۵۲/۷۴.

۲- بحارالانوار، ۳۹۸/۷۱ و ۲۵۰/۶۹.

۳- بحارالانوار، ۲۵۰/۶۹.

۴- جامع‌السعادات، ۲۷۵.

۵- اصول کافی، ۱۰۲/۲.



## اهمیت دوست در زندگی

نباید پنداشت که در زندگی چیزی وجود دارد که انسان را بیش از داشتن دوست سعادتمند و شادمان می‌کند، دوست شایسته‌ای که در احساسات انسان مشارکت کند و عواطف او شامل حال وی گردد، و به هنگام وحشت و تنهایی مونس او باشد، و در سختیها از او کمک بخواهد، و در حوادث و رویدادها به او پناه برد، و هرگاه سانحه‌ای برای او روی دهد یا پیشامد بدی برایش اتفاق افتد که در برابر آن فکرش به جایی نرسد با او مشورت کند چه ضربه و فشار حوادث و رویدادها را چیزی جز دوست راستین نمی‌تواند از انسان برطرف کند تا آن جا که دانشمند نامدار اجتماعی «لردافبری» در کتابش به نام «سعادت و صلح» گفته است: به دست آوردن دوست راستین کار ساده و آسانی نیست و کسی که این امر برایش میسر شده باید بداند به گنج پرارزشی دست یافته که باید به نحو خوب و شایسته‌ای از آن بهره‌گیرد.

حکیمی گفته است: اگر همه دنیا را مالک باشم آن در نظر من با ذره‌ای از وفای دوست و اندکی از محبت برادری کریم برابری نمی‌کند.

دوست نزدیک ممکن است در نتیجه اخوت و برادریش جایگاه برادر پدر و مادری را پیدا کند و گاهی نیز از آن برتر شود، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «بسا تو را برادری است که مادرت او را نزاده است»<sup>۱</sup> و نیز فرموده است: «بسا بیگانه‌ای که از

---

۱- الحکم من کلام امیرالمؤمنین، ۴۸۴/۱.

خویشاوند نزدیکتر است، و غریب کسی است که دوستی ندارد».<sup>۱</sup>  
پیامبر بزرگ اسلام و انسانیت صلی الله علیه و آله فرموده است: «چون خداوند خیر کسی را بخواهد دوست شایسته‌ای روزی او می‌گرداند که هر گاه فراموش کند او را یادآوری و اگر به خاطر داشته باشد وی را یاری کند».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «انسان مسلمان پس از اسلام و بهره‌مندی از فواید آن از هیچ چیز دیگر مانند برادری که در راه خدا از او استفاده کند بهره‌مند نمی‌شود».<sup>۳</sup>

نیز فرموده است: «مردی که داغ فرزند کوچک ندیده وارد بهشت نمی‌شود» عرض کردند: ای پیامبر خدا! آیا ما همه فرزند از دست رفته داریم؟ فرمود: «آری داغ برادر دینی انسان به منزله داغ فرزند از دست رفته است».<sup>۴</sup>

علی علیه السلام فرموده است: «بر شما باد به برادران و دوستان چه آنها در دنیا و آخرت سرمایه‌اند».<sup>۵</sup>

نیز فرموده است: «دیدار برادران غنیمت بزرگی است هر چند اندک باشد».<sup>۶</sup>  
نیز: «ناتوانترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست ناتوان باشد و ناتوانتر از او کسی است که یکی از دوستانی را که یافته است رها سازد».<sup>۷</sup>

مردی در حضور امام باقر علیه السلام گفت: خداوندا! ما را از همه آفریدگانت بی‌نیاز کن. امام علیه السلام فرمود: «این طور مگو لیکن بگو: خداوندا! ما را از اشرار آفریدگانت بی‌نیاز فرما، چه مؤمن از دوست خود بی‌نیاز نیست».<sup>۸</sup>

نیز فرمود: هر کس دوستی براساس ایمان به خداوند و در راه او و در طلب خشنودی او و برای وفای به دوستی به دست آورد پرتوی از نور خداوند و امانی از عذاب او و

۱- الحکم، ۴۸۴/۱.

۲- بحارالانوار، ۱۶۴/۷۴.

۳- بحارالانوار، ۲۷۵/۷۱.

۴- من لایحضره الفقیه، ۱۷۶/۱.

۵- بحارالانوار، ۲۵۱/۷۵.

۶- اصول کافی، ۱۷۹/۲.

۷- الحکم، ۱۳۷/۱؛ نهج البلاغه صبحی صالح / ۴۷۰.

۸- تحف العقول / ۲۱۳.

دستاویزی برای رستگاری خود در روز رستاخیز و عزتی پایدار و آوازه‌ای فزاینده به دست آورده است».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «در دنیا دوستان زیاد به دست آورید چه آنها در دنیا و آخرت سود می‌رسانند اما در دنیا نیازهایی را رفع می‌کنند، و در آخرت دوزخیان می‌گویند: **فَمَالْنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ**».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «کسی که به زیاد کردن دوستان رغبت نداشته باشد دچار خواری می‌گردد».<sup>۳</sup>

نیز فرموده است: «از دوستت محافظت کن هر چند با آتش سوزی باشد».<sup>۴</sup>

نیز فرموده است: «در صدد افزایش دوستان باشید چه هر مؤمنی را دعای مستجابی است».<sup>۵</sup>

نیز: «دوست زیاد برای خود فراهم کنید چه برای هر مؤمنی امکان شفاعتی است».<sup>۶</sup>

نیز: «زیاد با مؤمنان برادری و دوستی کنید چه آنها در نزد خداوند قدر و منزلتی دارند که در روز قیامت به آنها تلافی می‌کند».<sup>۷</sup>

نیز: «از نشانه‌های محبت انسان به دینش این است که برادر دینی خود را دوست بدارد».<sup>۸</sup>

نیز: «شخص به سبب داشتن دوستان فزونی می‌یابد».<sup>۹</sup>

نیز: «سه چیز است که در هر زمان کمیاب است: «برادری و دوستی در راه رضای خدا، همسر شایسته‌ای که در طریق دین خدا مونس انسان باشد و دیگر فرزند رشید و

۱- بحار الانوار، ۱۷۵/۷۸.

۲- شعراء / ۱۰۱: (افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما نیست و نه دوست گرم و پرمحبتی.

۳- مصادقة الاخوان / ۴۶.

۴- بحار الانوار، ۲۳۲/۷۸.

۵- بحار الانوار، ۱۶۷/۵۸.

۶- مصادقة الاخوان / ۴۶.

۷- مصادقة الاخوان / ۴۶.

۸- مصادقة الاخوان / ۴۶.

۹- مصادقة الاخوان / ۷۴.

۱۰- نهج الفصاحه / ۶۲۴.

خردمند. کسی که دارای یکی از این سه باشد به همه خوبیهای دنیا رسیده است.<sup>۱</sup>  
 امام کاظم علیه السلام فرموده است: «برترین خصلتها و گرامیتین آنها بجا آوردن کار نیک،  
 فریادرسی غمزدگان، تحقق دادن آرزوی آرزومندان، راست گردانیدن گمان امیدواران، و  
 در زندگی افزودن دوستان است.»<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام فرموده است: «کسی که در راه خدا دوستی به دست آورد غرفه‌ای در  
 بهشت کسب کرده است.»<sup>۳</sup>

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نظر مردم را به این نکته جلب کرده‌اند که به دست آوردن  
 دوستان از لذیذترین کامیابیهای زندگی دنیاست، لذا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:  
 «مؤمن در کنار برادر دینی خود آرامش می‌یابد همان‌گونه که تشنه با آشامیدن آب سرد  
 آسودگی پیدا می‌کند.»<sup>۴</sup>

نیز فرموده است: «سه چیز سبب آسایش مؤمن است، نماز در آخر شب، دیدار  
 دوستان و افطار از روزه»<sup>۵</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «دیدار دوستان سبب دوام شادی است.»<sup>۶</sup>  
 عمر بن زید گفته است: «از ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: برای هر شیء چیزی  
 وجود دارد که به آن آرامش می‌یابد، و مؤمن مانند پرندگان که به هم‌نوعان خود آسودگی  
 می‌یابند به وسیله برادر مؤمن خود آرامش به دست می‌آورد.»<sup>۷</sup>

نیز امام صادق علیه السلام فرمود: آرامش در سه چیز است: همسر سازگار، فرزند نیکوکار و  
 دوست باصفا»<sup>۸</sup>

یکی از شاعران گفته است.

۱- بحارالانوار، ۲۸۲/۱.

۲- بحارالانوار، ۳۵۸/۷۵.

۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۱۸۲؛ مسند الامام الرضا علیه السلام، ۲۹۹.

۴- اصول کافی، ۱۹۲/۲.

۵- مصادقة الاخوان، ۳۴/۱.

۶- الحکم، ۴۷۰/۱.

۷- بحارالانوار، ۲۳۴/۷۴ و ۲۳۷/۷۱.

۸- بحارالانوار، ۲۳۱/۷۵.

کنوز إذا ما استنجِدوا وظهورُ<sup>۱</sup>  
وإنَّ عدوًّا واحداً لکثیرُ<sup>۲</sup>

تکثر من الإخوان ما اسطعت إثمهم  
ولیس کثیراً الف حلُّ وصاحب

---

۱- تا می توانی دوستان خود را زیاد کن، همانا آنها گنجها و پشتوانه اند به هنگامی که از آنها کمک خواسته شود.

۲- هزار دوست و رفیق زیاد نیست و یک دشمن بسیار زیاد است.

بازگشت به فهرست

## چه کسی را باید به دوستی برگزید؟

دوست شریک زندگی است. او در انسان مانند روح در بدن جریان و تأثیر دارد، وی آینه‌ای است که خوبیها و بدیهای آدمی در آن منعکس می‌شود چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «انسان آینه دوست خویش است که هرگونه اذیت و آزار از او دور می‌کند»<sup>۱</sup>.

دوست جایگاه اسرار و خاستگاه آرزوهاست از این‌رو لازم است خوشرفتار، خوش نیت، پاکنهاد و از صفات خوب برخوردار باشد تا دوست وی به وسیله او هدایت شود و به او تأسی کند، چه تأثیر دوست بسیار زیاد است و گزافه نیست اگر بگویم: دوست مطلق بزرگترین مؤثر در زندگی انسان و تشکیل دهنده چگونگی اوست. و ای بسا شخص شایسته‌ای که در نفوس یاران و دوستان خود نفوذ و تأثیر کرده و آنها نیز در زمره افراد صالح و شایسته درآمده‌اند. همچنین بسا فرد ناشایست که بر اثر نفوذ در هم‌نشینان و دوستان خویش آنها نیز ناصالح و ناشایست شده‌اند. این موضوع امری ثابت و غیر قابل تردید است و واقعیت و وجدان و مشاهده آن را تأیید و رخدادهای بسیار در هر زمان و مکان آن را اثبات و اندیشمندان گذشته و حال بر آن تصریح کرده‌اند.

این امر به سبب اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای که در زندگی انسان از نظر سعادت و شقاوت او دارد درباره آن نصوص بسیاری از پیامبر گرامی ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به ما

---

۱- مصادقه‌الاحوان / ۴۲.

رسیده است که مردم را ترغیب می‌کند شایستگان و مخلصان را به دوستی برگزینند و از همنشینی و رفاقت با بزهکاران و فسادگران بپرهیزند.

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در این باره به ترغیب و تحذیر اکتفاء نفرموده بلکه صفاتی را که برای دوست شایسته لازم است بیان و روشن کرده‌اند که چه کسی سزاوار رفاقت و دوستی است همچنین صفات همنشین بد و کسی را که لازم است انسان از او دوری و کناره‌گیری کند توضیح داده‌اند. احادیثی که در این باره وارد شده بسیار زیاد است که نمی‌توان آنها را شماره کرد و یا در این مختصر مورد بررسی قرار داد، لیکن ما به اندازه‌ای از آن احادیث نقل می‌کنیم که بتوانیم تصویری از دوست شایسته را ارائه بدهیم تا او را جستجو کرده و به دوستی برگزینیم، و دوست بد و ناشایست را نشان بدهیم تا از او دوری جسته و پرهیز کنیم:

پیامبر بزرگوار صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «از دانشمندان پیرسید و با حکیمان گفتگو کنید و با فقیران همنشین شوید».<sup>۱</sup>

این دستور برای آن است که پرسش از دانشمندان سبب تهذیب نفس و پاکیزگی عقل، و گفتگو با حکیمان و خردمندان موجب روشنی فکر، و همنشینی با فقرا، باعث سرکوبی نفس است.

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «بدانید همنشینی با دانشمند و پیروی از او آیینی است که باید بدان پایبند بود، فرمانبرداری از او وسیله کسب حسنات و محو سیئات و اندوخته‌ای برای مؤمنان و بلندی منزلت آنان در حال زندگی و مرگ آنها و سبب آن است که مؤمن به هنگام مرگ به نیکی یاد شود».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «جز با خردمند پرهیزگار معاشرت مکن، و جز با دانشمندان پاکدل همنشین مباش، و راز خود را تنها به مؤمن وفادار بسپار.

امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «محفل صالحان و شایستگان سبب هدایت و صلاح، و آداب و رفتار دانشمندان موجب افزایش خرد است».<sup>۳</sup>

۱- تحف العقول / ۲۸.

۲- بحار الانوار، ۱۷۵/۱.

۳- تحف العقول، ۲۰۵/۱.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر کس در کار سفیهان و نابخردان مداخله کند حقیر و کوچک می شود و کسی که با دانشمندان معاشرت کند بزرگ و محترم می گردد».<sup>۱</sup>  
 از این رو لقمان فرزندش را تشویق می کند که با دانشمندان همنشینی و معاشرت کند تا از این راه دانشی سودبخش و تربیتی برجسته و شرافتی بزرگ به دست آورد. او به فرزندش پند می دهد که «ای پسرک من با دانشمندان همنشین باش، و در برابر آنها زانو بزن چه دلها با شنیدن حکمت زنده می شود چنان که زمین مرده با بارانهای تند زندگی را از سر میگیرد».

نیز لقمان به او گفته است: «کسی که در جاهای بد وارد شود متهم می گردد، و کسی که با رفیق بد معاشرت کند سالم نمی ماند، و آن که با دانشمندان همنشینی کند سود می برد». هرگاه نتوانی با دانشمندان و حکیمان همنشین باشی بر توست با دیگر مردم که صالح و پرهیزگار باشند معاشرت کنی چه آنها برای تو در سختیها پناهگاه و در آسودگی و رفاه زیب و زیورند چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «بر شما باد به دوستان راستین چه آنها برای شما به هنگام رفاه زیور و در وقت بلا پناه و مانع اند».<sup>۲</sup>

نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصیت خود به ابن مسعود فرموده است: «باید همنشینانت نیکان و دوستانت پرهیزگاران پارسا باشند چه خداوند متعال در کتابش فرموده است: **الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ**».<sup>۳</sup> و در وصیت خود به اباذر فرموده است: «ای اباذر جز با مؤمن دوستی مکن»<sup>۴</sup>

نیز فرموده است: «خوشبخت ترین مردم کسی است که با مردم بلندنظر و بزرگوار معاشرت کند».<sup>۵</sup>

نیز: «هرگاه مردی را دیدید که در دنیا زهد به او داده شده به او تقرب جوید چه او

۱- بحارالانوار، ۲۰۲/۷۵.

۲- بحارالانوار، ۱۸۶/۷۱.

۳- بحارالانوار، ۱۰۰/۷۴؛ الزخرف / ۴۷.

۴- بحارالانوار، ۸۴/۷۴.

۵- بحارالانوار، ۱۸۵/۷۱.



القای حکمت می‌کند».<sup>۱</sup>

نیز: «تنها با کسی همنشینی کنید که شما را از پنج چیز به پنج چیز فرا می‌خواند: از شک به یقین، از خودبرتری‌بینی به فروتنی، از دشمنی به دوستی، از ریاکاری به اخلاص و از محبت دنیا به زهد».<sup>۲</sup>

نیز: هر کس با مردم دادوستد کند و به آنها ستم نوزد، و با آنها سخن گوید و دروغ نگوید، و به آنها وعده دهد و تخلف نکند او از کسانی است که جوانمردیش کامل و عدالتش آشکار و برادریش واجب است».<sup>۳</sup>

از آن حضرت پرسش شد کدام همنشین افضل است؟ فرمود: «کسی که هر گاه نیازت را) اظهار کنی یاریت کند، و اگر فراموش کرده باشی به یادت آورد».<sup>۴</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «معاشرت با خردمندان موجب اصلاح اخلاق است».<sup>۵</sup>

نیز: «با اهل فضیلت معاشرت کن تا برتری یابی».<sup>۶</sup>

نیز: «همنشینی با خردمندان شرافت را می‌افزاید».<sup>۷</sup>

نیز: «دوستی با نیکان موجب شرف و رفاقت با بدان باعث تلف و نابودی است».<sup>۸</sup>

نیز: «با نیکان رفاقت کن تا از بدان ایمن باشی».<sup>۹</sup>

نیز: «بهترین یاران کسی است که تو را به راه خیر و نیکی راهنمایی کند».<sup>۱۰</sup>

نیز: «همنشین نیکوکاران باش تا از آنان باشی، و از بدکاران دوری کن تا از آنها جدا

۱- بحارالانوار، ۳۱۱/۷۰.

۲- بحارالانوار، ۱۸۹/۷۴، ۱۸۹/۷۱.

۳- اصول کافی، ۲۳۹/۲.

۴- تحف العقول، ۲۵؛ بحارالانوار، ۱۴۰/۷۷.

۵- بحارالانوار، ۱۶۰/۱.

۶- الحکم، ۷/۲.

۷- الحکم، ۳۲۲/۲.

۸- الحکم، ۳۲۲/۲.

۹- الحکم، ۵۴۷/۱.

۱۰- الحکم، ۴۵۳/۱.

باشی».<sup>۱</sup>

نیز: «رفاقت با سعادت‌مندان موجب سعادت آدمی می‌شود».<sup>۲</sup>

نیز: «بر تو باکی نیست که با خردمند رفاقت کنی هرچند از نظر کرم و بخشش او را در خور ستایش ندانی لیکن تو از خرد او سودگیر و از خویهای بد او خود را نگهدار. و رفاقت با انسان بخشنده و بزرگوar را فرومگذار هرچند از خرد او سود نبری ولیکن تو از بخشندگی او و خرد خودت سود بگیر».<sup>۳</sup>

نیز: «همنشین خوب غنیمت و همنشین بد شیطان است».<sup>۴</sup>

نیز: «در وصیت خود به محمدبن ابی بکر فرموده است: باید شایستگان و نیکوکاران دوستانت و بدکاران و خیانتکاران دشمنانت باشند، چه من محبوبترین دوستانم آنانی هستند که بیشتر خدا را یاد می‌کنند و ترس آنها از او بیشتر است».<sup>۵</sup>

امام حسن سبط علیه السلام در وصیت خود به جناده بن امیه فرموده است: «هرگاه نیازمندی تو را به رفاقت با کسانی مایل سازد با کسی مصاحبت کن که هرگاه با او رفاقت کنی زیورت، و اگر او را خدمت کنی نگهدارت، و اگر از او کمک بخواهی کمک‌گارت باشد، و هرگاه سخن‌گویی تصدیقت کند، و اگر یورش بری پشتیبانت باشد، و اگر بخواهی بخشش کنی تو را کمک کند، و اگر رخنه‌ای در کارت پدید آید آن را مسدود سازد، و اگر کار نیکی از تو بیند آن را بر زبان آورد، و اگر از او چیزی بخواهی به تو بخشد، اگر خاموشی‌گزینی او آغاز سخن کند، اگر حادثه ناگواری برایت روی دهد با تو همدردی و مواسات کند، همان کسی که بدی و ستم و آزاری از او به تو نمی‌رسد، و بر اثر او راهها بر تو مشتبه نمی‌گردد، و در برابر حقایق امور تو را خوار نمی‌سازد، و اگر در حال تقسیم چیزی نزاعی میان شما اتفاق افتد تو را بر خودش ترجیح دهد».<sup>۶</sup>

۱- الحکم، ۸۳/۱.

۲- الحکم، ۵۵۳/۲.

۳- اصول کافی، ۶۳۸/۲.

۴- الحکم، ۴۰۷/۱.

۵- بحارالانوار، ۵۸۶/۳۳.

۶- بحارالانوار، ۵۳۹/۳۲.

چه کسی را باید به دوستی برگزید؟ / ۳۵

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «همنشینی با نیکان انسان را به نیکی فرا می خواند».<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: اگر بخواهی بدانی که آیا در تو خیری است به دلت بنگر چنانچه مطیعان خدا را دوست و اهل معصیت را دشمن می داری به یقین در تو خیری است. خداوند تو را دوست می دارد. و اگر اهل طاعت را دشمن و معصیت کاران را دوست داری بی شک در تو خیری نیست و خداوند تو را دشمن می دارد چه انسان با کسی محشور می شود که او را دوست می دارد».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «با حکمت ترین مردم کسی است که از نادانان بگریزد، و سعادت مندترین مردم آن که با افراد کریم و بزرگوار همنشین شود، و خردمندترین مردم کسی است که در مدارا با مردم استوارتر باشد».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «همنشینی با دینداران موجب شرف دنیا و آخرت است».<sup>۴</sup>

نیز: «بر تو باد به داشتن دوستان راستین چه آنان به هنگام آسودگی و رفاه ذخیره اند و در وقت سختی و بلا سنگر و سپرند. و در گفتار خود با کسانی مشورت کن که از خدای ترسند، و دوستانت را به اندازه تقوای آنها دوست مدار».<sup>۵</sup>

نیز: «با کسی دوستی کن که زینت تو باشد، و با کسی که تو زینت او باشی دوستی مکن».<sup>۶</sup>

اکنون ای خواننده عزیز! بنگر چگونه ائمه اهل بیت علیهم السلام کسی را که لازم است با او دوستی کنی و دوستی را که سزاوار است با او رفاقت داشته باشی برای تصویر کرده اند و چگونه نشانه ها و صفات او را توضیح داده اند تا در کار خود بینا و آگاه بوده و در دین

۱- تحف العقول / ۲۰۵.

۲- مصادقة الاخوان، ج ۵۰/ ۱، ۵۰/ ۱.

۳- امالی الصدوق / ۲۷.

۴- اصول کافی، ۳۹/ ۱.

۵- تحف العقول / ۲۷۴؛ بحار الانوار، ۱۸۶/ ۷۱.

۶- بحار الانوار، ۲۶۷/ ۷۶.

خویش دارای بصیرت و بینش باشی، چه آنان به یقین می‌دانند که دوست صالح و شایسته هم در زندگی و هم به هنگام مرگ و در آخرت برایت سودمند است. اما سود او در ایام زندگی آن است که وی در سختیها یاور تو، و در رویدادهای ناگوار پناه و پشتیبان تو، و در راه خیر رهنما و در برابر دشمنان یار و همراه توست چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «بر تو باد به داشتن دوستان راستین که به هنگام آسایش و رفاه زینت و در وقت سختی و بلا، پناه تو هستند».<sup>۱</sup> و نیز امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «انسان با داشتن دوستان کثرت و فزونی می‌یابد».<sup>۲</sup> و نیز فرموده است: بر شما باد به داشتن دوستان راستین چه آنها به هنگام آسایش و رفاه ذخیره‌اند و در وقت سختی و بلا، سپر و سنگرند».<sup>۳</sup>

اما به هنگام مرگ آنان بیدرنگ ظاهر و نزد تو حاضر می‌شوند چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «بنگرید با چه کسی گفتگو می‌کنید چه هیچ کس نیست جز این که در هنگامی که مرگ بر او فرود می‌آید دوستان دینی او برایش مجسم می‌شوند اگر یاران او نیکانند نیک و اگر بدانند بد تجسم می‌یابند، و هیچ کس نمی‌میرد جز این که به هنگام مرگش من در نظرش مجسم می‌شوم».<sup>۴</sup>

اما در آخرت آنان تو را در پیشگاه خداوند شفاعت خواهند کرد چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «دوستان بسیار به دست آورید چه برای هر مؤمن شفاعتی است». و هنگامی که دوزخیان می‌بینند مؤمنان برای یکدیگر شفاعت می‌کنند می‌گویند: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ».<sup>۵</sup>

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «کسی که یک برادر دینی برای خود فراهم کند غرفه‌ای در بهشت به دست آورده است».<sup>۶</sup>

۱- بحارالانوار، ۱۸۶/۷۱.

۲- نهج الفصاحه، ۶۲۴/۱.

۳- بحارالانوار، ۱۸۶/۷۱.

۴- اصول کافی، ۶۳۷/۲.

۵- شعراء/۱۰۰: برای ما هیچ شفاعت‌کننده‌ای نیست و؟ نه دوست گرم و پرمحبتی. میزان الحکمة ۴۴/۱.

۶- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۸۲/۱.

از آنچه گذشت دانسته شد دوست صالح و شایسته‌ای که انسان را در همه ادوار و احوال سود می‌رساند چه کسی است اینک ای برادر مسلمان با ما همگام باش تا به آن همنشین بدی که واجب است همچون گریز از شیر و فرار از دشمن و پرهیز از بیمار از او بگریزی تو را آگاه کنم زیرا او از همه سو به تو زیان می‌رساند.  
از جمله آن که:

۱- در شهرت و آوازه مؤثر واقع می‌شود و شک و تردید را در باره‌ات برمی‌انگیزد زیرا تو به او شناخته و به او نسبت داده می‌شوی چنان که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «زینهار از همنشین بد چه تو به او شناخته می‌شوی».<sup>۱</sup>  
نیز فرموده است: «با کسی که عیبهای مردم را بازگو می‌کند همنشین مباش تا از شک کنندگان به شمار آیی و با فاجر و بدکار رفاقت مکن تا متهم دیده شوی».<sup>۲</sup>  
امام حسین علیه السلام فرموده است: «همنشینی با فرومایگان شر و مجالست با فاسقان و بدکاران موجب برانگیختن شک است».<sup>۳</sup>  
امام صادق علیه السلام فرموده است: «با بدعتگذاران مصاحبت نکنید تا در نظر مردم یکی از آنها به شمار نیایید»<sup>۴</sup> پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «انسان بر آیین دوست و همنشین خویش است».<sup>۵</sup>

۲- ممکن است خداوند بر دوست تو خشم خود را نازل کند و به سبب همنشینی و نزدیکی تو با او عذاب خداوند تو را نیز فراگیرد چنان که امام موسی بن جعفر علیه السلام به مردی فرمود: «چرا تو را در نزد عبدالرحمان بن یعقوب می‌بینم؟»، عرض کرد او خالوی من است، فرمود: «او درباره خدا گفتاری بس نادرست دارد، خداوند را که هرگز به وصف در نمی‌آید توصیف می‌کند، یا با او بنشین و ما را و یا با ما بنشین و او را ترک کن». عرض کرد: او هر چه می‌خواهد می‌گوید آیا هرگاه آنچه را او می‌گوید نگویم و بدان

۱- بحارالانوار، ۱۹۹/۷۱ مضمون.

۲- بحارالانوار، ۱۰/۷۵ و ۱۰/۷۸.

۳- بحارالانوار، ۱۹۴/۷۱.

۴- اصول کافی، ۳۷۵/۲.

۵- نهج الفصاحة، ۶۲۴/.

معتقد نباشم از بابت او گناهی بر من است، امام علیه السلام فرمود: آیا نمی ترسی بلایی نازل شود و همه شما را فراگیرد.<sup>۱</sup>

۳- او افکار و اخلاق شما را دگرگون می کند و بر دین و اعتقادات شما تأثیر می گذارد، بسا مردی که قربانی اقران و همنشینان خود شده و در نتیجه با روش آنها سازگار و با اندیشه های آنها دمساز گردیده و اخلاق و رفتار آنها را در پیش گرفته است، از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «انسان بر آیین دوست خویش است پس هر یک از شما باید بنگرد با چه کسی دوستی می کند».<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «همانا همنشین بد همنشین خود را دگرگون می کند».<sup>۳</sup>  
 امام باقر علیه السلام فرموده است: «کسی که با رفیق بد همنشین می شود سالم نمی ماند».<sup>۴</sup>  
 امام صادق علیه السلام فرموده است: «او کسی که از دوستی با احمق دوری نمی ورزد بزودی اخلاق او را فرا می گیرد».<sup>۵</sup>

نیز: «با فاجر و بدکار رفاقت مکن چه او فجور و کردار بد خود را به تو می آموزد».<sup>۶</sup>  
 نیز: «بپرهیزید از همنشینی با اهل دنیا چه در آن، دین شما از میان می رود».<sup>۷</sup>  
 نیز: «همنشین شایسته و همنشین بد، مانند دارنده پتک و دمنده دم آهنگری است، دارنده مشک یا آن را به تو می دهد و یا آن را از او می خری و یا از بوی خوش آن بهره مند می شوی. اما دمنده دم آهنگری یا جامه ات را می سوزاند و یا از او بوی گندی می یابی».  
 امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «گمراه شد آن که به اشرار اعتماد کرد».<sup>۸</sup>  
 نیز: «با احمق همنشین مشو چه او کردارش را برای تو می آراید و دوست دارد مانند

۱- بحارالانوار، ۱۹۵/۷۱.

۲- بحارالانوار، ۱۹۲/۷۱.

۳- بحارالانوار، ۲۰۳/۴۲.

۴- بحارالانوار، ۱۹۱/۷۱.

۵- بحارالانوار، ۱۹۱/۷۱.

۶- بحارالانوار، ۱۹۱/۷۱.

۷- بحارالانوار، ۳۶۷/۷۵.

۸- الحکم، ۵۷۰/۱.

او باشی».<sup>۱</sup>

نیز: «با دنیا دوستان همنشینی مکن، چه اگر نادار باشی تو را اندک شمارند و اگر دارا باشی به تو حسد ورزند».<sup>۲</sup>

نیز: تباهی اخلاق آمیزش یا سفیهان و نابخردان است».<sup>۳</sup>

نیز: «دوست آدم نادان در معرض هلاکت است».<sup>۴</sup>

نیز: «با بی‌خرد همنشینی مکن».<sup>۵</sup>

نیز: «تا می‌توانی از فرومایه احمق بگریز».<sup>۶</sup>

نیز: «دشمن دانا بهتر از همنشین احمق است».<sup>۷</sup>

نیز: «همنشینی با هوسبازان قرآن را از یاد می‌برد و شیطان را حاضر می‌گرداند».<sup>۸</sup>

نیز: «حق را بگو، و به پرهیزگاران تقرب جو، و از فاسقان دوری، و از منافقان پرهیز کن، و با خیانتکاران همنشینی مکن».<sup>۹</sup>

نیز: «مسلمان باید از دوستی با دروغگو دوری جوید چه او دروغ می‌گوید تا آن جا که هرگاه راست بگوید از او باور نمی‌شود».<sup>۱۰</sup>

آز آن حضرت پرسش شد: کدام رفیق بدتر است؟ فرمود: «کسی که نافرمانی خداوند را در نظر تو بیاراید».<sup>۱۱</sup>

به کمیل بن زیاد نخعی فرمود: «ای کمیل! در همه احوال حق را بگو، پرهیزگاران را یاور باش و از فاسقان دوری گزین. ای کمیل! از منافقان اجتناب کن و با خیانتکاران

۱- همان مأخذ، ۱۷۷/.

۲- همان مأخذ ۱۷۸/.

۳- بحارالانوار، ۸۲/۷۵.

۴- الحکم، ۵۵۷/۱؛ الغرر/۲۰۳.

۵- الحکم، ۱۷۸/۲؛ الغرر/۳۳۲.

۶- بحارالانوار، ۱۸۷/۷۱.

۷- الحکم، ۲۳/۲.

۸- الحکم، ۳۲۲/۲؛ تحف العقول/۱۵۱؛ بحارالانوار، ۲۹۱/۷۷.

۹- بحارالانوار، ۲۷۱/۷۷ و ۶۴/۷۸.

۱۰- مصادقة الاخوان، ۷۸/۱.

۱۱- بحارالانوار، ۱۹۰/۷۵.

همنشین مباش. ای کمیل! باکی نیست که بدانی دوست تو در باطن کیست. ای کمیل! برادر تو کیست؟ برادرت کسی است که در هنگام سختی تو را تنها نگذارد، و اگر لغزشی کنی دست از حمایت تو باز ندارد، و چون از او پرسش کنی تو را فریب ندهد.<sup>۱</sup>

علی رضی الله عنه بر فراز منبر کوفه ضمن خطبه خود فرمود: «ای گروه مسلمانان! مسلمان باید با مسلمان دوستی کند و با فاجر و احمق و دروغگو رفاقت نکند، چه فاجر و بدکار کردار بد خود را برای تو می آراید، و تو را به ارتکاب نظیر آن تشویق می کند، و در امر دین و دنیایت به تو کمک نمی کند، و آمد و شد او نزد تو برایت ننگ و رسوایی است.

اما احمق از راهنمایی فرمانبرداری نمی کند، و نمی تواند بدی را از تو دور گرداند، و بسا بخواهد به تو سود رساند در حالی که به تو ضرر می رساند، دوریش بهتر از نزدیکی، و خاموشیش بهتر از سخن گفتن و مرگش بهتر از زنده بودن او است.

اما دروغگو هرگز به تو سود نمی رساند و اسباب دشمنی برایت فراهم می سازد، و کینه ات را در دلها فراهم می کند و راز تو را آشکار می گرداند، و وقایع برخی از مردم را برای برخی دیگر بازگو می کند».<sup>۲</sup>

آن حضرت به فرزندش امام حسن رضی الله عنه می فرماید: ای فرزندم! از دوستی با احمق پرهیز چه او می خواهد به تو سود رساند لیکن به تو ضرر می رساند. و از دوستی با بخیل دوری کن زیرا او آنچه را که از هرچیز دیگر بدان محتاجتری از دسترس تو دور می گرداند. و از دوستی با فاجر پرهیز چه او تو را در برابر اندک چیزی می فروشد. و زینهار از دوستی با دروغگو چه او همچون سراب است، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می دهد.<sup>۳</sup>

نیز فرموده است: «مسلمان باید از دوستی با سه کس دوری کند: فاجر، احمق و دروغگو.

اما فاجر و بدکار: عمل خود را برایت می آراید و دوست دارد تو هم مانند او باشی، و در امر دین و آخرت به تو کمک نمی کند همنشینی او همراه با بدرفتاری و خشونت و

۱- تحف العقول / ۱۱۶.

۲- مصادقه/لاخوان / ۸۰.

۳- الحکم، ۳۱۸/۱؛ الغرر/ ۷۵.



ورود او بر تو مایه ننگ و رسوایی توست.

اما احمق: او هرگز تو را به کار خوبی راهنمایی نمی‌کند، و امیدی به او نیست که بدی را از تو دور سازد هر چند در این راه بکوشد، و بسا که بخواهد به تو سود رساند لیکن ضرر می‌رساند از این‌رو مرگش بهتر از زندگی و خاموشیش بهتر از سخن گفتن و دوریش بهتر از نزدیکی می‌باشد.

اما دروغگو: تو با او هرگز زندگی گوارایی نخواهی داشت، وی پیوسته امور تو را برای دیگران نقل و اوضاع دیگران را برایت بازگو می‌کند تا آن جا که اگر سخن راستی بگوید کسی باور نمی‌کند، مردم را به دشمنی با یکدیگر تشویق می‌کند و کینه در دلها پدید می‌آورد. بنابراین از خداوند بترسید و درباره خود بیندیشید.<sup>۱</sup>

ابیات زیر به آن حضرت منسوب است:

و ایـاک و ایـاه <sup>۲</sup>	فلا تصحب أخالجهل
حکیمأ حین آخاه <sup>۳</sup>	فکم من جاهل أردی
اذا ما هو ماشاه <sup>۴</sup>	یقاس المرء بالمرء
مقایس و اشباه <sup>۵</sup>	وللمرء من المرء
دلیل حین یلقاه <sup>۶</sup>	و للقلب علی القلب

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده است: «پدرم علی بن الحسین علیه السلام به من گفت: بنگر با پنج تن همنشینی نکنی و با آنها سخن نگوئی و در هیچ راهی آنها را همراهی نکنی. گفتم: ای پدر! آنها چه کسانی هستند؟ به من آنان را بشناسان. فرمود: بپرهیز از همنشینی با دروغگو چه او مانند سراب دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می‌دهد. و زنهار از رفاقت با فاسق، زیرا او تو را به لقمه‌ای یا به کمتر از آن می‌فروشد. و

۱- تحف العقول / ۲۵۰ / مصادقه الاخوان / ۷۸.

۲- پس با نادانان رفاقت مکن و سخت از او بپرهیز.

۳- چه بسا نادان که هرگاه که دانا با او رفاقت کرد دانا را نابود ساخت.

۴- انسان با انسانی که با او گام بر می‌دارد سنجیده می‌شود.

۵- و برای انسان با انسان دیگر معیارها و شباهتهایی است.

۶- و دل را بر دل دلیل و راهنمایی است به هنگامی که او را دیدار می‌کند.

بپرهیز از رفاقت با بخیل چه او تو را با مال خود در سخت‌ترین نیازی که پیدا می‌کند یاری نمی‌کند. و بپرهیز از رفاقت با احمق زیرا او می‌خواهد به تو سود رساند لیکن به تو ضرر می‌رساند. و زنهار از مصاحبت با قطع‌کننده رحم چه من او را در سه جا از کتاب خدا ملعون یافتم. خداوند فرموده است: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»<sup>۱</sup>. و نیز فرموده است: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»<sup>۲</sup>. و نیز فرموده است: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»<sup>۳</sup>.

نیز فرموده است: «بپرهیز از همنشین با گنهکاران و کمک به ستمگران و همسایگی با فاسقان، از فتنه آنها برحذر باش و از فضای آنها دوری کن»<sup>۵</sup>.

نیز امام باقر علیه السلام فرموده است: با چهار تن همنشینی و دوستی ممکن: احمق، بخیل، ترسو و دروغگو.

اما احمق: او می‌خواهد به تو سود رساند لیکن زیان می‌رساند. بخیل: از تو می‌گیرد و به تو نمی‌دهد. ترسو: از تو و از پدر و مادرش می‌گریزد. و دروغگو: اگر هم راست بگوید کسی باور نمی‌کند»<sup>۶</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «بپرهیز از دوستی با احمق زیرا خوشترین حالت تو از ناحیه او نزدیکترین چیزی است به آنچه تو را بد حال می‌سازد»<sup>۷</sup>.

نیز: «با پنج تن همنشین مباش: دروغگو: زیرا تو پیوسته از سوی او در معرض فریبی،

۱- محمد / ۲۲: اما اگر روگردان شوید آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع‌رحم کنید. آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته گوشه‌هایشان را کر و چشم‌هایشان را کور کرده است.

۲- رعد / ۲۵: آنها که میثاق الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور برقراری آن را داده قطع و در روی زمین فساد می‌کنند لعنت و بدی (و مجازات) سرای آخرت برای آنهاست.

۳- بقره / ۲۷: آنانی که پیمان خدا را پس از آن که محکم ساختند می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع و در جهان فساد می‌کنند آنها زیانکارانند.

۴- بحارالانوار، ۱۹۷/۷۱.

۵- امالی شیخ مفید، ۲۰۳/۱.

۶- بحارالانوار ۱۹۲/۷۱.

۷- بحارالانوار، ۱۹۶/۷۴.

چه کسی را باید به دوستی برگزید؟ / ۴۳

چه او مانند سراب است دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌نمایاند. و احمق: زیرا تو از او ایمن نیستی، می‌خواهد به تو سود رساند لیکن زیان می‌رساند. و بخیل: چه او ضرورتی‌ترین چیزی را که بدان نیازمندی از تو دریغ می‌دارد. و ترسو: با تو به سلامت رفتار می‌کند لیکن در هنگام سختی می‌گریزد، و فاسق: تو را در برابر لقمه‌ای یا کمتر از آن می‌فروشد»<sup>۱</sup>.

نیز: «با فاجر و بدکار همنشین مباش تا او را به راز خود آگاه کنی و در کار خود با آنانی مشورت کن که از خداوند می‌ترسند»<sup>۲</sup>.

نیز: «از معاشرت با دنیا دوستان بپرهیزید چه در آن دین خود را از دست می‌دهید و به دنبال آن دچار نفاق خواهید شد، و این دردی زشت و منفور است که بهبودی‌ناپذیر است و موجب سخت‌دلی و سلب خشوع و فروتنی است»<sup>۳</sup>.

نیز: «سه چیز است که بر هر انسانی لازم است از آنها دوری کند: همنشینی با اشرار، گفتگو با زنان و نشستن با بدعتگذاران»<sup>۴</sup>.

نیز: «زنهار از این که با فرومایگان و سفالگان معاشرت کنی چه از سفالگان خیری به دست نمی‌آید»<sup>۵</sup>.

نیز: «با احمق مشورت مکن، و از دروغگو یاری نخواه، و به دوستی انسان ملول اعتماد مکن چه دروغگو دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می‌دهد. و احمق به خاطر تو خود را به زحمت می‌اندازد لیکن به آنچه می‌خواهی دست نمی‌یابد. و انسان ملول در آن جا که بیشترین اعتماد را به او داری تو را یاری نمی‌کند و در آن حال که بیشترین پیوند را با او برقرار می‌کنی از تو می‌برد»<sup>۶</sup>.

نیز به اصحاب خود فرمود: «چه چیزی شما را باز می‌دارد در هنگامی که از یکی از

۱- بحارالانوار، ۱۹۶/۷۱.

۲- اختصاص شیخ مفید، ۲۳۰/۱.

۳- بحارالانوار، ۳۶۷/۷۲.

۴- تحف العقول، ۲۳۵.

۵- بحارالانوار، ۱۰۳/۸۴.

۶- تحف العقول، ۲۳۳/.

آنان (اهل خلاف) چیزی به شما می‌رسد که موجب ناخشنودی شما و آزار ماست بر او وارد شوید و او را توبیخ و سرزنش کنید، و به طور مؤثر با او سخن گوید»<sup>۱</sup>. یکی از آنان گفت: قربانت شوم، هرگاه از ما نپذیرند، فرمود: «از آنها دوری کنید و از شرکت در مجالس آنها بپرهیزید»<sup>۲</sup>.

نیز به آنان فرمود: کاش هنگامی که از آن مرد چیزی به شما برسد نزد او بروید و به او بگویید: ای فلان یا از ما دوری و کناره‌گیری کن و یا از این اعمال دست بازدار، در صورتی که خودداری نکرد، از او دوری کنید»<sup>۳</sup>.

شک نیست که کناره‌گیری از مردم بهتر از آمیزش با بدان و همنشینی با نابخردانی است که سموم کشنده خود را در میان بستگان و نزدیکان خود پخش می‌کنند، آنها دشمنند و باید از آنها برحذر بود **فَاتْلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤَفَّكُونَ**<sup>۴</sup>.

از این رو امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: بپرهیز از آمیزش با مردم و انس با آنان مگر آن که در میان آنان خردمند و امین یابی در این صورت با آنها انس بگیر و از غیر آنان بگریز همان گونه که از جانوران درنده می‌گریزی»<sup>۵</sup>.

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «باید انس تو به تنهایی بیشتر از همنشینی با بدان باشد»<sup>۶</sup>.

ابوذر (رض) از همین منبع فیاض سیراب شده و گفته است: «تنهایی بهتر از همنشین بد، و همنشین شایسته بهتر از تنهایی است».

یکی از شاعران این معنا را در این دو بیت آورده است:

وحدة الانسان خیرٌ من جلیس السوء عنده<sup>۷</sup>

۱- بحارالانوار، ۱/۱۴۵، مستدرک، ۱۲/۱۹۷.

۲- الکافی، ۸/۱۶۸.

۳- بحارالانوار، ۸۸/۹۷.

۴- منافقون /۴: خداوند آنان را بکشد چگونه روی می‌گردانند و از حق منصرف می‌شوند.

۵- بحارالانوار، ۱/۱۵۵.

۶- الحکم، ۲/۱۴۳.

۷- تنهایی انسان بهتر است از این که نزد او همنشین بد باشد.

چه کسی را باید به دوستی برگزید؟ / ۴۵

و جلیس الصّدق خیر<sup>۱</sup> من جلوس المرء وحده<sup>۱</sup>  
از عیسی علیه السلام نقل شده که فرموده است: «با نفرت از گنهکاران دوستی خود را به خدا نشان دهید، و با دوری از آنها به خداوند تقرّب جوید و خشنودی خدا را در خشم آنها بخواهید».<sup>۲</sup>

قرآن کریم که قانون اساسی اسلام است بدین امر تصریح کرده و فرموده است:  
«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ».<sup>۳</sup> و نیز: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدِ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا».<sup>۴</sup>  
یکی از شاعران گفته است:

صاحبِ أَخَاتِقَةٍ تَخْطِي بِصَحْبَتِهِ      فَالطَّبْعُ مَكْتَسَبٌ مِنْ كُلِّ مَصْحُوبٍ<sup>۵</sup>  
كَالرِّيحِ أَخَذَةً مِمَّا تَمَرُّ بِهِ      نَتْنًا مِنَ النَّتَنِ أَوْ طَيِّبًا مِنَ الطَّيِّبِ<sup>۶</sup>  
دیگری گفته است:

اذا كنت في قومٍ فصاحبٌ خیارهم      وَلَا تصحب الأردی فتردی مع الردی<sup>۷</sup>  
عن المرء لا تسأل وسل عن قرینه      فكل قرین بالمقارن یقتدی<sup>۸</sup>

۱- و همنشین راستین بهتر از نشستن به تنهایی است.

۲- مجموعه وزام، ۲/۲۵.

۳- مجادله / ۲۲: هیچ گروهی را که ایمان به خدا و روز قیامت دارد نمی‌یابی که با دشمنان خدا و پیامبرش دوستی کنند هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند.

۴- نجم / ۲۹: پس از آنهایی که از ذکر ما روی می‌گردانند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبند اعراض کن.

۵- با انسان مورد اعتماد همنشین باش تا از مصاحبت با او بهره‌مند شوی؛ چه طبع از هر همنشین کسب تأثیر می‌کند.

۶- و آن مانند باد است که بر هر چه بوزد از آن می‌گیرد؛ چه متعفن و بدبو و چه پاکیزه و خوشبو.

۷- اگر در میان گروهی باشی با نیکان آنها رفاقت کن؛ و با فرومایه همنشین مباش که با پست پست می‌شوی.

۸- از چگونگی مرد مپرس و از این که همنشین او کیست بپرس؛ زیرا هر همنشینی به همنشین خود تأسی می‌کند.

## حقوق دوستی و حدود آن

پس از آن که دانستی دوستی را که برای خود انتخاب می‌کنی، و رفیقی را که برای همنشینی و همدمی برمی‌گزینی باید از چه صفاتی برخوردار باشد، و دریافتی کسی که دوستی و برادری او واجب و رفاقت او نیکو و پسندیده است تنها آن انسان شایسته و پرهیزگاری است که از محرمات الهی دوری ورزد و طاعات او را به کار بندد و به اخلاق پسندیده و اعمال نیک آراسته باشد - و چقدر این‌گونه افراد در این روزگار اندکند - از این رو بر توست که در یافتن چنین دوستی حریص باشی و هنگامی که او را به دست آوردی آغوش خود را برایش بگشایی و او را نسبت به خودت در برترین موقعیتها قرار دهی. روایت شده که مردی در بصره نزد امیر مؤمنان علیه السلام رفت و گفت: ای امیر مؤمنان! ما را از دوستان آگاه کن، آن حضرت پاسخ داد: «دوستان دو دسته‌اند: دسته‌ای مورد اعتماد، و دسته‌ای خنده‌رو و ظاهر فریبند.

اما دسته‌ای که مورد وثوق‌اند، مانند دست و بال و خانواده و مال می‌باشند. باری، اگر به این دوست خود اعتماد داری مال و توان خود را در راه او صرف کن، با هرکس دوست است دوست و با هرکس دشمن است دشمن باش، راز او را مکتوم بدار، او را یاری و خوبیهایش را ظاهر کن. و بدان ای پرسش کننده که این‌گونه دوستان از کبریت احمر کمیابترند.

اما دوستان خنده‌رو: از آنها به تو لذت و خوشی می‌رسد، این را از آنها قطع مکن و

بیش از این از وجدان آنها چیزی نخواه، و به مقداری که با تو گشاده‌رویی و شیرین‌زبانی می‌کنند با آنها رفتار کن».<sup>۱</sup>

شاعر ابیات جالب زیر را در این باره گفته است:

الأخلاءُ في الرِّحَاءِ كَثِيرٌ      و اذا ما بلوتَ كانوا قليلاً  
فاذا ما صَحِبْتَ خَلا حَفِيظاً      راعياً للأخاءِ برّاً و صولاً<sup>۲</sup>  
فتمسك بحبله ابدالدَّهر      و اكرم به اخاً و خليلاً<sup>۳</sup>

هرگاه به چنین دوست راستینی دست یافتی سعادت و نیکبختی تو تحقق یافته است زیرا این امر از مهمترین اسباب و بزرگترین عوامل خوشبختی است. ابو عبدالله امام صادق علیه السلام به این موضوع تصریح کرده و فرموده است: «از نیکبختی آدمی است که محل کار و تجارتش در شهرش باشد. و فرزندان داشته باشد که از آنها کمک بگیرد، و دارای دوستانی شایسته و خانه‌ای وسیع و گشاده و همسری زیبا و صالحه باشد که هر موقع به او بنگرد شاد شود».<sup>۴</sup>

ای برادر مسلمان باید بدانی که دوستانت را حقوقی است که باید مراعات و دوستی را حدودی است که باید از آن تجاوز نکنی و گرنه رشته دوستی را در معرض بریدن و پیوند برادری را در آستانه گسستن قرار داده‌ای و این گناهی بزرگ است که عقل سلیم آن را اجازه نمی‌دهد، و شرع مقدس آن را تأیید نمی‌کند تا آنجا که امام صادق علیه السلام فرموده است: «چقدر زشت است برای آدمی که دوستش حق او را رعایت کند و وی حق دوستش را مراعات نکند»<sup>۵</sup> و نیز فرموده است: کسی که دین خدا را بزرگ می‌شمارد حقوق برادران را بزرگ می‌داند».<sup>۶</sup> امام کاظم علیه السلام فرموده است: «حق دوست خود را به اطمینان رابطه‌ای که میان تو و اوست ضایع مکن چه آن که حقش را ضایع کرده‌ای

۱- مصادقة الاخوان، ۳۰/.

۲- دوستان به هنگام رفاه و آسودگی بسیارند؛ و هرگاه دچار گرفتاری شدی اندک خواهند بود.

۳- در همه عمر به رشته دوستی او چنگ زن؛ و چقدر او از نظر برادری و دوستی گرامی است.

۴- فروع کافی، ۲۵۸/۵.

۵- وسائل الشیعه، ۲۱۰/۱۲.

۶- بحار الانوار، ۸۷/۷۴.

دوست تو نیست، و نباید دوست تو بر بریدن از تو قویتر از تو بر پیوند با او باشد.<sup>۱</sup> او امر متواتر و مؤکدی از پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در دست است که انسان را به حسن معاشرت و پرهیز از کوتاهی در ادای حقوق آن و اظهار دوستی با مردم و نیکی و احسان به آنها تشویق می‌کند.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «رفتار خود را با کسی که با تو معاشرت دارد نیکو کن تا مسلمان باشی».<sup>۲</sup>

نیز: «پروردگارم مرا به مدارا با مردم امر کرد، همان‌گونه که به ادای واجبات مأمور فرموده است».<sup>۳</sup>

امیر مؤمنان علیؑ فرموده است: «همان حقی را که تو بر دوست خودداری دوستت بر تو دارد».<sup>۴</sup>

و نیز: «با مردم همان‌گونه معاشرت کن که دوست داری با تو معاشرت کنند تا عادل باشی».<sup>۵</sup>

امام صادق علیہ السلام فرموده است: «کسی که مصاحبتش با همنشینش و رفاقتش با همسفرش و معاشرتش با معاشرش، و همسایگیش با همسایه‌اش، و رفتارش با کسی که نسبت به او خوشرفتاری کرده، و کردارش با کسی که با او نان و نمک خورده است نیکو نباشد از ما نیست».<sup>۶</sup>

از امام رضا علیہ السلام پرسیدند: عقل چیست؟ فرمود: «تحمل غم، مدارا با دشمنان و سازگاری با دوستان است».<sup>۷</sup>

اهل بیت علیهم السلام به این که مردم را تنها به حسن معاشرت و حفظ حقوق آن تشویق کنند بسنده نکرده‌اند بلکه این حقوق را بیان و حدود آن را روشن ساخته‌اند، و ما ای خواننده

۱- تحف العقول، ۵۵/

۲- امالی شیخ طوسی، ۱۲۰/۱.

۳- وسائل الشیعه، ۵۴۰/۸.

۴- روضه کافی، ۲۳/۸.

۵- بحار الانوار، ۱۱۱/۷۸.

۶- فروع کافی، ۲۸۶/۴.

۷- بحار الانوار، ۱۱۶/۱.



عزیز برخی از این احادیث را در پیش روی شما می‌گذاریم آنها را بخوبی ملاحظه و با دقت و امعان نظر یکایک آنها را بررسی کن سپس بر آن شو که خود به اتفاق یاران و دوستانت آنها را به طور درست به مرحله عمل درآورید. تو بزودی چیزهایی شگفت‌انگیز خواهی دید، و خواهی دانست که تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام دارای مقاصد بلند و معانی سترگ و هدفهای بزرگ است:

۱- پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «مسلمان بر عهده برادر دینی خود سی حق دارد که از آنها پاک نمی‌شود مگر آن که آنها را ادا کند یا عفو شود. این که: از لغزش او بگذرد، بر اشک او ترحم کند، عورتش را بپوشاند، از تقصیرش چشم پوشد، پوزش او را بپذیرد، بدگویی از او را رد کند، پیوسته او را اندرز دهد، دوستی او را حفظ کند، میثاق او را رعایت کند، در صورت بیماری عیادتش کند، بر جنازه‌اش حاضر شود، دعوتش را اجابت کند، هدیه‌اش را بپذیرد، بخشش او را تلافی کند، نعمتش را شکر گزارد، بخوبی یاریش کند، ناموسش را حفظ کند، حاجتش را انجام دهد، درخواستش را برآورد، عطسه‌اش را یرحمک‌الله بگوید، گمشده‌اش را راهنمایی کند، سلامش را پاسخ گوید، گفتارش را با او نیکو کند، دوست او را دوست بدارد و با او دشمنی نکند، او را چه مظلوم باشد و چه ظالم یاری کند، یاری او در صورتی که ظالم باشد این است که او را از ستمگری بازدارد، ویاری او در صورت مظلومیت آن است که در گرفتن حقش به او کمک کند، او را به دشمن تسلیم نکند، او را خوار نسازد آنچه را برای خود می‌خواهد برای او بخواهد، آنچه را برای خود ناخوش می‌دارد برای او ناخوش بدارد». سپس فرمود: اگر یکی از شما از حقوق برادر دینی خود چیزی فروگذارد در روز قیامت از او مطالبه و به زیان وی درخواست او برآورده می‌شود»<sup>۱</sup>.

۲- نیز فرموده است: «از برای مؤمن بر مؤمن هفت حق است که خداوند آنها را واجب کرده است: در رویاروی او را بزرگ بدارد، محبتش را در دل داشته باشد، در مالش با او مواسات کند، غیبتش را بر خود حرام بداند، در بیماری از او عیادت کند،

جنازه‌اش را تشییع کند و پس از مردن جز نیکی درباره‌اش نگویید».<sup>۱</sup>

۳- امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوست آدمی دوست نخواهد بود مگر آنگاه که در سه چیز او را حفظ کند: در غیاب او، در بدبختی او و دیگر در مرگ او».<sup>۲</sup>

۴- از امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت شده است که: «امیرمؤمنان علیه السلام با مردی ذمی همراه شد، ذمی به آن حضرت گفت: ای بنده خدا! قصد کجا داری؟ امام علیه السلام پاسخ داد: قصد کوفه دارم. هنگامی که ذمی راه خود را کج کرد امیرمؤمنان علیه السلام نیز راه را کج و او را همراهی فرمود، ذمی به آن حضرت عرض کرد: آیا نگفتی که اراده کوفه دارم؟ امام علیه السلام فرمود: چرا، ذمی گفت: راه کوفه را رها کردی، امام علیه السلام فرمود: می دانم، ذمی گفت: با این که می دانستی چرا با من راه را کج کردی؟ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: این از کمال رفاقت است که انسان رفیقش را به هنگامی که از او جدا می شود اندکی مشایعت کند، پیامبر ما صلی الله علیه و آله همین گونه به ما دستور داده است، ذمی گفت: به همین گونه؟ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آری، ذمی گفت: جز این نیست آنهایی که او را پیروی کرده اند به خاطر همین کردار کریمانه اوست، و من تو را گواه می گیرم که بر کیش تو هستم، ذمی به همراه امیرمؤمنان علیه السلام بازگشت و وقتی آن حضرت را شناخت اسلام آورد».<sup>۳</sup>

۵- امام زین العابدین علیه السلام در بیان حقوق یاران فرموده است: «اما حق دوست آن است که تا جایی که برایت ممکن است به فضل و بخشش با او رفتار و گرنه دست کم حد انصاف را مراعات کنی، همچنین او را گرامی بداری چنان که تو را گرامی می دارد و پاس او را بداری چنان که پاس تو را دارد، و نباید در میان خودتان به انجام دادن کار نیکی او بر تو سبقت گیرد، و اگر پیشدستی کرد آن را تلافی کن، و نباید در رعایت دوستی و مودت او به حدی که شایستگی آن را دارد کوتاهی کنی، و باید خیر خواهی و نگهداری و کمک به او را در ادای طاعات الهی بر خود واجب بدانی و او را در مجاهده با نفس خویش در مواقعی که اراده معصیت پروردگار کند یاری دهی و برای او رحمت باشی و عذاب

۱- خصال شیخ صدوق، ۳۵۱/۲.

۲- الحکم، ۲۳۵/۲؛ الغرر، ۳۵۱.

۳- بحارالانوار، ۵۳/۴۱ و ۱۵۷/۷۱.

نباشی. **وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ**.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «برادر مسلمان خود را دوست بدار، و آنچه را برای خود دوست داری برای او دوست بدار و هر چه را برای خودت ناخوش و مکروه می‌شماری برای او ناخوش و مکروه بشمار، هرگاه نیاز پیدا کردی از او بخواه، و اگر از تو خواست به او بده، و هیچ خیر و خوبی را از او باز مدار پس او نیز از تو باز نمی‌دارد، اگر حضور یافت او را دیدار کن و وی را بزرگ و گرامی بدار چه او از تو و تو از او بی، و اگر بر تو خشم گیرد و سرزنش کند از او جدا مشو و بگذار تا کینه او تسلی یابد، و هرگاه خیری به او برسد خداوند را بر آن سپاس گوی، و اگر دچار گفتار می‌شود او را یاری و با وی همکاری کن».<sup>۲</sup>

۷- و نیز فرموده است: «دوست خود را به هنگامی که از تو غایب شود یاد کن به همان‌گونه که دوست داری در وقتی که از او غایب شوی تو را یاد کند، و از هر چه دوست داری تو را در آن به خودت واگذارد او را در آن واگذار، چه کار درست همین است».<sup>۳</sup>

۸- و نیز: «از حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش آن است که او را سیر کند، عورتش را بیوشاند، اندوهش را برطرف کند، و امش را بپردازد، و هنگامی که بمیرد زن و فرزندش را سرپرستی کند».<sup>۴</sup>

۹- امام صادق علیه السلام فرموده است: «دوستی حدودی دارد کسی که این حدود را رعایت نکند نباید او را کامل دانست:

اول - آن که درون و برون او یکی باشد.

دوم - آراستگی تو را آراستگی خود و بدنامی تو را بدنامی خود بدانند.

سوم - داشتن مال و فرزند او را دگرگون نکند.

چهارم - چیزی را که توانایش بدان می‌رسد از تو دریغ نکند.

۱- تحف العقول / ۱۹۱.

۲- مستدرک الوسائل، ۴۰/۹.

۳- جامع السادات، ۱۹۰/۲.

۴- اصول کافی، ۱۶۹/۲.

پنجم - در هنگام بدبختی تو را رها نکند.<sup>۱</sup>

۱۰- و نیز فرموده است: «از حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش رعایت چهار خصلت است: هنگامی که عطسه کند با گفتن یرحمک الله و امثال آن برای او دعا کند، دعوتش را اجابت کند، هر گاه بیمار شود او را عیادت کند، و چون بمیرد جنازه‌اش را مشایعت کند.»<sup>۲</sup>

۱۱- از ابان بن تغلب روایت شده که گفته است: به همراه ابی عبدالله امام صادق علیه السلام طواف می‌کردم ناگهان مردی از یاران، با من روبرو شد و خواست برای انجام دادن حاجت خود او را همراهی کنم و اشاره کرد که ابا ابی عبدالله علیه السلام وداع کرده به سوی او روم. و در این میان که به طواف ادامه می‌دادم دوباره به من اشاره کرد، در این هنگام امام صادق علیه السلام او را دید و فرمود: «ای ابان این تو را می‌خواهد». عرض کردم: آری، فرمود: او کیست؟ گفتم: مردی از اصحاب ماست، فرمود: او با تو همعقیده است؟ گفتم: آری، فرمود: «به سوی او برو و طواف را قطع کن»، عرض کردم: اگر چه طواف واجب باشد؟ فرمود: «آری»، گفته است: به همراه او رفتم و چون پس از آن بر امام علیه السلام وارد شدم عرض کردم: مرا از حق مؤمن بر مؤمن آگاه فرما، پاسخ داد: ای ابان این موضوع را رها کن. گفتم: فدایت شوم، و من درخواست خود را پیوسته تکرار کردم، فرمود: «ای ابان! اموالت را با او نصف کن.»<sup>۳</sup>

۱۲- معلی روایت کرده است: به ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: حق مسلمان بر برادر مسلمانش چیست؟ فرمود: برای او هفت حق واجب است، و برآستی هر یک از آنها بر برادر مسلمانش واجب می‌باشد که اگر چیزی از آنها را ضایع گذارد از ولایت الهی و طاعت او بیرون رفته و خدا را بندگی نکرده است.

عرض کردم: قربانت شوم، این حقوق چیست؟

فرمود: ای معلی من نسبت به تو مهربانم، بیم دارم آنها را ضایع کنی و نگه نداری و در حالی که می‌دانی عمل نکنی.

۱- مصادقة الاخوان، ۳۰/.

۲- مصادقة الاخوان، ۳۸/.

۳- وسائل الشیعه، ۱۲۲/۱۲.

گفتم: لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

فرمود: ساده‌ترین حقّ او آن است که آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای او دوست بداری و هر چه را برای خودت ناخوش است برای او ناخوش بدانی.  
حقّ دوّم: آن که از خشمش بپرهیزی و خشنودیش را بخواهی و دستورش را اطاعت کنی.

حقّ سوّم: با جان و مال و زبان و بدن و پایت او را یاری کنی.  
حقّ چهارم: دیده بان و راهنما و به منزله آئینه و جامه تنش باشی.  
حقّ پنجم: در حالی که او گرسنه است تو سیر، و در صورتی که او تشنه است تو سیرآب و چنانچه او لخت است تو دارای پوشاک نباشی.  
حقّ ششم: این که اگر تو و برادر دینیت فاقد همسر هستی و تو دارای خدمتکاری و او خدمتگزاری ندارد خدمتگزارت را بفرستی تا جامه‌اش را بشوید و خوراکش را آماده کند و بسترش را بگسترده.

حقّ هفتم: سوگند او را راست بدانی. دعوتش را اجابت کنی و بیمار او را عیادت کنی، بر جنازه‌اش حاضر شوی و چون آگاه شوی او را حاجتی است پیش از آن که ناچار شود آن را از تو بخواهد فوری نسبت به برآوردن آن مبادرت کن.

اگر حقوق مذکور را به جا آوردی دوستی خود را با دوستی او و دوستی او را با دوستی خودت پیوند داده‌ای»<sup>۱</sup>.

۱۳- از آن حضرت پرسیدند: کمترین حقّ مؤمن بر برادر مؤمنش چیست؟ فرمود: چیزی را که برادر مؤمنش از او بدان محتاجتر است برای خود بنگزیند»<sup>۲</sup>.

۱۴- و نیز فرموده است: «دوستان در میان خود به سه چیز نیاز دارند: اگر آنها را به کار نگیرند باید از هم جدا شوند و راه دشمنی در پیش گیرند، و آنها عبارتند از: انصاف، ترخّم و ترک حسد»<sup>۳</sup>.

هرگاه انسان شرایط مذکور را انجام دهد و اندرزهای مزبور را به کار بندد بی‌تردید

۱- اصول کافی، ۱۶۹/۲.

۲- مستدرک الوسائل، ۲۱۲/۷.

۳- بحارالانوار، ۲۴۶/۸۰.

واژه صديق يا دوست با تمام معانی بلند و پرفضیلت آن بر او صادق است و به هدف مطلوب دست یافته است. زیرا غرض از انتخاب دوست در دوران زندگی بهره‌گیری از چهره و رخسارش یا لذت بردن از گفتارش نیست بلکه دوستی پیوندی روحی است که از نظر عمل و تفکر و گرایش از دو کس انسان واحدی می‌سازد تا مراحل زندگی را با تبادل کمک و یاری مشترک بپیمایند و به هنگام بروز حوادث و شداید یکی از دیگری کمک گیرد و در مشکلات امور با او مشورت کند.

## مؤمن آئینه برادر (ایمانی) خویش است

هرگاه میان دو دوست قرب روحی تام و هماهنگی قلبی کامل برقرار شود هریک از آن دو الگو و نشان دهنده دیگری است و هر کدام در دیگری جلوه گر و نمایان است و غرایز و امیال وی در او جریان دارد به طوری که مشاهده یکی موجب بی نیازی از مشاهده دیگری، و روش و معتقدات یکی نمایانگر طریقه و عقیده دیگری است، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «آدمی بر آیین دوست خویش است پس باید هر یک از شما بنگرد با چه کسی دوستی می کند».<sup>۱</sup>

براستی دوست راستین نسبت به دوستش مانند آئینه صاف و بی زنگار است که محاسن و عیوب او به طور برابر در آن دیده می شود چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «مؤمن آئینه برادر (ایمانی) خویش است و هرگونه اذیت و آزار را از او دور می کند».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «مسلمان آئینه برادر (دینی) خویش است».<sup>۳</sup> امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «مسلمان آئینه برادر مسلمانش می باشد پس هرگاه از برادر خود لغزشی دیدید درصدد ضدیّت با او نباشید بلکه خود را مانند او قرار دهید و

۱- بحارالانوار، ۱۹۲/۷۱.

۲- مصادقه الاخوان، ۴۲/۱.

۳- تحف العقول، ۷۱/.

به ارشاد و اندرز او اقدام و با وی مدارا کنید.<sup>۱</sup>  
 نیز فرموده است: «مؤمن آئینه مؤمن است زیرا درباره او می‌اندیشد و فقر را از او دور می‌سازد و وضع او را آراسته می‌کند».<sup>۲</sup>

از این رو دوست برای دوستش راهنمای امینی است که او را به آنچه خیر و خوبی و سود حال و آینده او در آن است راهنمایی می‌کند، لذا از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرموده است: «همنشین آدمی نشانه دین اوست».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «مؤمن برادر مؤمن و دیده‌بان و راهنمای اوست. به او خیانت و ستم نمی‌کند و او را فریب نمی‌دهد، و به او وعده‌ای نمی‌دهد که در آن تخلف کند».<sup>۴</sup>

نیز فرموده است: «مسلمان برادر مسلمان و دیده‌بان و آئینه و راهنمای اوست، به او خیانت نمی‌کند و او را فریب نمی‌دهد و به وی ستم نمی‌کند و به او دروغ نمی‌گوید و از او بدگویی نمی‌کند».<sup>۵</sup>

به معلی در آن هنگام که از آن حضرت پرسید حق مسلمان بر برادر مسلمانش چیست؛ فرمود: «حق چهارم آن که دیده‌بان و راهنما و آئینه و جامه تن او باشد».<sup>۶</sup>

مفضل بن یسار گفته است: از ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: دسته‌ای از مسلمانان برای سفر بیرون آمدند لیکن راه را گم کردند و بسختی دچار تشنگی شدند ناچار گرد هم‌دیگر جمع گردیده و به ریشه‌های درختان چسبیدند، در این میان پیرمردی که جامه سپیدی بر تن داشت بر آنها وارد شد و گفت: برخیزید که بر شما باکی نیست و این آب است که در دسترس شماست. پس برخاستند و آب نوشیدند و چون سیراب شدند گفتند: خداوند تو را رحمت کند تو کیستی؟ گفت: من از جنّانی هستم که با پیامبر

۱- بحارالانوار، ۹۷/۱۰.

۲- بحارالانوار، ۴۱۴/۷۴.

۳- الحکم، ۹۵/۲.

۴- اصول کافی، ۱۶۶/۲.

۵- بحارالانوار، ۲۶۸/۷۱.

۶- بحارالانوار، ۲۲۴/۷۱.



خدا ﷺ بیعت کرده‌اند، و من از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود: «مؤمن برادر مؤمن و دیده‌بان و راهنمای اوست، در حضور من حق آنها را ضایع نکنید»<sup>۱</sup>.

بنابر این هرگاه دو دوست را مشاهد کردی که همفکری کامل و همگونی قوی در طبیعت و سرشت و نزدیکی زیاد در گرایشها و خواستها میان آنها وجود ندارد باید بدانی که دوستی آنها در معرض زوال و انقطاع است هر چند مدت درازی بر دوستی آنها گذشته باشد، زیرا روابط برادری در میان آنها مستحکم نبوده و شرایط دوستی در آنها وجود نیافته است. هر زمان این همگونی و مشابهت در آنها حاصل شود این دو دوست به منزله یک روح، و یک جسم خواهند بود که اگر عضوی از آن به درد آید دگر عضوها را نماند قرار، چنان‌که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ آن را بیان کرده و فرموده است: «داستان مؤمنان در دوستی و ترحم و مهربانی نسبت به یکدیگر داستان تن است که اگر عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا دچار ناآرامی و بی‌خوابی و تب خواهند شد»<sup>۲</sup>.

جابر جعفی گفته است: غمگین در حضور ابی جعفر امام باقر علیه السلام نشسته بودم، عرض کردم: قربانت شوم بسا بی آن که مصیبتی به من برسد یا حادثه‌ای برایم رخ دهد احساس غم و اندوه می‌کنم به طوری که خانواده و دوستانم آثار حزن و گرفتگی را در چهره‌ام می‌بینند. فرمود: ای جابر خداوند مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و نسیم خوش آن را در میان آنان به وزش درآورده است، از این رو مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است چنانچه در یکی از شهرها به روحی از ارواح مؤمنان اندوهی برسد ارواح دیگر محزون و اندوهگین می‌شوند چه او از همین ارواح است»<sup>۳</sup>.

از ابی بصیر نقل شده که گفته است: شنیدم ابی عبدالله علیه السلام می‌فرمود: «مؤمن برادر مؤمن است آنها مانند یک تن‌اند که اگر چیزی از آن به درد آید آن درد در دیگر اعضای بدن نیز وجود می‌یابد چه ارواح آنها از یک روح پدید آمده است. همانا پیوستگی روح مؤمن به رحمت خداوند از پیوستگی شعاع خورشید به آن شدیدتر است»<sup>۴</sup>.

۱- اصول کافی، ۱۶۷/۲؛ بحارالانوار، ۱۴۴/۱۴۱.

۲- کنز العمال / ۷۳۷.

۳- بحارالانوار، ۲۶۵/۷۱.

۴- مصادقة الاخوان ۴۸.

بازگشت به فهرست

## میان‌روی در دوستی و دشمنی

این امری مهم است که اهل بیت علیهم‌السلام ما را بدان متوجه و آگاه کرده‌اند و سزاوار هر انسانی است که آن را در دوران زندگی اجتماعی خود نصب‌العین خویش قرار دهد و در معاشرت با مردم آن را چراغ راه خود سازد. این امر همان میان‌روی در دوستی و دشمنی و خودداری از زیاده‌روی در آنهاست.

آری هرگاه کسی را دوست می‌داری در دوستی وی زیاده‌روی مکن و همه آن چیزهایی را که در دل داری و در اندیشه‌ات می‌گذرد برای او مکشوف مساز، چه ممکن است که در آینده این دوست با تو دشمن گردد. همچنین هرگاه با کسی دشمنی داشتی در آن زیاده‌روی مکن و در عداوت با او تلاش و کوشش بسیار به کار مبر چه ممکن است در آینده همو دوست تو گردد.

جامعه ما بزرگترین گواه بر این مطلب است چه بسیار دوستانی که دشمن شدند، و چه بسا دشمنانی که دوست گردیدند.

سرور اوصیاء امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام به این امر دقیق تصریح کرده و فرموده است: «دوست خود را به آهستگی دوست بدار شاید روزی دشمن تو شود، و دشمنت را به آرامی دشمن بدار شاید روزی دوست تو شود».<sup>۱</sup>

نیز فرموده است: «همه محبت خود را برای دوستت به کار گیر لیکن همه اطمینان

۱- بحارالانوار، ۱۷۷/۷۱.

خویش را به او نداشته باش، و همه مواسات و همیاری را برای او به کار بر اما همه اسرار را به او وامگذار. با این روش شرط حکمت و حق واجب دوست خود را ادا کرده‌ای»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «دوستت را از راز خود آگاه مکن جز آنگاه که اگر دشمنت بر آن آگاه شود برایت زیانی نداشته باشد چه دوست ممکن است روزی دشمن شود»<sup>۲</sup>.

نیز فرموده است: «به دوست خود به طور کامل اعتماد مکن، چه گفتار شتابزده هرگز بخشوده نمی شود»<sup>۳</sup>.

یکی از شاعران این معنا را به نظم درآورده و گفته است:

واحذر صدیقک الف مرّة <sup>۴</sup>	احذر عدوک مرّة
فکان اعرف بالمضرة <sup>۵</sup>	فلر بما انقلب الصّدیق

۱- الحکم، ۳۳/۱؛ بحار، ۱۶۵/۷۱.

۲- بحار الانوار، ۱۶۸/۷۴.

۳- مصادقة الاخوان، ۸۲؛ تحف العقول، ۲۶۵/۱۷۳؛ بحار، ۱۷۳/۷۲.

۴- از دشمنت یک بار بپرهیز، و از دوستت هزار بار بر حذر باش.

۵- چه بسا دوستت دگرگون شود؛ پس به آنچه تو را زیان می‌رساند داناتر است.

بازگشت به فهرست

## انواع دوستان

در بیان انواع دوستان و اقسام برادران روایات چندی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده که صفات و ویژگیهای هر دسته از آنها را روشن ساخته است تا آدمی در این راه با آگاهی گام بردارد.

چه کسی است که در روزگار زندگی خود اقسامی از دوستان را ندیده و انواعی از یاران را مشاهده نکرده باشد؟

در میان آنها کسانی وجود داشته‌اند که بر آنها اعتماد کرده و به آنها اطمینان یافته، و از مصاحبت آنها شاد و از دیدار آنها چشمش روشن گردیده است.

نیز در جرگه آنها افرادی بوده‌اند که جز بر غم و اندوه همنشین خود نیفزوده‌اند، اینان در ظاهر دوستان و در نهان دشمنانند، مکر و کید خود را برای دوست خود در دل پنهان می‌دارند و حوادث ناگوار را برای او انتظار دارند. از این رو باید بسیار برحذر بود که مبادا آدمی در دام این چاپلوسان گرفتار شود چه اینان برای انسان از دشمنانی که آشکارا اظهار خصومت می‌کنند خطرناک‌ترند. *أَوْلَيْكَ شَرٌّ مَكَاناً وَأَضَلُّ سَبِيلاً*<sup>۱</sup>.  
شاعر گفته است:

و صاحب لی کداء البطن صحبتہ      یوَدّنی کوداد الذئبِ للراعی<sup>۲</sup>

۱- فرقان / ۳۴... آنها بدترین محل را دارند و گمراهترین افرادند.

۲- دوستی دارم که دوستی او همانند پیچش شکم است؛ با من دوستی می‌کند مانند دوستی گرگ با چوپان.

يُسْنِي عَلِيَّ جَزَاهُ اللَّهُ مَكْرَمَةً ثناء هند علی روح بن زنباع<sup>۱</sup>  
اکنون برای آن که بر اقسام دوستان طبق آنچه اهل بیت علیهم السلام روشن کرده اند آگاه شویم  
توجه خواننده را به احادیث زیر معطوف می داریم:  
امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوستان دو نوعند: دوستان مورد اعتماد و دوستان  
خنده رو.

اما دوستان مورد اعتماد مانند کف و بال و خانواده و مال اند، هرگاه بر دوست اعتماد  
داری مال و تلاش خود را در راه او صرف کن، با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن  
باش، راز او را پوشیده بدار و یاور او باش و محاسن او را ظاهر گردان، و ای پرستش  
کننده بدان وجود این گونه دوستان نایبتر از کبریت احمر است.  
اما دوستان خنده رو از آنها به تولدّت و خوشی می رسد، این را از آنها قطع مکن و  
بیش از این از وجدان آنها انتظار نداشته باش و به اندازه ای که با تو گشاده رویی و  
شیرین زبانی می کنند با آنها رفتار کن»<sup>۲</sup>.

سرور شهیدان حسین بن علی علیه السلام فرموده است: «برادران چهار گونه اند: «برادری که  
برای توست و تو برای اویی برادری که برای توست، برادری که ضدّ توست و برادری که  
نه برای اویی و نه او برای توست». از آن حضرت درباره معنای این سخن پرسش شد  
فرمود: «برادری که برای تو و برای خودش است برادری است که با دوستی خود بقای  
برادری را خواهان است و با دوستی خود خواهان مرگ برادری نیست. و این برای  
توست و به سود خودش است چه هرگاه برادری کامل شود زندگانی هر دو خوش و  
گوارا خواهد شد، و هرگاه برادری یک طرفه و در تناقض باشد برادری هر دو طرف  
نادرست خواهد بود.

برادری که او برای توست کسی است که نفس خویش را از طمع رهایی داده و به حال  
رغبت درآورده است از این رو هرگاه رغبت به برادری داشته باشد در امور دنیا طمع  
ندارد، و این به طور کامل و با تمام وجود برای توست.

۱- مرا می ستایید خدایه او پاداش خیر دهد؛ ستایش او مانند ستایش هند از روح بن زنباع است.

۲- مصادقة الاخوان / ۳۰.

برادری که بر ضدّ توست برادری است که پیشامدهای ناگوار را برایت انتظار می‌کشد و اسرار را فاش می‌کند و در میان خانواده‌ها بر تو دروغ می‌بندد، و به تو با نظر حسادت می‌نگرد، و لعنت خداوند یگانه بر او باد.

برادری که نه برای توست و نه تو برای اویی، کسی است که خداوند او را پر از حماقت کرده و او را از رحمت خود دور ساخته است او را می‌بینی که خودش را بر تو ترجیح می‌دهد و به سبب حرصی که دارد آنچه را در اختیار توست می‌طلبد.<sup>۱</sup>

امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام فرموده است: «دوستان سه گونه‌اند: یکی مانند غذاست که در هر زمان بدان نیاز داری و آن دوست خردمند است. دوم به منزله درد است و آن دوست احمق است. سوم در حکم داروست و آن دوست هشیار و زیرک است.»<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: دوستان سه گونه‌اند: دوستی که با جان خویش با تو مواسات و همیاری می‌کند، دیگر دوستی است که با مال خویش با تو مواسات و همیاری دارد، سومی کسی است که کفاف خود را از تو می‌گیرد و تو را برای برخی لذت‌ها می‌خواهد بنابراین نباید او را از دوستان مورد اعتماد به شمار آوری.<sup>۳</sup>

---

۱- تحف العقول / ۱۷۸.

۲- بحار الانوار، ۲۳۸/۷۸.

۳- بحار الانوار، ۲۳۹/۷۸.

## آزمایش دوستان

برای هر انسانی در زندگی دوستانی است که در هنگام وحشت و تنهایی با آنها انس می‌گیرد و در زمان شدت و سختی به آنان پناه می‌برد، و در برابر حوادث روزگار و پیشامدهای ناگوار از آنها کمک می‌گیرد، اسرار خود را به آنها می‌سپارد و اخبار و اندیشه‌های خود را با آنها در میان می‌گذارد. لیکن بسیار است که انسان به یارانی دست می‌یابد که در صداقت و اخلاص آنها شک و تردید دارد. با آنها چه باید بکند؟ آیا به محض شک و تردید از آنها دوری کند و خود را در معرض زیانها و خطرهای ناشی از جدایی از آنان قرار دهد؟ بی شک این کاری نادرست و اشتباه است. یا آن که بر آنها اعتماد کند، و به آنها گرایش و وثوق داشته باشد؟ اما این عمل نیز سستی رأی و قلت و حزم و دوران‌دیشی است.

پس به گمان تو چه باید بکند؟

آیا راههایی وجود دارد که آنها را بیازماید و حقیقت حال آنان را مکشوف سازد تا درست از نادرست و پاک از ناپاک شناخته و راستگو از دروغگو دانسته شود؟ آری در این جا راهها و نشانه‌هایی وجود دارد که اهل بیت علیهم‌السلام آنها را برای آزمایش دوستان قرار داده‌اند و ما آنها را از لحاظ تو ای خواننده عزیز می‌گذرانیم تا در معانی آنها تدبر کنی و در مقاصد آنها بیندیشی و بکوشی آنها را در مورد دوستی که در صداقت و اخلاص او شک داری پیاده کنی بهترین نتایج و پاکیزه‌ترین ثمرات را از آنها به دست

آوری، زیرا برای انسان پسندیده نیست که با هر کسی مصاحبت دارد به او اعتماد کند مگر آن پیش از این او را بیازماید و حقیقت او را بداند چنان که امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام وصیت کرده: «ای فرزندم! با احدی دوستی مکن مگر آنگاه که بخوبی او را بشناسی».<sup>۱</sup>

نیز فرموده است: «پیش از آزمایش دوست به او اعتماد مکن».<sup>۲</sup>

نیز: «به دوستی کسی که وضع او را روشن نکرده‌ای رغبت مکن».<sup>۳</sup>

نیز: «کسی که دوستان را آزموده حقیقت مردم را شناخته است».<sup>۴</sup>

انسان اگر با دیده دقت و تفحص به مردم بنگرد و افکار و ضمائر آنها را بیازماید و نیات و مقاصد آنها را کشف کند بی شک از اکثر آنها گریزان و دلش پر از ترس و بیم خواهد شد، از این رو امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «او را بیازمای آنگاه دشمن دار».<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «با مردم معاشرت کن تا آنها را بیازمایی و کسی که مردم را آزمود آنان را دشمن داشت».<sup>۶</sup>

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «از آمیزش با مردم و انس با آنان پرهیز مگر آن که در میان آنان خردمند امینی بیابی که در این صورت با او انس بگیر و از دیگران بگریز همچنان که از جانوران درنده می‌گریزی».<sup>۷</sup>

یکی از شاعران گفته است:

وزهدني في الناس معرفتي بهم وطولُ اختبائي صاحباً بعد صاحباً<sup>۸</sup>

۱- بحارالانوار، ۱۰۵/۷۵.

۲- الحکم، ۱۶۱/۲؛ الغرر ۳۳۴.

۳- الحکم، ۱۷۱/۲؛ الغرر ۳۳۲.

۴- الحکم، ۴۳۵/۲. این حدیث در نهج البلاغه بدین گونه آمده است: فی تقلب الاحوال علم جواهرالرجال (در دگرگونی احوال گوهر مردان دانسته می‌شود).

۵- بحارالانوار، ۱۶۴/۷۱.

۶- روضه کافی، ۱۷۶/۸.

۷- تحف العقول، ۲۹۷/۱؛ بحارالانوار، ۱۵۵/۱.

۸- شناخت من نسبت به مردم و آزمایش درازمدت من از رفیقان یکی پس از دیگری، مرا به مردم بی‌رغبت کرده است.



فلم ترني الايام خلاً تسرني مباديه الا ساءني في العواقب<sup>۱</sup>  
وما صرتُ أدعوهُ لدفع ملامةٍ من الدهر الا كان احدی الثواب<sup>۲</sup>  
اکنون ما راههای آزمایش دوستان را به همان گونه که پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام  
برای ما ترسیم کرده‌اند ذکر می‌کنیم:

۱- پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «دوستی صادقانه در سه چیز است: این که گفتار دوستش را برگفتار دیگران، و همنشینی دوستش را بر همنشینی دیگران، و خشنودی دوستش را بر خشنودی دیگران ترجیح دهد».

۲- امام باقر علیه السلام فرموده است: «محبت خود را در دل دوستت به آنچه نسبت به او در دل دوستت بشناس».<sup>۳</sup>

۳- امام صادق علیه السلام فرموده است: «به دلت بنگر اگر دوستت را انکار کرد قطعاً یکی از شما عمل (ناخوشایندی) را مرتکب شده است».<sup>۴</sup>

۴- و نیز: «سه نفرند که تنها در سه جا شناخته می‌شوند: بردبار در وقت خشم، دلیر به هنگام جنگ، و دوست در موقع نیاز».<sup>۵</sup>

۵- و نیز: «دوست به سه چیز آزمایش می‌شود اگر در آنها رغبت و توافق داشت دوستی پاک و راستین است و گرنه دوست زمان رفاه و آسایش است نه دوست روزگار سختی: از او مالی بخواهی، او را بر مالی امین گردانی، از او بخواهی در ناراحتی تو مشارکت کند».<sup>۶</sup>

۶- و نیز: «هرگاه بخواهی صحت ادعای دوستت را درباره خودت بدانی او را خشمگین کن، چنانچه بر دوستی تو پایدار ماند او دوست دوست و در غیر این صورت نه».<sup>۷</sup>

۷- و نیز: «هر کس سه بار بر تو خشم گرفت و بدی به تو نگفت او را به دوستی خود

۱- روزگار دوستی به من نشان نداد جز این که او در آغاز مرا خرسند و در پایان غمگین و بدحال ساخت.

۲- و او را برای رفع بلیه‌ای از بلاهای روزگار فرا نخواندم جز این که او خود یکی از بلاهای روزگارم گردید.

۳- تحف العقول / ۲۱۵.

۴- بحار الانوار، ۱۸۲/۷۱.

۵- تحف العقول، ۲۳۳/.

۶- بحار الانوار، ۲۳۵/۷۵.

۷- تحف العقول، ۲۶۵/.

برگزین».<sup>۱</sup>

۸- و نیز: «هر کس سه بار بر تو خشمگین شد و سخن ناپسندی به تو نگفت او را برای خود اندوخته کن»<sup>۲</sup>

۹- و نیز: «به محبت دوستت اعتماد مکن، تا آنگاه که سه بار او را به خشم درآوردی».<sup>۳</sup>

۱۰- و نیز: «کسی را دوست مگو، و او را آشنا بگو مگر آنگاه که در سه صفت او را

بیازمایی: او را به خشم درآوری و بنگری که خشم او را از مرز حق بیرون می برد یا

نه؟ و با او سفر کنی، و دیگر با دینار و درهم وی را بیازمایی».<sup>۴</sup>

۱۱- و نیز: «دوست خود را بر هنگامی که نعمت تازه ای روزیت شود یا مصیبتی به تو

رسد بیازمای».<sup>۵</sup>

۱۲- و نیز: «دوستان خود را به دو صفت بیازمایید اگر در آنها وجود داشت به دوستی

ادامه دهید و گرنه بکلی از آنها دوری جویید: مراقبت بر ادای نمازها در اوقات خود،

نیکی نسبت به دوستان در حال رفاه و سختی».<sup>۶</sup>

۱۳- و نیز: «مردم جز از راه آزمایش شناخته نمی شوند و از این روزن و فرزندات را در

غیبت، و دوستت را در مصیبت، خویشاوندان را به هنگام ناداری و فقر، و دوستان و

چاپلوسان را در زمان بیکاری بیازمای تا منزلت خود را در نزد آنان بدانی».<sup>۷</sup>

۱۴- مسعدة بن یسع نقل کرده که به ابی عبدالله جعفر بن محمد رضی الله عنه عرض کردم: من به

خدا سوگند تو را دوست می دارم، آن حضرت سرش را به زیر انداخت و پس از آن

سربلند کرد و فرمود: «راست گفתי ای ابا بشر از محبت خود در دل من از دلت

پرس، دلم از محبتی که نسبت به من در دل خود داری مرا آگاه ساخت».<sup>۸</sup>

۱- بحارالانوار، ۱۷۳/۷۱.

۲- تحف العقول، ۲۷۴/۱.

۳- بحارالانوار، ۲۳۹/۷۵.

۴- بحارالانوار، ۱۸۰/۷۱.

۵- بحارالانوار، ۱۶۵/۷۱.

۶- اصول کافی، ۶۷۲/۲؛ مصادقة الاخوان، ۳۶/۱.

۷- بحارالانوار، ۱۰/۷۵.

۸- بحارالانوار، ۲۹۱/۹۴.

۱۵- مردی از آن حضرت پرسید که شخصی به من می‌گوید تو را دوست می‌دارم، من چگونه بدانم که او مرا دوست می‌دارد؟ فرمود: دلت را بیازمای اگر تو او را دوست داری او هم تو را دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>

۱۶- مردی به امام موسی بی جعفر علیه السلام عرض کرد: مردی است از عوام مرا دیدار می‌کند و به خداوند سوگند می‌خورد که مرا دوست می‌دارد، آیا من سوگند بخورم که او راستگوست؟ فرمود: «دلت را بیازمای اگر دوستش می‌داری سوگند بخور و در غیر این صورت نه».<sup>۲</sup>

۱۷- آن حضرت به حسن بن جهم فرمود: «اگر می‌خواهی بدانی چه منزلتی در نزد من داری بنگر من در نزد تو چه جایگاهی دارم».<sup>۳</sup>

۱۸- امام جواد علیه السلام فرموده است: «کثرت موافقت و قلت مخالفت از نشانه‌های محبت است».<sup>۴</sup>

۱۹- امام هادی علیه السلام فرموده است: «از کسی که او را مکدر ساخته‌ای جویای صفا و از آن که به او عذر کرده‌ای توقع وفا، و از آن که نسبت به او بدگمانی انتظار خیرخواهی نداشته باش چه دل دیگران هم مانند دل توست».<sup>۵</sup>

۱- بحارالانوار، ۱۸۲/۷۱.

۲- بحارالانوار، ۱۸۲/۷۱.

۳- تحف العقول، ۲۶۵/۱.

۴- بحارالانوار، ۸۰/۷۵.

۵- بحارالانوار، ۳۸۰/۷۵، ۱۸۲/۷۱، ۱۸۰/۷۱، ۳۷۹/۷۵، ۳۷۱/۷۵.

بازگشت به فهرست

## پایه‌های دوستی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در بیان آنچه برادری بر اساس آن قرار دارد و دوستی بر پایه‌های آن استوار است به هیچ روی فروگذاری نکرده و مردم را بدانها آگاه و تشویق فرموده‌اند. چه رعایت آنها موجب مزید استحکام روابط برادری و پیوندهای دوستی در میان افراد اجتماع است.

ما بزودی برخی از این مقومات و ارکان دوستی را که پیامبر ﷺ امامان اهل بیت علیهم السلام در سخنان جاوید خود بدانها تصریح کرده‌اند از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

### ۱- دید و بازدید

شاید زیباترین و دلپسندترین مظاهر وفاداری و دوستی دیدار دوستان از یکدیگر و جویا شدن حال ایشان در خانه آنها می‌باشد و این امر در دل دوستی که به دیدارش می‌روند بزرگترین اثر را به جا می‌گذارد چه این عمل نشانه دوستی صادقانه و گواه گرایش و هماهنگی و موجب استحکام پیوندهای برادری و دوستی است. از این رو پیامبر ﷺ بزرگوار فرموده است: دیدارها دوستی را می‌رویانند.<sup>۱</sup> آن حضرت و ائمه علیهم السلام بردید و بازدید و مراوده تشویق فرموده و آن را از اعمالی شمرده‌اند که انسان را به خداوند نزدیک می‌گرداند.

---

۱- بحارالانوار، ۳۵۵/۷۱.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «فرشته‌ای مردی را دید که بر در خانه‌ای ایستاده است به او گفت: ای بنده خدا در این خانه چه حاجت داری؟ پاسخ داد: در آن دوستی دارم که می‌خواهم به او سلام کنم، فرشته به او گفت: میان تو و او پیوند خویشی نزدیکی است یا نیازمندی تو را به این کار وادار کرده است؟ پاسخ داد: من هیچ نیازی به او ندارم جز این که من در برابر پروردگار جهانیان نسبت به او متعهدم، و میان من و او خویشی و قرابتی نزدیکتر از اسلام نیست، فرشته گفت: من فرستاده خداوند به سوی تو هستم او به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: مرا دیدار کردی و من بهشت را برایت واجب ساختم، و از خشم خود و آتش دوزخ تو را معاف کردم و این به سبب آن است که او را به خاطر من دوست داشتی».<sup>۱</sup>

نیز فرموده است: «کسی که برادر مؤمن خود را در خانه‌اش دیدار کند خداوند می‌فرماید: تو مهمان و دیدار کننده منی و پذیرایی تو بر عهده من است و به سبب آن که او را دوست داشتی بهشت را برایت واجب کردم».<sup>۲</sup>

علی بن الحسین علیه السلام فرموده است: «کسی که به خاطر خدا و رسیدن به وعده لقای او دوستش را دیدار کند هفتاد هزار فرشته او را مشایعت می‌کنند و نداکننده‌ای از پشت سر او را مشایعت می‌کند و نداکننده‌ای از پشت سر او را ندا می‌دهد: هان خوش باش و بهشت بر تو گوارا باد، و هنگامی که دوستش مصافحه می‌کند رحمت الهی سر تا پای او را فرا می‌گیرد».<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «هر مؤمنی برای دیدار برادر مؤمنش از خانه بیرون آید در حالی که دانا به حق او باشد خداوند برای هر گام او حسنه‌ای ثبت، و سیئه‌ای محو می‌کند و یک درجه او را بالا می‌برد. هنگامی که در خانه را می‌کوبد درهای آسمان به رویش باز می‌شود، و وقتی همدیگر را دیدار و مصافحه و معانقه می‌کنند خداوند به آنها نظر رحمت می‌کند و در برابر فرشتگان به آنها مباحثات فرموده می‌گوید: به این دو بنده‌ام بنگرید که به خاطر من یکدیگر را دیدار و با هم دوستی می‌کنند، حق است بر من که پس

۱- بحارالانوار، ۳۵۴/۷۱

۲- اصول کافی، ۱۷۷/۲

۳- بحارالانوار، ۳۵۰/۷۱

از این آنها را به آتش عذاب نکنم. و هنگامی که او به خانه اش باز می‌گردد فرشتگانی به عدد نفسها و گامها و سخنانش او را بدرقه می‌نمایند و پیوسته او را از بلاهای دنیا و شدايد هولناک آخرت محافظت می‌کنند».<sup>۱</sup>

نیز فرموده است: «کسی که به خاطر خدا برادر مؤمنش را از روی محبت و شوق دیدار کند خدا را زیارت کرده و هنگامی که با او مصافحه می‌کند هر حاجتی را در امر دین و دنیا از خداوند بخواهد حق تعالی حاجتش را برآورده می‌گرداند».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «مراوده میان دوستان در حضر، دید و بازدید و در سفر، نامه نوشتن به یکدیگر است».<sup>۳</sup>

نیز فرموده است: «انسان به قصد برادر مؤمنش از خانه بیرون می‌آید تا او را دیدار کند، و باز نمی‌گردد جز این که خداوند حوایج دنیا و آخرت او را برآورده می‌کند».<sup>۴</sup>

نیز فرموده است: «هر کس دوستش را تنها به خاطر خدا نه غیر او و طلب وعده‌های خداوند و تحقق ثوابهای او دیدار کند خداوند هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌کند که او را ندا می‌دهند: هان خوش باش و بهشت بر تو گوارا باد».<sup>۵</sup>

نیز: «کسی که برادر مؤمنش را به خاطر خداوند دیدار کند خدا می‌فرماید: مرا زیارت کردی، و پاداش تو بر عهده من است و من به پاداشی برای تو جز بهشت راضی نیستم».<sup>۶</sup>

نیز: «سه چیزند که روز قیامت خالص برای خداوندند: مردی که برادر مؤمنش را به خاطر خداوند دیدار کند، او از زایران خداست و بر خداوند است که زایرانش را گرامی بدارد و آنچه را آن مرد بخواهد به او بدهد. دیگر مردی است که وارد مسجد می‌شود تا نماز بگزارد و او به انتظار نماز دیگر در مسجد می‌ماند و او مهمان خداوند است و بر اوست که مهمان خود را گرامی بدارد. و دیگر حج کننده و عمره گزار است، اینان

۱- اصول کافی، ۱۸۶/۲.

۲- وسائل الشیعه، ۵۸۶/۱۴.

۳- مصادقة الاخوان، ۵۶/۱.

۴- بحار الانوار، ۳۴۹/۷۱.

۵- اصول کافی، ۱۷۵/۲.

۶- اصول کافی، ۱۷۶/۲.

## پایه‌های دوستی / ۷۱

وارد شوندگان بر خدایند، و حق است بر او که وارد شوندگانش را گرامی بدارد.<sup>۱</sup> نیز: «هر کس دوستش را به خاطر خداوند دیدار کند، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که بر او دو جامه سپید نازک از نور است و از کنار هر چیزی که بگذرد بر آن می‌تابد تا آنگاه که در پیشگاه حق تعالی بایستد، خداوند به او می‌فرماید: «مرحباً» و با گفتن این کلمه عطایای فراوان به او داده می‌شود.»<sup>۲</sup>

این درجات عالی و مقامات بلند بهره‌کسانی است که برادران نیک و مؤمن و یاران پرهیزگار و نیکوکار خود را دیدار می‌کنند چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «ای فرزند! هر گاه به دیدار کسی می‌روی نیکان را دیدار کن و فاجران و بدکاران را ملاقات مکن زیرا اینان همچون تخته سنگی هستند که آب از آن جاری نمی‌شود، و مانند درختی هستند که برگهای آن سبز نمی‌گردد، و چون سرزمینی هستند که گیاه از آن نمی‌روید.»<sup>۳</sup>

## ۲- سلام و مصافحه و معانقه

شک نیست هنگامی که برادر دینی تو دوستانه به تو سلام می‌کند و با گرمی دستت را می‌فشارد و برادرانه با تو معانقه و روبوسی می‌کند احساس می‌کنی وجودت را میل و گرایش به او فرا گرفته است چه سلام و مصافحه و معانقه نشانه دوستی و رمز برادری است از این رو به انجام دادن آنها امر و بدانها تشویق شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «سوگند به آن که جانم در دست اوست به بهشت داخل نمی‌شوی مگر آنگاه که ایمان آورید، و ایمان نمی‌آورید مگر زمانی که با یکدیگر دوستی کنید. هان شما را به چیزی دلالت می‌کنم که اگر آن را انجام دهید با یکدیگر دوستی کرده‌اید و آن به دیگران سلام کردن است.»

نیز فرموده است: «هنگامی که یکدیگر را ملاقات می‌کنید با سلام و مصافحه (دست دادن) دیدار کنید و زمانی که پراکنده می‌شوید با استغفار و (طلب آمرزش) از هم جدا

۱- مصادقة الاخوان، ۵۶/

۲- مصادقة الاخوان، ۵۸/

۳- بحار الانوار، ۲۰۱/۷۵.

شوید».<sup>۱</sup>

نیز: «مصافحه کنید چه آن کینه را از میان می برد».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «هنگامی که یکی از شما برادر مؤمنش را دیدار می کند بر او سلام و با او مصافحه کند چه خداوند فرشتگان را به همین امر گرامی داشته است، پس همان کاری را که فرشتگان می کنند انجام دهید».<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «وقتی مؤمنان یکدیگر را دیدار و مصافحه می کنند خداوند به آنها نظر رحمت می کند و گناهانشان مانند برگ درختان از آنها فرو می ریزد».<sup>۴</sup> ابو حمزه نقل کرده که با ابی جعفر امام باقر علیه السلام همسفر بودم در محلی فرود آمدیم تا استراحت کنیم، آن حضرت گامی چند برداشت و سپس برگشت و دست مرا گرفت و بسختی فشرد، عرض کردم: فدایت شوم، مگر من در کجاوه در خدمت شما نبودم؟ فرمود: «آیا نمی دانی مؤمن هر گاه گشتی بزند و سپس دست برادر مؤمنش را بگیرد خداوند به آنها نظر رحمت می کند و پیوسته آنها را زیر نظر خود دارد و به گناهان می گوید از این دو تن دور و پراکنده شوید».

ای ابا حمزه گناهان آنها مانند برگ درختان فرو می ریزد، و آنان در حالی از هم جدا می شوند که گناهی بر آنها نیست».<sup>۵</sup>

نیز: «هنگامی که انسان با دوستش مصافحه می کند پاداش کسی که دستش را همچنان نگه می دارد بیشتر از کسی است که دستش را رها می کند و بدانید گناهانشان در پیش پایشان فرو می ریزد به طوری که گناهی بر آنها باقی نمی ماند».<sup>۶</sup>

از این رو درباره صفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که آن حضرت خود سلام و مصافحه را با اصحابش آغاز می کرد و هنگامی که با یکی از آنان مصافحه می کرد دستش

۱- اصول کافی، ۱/۱۸۱؛ بحارالانوار، ۲۸/۷۶.

۲- تحف العقول، ۳۸/.

۳- مصادقه الاخوان، ۵۸/.

۴- اصول کافی، ۲/۱۸۰.

۵- بحارالانوار، ۲۷/۷۳.

۶- بحارالانوار، ۲۸/۷۶.



را پیش از او بیرون نمی‌کشید».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «مصافحه مؤمن برابر هزار حسنه است».<sup>۲</sup>

نیز: «مؤمن برادر مؤمنش را دیدار و با او مصافحه می‌کند در نتیجه خداوند به آنها نظر رحمت می‌فرماید و گناهان آنها تا آنگاه که از هم جدا می‌شوند از وجود آنها فرو می‌ریزد همان گونه که بادهای سخت برگ را از درختان فرو می‌ریزد».<sup>۳</sup>

نیز: «مصافحه مؤمن از مصافحه فرشتگان افضل است».<sup>۴</sup>

نیز: به اسحاق بن عمار فرمود: «ای اسحاق آیا می‌دانی مؤمنان هنگامی که یکدیگر را دیدار و با هم مصافحه می‌کنند خداوند صد رحمت بر آنها نازل می‌کند که نود و نه رحمت شامل آن یکی است که رفیقش را بیشتر دوست می‌دارد و وقتی با هم معانقه می‌کنند رحمت الهی آنها را فرا می‌گیرد».<sup>۵</sup>

مردی از ابی عبدالله علیه السلام درباره پاداش مؤمنان به هنگامی که با یکدیگر دیدار و معانقه می‌کنند پرسش کرد. به او فرمود: «وقتی با هم معانقه می‌کنند رحمت خداوند آنها را فرا می‌گیرد و هنگامی که یکدیگر را در آغوش می‌کشند چنانچه در این امر جز رضای خدا را نخواهند و هیچ غرضی از اغراض دنیوی را طالب نباشند به آنها گفته می‌شود: گناهانتان آمرزیده است اعمال خود را از سر بگیرید. و زمانی که احوالپرسی را آغاز می‌کنند فرشتگان به یکدیگر می‌گویند از آنها دور شوید آنها رازی را در میان خود دارند که خداوند آن را پوشیده داشته است». اسحاق گفته است:

عرض کردم: فدایت شوم آیا الفاظ آنان بر آنان نوشته نمی‌شود؟ چه خداوند فرموده است: «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»<sup>۶</sup> در این هنگام فرزند پیامبر خدا نفسی کشید سپس گریست به قدری که محاسن آن حضرت تر شد، و فرمود: «ای اسحاق خداوند

۱- بحارالانوار، ۱۵/۶۸.

۲- وسائل الشیعه، ۲۲۳/۱۲.

۳- اصول کافی، ۱۸۲/۲؛ بحارالانوار، ۴۲/۷۶.

۴- بحارالانوار، ۳۳/۷۶.

۵- بحارالانوار، ۳۲۳/۵.

۶- ق/ ۱۸.

برای تجلیل از مؤمنان به فرشتگان امر می‌کند به هنگامی که همدیگر را دیدار می‌کنند از آنها دور شوند، و اگر چه فرشتگان سخنان آنها را نمی‌نویسند و گفتار آنها را نمی‌دانند، لیکن آن کسی که اسرار و پوشیده‌ها را می‌داند به آنها داناست.<sup>۱</sup>

### ۳- دادن هدیه به یکدیگر

به یکدیگر هدیه دادن نیز از عوامل مهم ایجاد دوستی و نزدیکی است، و به وسیله آن دلها از آرایش کینه‌ها پاک می‌شود. بسا کسی که در دل نسبت به دوست خود خشمگین است و نمی‌تواند آن را از درون خود بزدايد و کینه‌اش را از دل بیرون کند لیکن با تقدیم هدیه‌ای به او همه ناسازگاریها برطرف می‌شود، و امور به روند طبیعی خود باز می‌گردد و ابرهای تیره کدورت از دل آنها برداشته می‌شود، و خداوند دل‌های آنها را از کینه‌ها پاک می‌کند و در پرتو نعمت و احسان او دوست و برادر می‌شوند. از این رو مشاهده می‌کنیم پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام این امر را از نظر دور نداشته بلکه توجه مردم را به اهمیت آن جلب کرده و فواید آن را برای آنان توضیح داده‌اند.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «از جمله گرامیداشت انسان نسبت به برادر مسلمانش آن است که هدیه او را بپذیرد. و آنچه را برایش میسر است به او هدیه کند، و به خاطر او خود را به زحمت نیندازد».<sup>۲</sup>

نیز: «به همدیگر هدیه بدهید چه هدیه خشم و کینه را از دل بیرون می‌برد».<sup>۳</sup>

نیز: «هدیه موجب دوستی و تجدید برادری و زدودن کینه است، دوستی کنید و به یکدیگر هدیه بدهید، به هنگام نیاز هدیه بهترین چیز است».<sup>۴</sup>

نیز: «به همدیگر هدیه بدهید چه هدیه کینه‌ها را از دل بیرون می‌کشد و دل را از دشمنی و حسد تهی می‌سازد».<sup>۵</sup>

۱- بحارالانوار، ۳۵/۷۶.

۲- بحارالانوار، ۴۵/۷۲.

۳- بحارالانوار، ۴۴/۷.

۴- بحارالانوار، ۱۶۶/۷۷.

۵- فروع کافی، ۱۴۳/۵.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «با صله و بخشش به دوستان اظهار محبت کن».<sup>۱</sup> هدیه همان گونه که چیزی مادی است ممکن است گاهی امری معنوی باشد در این صورت ارزش آن بیشتر و اثر آن بزرگتر است مانند این که به او سخن خوبی بگویند که اندیشه‌اش از آن روشنی گیرد، یا یکی از مسائل علمی را که مورد نیاز اوست در دسترس او بگذارد، یا به او پند و اندرزی دهد که او را به صراط مستقیم و راه بهتر رهنمون شود، از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «برترین هدیه مسلمان به برادر مسلمانش سخن حکمت‌آمیزی است که مایه مزید هدایت او شود و یا او را از طریق هلاکت بازگرداند».<sup>۲</sup>

#### ۴- گشاده‌رویی و لبخند

گشاده‌رویی و لبخند در ایجاد دوستی نقش اساسی دارد، بلکه برترین عامل محبوبیت انسان در میان مردم و بزرگترین وسیله نزدیکی دل‌های جهانیان به یکدیگر است. چه یک لبخند تو در برابر دوستت می‌تواند ضامن آن باشد که دلش را به سوی تو جذب کند و بر محبت او نسبت به تو بیفزاید. و اگر در قلب او کینه‌ای از تو وجود دارد او را با خنده‌ای بر لب و چهره‌ای گشاده دیدار کن زیرا این رفتار دلش را پاک می‌کند و زنگار کینه را از قلبش می‌زداید. و هرگاه در کسی احساس شر و بدی کردی او را با مهربانی و گشاده‌رویی و لبخند دیدار کن که خداوند فرموده است: «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ».<sup>۳</sup> از این رو پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله فرموده است: «خوشخویی دوستی را پایدار می‌کند و گشاده‌رویی کینه را از دل می‌زداید».<sup>۴</sup>

نیز: «سه چیز است که محبت انسان را نسبت به برادر مسلمانش صفا و روشنی می‌دهد، این که با گشاده‌رویی او را دیدار کنی و هرگاه در کنار وی بنشیند جا برایش باز کند و او را با نامی که نزد او محبوبتر است بخواند».<sup>۵</sup>

۱- بحارالانوار، ۱۹۶/۷۱.

۲- بحارالانوار، ۱۰۸/۷۴ و ۳/۸۴.

۳- فصلت/ ۳۴... تا آن که میان تو و او دشمنی است همچون دوستی کریم و صمیمی شود.

۴- تحف العقول/ ۳۲.

۵- اصول کافی، ۶۴۳/۲.

مردی به پیامبر خدا ﷺ عرض کرد: مرا وصیتی فرما، آن حضرت وصایای بسیاری به او فرمود، از جمله آنها این که: به مردم اظهار محبت کن تا تو را دوست بدارند، اگر دوستت از دلو تو آب بخواهد آن را برایش خالی کن، دوستت را باروی گشاده دیدار کن.<sup>۱</sup>

نیز: «شما هرگز نمی‌توانید با اموالتان مردم را به سوی خود جذب کنید پس با گشاده‌رویی و خوشخویی آنها را دیدار کنید».<sup>۲</sup>

نیز: «هر بنده‌ای از امت من به خاطر خدا دوستش را مورد لطف و مهربانی قرار دهد خداوند یکی از خدمتکاران بهشت را به خدمت او می‌گمارد».<sup>۳</sup>

نیز: «لبخند مؤمن به روی مؤمن حسنه است».<sup>۴</sup> از این رو از عبدالله بن حارث نقل شده که گفته است: من کسی را ندیدم که بیش از پیامبر خدا ﷺ تبسم بر لب داشته باشد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «خوشرویی دام محبت است».<sup>۵</sup>

نیز: «خوشرویی کمند محبت است».<sup>۶</sup>

نیز: «بهترین چیزی که انسانها می‌توانند دل دوستانشان را به دست آورند و کینه را از دل دشمنانشان بزدایند خوشرویی به هنگام دیدار، احوالپرسی در غیاب و لبخند زدن در وقت حضور آنهاست».<sup>۷</sup>

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «کسی که به برادر دینیش «مرحبا» (خوش آمدید) بگوید خداوند تا روز قیامت برایش «مرحبا» می‌نویسد».<sup>۸</sup>

امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: «خوشرویی و گشاده‌رویی سبب ایجاد محبت و موجب تقرب به خداوند است. و ترشرویی و گرفتگی باعث دشمنی و دوری از

۱- اصول کافی، ۶۴۲/۲.

۲- اصول کافی، ۱۰۳/۲.

۳- مصادقة الاخوان، ۷۸/۱.

۴- بحار الانوار، ۲۸۸/۷۱.

۵- الحکم، ۳۵۱/۱؛ تحف العقول، ۲۰۲/۱.

۶- الحکم، ۳۵۱/۱؛ الغرر، ۲۴/۱.

۷- بحار الانوار، ۵۷/۷۵.

۸- وسائل الشیعه، ۵۸۹/۱.

خداست».<sup>۱</sup>

نیز: «لبخند انسان به صورت دوستش حسنه و زدودن گرد و غبار از او نیز حسنه است، و محبوبترین عبادتها نزد خداوند وارد کردن سرور و خوشحالی بر مؤمن است».<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام فرموده است: «با کسی که بدرفتاری می‌کند نرم باش و آنانی که دارای صفایند اندکند».<sup>۳</sup>

مردی به آن حضرت عرض کرد: حد حسن خلق چیست؟ فرمود: «این که رفتارت نرم و سخنت خوش باشد و دوستت را با خوشرویی دیدار کنی».<sup>۴</sup>

نیز: «سه چیز است که اگر انسان یکی از آنها را به پیشگاه خداوند بیاورد خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند، انفاق در حال تنگدستی، خوشرویی در برابر همه، انصاف دادن هر چند به زیانش باشد».<sup>۵</sup>

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده است: «کسی که به چهره برادر مؤمنش لبخند زند خداوند حسنه‌ای برایش می‌نویسد، و کسی را که خدا برایش حسنه‌ای نوشته است عذاب نمی‌کند».<sup>۶</sup>

به همان اندازه که گشاده‌رویی و لبخند و خوشرویی در کسب مودت و تحکیم محبت تأثیر عمیق دارد گرفتگی و ترشرویی و بداخلاقی در دوری دلها از یکدیگر و نفرت نفوس و قطع پیوندهای دوستی و برادری بی‌نهایت مؤثر است. از این‌رو از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرموده است: «خداوند کسی را که در برابر برادر دینی خود ترشروست دشمن می‌دارد».<sup>۷</sup>

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «گرفتگی در برابر مردم سبب دشمنی

۱- بحار الانوار، ۱۷۶/۷۵.

۲- مصادقه الاخوان، ۵۲/.

۳- بحار الانوار، ۲۳۴/۷۷.

۴- بحار الانوار، ۱۷۱/۷۱.

۵- اصول کافی، ۱۰۳/۲.

۶- مصادقه الاخوان، ۵۲/ اصول کافی، ۲۰۶/۲.

۷- مستدرک الوسائل، ۳۲/۸.

است»<sup>۱</sup>.

همچنین پیش از این ذکر شد که امام باقر علیه السلام فرموده است: «ترش رویی و گرفتگی سبب دشمنی و دوری از خداست»<sup>۲</sup>.

این شاعر چه خوب گفته است:

و ائی لمشتاق الی ظلّ صاحبِ  
عذیری من الانسان لا إن جفوتُهُ  
یرقّ و یصفو إن کدرتُ علیه<sup>۳</sup>  
صفالی و لا إن صرتُ طوع یدیة<sup>۴</sup>

استاد «دیل کارنگی» در کتاب خود به نام کیف تکسب الاصدقاء<sup>۵</sup> فصلی تحت عنوان «اهمیت لبخند و خوش رویی در به دست آوردن دوستان و تأثیر در مردم» باز کرده و در آن به ذکر رویدادها و تجربه‌های بسیاری پرداخته و گفتار خود را به این سخن کوتاه پایان داده است که:

اگر می‌خواهی مردم تو را دوست بدارند «لبخند بزن».

از جمله سخنانی که در این فصل آمده این است که: تغییرات چهره آدمی زبان‌گویایی است که آوازش عمیقتر و اثرش شدیدتر از آواز زبان است چه مانند آن است که لبخند از سوی صاحب خود می‌گوید: من تو را دوست می‌دارم، تو به من سعادت بخشیده‌ای، من به دیدار تو سعادت‌مند شدم.

## ۵- فروتنی با دوستان

هیچ چیزی مانند تکبر و خودبرتربینی دوستی را تباه نمی‌کند، چه انسان متکبر همواره عبوس و اخمو بدمعاشرت است. همچنین هیچ چیزی مانند تواضع و فروتنی نهال دوستی و برادری را در دلها نمی‌نشاند، زیرا انسان فروتن محبوب دلها و مقرب مردم است، همنشینی با او پسندیده و رفاقت با او لذت بخش و گفتگوی با او دلنشین

۱- اصول کافی، ۶۳۸/۲.

۲- بحار الانوار، ۱۷۶/۷۵.

۳- من مشتاق سایه دوستی هستم، که اگر بر او خشم آورم همدردی و همدلی کند.

۴- من معذورم از انسانی که چه جفا کنم بر او و چه فرمانبردار او شوم با من صفا و همدلی ندارد.

۵- این کتاب به نام آیین دوست یابی به فارسی ترجمه شده است.

است چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «سه چیز ایجاد محبت می‌کند: دینداری، فروتنی و بخشش».<sup>۱</sup>

فروتنی منزلت انسان را در میان مردم بالا می‌برد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «تواضع بر منزلت انسان می‌افزاید».<sup>۲</sup> و موجب مزید شرافت او در میان آنهاست. امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «کلید شرف فروتنی است».<sup>۳</sup>

نیز امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «هر کس بخواهد شرافتمند باشد باید فروتنی را پیشه کند».<sup>۴</sup>

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «شرافت و برتری در فروتنی است».<sup>۵</sup> اما تکبر و خودبرتربینی جز این که انسان را در میان مردم مبعوض و منفور کند چیزی بر او نمی‌افزاید، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «متکبر منفورترین مردم است».<sup>۶</sup> نیز فرموده است: «خداوند به من وحی فرمود: فروتنی کنید تا یکی بر دیگری سرکشی نکند، و کسی بر دیگری فخر نفروشد و شما بندگان خدا باهمدیگر برادر باشید».<sup>۷</sup>

امام حسن علیه السلام فرموده است: «کسی که در دنیا برای برادران خود فروتنی کند در نزد خداوند از صدیقان به شمار است».<sup>۸</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «پادشاه را با پرهیز، دوست را با فروتنی، دشمن را با احتیاط و عموم مردم را با خوشرویی مصاحبت کن».<sup>۹</sup>

۱- بحارالانوار، ۲۲۹/۷۸.

۲- جامع السعادات، ۳۶۰/۱.

۳- بحارالانوار، ۹/۷۸.

۴- بحارالانوار، ۹/۷۸.

۵- جامع السعادات، ۳۶۱/۱.

۶- بحارالانوار، ۱۴۴/۷۷.

۷- جامع السعادات، ۳۶۴/۱.

۸- جامع السعادات، ۳۶۲/۱؛ بحارالانوار، ۱۱۷/۷۲.

۹- بحارالانوار، ۱۶۷/۷.

### ۶- خوش گمانی به دوست

هر کدام از ما تأثیر فوق‌العاده‌ای را از شنیدن این که دوستش به وی حسن ظن دارد و او را ابداً متهم نمی‌کند در نفس خود بخوبی احساس می‌کند، و در این موقع لذت برادری و دوستی را درک، و آمیختگی دو روح و نزدیکی دو قلب را به همدیگر لمس می‌کند، از این رو امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «عمل دوست خود را به نیکوترین وجه آن توجیه کن تا آنگاه که آنچه تو را به او دگرگون می‌کند به تو برسد، و نسبت به سخنی که از دوستت صادر شده چنانچه راهی می‌یابی که آن را خوب بدانی بدگمان مباش». <sup>۱</sup>

نیز: «بدگمانی روش تو را نسبت به دوستی که به صلاحیت او یقین داشته‌ای تباه نکند». <sup>۲</sup>

امام علی بن‌الحسین علیه السلام فرموده است: «مؤمن برادر مؤمن است هرگز به او دشنام نمی‌دهد، او را محروم نمی‌کند، و به او بدگمان نمی‌شود». <sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر گاه انسان به برادر دینی خود «اف» بگوید رشته برادری آنها پاره می‌شود، و اگر به او بگوید: «تو دشمن منی» یکی از آن دو تن کافر شده و چنانچه او را متهم بدارد ایمان در دلش مانند نمک در آب منحل می‌شود». <sup>۴</sup>

نیز: «هر کس برادر دینی خویش را متهم کند حرمت میان آن دو برداشته می‌شود». <sup>۵</sup>

از ائمه علیهم السلام روایت شده که فرموده‌اند: «مؤمن برادر دینی خود را متهم نمی‌کند». <sup>۶</sup>

هنگامی که دوستت نسبت به تو حسن ظن دارد تو نسبت به او بدگمان مباش چه این امر کینه و تنفر او را از تو در دلش جای می‌دهد به همین سبب قرآن کریم از آن نهی کرده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». <sup>۷</sup>

بر توست که درباره دوست خود همان گمان را داشته باشی که او نسبت به تو دارد تا

۱- بحارالانوار، ۱۸۷/۷۱، ۱۹۶/۷۲.

۲- الحکم، ۲۳۱/۲.

۳- بحارالانوار، ۱۷۶/۷۵.

۴- اصول کافی، ۱۷۰/۲.

۵- اصول کافی، ۳۶۱/۲.

۶- بحارالانوار، ۱۹۹/۷۲.

۷- حجرات ۱۲/۱: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چه برخی از گمانها گناه است.



در گمان خود دچار نومیدی نشود و احساس وی نسبت به تو دگرگون نگردد و محبت تو از دلش بیرون نرود، از این رو امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «کسی که گمان نیکی نسبت به تو دارد گمانش را تحقق ده».<sup>۱</sup>

سزاوار است انسان دوراندیش خود را در وضعی قرار ندهد که موجب برانگیختن بدگمانی مردم شود و اگر چنین کند باید تنها خودش را مورد سرزنش قرار دهد، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که به او بدگمان شده مورد سرزنش قرار دهد».<sup>۲</sup>

### ۷- اعتماد به دوستان

ما در فصلهای نخستین این کتاب بیان کردیم که دوست برگزیده کیست و چه کسی سزاوار رفاقت و دوستی او واجب می‌باشد، و صفات و اخلاق او را بر حسب آنچه از اهل بیت علیهم السلام روایت شده ذکر کردیم. اینک چنانچه دوستی که دارای این خوبیهای پسندیده و آراسته به این صفات حسنه باشد برگزیده‌ای و قطعاً از کسانی که به او وثوق داری و دلت به او آرام و مطمئن است وی را برای خود ذخیره کن تا محل مشورت و گنجینه اسرار و اخبار تو باشد. روشن است که هر اندازه محبت و دوستی میان دوستان زیاد شود وثوق و اعتماد آنها به یکدیگر نیز فزونی می‌یابد، از این رو امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که اعتمادش به رهن و گرو بیش از اعتمادش به دوست باشد خداوند از او بیزار است».<sup>۳</sup>

آری چون وجدان بیشتر مردم تباه شده و اندیشه‌های پلید درون آنها را فرا گرفته وفاداری در میان آنها کاستی پیدا کرده و اخلاص آنها ضعیف گردیده و ورع و پرهیزگاری خود را بر نفوس از دست داده و یا چنان که باید به دل‌های آنها راه نیافته است لذا مقتضای دوراندیشی آن است که انسان به هر کسی که با او دیدار و هم‌نشین می‌شود اعتماد نکند مگر آن که در مدتی طولانی با دقت و باریک بینی او را آزمایش کرده باشد، از این رو

۱- الحکم، ۴۱۸/۲؛ الغرر، ۲۷۱.

۲- الحکم، ۴۶۶/۲.

۳- مصادقة الاخوان، ۷۲/.

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «همه محبت خود را به دوستت نثار کن لیکن همه اطمینان را نسبت به او نداشته باش، درباره او همه همدردیها و مواسات را به کار بر اما همه اسرار ترا به او مرسان تا حق حکمت و مصلحت را رعایت و حقوق واجب دوست را ادا کرده باشی».<sup>۱</sup>

نیز فرموده است: «به کسی که رازت را فاش کند اعتماد مکن».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «به دوستت اعتماد کامل نداشته باش چه سرعت گرایش هرگز برگردانیده و فسخ نمی شود».<sup>۳</sup>

## ۸- رازداری

برای دوست تو لذت بخش است که گاهی از اوقات اخبار خود را با تو در میان نهد و اسرارش را به تو بازگو کند. همچنین برای تو لذت انگیز است که به همین گونه با او رفتار کنی و اخبار و اسرار خویش را به او بسپاری، و در این امر بر او و بر تو باکی نیست زیرا این مقتضای طبیعت یاران و دوستان است. لیکن بر توست که اسرار دوستت را محفوظ بداری و از افشای آنها به دیگران خودداری کنی زیرا اگر به چنین کاری اقدام کنی پیمان برادری و دوستی را نقض و به او خیانت کرده و فریبش داده‌ای، و آن که به دوستش خیانت کند و او را فریب دهد دوست و برادر نیست چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «مجالس امانت است و روا نیست دوستی راز دوست خود را فاش کند».<sup>۴</sup>

آن حضرت در وصیت خود به ابی ذر فرموده است: «ای اباذر مجالس امانت است و افشای راز برادر دینی خیانت می باشد».<sup>۵</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «به کسی که رازت را فاش کند اعتماد مکن».<sup>۶</sup>

۱- الحکم، ۳۳/۱، الغرر، ۴۵/

۲- الحکم، ۱۶۱/۲، الغرر، ۳۳۳/

۳- اصول کافی، ۶۷۲/۲

۴- بحارالانوار، ۱۷۲/۷۲

۵- بحارالانوار، ۹۱/۷۷

۶- الحکم، ۱۶۱/۲، الغرر، ۳۳۳/

امام باقر علیه السلام فرموده است: «از جمله خیانتها آن است که راز دوستت را بازگو کنی».<sup>۱</sup>  
امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «بر ضد دوستت چیزی را بازگو مکن که او را بدنام کنی و جوانمردی او را از میان بری که در این صورت از جمله کسانی خواهی بود که خداوند در کتاب خود درباره آنها فرموده است: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ».<sup>۲</sup>

باید بسیار بر حذر باشی از این که اسرار خویش را نزد کسی بسپاری که او را بر آنها امین نمی‌دانی بلکه باید آنها را نزد کسی بگذاری که به او کمال وثوق و اعتماد را داری و اگر چنین انسان امینی را نمی‌یابی آنها را در نزد خودت نگهدار زیرا نگهداشتن آنها در نزد خود بهتر است از این که آنها را نزد غیر امین فاش کنی چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «راز خویش را جز به مؤمن وفادار مسپار».<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «بحق و شایستگی قیام کن، و از آنچه به تو مربوط نیست دوری‌گزین، از دشمنت بپرهیز، و از دوست خویشاوندت بپرهیز مگر آن که امین باشد».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام به یکی از دوستانش فرموده است: «کمتر مردم را بشناس، و کسی را که از آنها می‌شناسی ناشناخته گیر، و اگر تو را صد دوست است نود و نه تن آنها را حذف کن و از یک تن باقیمانده برحذر باش».

نیز فرموده است: «از کسی که بیش از همه به او اعتماد داری برحذر باش چه مردم دشمن نعمتها هستند».<sup>۵</sup>

برای انسان پسندیده نیست که همه اسرار خود را حتی به دوست امین و مورد اعتماد خود بسپارد زیرا محتمل است در او - اگر چه پس از مدتی - دگرگونی و تبدل پدید آید

۱- بحارالانوار، ۸۹/۷۴.

۲- نور / ۱۹: کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است. بحارالانوار، ۲۵۵/۷۲؛ ۲۱۴/۷۲.

۳- الحکم، ۲۰۱/۲؛ الغرر، ۳۴۱.

۴- تحف العقول، ۲۱۴/.

۵- وسائل الشیعه، ۲۳/۱۲.

بلکه خرد و دوراندیشی حکم می‌کند که او را به چیزی از اسرار خود آگاه نکند جز به آنچه اگر روزی دشمن شود بتواند بوسیله آن به او زیان رساند، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «دوست خود را به راز خود آگاه مکن جز به آنچه اگر دشمن بر آن آگاه شود نتواند به تو زبانی برساند، زیرا دوست ممکن است روزی دشمن شود».<sup>۱</sup>

به همین سبب مشاهده می‌شود برخی از شاعران در پرهیز از دوستان از بیم آن که ممکن است سرانجام دگرگون شوند مبالغه بسیار کرده‌اند، یکی از آنها گفته است:

احذر عدوك مرّة                      واحذر صديقك الف مرّة<sup>۲</sup>  
فلربما انقلب الصّدي                  ق فكان اعرف بالمضرة<sup>۳</sup>

دیگری گفته است:

احذر مودة ماذق                      مزج المرارة بالحلاوه<sup>۴</sup>  
يحصي الذنوب عليك أيّ                  ام الصداقة للعداوه<sup>۵</sup>

## ۹- احوالپرسی از دوستان

انسان شیفته نام خویش و نام پدر و فرزندان و خانواده و دیگر امور مخصوص به خویش می‌باشد و دوست دارد در هر زمان آنها را بر زبان آورد و تکرار کند. چنان‌که در آن هنگام که کسی او را به نامش صدا می‌کند یا از امور مربوط به وی می‌پرسد یا در جایی از او سخن می‌گوید سخت شاد و خوشحال می‌شود.

دیل کارنگی در کتاب «کیف تکسب الاصدماء» می‌گوید: «روشنترین دلیل بر این که مردم نام خود را دوست دارند آن است که هنگامی که مقدرات اجازه نداد «بارنم» دارای فرزندی شود که نام خود را بر او بگذارد وصیت کرد که بیست و پنج هزار ریال به نوه‌اش «سیلی» داده شود تا خود را «بارنم سیلی» بنامد.

۱- بحارالانوار، ۱۷۷/۱.

۲- از دشمنت یک بار پرهیز و از دوستت هزار بار برحذر باش.

۳- چه بسا دوستت دشمن شود؛ پس به آنچه تو را زیان می‌رساند داناتر است.

۴- پرهیز از دوستی منافق که تلخی را با شیرینی می‌آمیزد.

۵- او در روزگار دوستی گناهانت را برای دشمنی با تو ضبط می‌کند.

ثروتمندان از دیر زمان عادت دارند که مبالغی به مؤلفان می‌پردازند تا در صدر کتاب خود آن را به آنان اهدا کنند.

کتابخانه‌ها و موزه‌ها در هر کشوری از کشورهای جهان نسبت به ارزشمندترین مجموعه‌هایی که در آنهاست مرهون رجالی است که خواسته‌اند با اهدای آنها نام خود را جاودانی کنند. در کتابخانه عمومی نیویورک دو مجموعه «آستور» و «لینکوکس» و در موزه «متروبولیتان» نامه‌های «بنجامین التمان» و «ج.ب مورجان» دیده می‌شود. تا آخر...».

از این رو برای دوستان ضروری است که به منظور تأکید روابط و تحکیم پیوندهای میان خودشان همواره جویای احوال شخصی و امور اختصاصی یکدیگر باشند و از اسامی آنها و نام پدران و منسوبین آنها پرسش کنند و آنها را در ذهن خود بسپارند تا هنگامی که گرد هم می‌آیند دوست خود را با نام او و نام پدرش صدا کنند و از احوال و کارهای او بپرسند چه این امر گوشها را می‌نوازد و نفوس را شاد می‌کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از این امر مهم غفلت نکرده بلکه مردم را به آن ارشاد و نظر آنها را بدان جلب فرموده‌اند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «هنگامی که کسی نزد تو آمد از نام و نام پدرش و این که از چه طایفه‌ای است از او بپرس. این امر به دوستی نزدیکتر است.»<sup>۱</sup>

نیز: «هرگاه یکی از شما برادر مسلمانش را دوست بدارد از نام و نام پدر و قبیله و عشیره‌اش از او بپرسد چه این امر از حقوق واجب است و صدق برادری و دوستی اقتضاء می‌کند که آنها را از او بپرسد و گرنه شناخت وی احمقانه است.»<sup>۲</sup>

نیز: «هرگاه یکی از شما با کسی پیوند برادری و دوستی برقرار کرد از نام و نام پدر و قبیله و منزلش بپرسد چه این امر از حقوق واجب باعث صفای برادری است و گرنه دوستی آنها احمقانه است.»<sup>۳</sup>

نیز: «هرگاه کسی را دوست بداری نام و نام پدر و منزلش را از او بپرس، اگر بیمار بود

۱- بحارالانوار، ۱۶۶/۸۴ و ۱۶۶/۷۴.

۲- مصادقه‌الاحوان / ۷۲.

۳- کنزالفوائد، ۹۸/۱؛ بحارالانوار، ۱۶۶/۷۱.

از او عیادت و اگر به کاری مشغول است او را یاری کن»<sup>۱</sup>.  
 نیز: «ناتوانترین مردم کسی است که شخصی را ببیند و از او خوشش آید لیکن از نام و نسب و محل او نپرسد»<sup>۲</sup>.

آنچه بر دوستی و محبت می‌افزاید آن است که دوست خود را به نامی که نزد او محبوبتر است صدا کنی تا این که در دل او محبوب و در نزد او نزدیک و مقرب باشی، از این رو پیامبر خدا ﷺ برای گرامیداشت اصحابش آنان را با کنیه خطاب و با نامی که نزد آنها محبوبتر بود صدا می‌کرد. همان حضرت فرموده است: سه چیز است که محبت انسان را نسبت به برادر مسلمانش صفا می‌دهد، این که با خوشرویی او را دیدار کند، هرگاه نزد او بنشیند جا برایش باز کند، و او را به نامی که نزد او محبوبتر است صدا کند»<sup>۳</sup>.

دیل کارنگی گفته است: اگر می‌خواهی مردم تو را دوست بدارند قاعده شماره ۳ را رعایت کن: «به یاد داشته باش که نام انسان نزد او از هر چیزی زیباتر و محبوبتر است».

#### ۱۰- تصدیق دوستان

هنگامی که دوستت مطلبی را بیان می‌کند گفتار او را تصدیق کن و با ردّ و تکذیب با او مقابله مکن، چه ردّ و تکذیب از صفات برادران و اخلاق دوستان نیست. آنگاه برای چه دوستت را تکذیب می‌کنی؟ مگر آن که با دروغگویی رفیق و همنشین شده باشی، و ما تو را از عواقب این کار برحذر داشته و خطرات زیاد و زیانهای بسیار آن را برایت روشن ساخته‌ایم. و هرگاه آن رهنمودها و اندرزهایی را که از سرچشمه جوشان علوم اهل بیت علیهم‌السلام اخذ شده و لبریز از حکمتها و مصلحتهاست به یاد داشته باشی ناگزیر از دوستی و همنشینی با دروغگویان دوری خواهی کرد، و با راستگویان همنشین خواهی شد. بنابراین تکذیب گفتار دوستان چه موردی خواهد داشت؟  
 امام حسن مجتبی علیهما السلام درباره صفات کسی که شایسته دوستی است فرموده است: «...»

۱- بحارالانوار، ۱۸۱/۷۴.

۲- بحارالانوار، ۱۶۶/۷۱.

۳- اصول کافی، ۶۴۳/۲.

و اگر سخن بگویی گفتارت را تصدیق کند».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «چرا با یکدیگر دشمنی می‌کنید، هر گاه چیز ناخوشایندی از برادر دینی شما به یکی از شما برسد او را دیدار کند و از او بپرسد چنانچه بگوید من این کار را نکرده‌ام او را تصدیق کند، و اگر بگوید: من کرده‌ام از او بخواهد که توبه کند».<sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «هرگاه از برادر دینی شما چیزی به شما برسد، و اگر بگوید: من آن را نگفته‌ام، از او بپذیر، چه این در حکم توبه به اوست».<sup>۳</sup>

نیز: «اگر از برادر دینی تو چیزی به گوش تو برسد و چهل نفر گواهی دهند که آن را از او شنیده‌اند، و او بگوید من آن را نگفته‌ام، از او بپذیر».<sup>۴</sup>

نیز: «گوش و چشم خویش را به خاطر برادر دینی خود تکذیب کن، و اگر پنجاه نفر سوگند خور گواهی دهند که او آن را گفته است و او بگوید: نگفته‌ام، او را تصدیق و آنان را تکذیب کن».<sup>۵</sup>

### ۱۱- چشم پوشی از بدی

هر انسانی در زندگی در معرض خطا و اشتباه است، لغزشهایی از او صادر و خلافهایی از او ظاهر می‌شود، زیرا کمال مطلق به خداوند و عصمت از خطا به بندگان برگزیده او اختصاص دارد و هیچ کس در این اختصاص با آنها مشارکت ندارد و احدی را در این امر یارای منازعه با آنها نیست. اما دیگر مردم مرتکب گناه و بدی می‌شوند و خطا و اشتباه از آنها سر می‌زند، بهترین آنها کسی است که لغزش او کمتر، و خطا و اشتباهش ساده‌تر باشد، همان کسانی که اشتباهات خود را می‌شمرند و لغزشهای خود را منحصر و محدود می‌کنند چنان که شاعر گفته است:

۱- بحارالانوار، ۱۳۹/۴۴.

۲- مصادقة‌الاحوان، ۸۲/.

۳- مصادقة‌الاحوان، ۸۲/.

۴- مصادقة‌الاحوان، ۸۲/.

۵- بحارالانوار، ۲۱۴/۷۲.

و من ذالذی ترضی سجایاه کلها      کفی المرء نبیلاً أن تعدّ معایبه<sup>۱</sup>  
هرگاه لغزشی از دوستت سرزد و یا عمل بدی از او بروز کرد یا عیبی در او مشاهده کردی نباید در بار نخست او را مورد سرزنش و سرکوفت قرار دهی بلکه باید در برابر عمل ناخوشایند او شکیبایی ورزی و از لغزش او چشم‌پوشی و او را بیخشی و به اندازه توان خویش عمل او را پرده‌پوشی کنی چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «هر کس در برادر دینی خود چیز بدی را سراغ دارد و آن را پوشیده نگهدارد خداوند در روز قیامت بر اعمال بد او پرده خواهد کشید».

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هرگاه در برادر دینی خود بخل و تنگ نظری مشاهده کردی آن را مستور مدار».<sup>۲</sup>

گمان مکن که در دوست تو انحرافی پدید آمده که سزاوار است از او دوری، و یا به میثاق دوستی پشت پا زده شود و باید از او جدایی جست بلکه باید دانست که سنت و روش عموم مردم همین است.

اگر بخواهی پایبند آن باشی که جز با کسی که در او عیبی نیست برادری و دوستی کنی باید بدانی که بی دوست خواهی ماند، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «آن که جز با کسی که در او عیبی نیست دوستی نمی‌کند دوستانش اندک خواهند بود».<sup>۳</sup>  
شاعر گفته است:

أَتَطْلُبُ صَاحِباً لَأَعِيبَ فِيهِ      وَأَيُّ النَّاسِ لَيْسَ لَهُ عَيْبٌ<sup>۴</sup>  
روایت شده است گروهی نزد امام صادق علیه السلام حضور داشتند و آن حضرت برای آنان حدیث می‌فرمود، ناگهان یکی از آنان از مردی سخن به میان آورد و از او بدگویی و شکایت کرد، امام علیه السلام فرمود: «تو را با همه برادر دینی خود چه کار، و کدامند مردان مهذب و پاکیزه».<sup>۵</sup>

۱- و کیست که همه خویهای او رضایت‌بخش باشد؛ برای بزرگواری انسان همین بس که عیبهایش را بشمارد.

۲- احیاء علوم الدین، ۲/۱۳۸.

۳- بحارالانوار، ۲۷۸/۷۵.

۴- آیا در جستجوی دوستی هستی که در او عیبی نباشد و کدام کس است که در او عیبها نیست.

۵- اصول کافی ۶۵۱/۲.



آنچه در این موارد بر تو واجب است این است که دوستت را با مدارا و نرمی به راه درست ارشاد کنی، و به طریقی نیکو موارد اشتباه وی را به او گوشزد سازی و به نحوی خوب و پسندیده وی را اندرز دهی و این امر نباید از حد میان او و تو تجاوز کند زیرا در این صورت تأثیر آن کاملتر و اقدام تو بیشتر سزاوار قدردانی و تحسین خواهد بود.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «مسلمان آئینه برادر مسلمان خویش است، اگر از برادر دینی خود لغزشی دیدید با او ضدیت نکنید بلکه خود را به جای او قرار دهید و با نرمی و مدارا او را اندرز داده راهنمایی کنید».<sup>۱</sup>

زیرا هر گاه چنین نکنی و از اندرز و ارشاد او باز ایستی اسلام تو را به رابطه برادری خائن و قطع کننده رشته دوستی به شمار می آورد، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که برادر دینی خود را مشغول به امر ناخوشایندی ببیند و او را از آن باز ندارد به او خیانت کرده است».<sup>۲</sup>

برایت میسر است که این گونه موارد خود را به درجات برجسته رشد و کمال برسانی و در اوج نمونه‌ای عالی از اخلاق و رفتار قرارگیری بدین گونه که در برابر بدی او نیکی و در مقابل بد رفتاری و جفای او وفا کنی تا با این روش در زمره کسانی در آبی که خداوند در توصیف آنها فرموده است: «وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ».<sup>۳</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «برادر دینی خود را با احسان به او سرزنش، و شر او را با بخشش به او دفع کن».<sup>۴</sup>

نیز: «از برادر دینی خود فرمانبرداری کن هر چند تو را نافرمانی کند، و به او ببیوندد هر چند بد رفتاری کند».<sup>۵</sup>

باید دانست که سرزنش زیاد سبب ایجاد دشمنی و کینه ورزی می شود چنان که امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام وصیت کرده و فرموده است: «برادر دینی خود

۱- بحار الانوار، ۹۷/۱۰.

۲- بحار الانوار، ۶۵/۷۵.

۳- الرعد / ۲۲: با نیکی بدی را دفع می کنند.

۴- الحکم، ۵/۲.

۵- الحکم، ۱۳۲/۱.

را با همه آنچه در اوست تحمل کن چه سرزنش زیاد کینه به بار می آورد و به سوی دشمنی می کشاند»<sup>۱</sup>.

نیز: «هر کس برادر دینی خود را در برابر هر گناهی سرزنش کند دشمنانش زیاد می شود»<sup>۲</sup>.

نیز: «لغزش دوستت را برای زمان حمله دشمنت تحمل کن»<sup>۳</sup>.

امام هادی علیه السلام فرموده است: «سرزنش کلید دشمنی است، و سرزنش بهتر از کینه ورزی است»<sup>۴</sup>.

از این رو پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام پیگیری لغزشهای دوستان و بازخواست از آنان و در نتیجه به درشتی و عطف با آنها رفتار کردن را از زشت ترین و در نزد خداوند منفورترین اعمال شمرده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس لغزشهای برادر دینی خود را پیگیری کند خداوند لغزشهای او را پیگیری خواهد کرد و کسی که خداوند لغزشهای او را پیگیری کند او را خوار و رسوا خواهد کرد هر چند در درون خانه اش غنوده باشد»<sup>۵</sup>.

امام باقر علیه السلام فرموده است: «بیشترین چیزی که بنده را به کفر نزدیک می کند آن است که با کسی برادر دینی باشد لیکن لغزشها و اشتباهات او را ضبط کند تا روزی به وسیله آنها او را مورد درشتی و بدرفتاری قرار دهد»<sup>۶</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «بیشترین چیزی که بنده را از درگاه خداوند دور می کند آن است که انسان با کسی دوستی کند و در همین حال لغزشهای او را ضبط کند تا روزی آنها را وسیله سرزنش وی قرار دهد»<sup>۷</sup>.

کسی که لغزشهای مردم را پیگیری کند طبعاً دوستی برای او باقی نمی ماند چنان که

۱- الحکم، ۵۰/۱.

۲- بحار الانوار، ۱۸۰/۷۱.

۳- الحکم، ۵۰/۱.

۴- بحار الانوار، ۳۶۹/۷۵.

۵- بحار الانوار، ۱۹۲/۷۴.

۶- اصول کافی، ۳۵۵/۲.

۷- همان مأخذ، ۳۵۵/۱.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «عیبجوی مردم مباش تا بی دوست نمایی»<sup>۱</sup>. چشمپوشی از گناه و فراموش کردن بدیها و به یاد آوردن خوبیها و نیکیها از فضیلتها و صفات پسندیده‌ای است که ائمه اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره کرده‌اند و آنها را ستوده‌اند. امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «بر تو باد به مدارا کردن با مردم، و احترام دانشمندان، و گذشت از لغزشهای دوستان»<sup>۲</sup>.

امام عسکری علیه السلام فرموده است: «بهترین دوستان کسی است که گناهت را فراموش کند و احسانی را که به او کرده‌ای به یاد آورد»<sup>۳</sup>.

احمد بن حسین کاتب ابی الفیاض روایت کرده که در مجلس علی بن موسی الرضا علیه السلام حضور داشتیم، مردی از دوستش شکایت کرد، امام رضا علیه السلام این ابیات را قرائت فرمود:

اعذر أخاک علی ذنوبه	واستر و غطّ علی عیوبه <sup>۴</sup>
واصبر علی بهت السّفیه	وللزمان علی خطوبه <sup>۴</sup>
ودع الجواب تفضلاً	وکل الظّلم الی حسیبه <sup>۵</sup>

در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام به طور مسند از آن حضرت روایت شده که فرموده است: مأمون به من گفت: آیا چیزی از شعر به خاطر داری؟ گفتم: خیلی از آن به خاطر دارم، گفت: آنچه را درباره سکوت در برابر نادان به خاطر داری برایم بخوان، گفتم:

إئنی لیهجرنی الصّدیق تجنباً	فأریه أنّ لهجره أسباباً <sup>۶</sup>
وأراه إن عاتبتّه أغریته	فأری له ترک العتاب عتاباً <sup>۷</sup>
وإذا ابتلیتّ بجاهل متحكّم	یجد المحال من الامور صواباً <sup>۸</sup>

۱- همان مأخذ / ۶۵۲.

۲- بحار الانوار، ۷۱/۷۵.

۳- بحار الانوار، ۳۷۹/۷۸.

۴- دوستت را بر گناهانش معذور مدار، و بر عیبهایش پرده بکش.

۵- بر بهتان نابخردان شکیبیا باش؛ همچنین در برابر زمانه و حوادث آن.

۶- از راه بخشش از دادن پاسخ خودداری کن؛ و ستمکار را به کسی که حسابگر اوست واگذار.

۷- من از دوست دوری می‌گیریم؛ و به او نشان می‌دهم که اسبابی موجب دوری گرفتن من از اوست.

۸- درباره او معتقدم که اگر به او گله کنم او را گستاخ کرده‌ام؛ و نظرم نسبت به او این است که ترک گله گله است.

۹- هرگاه به نادانی زورگو دچار شوم؛ که کارهای ممنوع را درست و خوب می‌داند.

أوليته مني السكوت و ربّما  
 مأمون گفت: گوینده آنها کیست؟  
 پاسخ دادم: یکی از جوانان ما.  
 گفت: بهترین اشعاری را که درباره جلب دشمن تا آنگاه که دوست شود به خاطر  
 داری برایم بخوان.

گفتم:

وذي غلة سالمته فقهر ته  
 فأوقرته مني بعفو التّحمّل<sup>۲</sup>  
 و من لم يدافع سيئات عدوّه  
 باحسانه لم يأخذ القول من عل<sup>۳</sup>  
 کسی که از لغزشهای دوستش گذشت نمی‌کند، و از خطاهای برادر دینی خود چشم  
 نمی‌پوشد برای او برادری ارزنده و دوستی گرم و صمیمی باقی نخواهد ماند، چنان‌که  
 بشاربن برد گفته است:

و كنت اذا الصّدیق اراد غیظی  
 وأشرقني علی حنقِ بریقی<sup>۴</sup>  
 غفرت ذنوبه و صفحت عنه  
 مخافة أن أعیش بلا صدیق<sup>۵</sup>

دیگری گفته است:

اذا كنت في كلّ الامور معاتباً  
 صدیقك لم تلق الّذي لاتعاتبه<sup>۶</sup>  
 فعش واحداً أو صل أخاك فأنته  
 مقارف ذنب مرّةً و مجانبه<sup>۷</sup>

## ۱۲- پذیرش پوزش

در موضوع پیش بیان کردیم که انسان در معرض خطا و اشتباه است و کمال مطلق  
 اختصاص به حضرت احدیت دارد و عصمت از خطا ویژه برگزیدگان مقرب اوست.

۱- من با خاموشی خود به او کمک می‌کنم و بسا؛ خاموشی از پاسخ پاسخ باشد.

۲- من با کینه‌توزی مسالمت کرده او را مغلوب می‌کنم؛ و با تحمل عفو بار سنگینی بر دوش او می‌نهم.

۳- کسی که بدیهای دشمنش را با احسان دفع نمی‌کند؛ از سرچشمه والایی گفتار اخذ نکرده است.

۴- و هنگامی که دوستم بخواهد بر من خشم گیرد و بر اثر کینه‌توزی آب دهنم را گلوگیرم کند.

۵- من گناهانش را می‌بخشم و از او در می‌گذرم؛ از بیم آن که مبادا بدون دوست زندگی کنم.

۶- هرگاه تو در همه کارها از دوستت گله کنی؛ کسی را نخواهی یافت که از او گله نکنی.

۷- پس تنها زندگی کن و یا به دوستت بپیوند؛ چه او گاهی گناه و گاهی از آن دوری می‌کند.

بنابراین دوست تو ممکن است گاهی در گفتار یا کردار به تو بدی کند همچنین تو با او به بدی رفتار کنی، اما این امر نباید شما را از محدوده برادری و دوستی بیرون برد، چه لغزش و درافتادن مقتضای نهاد انسان و سرشت اوست. از این رو بر تو لازم است عذر برادر دینی خود را به هنگامی که عذرخواهی می‌کند بپذیری زیرا آن که پوزشخواهی می‌کند تبهکار شمرده نمی‌شود، و قبول پوزش شیوه افراد بزرگوار است چنان که گفته‌اند: «العذر عند کرام الناس مقبول»<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نظرها و اندیشه‌ها را به اهمیت این امر متوجه ساخته‌اند زیرا عذرپذیری در دوستی و نزدیکی مردم به یکدیگر دارای تأثیر فوق‌العاده است.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «هرگاه کسی نزد برادر مسلمان خود عذرخواهی کند و او نپذیرد وی مانند کسی که در راهها مالیات (غیرقانونی) می‌گیرد گنهکار است»<sup>۲</sup>. نیز: «کسی که از او عذر کاری خواسته شود و وی نپذیرد در کنار حوض بر من وارد نخواهد شد»<sup>۳</sup>.

نیز: «کسی که برادر مسلمانش در امری اقامه عذر کند باید از او بپذیرد خواه به حق باشد یا باطل و اگر نپذیرد در کنار حوض بر من وارد نخواهد شد»<sup>۴</sup>.

نیز: «آیا شما را آگاه نکنم که بدان شما کیانند؟»

گفتند: چرا اگر بخواهی ای پیامبر خدا.

فرمود: «بدان شما آنانی هستید که تنها زندگی می‌کنند، و بنده خود را تازیانه می‌زنند، و از کمک دریغ می‌کنند».

فرمود: «آیا شما را از بدترین شما خیر ندهم؟»

گفتند: چرا اگر بخواهی ای پیامبر خدا.

فرمود: «کسی که از مردم نفرت دارد و مردم از او متنفرند».

۱- عذر نزد مردم بزرگوار پذیرفته است. بحارالانوار، ۲۱۳/۷۴.

۲- احیاء علوم الدین، ۱۲۹/۲.

۳- بحارالانوار، ۱۴۴/۳۸.

۴- اصول کافی، ۳۶۹/۲.

فرمود: «آیا شما را به بدتر از آن خبر ندهم؟»  
گفتند: چرا اگر بخواهی ای پیامبر خدا.  
فرمود: «آنانی که از لغزشها پوزش نمی طلبند، و عذر را نمی پذیرند، و گناه را نمی بخشند».

فرمود: «آیا شما را به بدتر از آن خبر ندهم؟»  
گفتند: چرا ای پیامبر خدا.  
فرمود: «کسی که به خیر او امیدی نیست، و از شر او ایمنی نیست».<sup>۱</sup>  
امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «عذر برادر دینی خود را بپذیر و اگر عذری ندارد عذری برایش پیدا کن».<sup>۲</sup>

مسلم بن وابسه این معنا را اخذ کرده و گفته است:  
إذا ما أتت من صاحب لك زلةً فكن أنت محتالاً لزلته عذراً<sup>۳</sup>  
دیگری گفته است:

إذا اعتذر الصديق اليك يوماً  
فصنّه عن جفائك واعف عنه  
من التّقصير عذر أخ مقرّ<sup>۴</sup>  
فإنّ العفو شيمه كلّ حرّ<sup>۵</sup>  
بلکه اگر بدانی دوست تو در عذری که اقامه می کند دروغگوست بر دوست که عذرش را بپذیری چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «هر کس از تو پوزش خواست باید از او بپذیری اگرچه بدانی دروغگوست».<sup>۶</sup>

### ۱۳- شاد کردن دوستان

هر کسی در دنیا چیزی را که مایه شادمانی اوست دوست می دارد، و با آنچه او را

۱- اصول کافی، ۳۶۹/۲؛ تحف العقول، ۲۰/.

۲- الحکم، ۱۶۷/۱؛ تحف العقول، ۱۱۲/.

۳- هرگاه از سوی دوستی نسبت به تو لغزشی روی داد؛ تو برای لغزش او عذری را چاره جویی کن.

۴- اگر روزی دوستی از تقصیر خود برادرانه؛ اقرار به کوتاهی خود پوزش خواست.

۵- او را از جفای خود مصون بدار و عفو کن؛ چه عفو روش هر آزاده ای است.

۶- بحارالانوار، ۱۸۰/۷۱ و ۱۸۰/۷۴.

خوشحال می‌کند انس می‌گیرد، و دلش را برای هر چیز لذت بخشی که مایه روشنی چشمش می‌شود باز می‌کند و سینه‌اش را برای آن می‌گشاید.

آدمی بر حسب طبع انسان سردماغی را که موجب فرح و شادی او می‌شود دوست دارد، و عمل نیک او را قدردانی می‌کند. از این رو پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام تشویق کرده‌اند که هر دوستی بکوشد بر دوستش سرور و شادی وارد کند تا محبت و دلبستگی او نسبت به وی فزونی یابد، و این عمل را از برترین اعمال و محبوبترین آنها نزد خداوند شمرده‌اند.

پیامبر گرامی ﷺ فرموده است: «برترین اعمال آن است که دل برادر دینی خود را شاد و یا وام او را برآورده کنی».<sup>۱</sup>

نیز: «محبوبترین اعمال نزد خداوند وارد کردن سرور و شادمانی بر مؤمن است».<sup>۲</sup>  
 نیز: «هر کس برادر دینی خود را با چیزی که موجب خوشحالی او می‌شود دیدار کند تا او را شاد سازد خداوند در روزی که او را دیدار می‌کند شادمان خواهد کرد».<sup>۳</sup>

امیرمؤمنان علیؑ فرموده است: «هر کس برادر مؤمن خود را خوشحال کند، اهل بیت علیهم السلام را خوشحال کرده و کسی که اهل بیت علیهم السلام را خوشحال کند پیامبر خدا را خوشحال کرده و آن که پیامبر را خوشحال کند خداوند را خرسند کرده و کسی که خدا را خرسند کند حق است بر خداوند که او را مسرور سازد و در بهشت خود جای دهد».<sup>۴</sup>  
 امام باقر علیهم السلام فرموده است: «لبخند انسان به روی برادر مؤمنش حسنه و گرد و خاشاک را از او دور کردن نیز حسنه است، و خداوند به چیزی که نزد او محبوبتر از وارد کردن سرور بر مؤمن باشد عبادت نشده است».<sup>۵</sup>

امام صادق فرموده است: «کسی که سروری بر برادر مؤمنش وارد کند به خدا سوگند آن را بر پیامبر خدا ﷺ وارد کرده و کسی که سروری بر پیامبر خدا ﷺ وارد کند آن را بر

۱- وسائل الشیعه، ۵۷۳/۱۱.

۲- مصادقه الاخوان، ۶۰/.

۳- مصادقه الاخوان، ۶۲/.

۴- مصادقه الاخوان، ۶۲؛ بحار الانوار، ۱۹۴/۷۴.

۵- اصول کافی، ۱۸۸/۲.

خدا وارد کرده و آن که سروری بر خدا وارد کند به خدا سوگند پروردگار در روز رستاخیز او را در بهشت داور قرار خواهد داد»<sup>۱</sup>.

آن حضرت در وصیت خود به عبدالله بن جندب فرموده است: «ای پسر جندب کسی که شاد می شود از این که خداوند حورالعین به او تزویج کند و او را به سمت نور روانه سازد باید بر برادر مؤمنش شادی و سرور وارد کند»<sup>۲</sup>.

نیز: «کسی که مسلمانی را شاد کند خداوند از این شادی صورت زیبایی می آفریند که او را از آفات دنیا و هول و هراسهای آخرت حفظ می کند، در کفن و حشر و نشر با او خواهد بود تا آنگاه که او را در پیشگاه خداوند متوقف سازد و به او می گوید: تو کیستی به خدا سوگند اگر دنیا را به تو بدهم هرگز پاداش آنچه تو نسبت به من انجام داده ای نخواهد بود. پاسخ می دهد: من همان شادی هستم که تو در دنیا بر برادر مؤمن خود وارد کردی»<sup>۳</sup>.

نیز: «هنگامی که خداوند مؤمن را از گورش برمی انگیزاند به همراه او شبیه وی از قبر بیرون می آید و در پیشاپیش او گام برمی دارد و هر زمان مؤمن با یکی از هراسهای روز قیامت روبرو می شود به او می گوید: بیتابی مکن و اندوهگین مباش و به سرور و کرامت از سوی حق تعالی شادمان باش تا آنگاه که در پیشگاه خداوند متوقف می شود. حق تعالی حساب آسانی از او به عمل می آورد و دستور می دهد به بهشت روانه شود، در این هنگام شبیه او در پیشاپیش وی حرکت می کند و مؤمن به او می گوید: خدا تو را رحمت کند چه نیکو کسی بود که با من از گورم بیرون آمدی و پیوسته مرا به سرور و کرامت از سوی خداوند بشارت دادی تا آنگاه که من آن را مشاهده کردم اکنون بگو تو کیستی؟ پاسخ می دهد: من همان سرور و شادی هستم که تو آن را در دنیا بر برادر مؤمن خود وارد کرده بودی، خداوند مرا از آن سرور و شادی آفرید تا به تو مژده دهم»<sup>۴</sup>.

به همان اندازه که خداوند وارد کردن سرور را بر برادر مؤمن دوست می دارد بدی

۱- مصادقة الاخوان، ۶۲/

۲- بحار الانوار، ۲۸۰/۷۵.

۳- مستدرک الوسائل، ۲۴/۱۲.

۴- بحار الانوار، ۲۸۴/۷۱؛ ثواب الاعمال، ۱۸۱/



کردن به او را ناخوش و مکروه می‌شمارد تا آن جا که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «هر کس برادر دینی خود را به چیزی که موجب رنجش اوست دیدار کند تا او را برنجاند خداوند در روز رستاخیز او را می‌رنجاند و از ساحت قرب خود دور می‌گرداند»<sup>۱</sup>.  
نیز: «هر کس برادر مؤمنش را به آنچه او را می‌آزارد دیدار کند تا او را آزار دهد خداوند او را پس از دیدار با خود آزار خواهد داد»<sup>۲</sup>.

استاد دیل کارنگی درباره این موضوع زیر عنوان «چگونه مردم به تو شاد می‌شوند» به بحث خاصی پرداخته و در آن روشن ساخته که گفتگو با مردم به آنچه آنها را خوشحال می‌کند از مهمترین عوامل در به دست آوردن دوستان و تأثیر در آنهاست سپس بحث خود را با این جمله کوتاه پایان داده است که:

اگر می‌خواهی مردم تو را دوست بدارند از قاعده شماره (۵) پیروی کن:

«در آنچه شنونده‌ات را خوشحال می‌کند و از آن لذت می‌برد سخن گوی»

#### ۱۴- یاری دوستان

در آنچه پیش از این گذشت گفته شد که دوست شریک زندگی است، و او برای انسان به منزله روح در کالبد است در این صورت بر انسان حتم است که با دست و زبان دوستش را یاری کند چه او حاضر باشد و یا غایب. اگر روش او چنین باشد بی‌شک حق دوستی و حرمت برادری را رعایت کرده است. به همین مناسبت احادیث بسیاری از پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در تشویق یاری دادن دوست به دوست وارد شده است:

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی که از آبروی برادر مسلمانش دفاع کند بهشت بر او واجب می‌شود»<sup>۳</sup>.

نیز فرموده است: «برادر دینی خود را چه ستمکار باشد و چه ستم‌دیده یاری کن»<sup>۴</sup>.

۱- مصادقة الاخوان، ۶۲.

۲- بحار الانوار، ۳۰۵/۷۱.

۳- امالی شیخ مفید، ۲۳۸.

۴- وسائل الشیعه، ۱۲۳/۱.

معنای این سخن آن است که اگر او را ستمکار دیدی حق او بر تو ایجاب می‌کند که نزد او روی و او را از ستم کردن بازداری، و اگر او را ستم‌دیده یافتی از حقوق او برتوست که نزد او بشتابی و ستم را از او دور کنی، اگر چنین کنی دوست خود را چه ظالم باشد و چه مظلوم یاری کرده‌ای. از پیامبر خدا ﷺ پرسیدند چگونه در صورتی که ستمکار باشد او را یاری کند؟ فرمود: «او را از ستم کردن باز دارد».

از امام حسین علیه السلام معنای «نجدت»<sup>۱</sup> را پرسیدند، فرمود: «اقدام به هنگام سختی، صبر در وقت مصیبت و دفاع از دوستان»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر مؤمنی برادر مؤمنش را در حالی که می‌تواند او را یاری کند خوار سازد خداوند او را در دنیا و آخرت خوار خواهد کرد، و اگر او را یاری کند عمل او از روزه یک ماه و اعتکاف در مسجد الحرام افضل خواهد بود».<sup>۳</sup>

نیز: «هر مؤمنی برادر دینی خود را در صورتی که قادر به نصرت اوست یاری دهد خداوند او را در دنیا و آخرت یاری خواهد کرد، و هر مؤمنی برادر دینی خود را در صورتی که قدرت بر یاری او دارد خوار کند خداوند در دنیا و آخرت او را خوار خواهد ساخت».<sup>۴</sup> زیرا خوار کردن دوست و دست باز داشتن از یاری او از زشت‌ترین صفات به شمار می‌رود و دوست شایسته هرگز دارای چنین صفتی نخواهد بود، از این‌رو امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «بدترین دوستان کسی است که دوستش را خوار می‌کند». باشکوه‌ترین مظاهر نصرت که بیانگر اخلاص سرشار و وفاداری صادقانه و رسوخ محبت است نصرت دوست در حال غیبت اوست، زیرا این محبت از شایبه تملق و چاپلوسی پاک و از ریا و خودنمایی به دور است، از این‌رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس دوستش را در غیاب او یاری کند خداوند در دنیا و آخرت او را یاری خواهد کرد».<sup>۵</sup>

۱- نجدت هم به معنای دلیری و هم به معنای کمک کردن و یاری دادن است.

۲- بحار الانوار، ۴۴/۷۳.

۳- بحار الانوار، ۲۲/۷۲ و ۲۰/۷۲.

۴- وسائل الشیعه، ۲۹۳/۱۲.

۵- بحار الانوار، ۹۸/۷۴.

رفع عیب از دوست یاری دوست به شمار می‌آید و انسان گریزی از آن ندارد و بر او واجب است تا آن جا که می‌تواند غیبت را رد و از او دفاع کند، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی که به برادر مؤمنش کمک کند و غیبتی را که در مجلسی از او می‌شنود رد کند خداوند هزار باب شر را در دنیا و آخرت به روی او می‌بندد، و اگر آن را رد نکند در حالی که بر رد آن توانایی دارد گناه کسی را دارد که هفتاد بار او را غیبت کرده باشد»<sup>۱</sup>.

نیز: «کسی که در نزد او از برادر مسلمانش غیبت شود و وی در حالی که بر یاری او توانایی دارد او را یاری نکند خداوند او را در دنیا و آخرت خوار خواهد کرد»<sup>۲</sup>.  
امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که در نزد او برادر مؤمنش غیبت شود و وی او را کمک و یاری دهد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری خواهد کرد، و کسی که در نزد او برادر مؤمنش غیبت شود و او را یاری و از او دفاع نکند خداوند او را در دنیا و آخرت پست و خوار خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

## ۱۵- همدردی با دوست و برآوردن حاجت او

زندگانی دنیا همواره در معرض حوادث و دگرگونیها می‌باشد و انسان هدف اصلی این رویدادها و تغییرهاست، چه بسیار ثروتمند که اموال خود را از دست داده فقیر می‌شوند، و چه بسا مستمند که بی‌نیاز و ثروتمند می‌گردند، چه بسا مرد گمنام که زعیم و رهبر می‌شود و مردم و سران در برابر او تسلیم شده همه به فرمان او گردن می‌نهند، و بسا بزرگمرد که روزگار او را نگونبخت کرده خوار و زبون می‌شود و موقعیت خود را در میان مردم از دست می‌دهد. بنابراین گردش روزگار بر یک طریقه پایدار نیست و انسان بر یک وضع باقی نمی‌ماند، این سنت خداوند در این جهان است، وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا<sup>۴</sup>.  
بنابراین دوست راستین کسی است که در همه شرایط و احوال در کنار دوست خود

۱- جامع السعادات، ۲/۲۹۹.

۲- بحار الانوار، ۸۹/۷۴.

۳- جامع السعادات، ۲/۲۹۹.

۴- فتح/۲۳. هرگز در سنت الهی تغییری نخواهی یافت.

بایستند و در شادی و غم با او سهیم بماند و در سختی و رفاه با او مشارکت داشته باشد، و از همین راه دوست از غیر دوست مشخص و ممتاز و حقایق آشکار و مقاصد و نیات آزمون می‌شود. از این رو امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «در سختی دوستی آشکار می‌شود».<sup>۱</sup>

نیز: «در تنگنا حسن همدردی دوست آشکار می‌شود».<sup>۲</sup>

نیز: «دوست تو کسی است که در سختی با تو همدردی و مواسات کند».<sup>۳</sup>

نیز: «برترین جوانمردی برادری صادقانه در سختی و رفاه است».<sup>۴</sup> و این نوع دوستان

در هر زمان و مکان بسیار اندکند، چنان که فرموده است:

و ما أكثر الإخوان حين تعدّهم  
ولكنهم في النائبات قليل<sup>۵</sup>

براستی دوستان واقعی همینها هستند، که اگر انسان به آنها دست یابد واجب است به آنها ببالد و افتخار کند و در حفظ آنها حریص و کوشا باشد، آنها در سختیها شناخته می‌شوند و در بدبختیها و مصیبتها ظاهر می‌گردند. به یکی از حکیمان گفته شد: به چه چیز دوست شناخته می‌شود؟ پاسخ داد: در سختیها، چه در حال رفاه و آسایش همه انسانها دوست‌اند.

شاعر گفته است:

جزی الله الشدائد كل خير  
عرفت بها عدوی من صدیقی<sup>۶</sup>

لیکن انسان چگونه می‌تواند به چنین دوست وفادار و امینی در این روزگار دست یابد، روزگاری که امام صادق علیه السلام درباره آن فرموده است: «برای مردم زمانی فرا می‌رسد که در آن چیزی نفیس و کمیابتر از دوستی دمساز یا به دست آوردن درهمی از حلال نیست».

۱- الحکم، ۷۸/۲ و غرر / ۱۲۵، ⇨ مضمون

۲- الحکم، ۷۸/۲؛ الغرر، ۲۲۵.

۳- الحکم، ۷۲/۱.

۴- الحکم، ۱۳۴/۱؛ بحارالانوار، ۴۱۹/۷۷.

۵- چقدر دوستان به هنگامی که آنها را می‌شماری زیادند و لیکن آنها در بلاها و بدبختیها اندکند.

۶- خداوند به سختیها همه نوع خوبی را پاداش دهد که من به وسیله آنها دوست را از دشمن شناختم.

ای برادر مسلمان برای دست یافتن به چنین دوستی در هر جا به جستجو و کاوش پردازد، چه آن گنجی پرارزش و غنیمتی بزرگ است و در غیر او خیر و فایده‌ای نیست، چه دیگران با هر شرایطی دگرگون و با هر رأی و عقیده‌ای همراه می‌شوند، و مانند حرباء (چلیپاسه) به هر رنگی درمی‌آیند، امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره اینان فرموده است:

وَلَا خَيْرَ فِي وُدِّ امْرِيٍّ مِثْلُونَ  
إِذَا الرِّيحُ مَالَتْ مَالَ حَيْثُ تَمِيلُ<sup>۱</sup>

آری دوست صالح و شایسته برای دوستش در دنیا و آخرت سودمند است:

اما در دنیا به هنگام ترس و وحشت انیس و همدم، و در وقت سختی و شدت یار و مددکار و در برابر دشمنانش یاور و پشتیبان است.

اما در آخرت شفیع او در پیشگاه پروردگار است، چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است: «زیاد دوست به دست آورید چه برای هر مؤمن شفاعتی است».<sup>۲</sup>

آن حضرت به فضل بن عبدالملک فرمود: مؤمن به این سبب مؤمن نامیده شده که به خداوند پناه آورد. و خداوند امان او را می‌پذیرد. سپس فرمود: آیا نشنیده‌ای که خداوند درباره دشمنانتان فرموده است: روز قیامت هنگامی که می‌بیند یکی از شما برای دوستش شفاعت می‌کند می‌گوید: فَمَالْنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقِي حَمِيمٍ.<sup>۳</sup>

اما همنشین بد هم در دنیا و هم در آخرت به دوست خود زیان می‌رساند. در دنیا او را بدنام می‌کند، اخلاق او را تغییر می‌دهد، اعتقادات او را دگرگون می‌سازد و سرانجام او را در وادی هلاکت سرنگون می‌کند. و در آخرت از شدت پشیمانی از همنشینی و پیروی او دست خود را می‌گزد و می‌گوید: يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي.<sup>۴</sup>

هرگاه مطلوب خود را به کف آوردی و به آرزوی خود دست یافتی و چنین دوست شایسته‌ای را پیدا کردی بر توست که در همه مسایل و مشکلات او را پشتیبانی و یاری

۱- هیچ خوبی در دوستی انسان مثلون نیست؛ او به هر سو که باد می‌وزد مایل می‌شود.

۲- مصادقة/لاخوان، ۸۲/.

۳- شعراء/ ۱۰۱: (افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد و نه دوست گرم و با محبتی.

۴- فرقان/ ۲۸ و ۲۹: ای وای بر من کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم، او مرا از یاد حق گمراه ساخت پس از آن که آگاهی به سراغ من آمده بود.

کنی و در همه پیشامدها و گرفتاریهای وی در کنار او باشی، چه این امر از بزرگترین طاعات و برترین وسایل تقرب به خداوند به شمار می آید، چنان که از پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت شده است:

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «هر گاه برادر مؤمن خود را در حاجتی که دارد کمک کنم نزد من محبوبتر از روزه رمضان و اعتکاف در آن است».<sup>۱</sup>

نیز: «سه چیز است که این امت طاقت آن را ندارد: مواسات با برادر دینی در مال خود، انصاف با مردم هر چند به زیان خود باشد و یاد خدا در همه احوال».<sup>۲</sup>

نیز: «هر کس حاجت برادر مؤمنش را برآورد خداوند حوایج بسیاری را برایش برآورده خواهد کرد که یکی از آنها بهشت است. و هر کس برادر مؤمن برهنه خود را بپوشاند خداوند به او سندس و استبرق و دیبای بهشتی خواهد پوشانید، و مادام که نخعی از آن بر تن او باقی است وی در رضوان الهی به سر خواهد برد. و هر کس برادر مؤمن تشنه کامش را سیراب کند خداوند او را از رحیق مختوم سیراب خواهد کرد. و کسی که به برادر مؤمنش خدمت کند خداوند ولدان مخلدین را به خدمت او خواهد گماشت و او را در کنار اولیای پاک خود جای خواهد داد. و کسی که برادر مؤمن خود را بر مرکبش سوار کند خداوند او را بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی سوار و در روز قیامت در برابر فرشتگان مقرب به او مباحات خواهد کرد. و کسی که زنی را به همسری برادر مؤمنش درآورد تا به او انس گیرد و کمک کار او باشد و به او آسایش یابد خداوند حوریه‌ای از حوریان بهشتی را به او تزویج خواهد کرد و او را با دوستان خود از صدیقان خاندان پیامبرش ﷺ و دوستان و مؤمنان به او مانوس و همدم خواهد ساخت. و هر کس برادر مؤمنش را در برابر حاکم ستمگر یاری کند خداوند او را درگذشتن از صراط به هنگامی که قدمها می لغزد یاری خواهد کرد. و کسی که برادر مؤمنش را در خانه اش دیدار کند بدون آن که نیازی به او داشته باشد خداوند او را از زمره زیارت کنندگان خود ثبت می کند و بر خداوند سزاوار است که زیارت کنندگانش را گرامی بدارد».<sup>۳</sup>

۱- بحارالانوار، ۲۸۵/۷۱.

۲- مصادقه‌الاحوان، ۳۸/.

۳- اصول کافی، ۱۹۳/۲ و بحارالانوار، ۱۹۲/۷۴.

نیز: «هر کس در پی برآوردن حاجت برادر مؤمنش باشد خداوند در پی حاجت اوست. و خداوند در حال کمک به بنده است مادام که بنده در حال کمک به برادر مؤمنش باشد».<sup>۱</sup>

نیز: «خداوند فرموده است: «أَنَّما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۲</sup> آنها حوایج یکدیگر را برآورده می‌کنند و من حوایج آنها را در روز قیامت برآورده خواهم کرد».<sup>۳</sup>

نیز: «هر کس برادر مسلمانش از او وام بخواهد و به او وام ندهد خداوند در روزی که به نیکوکاران پاداش می‌دهد بهشت را بر او حرام می‌گرداند».<sup>۴</sup>

نیز: «کسی که در راه کمک و منفعت برادر دینی خود گام بر دارد ثواب جهادگران در راه خدا برای اوست».<sup>۵</sup>

نیز: کسی که به برادر مسلمانش وام می‌دهد در برابر هر درهمی که به او وام داده به اندازه وزن کوه احد و کوههای رضوی و طور سینا، برای او حسنه خواهد بود، و اگر پس از به پایان رسیدن مدت برای طلب خود با او مدارا کند از صراط مانند برق لامع خواهد گذشت بی آن که بر او عقاب یا عذابی باشد، و کسی که برادر مسلمانش از ناداری به او شکایت برد و او به وی وام ندهد خداوند در روزی که به نیکوکاران پاداش می‌دهد بهشت را بر او حرام می‌گرداند».<sup>۶</sup>

نیز: «کسی که به فریاد برادر مسلمانش برسد و او را از غم و اندوه و گرفتاری برهاند خداوند برایش ده حسنه می‌نویسد، و او را ده درجه بالا می‌برد، و ثواب آزاد کردن ده برده به او می‌دهد، و ده بلا را از او دفع می‌کند و ده شفاعت در روز قیامت برای او آماده می‌کند».<sup>۷</sup>

همدردی و مواسات با دوستان و احسان به آنان و برآوردن نیازهایشان دلپایان را از

۱- امالی شیخ مفید، ۴۹۳/۲.

۲- حجرات ۱۰/ مؤمنان برادر یکدیگرند.

۳- بحارالانوار، ۳۱۱/۷۴.

۴- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ۳۳۹/.

۵- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ۳۲۰/.

۶- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ۳۴۱/.

۷- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ۱۷۸/.

محبت لبریز می‌کند و دوستی و برادری را در آنها به وجود می‌آورد، چه انسان بر حسب طبیعت و سرشت کسی را که به او احسان می‌کند یا کار نیکی دربارهاش انجام دهد دوست می‌دارد، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «دلها بر این سرشته شده که هر کس به انسان نیکی کند او را دوست بدارد و هر کس به او بدی کند او را دشمن بدارد».<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم ﷺ این رابطه مستحکم را که موجب همبستگی دوستان با یکدیگر می‌شود و آنها را و او می‌دارد که در خوشیها و ناخوشیها با همدیگر مشارکت داشته باشند با این سخن جاویدان به تصویر می‌کشد که: «مَثَلُ مُؤْمِنَانِ فِي مَحَبَّةٍ وَرَحْمَةٍ وَعَطُوفَةٍ نَسَبَتْ بِهِ يَكْدِيغَرٍ مَثَلُ بَدَنِ اسْتِ أَنْ يَكْدِيغَرٌ مِنْ أَيْدِي دِيغَرٍ أَعْضَاءَ بَدَنِ بَابِي خَوَابِي وَتَبِ أَظْهَارِ نَأْرَامِي وَبِي قَرَارِي مِي كَنْدِي».<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «آن را که با مالش مواسات و همدردی نمی‌کند دوست مشمار».<sup>۳</sup>

نیز: «بیست درهم که در راه خدا به برادر دینی خود بدهم نزد من محبوبتر است از این که صد درهم به بینوایان بدهم».<sup>۴</sup>

نیز: «شگفت دارم از آن که با مال خود برده‌ها را می‌خرد چگونه با نیکی و احسان آزاده‌ها را نمی‌خرد تا فرمانروای آنها شود».<sup>۵</sup>

نیز: «شگفتا! چه قدر بسیاری از مردم در امور خیر بی‌رغبت‌اند، شگفت دارم از آن مردی که برادر دینی او برای برآوردن حاجت خود نزد وی می‌آید و وی خود را شایسته انجام دادن این کار نیک نمی‌بیند. براستی اگر ما امید بهشت را نداشتیم، و از آتش دوزخ نمی‌ترسیدیم، و انتظار پاداشی نداشتیم، و از مجازات هراسناک نبودیم برای ما سزاوار بود خواستار مکارم اخلاق و صفات نیکو باشیم چه آنها نشان دهنده راه رستگاری و نجاتند».

۱- مصادقة الاخوان / ۵۵ و تحف العقول / ۲۶.

۲- کنز العمال / خ / ۷۳۷، میزان الحکمه / ۳۵/۹.

۳- الحکم، ۱۸۵/۲، النور / ۳۳۵.

۴- بحار الانوار، ۳۶۳/۷۴.

۵- الحکم، ۱۹/۲، تحف العقول / ۲۰۴.



میمون بن مهران نقل کرده است که: من در نزد حسن بن علی علیه السلام نشسته بودم، مردی وارد شد و عرض کرد: ای فرزند پیامبر خدا! فلان از من طلبی دارد و می‌خواهد مرا زندانی کند، امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند مالی نزد من نیست تا حاجتت را برآورم، عرض کرد: پس با او گفتگو کن. راوی می‌گوید: آن حضرت نعلین خود را پوشید، من عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا! اعتکافت را فراموش کردی؟ فرمود: فراموش نکرده‌ام لیکن از پدرم شنیدم که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیث می‌کرد که فرموده است: «کسی که در برآوردن حاجت برادر مسلمانش بکوشد مانند آن است که خداوند را نه هزار سال عبادت کرده در حالی که روزها را روزه و شبها را به عبادت گذرانده باشد»<sup>۱</sup>.

از آن حضرت پرسیدند: برادری چیست؟ فرمود: «همیاری در سختی و رفاه»<sup>۲</sup>.  
پرسیدند: جبن (ترس) چیست؟ فرمود: «گستاخی نسبت به دوست و روگردانیدن از دشمن»<sup>۳</sup>.

امام حسین علیه السلام فرموده است: «هر کس برای رسانیدن خیری به برادر مؤمنش شتاب ورزد فردا که بر خدا وارد می‌شود آن را می‌یابد، و هر کس برای خدا به برادر مؤمنش احسان کند خداوند در وقت احتیاج آن را به او تلافی می‌کند و از بلاهای دنیا آنچه بیشتر از احسان او ست از او دفع می‌کند»<sup>۴</sup>.

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «من از پروردگرم شرم می‌کنم که یکی از برادران (دینی) را ببینم و بهشت را برای او از خدا بخواهم در حالی که در دادن دینار و درهم به او بخل می‌ورزم، هنگامی که قیامت فرا رسد به من گفته خواهد شد اگر بهشت از آن تو بود نسبت به آن بسیار بسیار بخیلتر بودی»<sup>۵</sup>.

امام باقر علیه السلام فرموده است: در احسان و نیکی به برادران دینی خود بر یکدیگر سبقت گیرید و شایستگی آن را داشته باشید چه بهشت را دری است که به آن «معروف» گفته

۱- مصادقة الاخوان / ۶۸، بحار، ۳۱۵/۷۱، وسائل الشیعه، ۵۵۰/۱۰.

۲- بحار الانوار، ۱۰۳/۷۵.

۳- تحف العقول / ۱۵۸.

۴- بحار الانوار، ۱۲۱/۷۵.

۵- مصادقة الاخوان / ۶۲.

می‌شود و تنها کسی از آن در داخل می‌شود که در زندگی دنیا کار نیک کرده باشد، چه بنده هنگامی که برای برآوردن حاجت برادر مؤمنش گام بر می‌دارد خداوند دو فرشته را یکی برطرف راست و دیگری بر جانب چپ او می‌گمارد که پیوسته برای او از خداوند طلب آمرزش کرده و برای برآوردن حاجتش دعا می‌کنند»<sup>۱</sup>.

از ابی‌اسماعیل رضافی نقل شده که گفته است: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «ای اباسماعیل آیا می‌دانی پیش از این هرگاه کسی عبایی نداشت و در نزد برخی از برادرانش تگه‌عبای اضافی وجود داشت آن را به او می‌دادند تا دارای عبایی شود؟». عرض کردم: نه، فرمود: «و اگر جامه‌ای نداشت تگه‌جامه‌های اضافی خود را به او می‌دادند تا دارای جامه شود، گفتم: نه، آن حضرت با دست به ران خود زد و فرمود: «اینان برادر نیستند»<sup>۲</sup>.

نیز: «هر مؤمنی برای حاجتی نزد برادر خود بیاید - و بی شک این امر رحمتی از جانب خداوند است که او را به سوی وی کشانیده و اسباب رفع حاجت او را برایش فراهم کرده است - چنانچه حاجت او را برآورد با قبول آن رحمت حق تعالی را پذیرفته است و اگر حاجت او را رد کند در حالی که توانایی برآوردن آن را دارد رحمت خداوند را که به سوی او کشانیده شده و اسباب آن را برایش فراهم کرده رد کرده و از خود دور ساخته است»<sup>۳</sup>.

نیز: «هر گاه برای برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارم نزد من محبوبتر است از این که هزار بنده آزاد کنم و هزار اسب را با زین و لگام برای جهاد در راه خدا روانه سازم»<sup>۴</sup>.

نیز: «مؤمن به هنگامی که برادر مؤمنش حاجت خود را به او اظهار می‌کند و او نمی‌تواند آن را برآورده سازد و بر اثر آن غمگین می‌شود خداوند به سبب همین اندوه او

۱- اصول کافی، ۱۹۵/۲.

۲- مصادقه‌الاحوان / ۳۶.

۳- بحارالانوار / ۳۲۴.

۴- بحارالانوار، ۳۳۲/۷۱.

را وارد بهشت می‌کند»<sup>۱</sup>.  
امام صادق علیه السلام فرموده است: «از اعمال صالح نیکی به برادران مؤمن و کوشش در برآوردن حوائج آنهاست»<sup>۲</sup>.  
نیز: «کسی که به خاطر خدا در راه برآوردن حاجت برادر مؤمن خود عرق بر پیشانی‌اش بنشیند دیگر عذاب نخواهد شد».  
نیز: «به خدا سوگند جز با پرهیزگاری و مجاهده در دنیا و مواسات و همدردی با برادران مؤمن به شفاعت نمی‌توان رسید»<sup>۳</sup>.  
نیز: «دوستان سه گونه‌اند: آن که با جانش مواسات می‌کند، و دیگری که با مالش اظهار همدردی می‌کند و دیگر کسی است که کفاف خود را از تو می‌گیرد و تو را برای بعضی لذتها می‌خواهد پس باید او را از اهل وثوق نشماری»<sup>۴</sup>.  
نیز: «کسی که به همراه برادر مؤمنش برای برآوردن حاجت او گام بردارد چه آن را برآورده کند یا نکند مانند کسی است که خدا را عبادت کرده است»<sup>۵</sup>.  
به مفضل بن عمر فرمود: «ای مفضل آنچه را به تو می‌گویم بشنو و بدان حق است، آن را پیروی و برای بزرگان برادران مؤمن خود بازگو کن» مفضل گفت: بزرگان برادران مؤمن کیانند؟ فرمود: «کسانی هستند که به برآوردن حوائج برادران مؤمن خود رغبت دارند» سپس فرمود: «کسی که حاجت برادر مؤمنش را برآورد خداوند در روز قیامت صد هزار حاجت او را که نخستین آنها بهشت است برآورده خواهد کرد و از جمله آنها این است که خویشاوندان و آشنایان و دوستانش را وارد بهشت می‌کند»<sup>۶</sup>.  
نیز: «کسی که در راه حاجت برادر مسلمانش بکوشد تا خداوند آن را به دست او جاری و برآورده سازد حق تعالی ثواب یک حج و عمره و اعتکاف دو ماه در

۱- اصول کافی، ۱۹۶/۲.

۲- تحف العقول / ۱۱۹.

۳- بحار الانوار، ۲۸۱/۷۵.

۴- بحار الانوار، ۲۳۹/۷۸.

۵- مصادقة الاخوان / ۵۲.

۶- اصول کافی، ۱۹۳/۲.

مسجد الحرام و روزه آن را برایش ثبت می‌کند. و اگر در این راه بکوشد لیکن خداوند برآوردن آن را در دست او جاری نکند حق تعالی ثواب یک حج و عمره برایش ثبت خواهد کرد.<sup>۱</sup>

نیز: «کسی که برادر مؤمنش از روی اضطرار حاجتی از او بخواهد و او در حالی که توانایی دارد از برآوردن آن از سوی خود یا دیگری خودداری کند خداوند در روز قیامت او را در حالی که دستهایش به گردنش زنجیر شده محشور خواهد کرد.»<sup>۲</sup>

آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود: «شیعیان ما را بر دو خصلت بیازمای اگر در آنها بود شیعه ما هستند و گر نه از آنها سخت دوری کن» عرض کردم آن دو خصلت چیست؟ فرمود: محافظت بر ادای نماز در اوقات آنها و مواسات با برادران دینی هر چند به چیزی اندک باشد.»<sup>۳</sup>

نیز: «کسی که برادر دینی غمزده خود را در صورت توانایی از غم برهاند و او را در برآوردن حاجتش یاری کند خداوند هفتاد و دو رحمت برایش ثبت می‌کند یکی از آنها را که اصلاح امور زندگی اوست زودتر شامل حالش می‌کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای دفع هول و هراسهای روز قیامت برایش ذخیره می‌سازد.»<sup>۴</sup>

نیز: «خداوند پیوسته در پی کمک به مؤمن است مادام که مؤمن در پی کمک به برادر مؤمنش باشد، پس از موعظه‌ها سود برید و در امور خیریه رغبت داشته باشید.»<sup>۵</sup>

نیز: «کسی که بر برادر مؤمنش لباس زمستانی یا تابستانی بپوشاند حق است بر خداوند که جامه‌های بهشتی بر او بپوشاند و سكرات مرگ را بر او آسان کند و گورش را وسعت دهد، و به هنگامی که از قبرش بیرون می‌آید فرشتگان را با دادن مژده‌های مسرت بخش به او دیدار کند و این بر طبق قول خداوند است که در کتاب خود فرموده

۱- مصادقة الاخوان / ۶۸، بحار، ۳۳۴/۷۱.

۲- بحار الانوار، ۲۸۷/۷.

۳- اصول کافی، ۶۷۲/۲.

۴- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۱۷۹.

۵- بحار الانوار، ۳۲۲/۷۱ و ۳۲۲/۷۴.

است: وَتَلَقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ<sup>۲</sup>.

نیز: «در اعتماد انسان به برادر دینی خود همین بس که حاجتش را به او اظهار می‌کند»<sup>۳</sup>.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «بهترین دوستان تو کسی است که در تمام طول زندگی یاورت باشد»<sup>۴</sup>.

نیز: «هرگاه یکی از برادران دینی نزد انسان بیاید و در پاره‌ای احوال از او پناه بخواهد و وی در حالی که توانایی آن را دارد به او پناه ندهد بی شک رشته ولایت الهی را قطع کرده است»<sup>۵</sup>.

امام عسکری علیه السلام فرموده است: «دو صفت است که چیزی برتر از آنها نیست: ایمان به خدا و سود رسانی به برادران مؤمن»<sup>۶</sup>.

از واجبات برادری و دوستی آن است که برآوردن حاجت برادر مؤمنت را در صورت آگاهی خودت آغاز کنی و او را ناگزیر نگردانی که آن را از تو بخواهد چه این عمل نزد خداوند محبوبتر و به پرهیزگاری و تقوا نزدیکتر است، چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «چنانچه کسی از شما حاجت برادر مؤمنش را می‌داند آن را برآورده کند و او را وادار نسازد که آن را از او درخواست کند»<sup>۷</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «او هرگاه بدانی برادر مؤمن تو حاجتی دارد در برآوردن آن شتاب کن و او را ناگزیر مکن که آن را از تو بخواهد بلکه پیشدستی کن»<sup>۸</sup>.

---

۱- انبیاء، ۱۰۳/ و فرشتگان به استقبالشان می‌روند (و می‌گویند) این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.

۲- مصادقة الاخوان، ۷۸.

۳- اصول کافی، ۱۹۸/۲.

۴- بحارالانوار، ۱۲/۷۸.

۵- اصول کافی، ۳۶۶/۲.

۶- تحف العقول، ۳۶۸/۱.

۷- بحارالانوار، ۱۶۶/۷۱.

۸- بحارالانوار، ۲۳۸/۷۱ و ۲۳۸/۷۱.

## ۱۶- احترام و بزرگداشت دوستان

از امور قطعی که در خور شک و تردید نیست آن است که اگر انسان به دیگران احترام بگذارد دیگران نسبت به وی احترام خواهند گذاشت و اگر به آنها اهانت کند مورد اهانت آنان قرار خواهد گرفت. شاعر چه خوب گفته است:

و من هاب الرجال تهیبوه      و من حقّر الرجال فلن یهابها<sup>۱</sup>

پس اگر می‌خواهی در نظر دوستت بزرگ باشی او را بزرگ بدار، و اگر خواهان آنی که نزد او محترم باشی او را احترام کن، و کدام کس است که دوست ندارد بزرگ و محترم باشد؟

از این رو از پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام روایاتی در لزوم بزرگداشت دوست و اکرام و احترام او وارد شده است تا از این راه روابط آنها تحکیم و دلها تصفیه و بر دوستی و برادری آنها افزوده گردد.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «هرکس برادر مسلمانش را احترام کند و در آن رضای خداوند را بخواد خداوند به او نظر رحمت خواهد فرمود».<sup>۲</sup>

نیز: «کسی که برادر مسلمانش نزد او بیاید و او وی را مورد احترام قرار دهد چنان است که خداوند را احترام کرده است».<sup>۳</sup>

نیز: «هرکس برادر مؤمنش را احترام کند خداوند را احترام کرده و چه گمان دارید درباره کسی که خدا را احترام کرده خداوند با او چه کاری خواهد کرد».<sup>۴</sup>

امام باقر علیهما السلام در بیان آنچه بر مسلمان واجب است نسبت به برادر دینی خود انجام دهد فرموده است: «اگر غیبت کرد در غیابش پاس او را بدار، و اگر حضور داشت او را دیدار و تجلیل کن و گرامی بدار چه تو از او و او از توست».<sup>۵</sup>

۱- کسی که بزرگان را احترام کند او را احترام خواهند کرد، و آن که بزرگان را تحقیر کند هرگز احترام نخواهد یافت.

۲- من لایحضره الفقیه، ۱۶/۴.

۳- اصول کافی، ۲۰۶/۲.

۴- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۳۳۹/۲.

۵- بحار الانوار، ۲۲۵/۷۱.

امام صادق علیه السلام فرموده است: ابوجعفر امام باقر علیه السلام می‌فرمود: یاران خود را بزرگ بدارید و احترام کنید، و برخی از شما به برخی دیگر هجوم نبرد، و به همدیگر زیان نرسانید و نسبت به هم حسد نورزید، و از بخل پرهیزید، و بندگان مخلص خداوند باشید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «بزرگداشت حقوق برادران دینی بزرگداشت دین خداست». از این رو برای دوستان شایسته نیست همه پرده‌های شرم و حیا را از میان خود بردارند چه این امر آنان را به ترک احترام و اکرام همدیگر وادار خواهد کرد.<sup>۲</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: حشمت و وقار را میان خود و دوستت از میان مبر و چیزی از آن باقی بگذار چه از میان رفتن آن سبب از میان رفتن شرم و حیاست.<sup>۳</sup> مراد از این سخن زیاده روی در عدم حفظ حشمت و حرمت یکدیگر است، به همین مناسبت فرموده است: «چیزی از آن باقی بگذار» و نفرموده است «همه آن را باقی نگهدار» چه تکلف و حشمت و وقار کامل در میان یاران و دوستان از نظر اهل بیت علیهم السلام نکوهش شده است چنان که در آینده شرح خواهیم داد.

هرگاه دوست تو از نظر سن و سال بزرگتر یا از نظر دانش برتر و یا از حیث شأن و مقام بالاتر است بر توست که او را بزرگ بداری و احترام کنی چه این امر حقی برای اوست که بر تو واجب است آن را رعایت کنی و مرزی میان تو و اوست که لازم است از آن تجاوز نکنی، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرموده است:

«کسی که سالخورده‌گان ما را احترام نکند و به خردسالان، ترحم نورزد از ما نیست».<sup>۴</sup>

در وصیت امام صادق علیه السلام تدبیر و اندیشه کن که فرموده است: «نفس خویش را برای تحمل کسی که با تو مخالفت می‌کند و دارای مقامی برتر است و بر تو فضیلت دارد رام کن چه تو به برتری او اقرار کرده‌ای تا با او مخالفت نکنی و آن که برای کسی فضیلتی قائل

۱- اصول کافی، ۱۷۳/۲.

۲- بحارالانوار، ۲۸۷/۷۱.

۳- اصول کافی، ۶۷۲/۲، بحار، ۲۵۳/۷۵.

۴- بحارالانوار، ۲۲۷/۷۱، بحارالانوار، ۱۳۸/۷۲.

نیست خود بین و خود پسند است».<sup>۱</sup>

بپرهیز از این که دوست خود را تحقیر و اهانت کنی، چه این رفتار از مؤثرترین اسباب زوال دوستی و بزرگترین عامل دشمنی و کینه ورزی است، ائمه اهل بیت علیهم السلام آن را از گناهان بزرگ شمرده اند.»

امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که دین خود را حقیر می شمارد برادران دینی خود را تحقیر می کند».<sup>۲</sup>

نیز: «انسان خردمند به هیچ کس اهانت نمی کند، و کسانی که سزاوارترند به این که اهانت نشوند سه دسته اند:

دانشمندان، حکمرانان و دوستان، زیرا کسی که به علما و دانشمندان اهانت کند دینش را از دست داده، و آن که حکمران را تحقیر کند دنیای خود را از کف داده و آن که به دوستانش اهانت کند مردانگی خویش را از میان برده است».<sup>۳</sup>

نیز: «کسی که برادر دینی خود را فریب دهد و تحقیر کند و با او دشمنی ورزد خداوند دوزخ را جایگاه او قرار خواهد داد».<sup>۴</sup>

همان گونه که تو دوست داری محترم و بزرگ باشی بر طبق اصول و مبادی گرانقدر اسلامی که پیامبر گرامی بیان کننده آنها است بر تو واجب است برادر دینی خود را محترم و بزرگ بشماری، چنان که فرموده است: «هیچ یک از شما مؤمن نیست مگر آنگاه که آنچه برای خود دوست می دارد برای برادر مؤمنش دوست بدارد».<sup>۵</sup>

امام علی بن ابی طالب علیه السلام در وصیت خود به فرزندش امام حسن علیه السلام به این امر تصریح کرده و فرموده است:

«ای پسر من! نفس خویش را میان خود و دیگران میزان قرار ده... پس آنچه را برای خودت دوست می داری برای دیگران دوست بدار، و آنچه را برای خودت ناپسند

۱- بحارالانوار، ۲۴۹/۷۵ و ۲۴۹/۷۸.

۲- بحارالانوار، ۲۸۷/۷۱.

۳- بحارالانوار، ۲۳۳/۷۸.

۴- تحف العقول، ۲۲۳/۱.

۵- بحارالانوار، ۱۲۷/۷۵ و ۸/۷۵؛ احیاء علوم الدین، ۱۴۲/۲.



می‌دانی برای دیگران نیز ناپسند بشمار، ستم مکن چنان که دوست نداری بر تو ستم شود، نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی کنند، بر خودت زشت بشمار آنچه را از دیگران زشت می‌شماری، از مردم به همان چیزی که تو بدان از آنها خشنود می‌شوی خشنود باش، و آنچه را نمی‌دانی مگوی هر چند آنچه را می‌دانی اندک باشد، و آنچه را دوست نداری درباره تو بگویند مگوی»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر کس نسبت به برادر مؤمنش بدان گونه نباشد که نسبت به نفس خویش است حق برادری را ادا نکرده است»<sup>۲</sup>.

دیل کارنگی می‌گوید: تو خواهان آنی که مردم تو را تحسین و به اهمیت و ارزش تو اعتراف کنند، و مشتاق آنی که در این دنیای کوچک دارای شأن و مقامی باشی و از این که به چاپلوسیهای بی ارزش و دور از اخلاص گوش فرا دهی ابا داری بلکه قدرشناسی مخلصانه را خواهانی و میل داری دوستان و آشنایانت به قول «ثواب» هر چه بیشتر تو را تقدیر کنند و بستایند و همه، همین را خواهانیم.... بنابراین بگذار برای رسیدن به این هدف از این اصل اساسی پیروی کنیم: «به دیگران آنچه را دوست می‌داریم ببخشیم».

مؤلف در تأیید موفقیت این اصل اساسی و والا که اسلام آن را از مهمترین مبانی و قواعد خود شمرده حوادث و وقایع بسیاری را ذکر کرده است.

## ۱۷- از خود گذشتگی

ایثار و از خود گذشتگی مرتبه‌ای است که جز کسانی که خداوند درباره آنان فرموده است: **إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَلَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ**<sup>۳</sup> بدان نمی‌رسند، و این برترین مراتب برداری و عالیترین درجات دوستی است و متأسفانه انسان در این روزگار کسی را نمی‌یابد که به این اصل عمل کند و به این مرتبه دست یابد چه در این زمان اندکند کسانی که به حدیث نبوی مشهور عمل کنند که فرموده است: «هیچ یک از شما ایمان نمی‌آورد

۱- الحکم، ۴۵/۱؛ الغرر ۶۶/.

۲- بحارالانوار، ۱۲۷/۷۵ و ۸/۷۵.

۳- فضلت ۳۵/.

مگر آنگاه که برای برادر مؤمنش دوست بدارد آنچه را برای خود دوست می‌دارد.<sup>۱</sup> چه رسد به مرتبه ایثار و از خودگذشتگی که انسان برادر دینی‌اش را بر خودش مقدم بدارد و مصلحت او را بر مصلحت خود و حاجت او را بر حاجت خویش ترجیح دهد. امام علی بن ابی طالب علیه السلام ایثار را در این دو بیت شیوا با جالبترین بیان و زیباترین تعبیر به تصویر کشیده:

إِنَّ اخَاكَ الْحَقَّ مِنْ كَان مَعَكَ      و مَنْ يَضُرُّ نَفْسَهُ لِيَنْفَعَكَ<sup>۲</sup>  
و مَنْ إِذَا رَيْبَ الزَّمَانِ صَدَعَكَ      شَتَّتَ فَيْكَ شَمْلَهُ لِيَجْمَعَكَ<sup>۳</sup>

نیز فرموده است: «با محاسن (خویبها) اخلاقتان را رام کنید، و آن را به سوی مکارم (بزرگواریها) بکشانید، و آن را به بردباری عادت دهید و بر ایثار و ترجیح دیگران بر خود شکیباً باشید».<sup>۴</sup>

نیز: «مؤمنان برادرند و در نزد هر برادر چیزی از برادر برتر نیست».<sup>۵</sup> امام باقر علیه السلام فرموده است: «برای خداوند بهشتی است که جز سه دسته در آن وارد نمی‌شوند: کسی که به حق بر زیان خود حکم کرده، کسی که به خاطر خدا برادر مؤمنش را دیدار کرده، و کسی که برای خدا برادر مؤمنش را برگزیده است».<sup>۶</sup> از ابان بن تغلب نقل شده که گفته است: به همراه ابی عبدالله علیه السلام طواف می‌کردم، مردی از اصحاب ما با من برخورد کرد و از من خواست برای حاجتی به همراه او بروم و با دست اشاره کرد، من خوش نداشتم اباعبدالله علیه السلام را رها کنم و به سوی او روم. در این میان که طواف می‌کردم دوباره به من اشاره کرد، ابی عبدالله علیه السلام فرمود: «ای ابان این تو را می‌خواهد؟» عرض کردم: آری، فرمود: «او کیست؟» گفتم: مردی از اصحاب ماست، فرمود: «او بر مثل آن چیزی است که تو برآنی؟» گفتم: آری، فرمود: «برو به سوی او»

۱- بحارالانوار، ۱۲۷/۷۵ و ۸/۷۵؛ احیاء علوم الدین، ۱۴۲/۲.

۲- برادر راستین تو کسی است که با تو باشد، و کسی است که به خودش ضرر زند تا به تو سود رساند.

۳- و کسی است که هرگاه حوادث زمانه در خانه در کارت پدید آورد، در راه تو نابسامان شود تا به وضع تو سامان دهد.

۴- الحکم، ۴۷۷/۱؛ تحف العقول، ۴۷۷/۱؛ بحار، ۶۴/۷۵ و ۶۴/۷۸.

۵- الحکم، ۴۹۷/۲؛ تحف العقول، ۱۷۳؛

۶- اصول کافی، ۱۴۸/۲.

عرض کردم: طواف را قطع کنم؟ فرمود: «آری» گفتم: هر چند طواف واجب باشد؟ فرمود: «آری».

گفته است: من به سوی آن مرد رفتم، سپس بر امام عليه السلام وارد شدم و از آن حضرت خواستم که مرا از حق مؤمن بر مؤمن آگاه کند.

فرمود: «این موضوع را واگذار و در آن وارد مشو»، عرض کردم: آری قربانت شوم، فرمود: «ای ابان این موضوع را واگذار و خواهان آن مباش»، عرض کردم: آری قربانت شوم. و پیوسته درخواست خود را تکرار کردم. فرمود: ای ابان! نیمی از مالت را با او تقسیم کن» سپس به من نظر افکند و به آنچه در درونم گذشت توجه کرد و فرمود: «ای ابان! هرگاه نصف مالت را با او قسمت کردی و پس از آن نسبت به او ایثار نکردی تو و او با هم برابرید لیکن هرگاه از نصف دیگر نیز به او ببخشی در این صورت ایثار کرده و او را بر خود مقدم داشته‌ای».<sup>۱</sup>

شاید جالبترین صورت ایثار که تاریخ آن را نقل می‌کند چیزی است که غزالی در احیاءالعلوم ذکر کرده و گفته است:

امام علی بن ابی طالب عليه السلام با خوابیدن در بستر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شب هجرت آن حضرت از مکه به مدینه جانش را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله ساخت، و او را با خون خود حفظ کرد از این رو خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرمود که: من میان شما عقد برادری جاری کرده‌ام و عمر یکی از شما را طولانی‌تر از عمر دیگری قرار داده‌ام پس کدام یک از شما حیات خود را به دیگری ایثار می‌کند، آنها هر کدام حیات خود را دوست داشته و آن را اختیار کردند. خداوند به آنها وحی فرمود: آیا شما مانند علی بن ابی طالب نبودید که میان او و پیامبرم محمد صلی الله علیه و آله پیوند برادری برقرار کردم در حالی که علی در بستر پیامبر خوابید و جانش را فدای او ساخت و زندگی خود را به او ایثار کرد، اکنون به زمین فرود آید و او را از دشمنانش حفظ کنید.

لذا جبرئیل بر بالای سر و میکائیل در پایین پای او نشسته و می‌گفتند: آفرین بر مثل تو ای پسر ابی طالب خداوند به وجود تو بر فرشتگان مباحثات می‌کند. سپس خداوند به این

آیه را درباره علی عَلِيٍّ فرو فرستاد: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ.<sup>۱</sup>

از مظاهر جالب ایثار چیزی است که درباره مردی از اصحاب پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند مبنی بر این که به مردی از اصحاب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کله بریان شده گوسفندی هدیه شد، وی گفت برادر (دینی) من فلان و عیال او به آن محتاج‌ترند و آن را نزد او فرستاد، وی هنگامی که آن را گرفت نیز گفت: برادر (دینی) من فلان از من به این نیازمندتر است و آن را نزد وی ارسال داشت و به همین گونه هر یک از آنها برادر خود را بر خویش ترجیح می‌داد و کله گوسفند را برای او می‌فرستاد تا میان هفت خانواده دست به دست شد و نزد برادر نخستین بازگشت از این‌رو خداوند درباره آنها این آیه را فرو فرستاد: وَيُؤْتِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.<sup>۲</sup>

درباره سبب نزول آیه مذکور نیز روایت شده که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اموال قبیله بنی‌نضیر را پس از شکست آنها در جنگ میان مهاجران تقسیم فرمود و به انصار جز به سه نفر از آنها که نیازمند بودند چیزی نداد و به آنان فرمود: «اگر می‌خواهید اموال و خانه‌هایتان را با مهاجرین قسمت کنید و در این غنایم، با آنها شریک باشید، و اگر مایلید خانه‌ها و اموالتان از آن خودتان باشد از این غنایم بهره‌ای به شما نمی‌رسد»، انصار عرض کردند: ما اموال و خانه‌هایمان را با مهاجران قسمت می‌کنیم و در این غنایم آنها را بر خودمان ترجیح می‌دهیم و در آن با آنها شریک نمی‌شویم، لذا این قول خداوند درباره آنها نازل شد: <sup>۳</sup> وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْاِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ اِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُوْرِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا اُوْتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.<sup>۴</sup>

۱- بقره ۲۰۷: برخی از مردم جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.

۲- حشر ۹:... و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند سخت فقیر باشند.

۳- بحار الانوار، ۳۹/۱۹ و ۱۹/۶.

۴- حشر، ۹: و کسانی که در دارالهجرت و در خانه ایمان (سرزمین مدینه) پیش از مهاجران مسکن گزیدند آنها کسی را که به سویشان هجرت کرده دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند سخت فقیر باشند.

## ۱۸- اندرز

نصیحت و اندرز از بزرگترین لوازم محبت و مهم‌ترین ارکان مودت است، و دوستی و برادری وقتی به کمال می‌رسد که نصیحت و ارشاد پیشرو و انگیزه آن باشد، و کسی که نصیحت‌گوی برادر دینی خویش نباشد برادر نیست. از این‌رو هر گاه در برادر مؤمن خویش نارسایی یا عیبی یافتی باید بکوشی با لطف و مدارا او را بر نقص خود راهنمایی و به عیب خویش آگاه سازی تا نقص خود را بر طرف کند و عیب را از خود بزدايد. در این صورت نسبت به او نیکی کرده‌ای و در برابر آن استحقاق پاداش بزرگ از سوی خداوند و سپاس فراوان از سوی برادر دینی خود داری.

باید بدانی که اگر در نصیحت و ارشاد او اهمال ورزی در روز قیامت مسؤول خواهی بود، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «هر مؤمنی با کسی همنشین شود در روز قیامت نسبت به او مسؤول خواهد بود هر چند به اندازه یک ساعت از روز باشد».<sup>۱</sup> باید اندرز دادن تو به او پنهانی باشد چه در این صورت است که در دل جایگزین می‌شود، و نصیحت آشکار درست عکس آنچه را از آن انتظار و از او امید داری در او ایجاد خواهد کرد، از این‌رو امام حسن عسکری علیه السلام فرموده است: «کسی که برادر دینی خود را پنهانی اندرز دهد او را آراسته، و کسی که آشکارا او را نصیحت کند وی را رسوا کرده است».<sup>۲</sup>

بدان وفادارترین و دوستدارترین دوستان تو و صادقترین آنها در دوستی و برادری کسی است که تو را به معایب نفسانیت آشنا و به نقاط ضعف شخصیت خویش راهنمایی کند تا بتوانی نفس خود را تهذیب و خطاهایت را جبران کنی، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «بهترین دوستان کسی است که تو را صادقانه اندرز دهد و در محافل زینت بخش تو باشد و در برابر دشمنت تو را یاری دهد».<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام فرموده است: «محبوبترین دوستانم کسی است که عیبهایم را به من

۱- احیاء علوم الدین، ۱۲۱/۲.

۲- تحف العقول، ۳۶۸/۱.

۳- بحار الانوار، ۲۷۰/۷۱.

هدیه کند».<sup>۱</sup>

براستی در دوستی که اگر از برادر دینی او خطایی سرزند وی را ارشاد نکند و اگر مرتکب بدی شود وی را اندرز ندهد سودی نیست و دشمن از چنین دوستی به مراتب بهتر است، چنان که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «گاهی دشمن انسان بهتر از دوست اوست چه وی را به عیبهای او راهنمایی می کند و در نتیجه انسان از آنها دوری می جوید».

بهترین دوست آن است که نمونه صلاح و اصلاح و الگوی راه صواب و سداد باشد به طوری که رفتار او درسی عملی برای تو باشد و بتوانی آن را در رفتار خویش سرمشق قرار دهی و در روش خود به او اقتدا کنی و در تاریکیهای زندگی از او روشنی گیری، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «برادر تو کسی است که با دیدارش تو را موعظه کند پیش از آن که با گفتارش به تو اندرز دهد».<sup>۲</sup>

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام به این جنبه مهم زندگی دوستانه بسیار اهمیت داده اند و اوامر مؤکدّی از سوی آنها وارد شده است که باید انسان برادر دینی خود را در حضور و غیاب نصیحت کند تا پایه های دوستی و برادری براساس متین و محکمی استوار گردد و گر نه دوستی در معرض زوال و فروپاشی خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «مؤمن برادر مؤمن است نصیحت خود را به او در هیچ حالی ترک نمی کند».<sup>۳</sup>

نیز: «پارساترین مردم کسی است که به همه مسلمانان از روی دوستی بیشتر نصیحت کند و دلش نسبت به آنان پاکتر و سالمتر باشد».

نیز: «انسان باید برادر دینی خود را همواره نصیحت کند به همان گونه که خود را نصیحت می کند».<sup>۴</sup>

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «کسی را که از تو نصیحت بخواهد

۱- بحار الانوار، ۲۸۲/۷۱.

۲- مجموعه وزام، ۲۵/۲.

۳- بحار الانوار، ۱۶۰/۷۱.

۴- اصول کافی، ۱۶۳/۲؛ بحار الانوار، ۳۵۸/۷۱.

فریب مده».<sup>۱</sup>

نیز: «برادر دینی خود را خالصانه نصیحت کن چه خوب باشد و چه زشت، و او را در هر حال یاری کن و وی را در هر جا همراه باش».<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «بر مؤمن واجب است که مؤمن را نصیحت کند».<sup>۳</sup> نیز: «از کسی که تو را می‌گریاند پیروی کن که او نصیحت‌گوی توست، و از آن که تو را می‌خنداند پیروی مکن چه او فریب‌دهنده توست، و بزودی همگی بر خداوند وارد می‌شوید و آگاهی می‌یابید».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که در راه برآوردن حاجت برادر مؤمن خود گام بردارد لیکن او را نصیحت نکند به خدا و پیامبرش خیانت کرده است».<sup>۵</sup>

نیز: «بر مؤمن واجب است که مؤمن را در حال حضور و غیاب نصیحت کند».<sup>۶</sup> نیز: «هر مؤمنی که در پی حاجت برادر مؤمنش قدم بردارد لیکن او را نصیحت نکند مانند کسی است که به خدا و پیامبرش خیانت کرده و خداوند دشمن اوست».<sup>۷</sup>

بدان برای کسی که از تو نصیحت بخواهد حقی است که امام زین‌العابدین علیه السلام آن را بیان کرده و فرموده است: «و اما حق کسی که از تو نصیحت بخواهد آن است که او را نصیحت کنی و به اندازه توانایی خودش با او سخن‌گویی زیرا برای هر فردی مرتبه‌ای از گفتار است که آن را می‌شناسد و از آن دوری می‌کند، و باید روش تو مبتنی بر رأفت و رحمت باشد».<sup>۸</sup>

هنگامی که برادر مؤمنت تو را نصیحت می‌کند گوش و دلت را به سوی او روانه کن چه او دوست راستین توست و سعی کن که خوشحالی خود را از اندرزهای او و پذیرش

۱- الحکم، ۳۵۹/۲؛ الغرر، ۲۶۶/۱.

۲- تحف‌العقول، ۵۵/۱.

۳- بحارالانوار، ۲۸۷/۷۴.

۴- اصول کافی، ۶۳۸/۲.

۵- بحارالانوار، ۶۶/۷۲ و ۱۷۵/۷۲ و ۱۸۳/۷۲.

۶- اصول کافی، ۲۰۸/۲.

۷- اصول کافی، ۳۶۲/۲.

۸- تحف‌العقول، ۱۹۳/۱.

گفتار او را از سوی خود به وی بنمایانی، و با گفتار و کردار به نیکوترین و پاکیزه‌ترین نحوی از او شکر‌گزاری کن، چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «اندرز را از کسی که به تو اندرز داده بپذیر و با فرمانبرداری از کسی که آن را به سوی تو آورده با آن برخورد کن.»

مطمئن باش که تو منتهای نیاز را به دوستی نصیحت‌گو و رفیقی رهنما داری، چنان‌که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «کسی که موعظه‌گویی در دل و باز دارنده‌ای در درون و همنشینی رهنما در کنار خود ندارد دشمنش توانایی دارد که گلویش را بفشارد»<sup>۱</sup>.  
امام جواد علیه السلام فرموده است: «مؤمن به سه خصلت نیاز دارد: توفیقی از سوی خداوند، اندرزگویی درونی، و پذیرش از کسی که او را نصیحت کند»<sup>۲</sup>.

بدان که نصیحت‌کننده را نیز حقی است که امام‌زین‌العابدین علیه السلام آن را توضیح داده و فرموده است: «و اما حق نصیحت‌کننده آن است که در برابر او فروتنی کنی سپس دلت متوجه او باشد و به او گوش فرا دهی تا اندرزهای او را بفهمی پس از آن آنها را بررسی کن چنانچه در این امر موفق نبوده به او ترحم کن و او را متهم مکن و بدان او در نصیحت تو کوتاهی نکرده جز این که اشتباه کرده است و این در صورتی است که از نظر تو مستحق تهمت نباشد، و در هر حال امر او را مهم مشمار»<sup>۳</sup>.

سقراط گفته است: از چیزهایی که بیانگر مراتب خرد دوست تو و حسن اندرز او است این است که تو را به عیب‌های آگاه کند و آنها را از تو دور سازد، و به نیکیها تو را موعظه کند، و خود او با به کار بستن آنها از تو پند گیرد، و از بدیها تو را منع کند و خود از ارتکاب آنها باز ایستد.

مخالفت با نصیحت‌گوی مشفق که در دوستی صادق و در نصیحت پاک و مخلص است موجب حسرت و پشیمانی است چنان‌که امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «نافرمانی نصیحت‌کننده دانا و آزموده افسوس و پشیمانی به دنبال دارد»<sup>۴</sup>.

۱- بحار الانوار، ۱۸۷/۷۱.

۲- تحف العقول، ۳۴۰/۱؛ بحار الانوار، ۳۵۸/۷۸.

۳- تحف العقول، ۱۹۳/۱.

۴- بحار الانوار، ۸۰/۶۵، ۶۵/۶۵، ۱۴۹/۶۵ و ۲۸۱/۷۵.



امام صادق علیه السلام فرموده است: «با مرد خردمند و پرهیزگار مشورت کن چه او جز به نیکی دستور نمی‌دهد و از مخالفت با وی بپرهیز چه مخالفت با پارسای خردمند موجب تباهی دین و دنیا است»<sup>۱</sup>.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «و هرگاه خردمند نصیحت‌گو به تو پندی داد از مخالفت با آن بپرهیز که موجب نابودی است»<sup>۲</sup>.

هرگاه برادر دینی تو خواست با تو مشورت کند او را مخلصانه راهنمایی کن و در نصیحت او بکوش و مبادا در این امر کوتاهی کنی که در این صورت خداوند بر تو خشم خواهد گرفت، چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «کسی که برادر مسلمانش با او مشورت کند، و او خالصانه وی را نصیحت نکند خداوند خودش را از او سلب خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که برادر مسلمانش با او مشورت کند و بی‌غرضانه رأی خالص خود را اظهار نکند خداوند رأی او را از وی سلب خواهد کرد»<sup>۴</sup>.  
بدان کسی که از تو درخواست مشورت می‌کند نیز دارای حقی است که امام‌زین‌العابدین علیه السلام آن را بیان کرده و فرموده است: «و اما حق درخواست‌کننده مشورت این است که اگر رأی موجّه و پسندیده‌ای آماده داری در راهنمایی و نصیحت او بکوشی و بر طبق آنچه می‌دانی به او اندرز دهی به نحوی که اگر تو به جای او بودی همان کار را انجام می‌دادی و باید این عمل با رأفت و نرمش از سوی تو صورت گیرد زیرا نرمش ترس را آرام می‌کند و درشتی به جای آرامش ترس پدید می‌آورد. و اگر رأی پسندیده‌ای آماده نداری و کسی را می‌شناسی که به رأی او وثوق داری و آن را درباره خودت می‌پسندی وی را به سوی او راهنمایی و ارشاد کن که در این صورت در نیکی کوتاهی نکرده‌ای و در نصیحت و اندرز خودداری نورزیده‌ای»<sup>۵</sup>.

۱- بحارالانوار، ۱۰۱/۷۵ و ۲۵۴/۹۱.

۲- بحارالانوار، ۱۵۵/۱ و ۱۰۵/۷۲.

۳- بحارالانوار، ۲۱۲/۷۵؛ اصول کافی، ۲۶۳/۲.

۴- بحارالانوار، ۲۱۲/۷۵؛ اصول کافی، ۲۶۳/۲ و ۱۰۴/۷۲ و ۱۹۲/۷۴.

۵- تحف العقول، ۱۹۳/.

هرگاه برادر دینیت تو را به چیزی اندرز می‌دهد که مهر و محبت تو او را بدان وادار کرده است نظر او را بپذیر و به بهترین وجهی از او سپاسگزاری کن، و این را نصب‌العین خود قرار ده که نصیحت و مشورت گرانبهارترین چیزی است که برادر به برادر تقدیم می‌کند و ارزشمندترین چیزی است که دوست برای دوست ذخیره می‌سازد، چنان که پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «انسان مسلمان به برادر مسلمانش چیزی هدیه نمی‌کند که برتر باشد از سخن حکمت‌آمیزی که بر هدایت او بیفزاید یا او را از طریق هلاکت باز گرداند».<sup>۱</sup>

هرگاه کارها بر تو مشتبه شود و یا آراء و نظرها تعارض داشته باشد با برادر مؤمن خود مشورت کن و مشکل خود را برای او شرح ده و از آن پرده بردار و از رأی او کمک بگیر شاید با نیروی خود و اندیشه خود آنچه را درست است برایت روشن گرداند و با بینش خویش تو را به راه رستگاری رهنمون شود، چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «برای هر یک از شما چه مانعی دارد که اگر دچار رخدادی شود که توانایی مقابله با آن را ندارد با مردمی خردمند و دیندار و پرهیزگار مشورت کند، بدانید اگر چنین کند خداوند او را خوار نمی‌کند بلکه مرتبه او را بلند می‌گرداند و او را بهترین کارها و مترتب‌ترین آنها به خدا موفق می‌دارد».<sup>۲</sup>

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «مشورت با خردمند نصیحت‌گو موجب میمنت و برکت و رشد و توفیق از سوی خداست».<sup>۳</sup>

بدان این مشورت‌کننده را نیز حقی است که آن را امام‌زین‌العابدین عَلَيْهِ السَّلَام بیان کرده و فرموده‌اند:

«و اما حق مشورت‌کننده بر تو آن است که در آنچه به تو سفارش می‌کند لیکن با رأی تو موافق نیست وی را متهم نکنی چه اینها همه آراء و نظریات است که گویای چگونگی تصرفات و اختلافات مردم نسبت به آنهاست. و هرگاه رأی او را متهم و مشکوک می‌بینی در اختیار آن مخیری لیکن متهم کردن خود او چنانچه وی را شایسته مشورت می‌دانی

۱- بحارالانوار، ۲۵/۲.

۲- وسائل الشیعه، ۴۲/۱۲.

۳- بحارالانوار، ۱۵۵/۱، ۳۱۳/۷۵ و ۳۱۳/۷۸.

روا نیست». اما چنانچه آرای او با نظریات تو موافق است خدا را سپاس گوی و آنها را با تشکر از برادر دینی خود بپذیر و منتظر آن باش که اگر روزی به تو پناه آورد معامله به مثل کنی و آنها را جبران نمایی.<sup>۱</sup>

با هر کس مشورت مکن تا در مهلکه بیفتی و نابود شوی، چنان که پیامبر خدا ﷺ در وصیت خود به امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: ای علی با ترسو مشورت مکن چه او راه رهایی از مشکلات را بر تو سد می‌کند، و نیز با بخیل مشورت مکن زیرا او تو را از رسیدن به هدف باز می‌دارد، همچنین با حریص مشورت مکن چه او حرص را برایت آرایش می‌دهد.<sup>۲</sup>

بلکه تنها با کسی مشورت کن که شایستگی آن را داشته باشد و صفاتی را که امام صادق علیه السلام در حدیث زیر ذکر فرموده در او موجود باشد، فرموده است: «مشورت حدودی دارد که هرکس آن حدود را بداند از آن سود می‌برد و گرنه زیان آن برای خواهان مشورت بیش از سود آن است.

اول - آن که با کسی که مشورت می‌کنی خردمند باشد.

دوم - آزاد و دیندار باشد.

سوم - دوست و برادر باشد.

چهارم - آن که او را به راز خود مطلع کنی و او به همان گونه به راز تو آگاه باشد که تو به آن آگاهی سپس او آن را مکتوم و پنهان بدارد.

چه اگر او خردمند باشد تو از مشورت با او سود خواهی برد، و اگر آزاد و دیندار باشد در نصیحت تو منتهای کوشش رابه کار خواهد برد، و چنانچه دوست و برادر باشد راز خود را که بر او آشکار کرده‌ای مکتوم خواهد داشت، و هنگامی که او را از راز خود آگاه کنی و مانند تو بدان آگاه باشد مشورت و نصیحت به طور تمام و کمال انجام خواهد گرفت.<sup>۳</sup>

بنابراین هرگاه برادر دینی تو از این صفات برخوردار و همه این شرایط در او موجود

۱- تحف العقول، ۱۹۳/۱.

۲- علل الشرایع، ۵۵۹/۲.

۳- بحارالانوار، ۱۰۲/۷۵ و ۲۵۳/۹۱.

باشد بر تو باکی نیست به هنگام سختی و درگیری با مشکلات به او پناه ببری چه او شایسته آن است که از او کمک بخواهی و به او اعتماد و باوی مشورت کنی، چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «هرگاه حادثه‌ای برایت روی داد مبدا از آن نزد اهل خلاف شکوه کنی بلکه نزد یکی از برادران مؤمن خود آن را بیان کن چه تو هرگز از یکی از این چهار خصلت بی بهره نخواهی ماند: یا تو را کفایت و بی نیاز می‌کند، و یا با مقامی که دارد به تو کمک خواهد کرد، و یا دعای مستجاب خود را بدرقه‌ات می‌کند، و یا با مشورت با او از رأی وی سود خواهی برد».<sup>۱</sup>

### ۱۹- دوست را از محبت خود با خبر کردن

آیا چه می‌اندیشی اگر دوستت نزد تو بیاید و بگوید: «من خیلی تو را دوست می‌دارم» و بدانی که راست می‌گوید جز این است که از شنیدن گفتار او در درون خود احساس خشنودی و مسرت و نزدیکی و کشش قلبی می‌کنی؟ آری شک نیست که این حالات را در خود می‌یابی و درک می‌کنی که دوستی تو نسبت به او فزونی یافته و محبت تو به او گسترش پیدا کرده است. بنابراین خبر دادن دوست از محبت خود نسبت به او یکی از ارکان دوستی است و به همین سبب پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام انظار مردم را به این امر مهم که موجب نزدیکی دلها و آمیختگی جانهاست متوجه ساخته‌اند. پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «هرگاه یکی از شما کسی را دوست بدارد او را از محبت خود با خبر کند».<sup>۲</sup>

نیز: «کسی که از آبروی برادر مؤمنش دفاع کند این عمل او برایش حجابی میان وی و آتش خواهد بود، و کسی که نسبت به برادر مسلمانش در دل خود محبتی احساس کند و او را از آن آگاه نسازد به او خیانت کرده است».<sup>۳</sup>

نیز: «هرگاه یکی از شما برادر مؤمنش را دوست بدارد او را آگاه کند که دوستش

۱- فروع کافی، ۶۳/۴.

۲- بحارالانوار، ۱۸۲/۷۱، (مضمون) و ۱۷۹/۷۱؛ احیاء علوم الدین، ۱۲۵/۲.

۳- مکارم الاخلاق، ۴۷۰/۱.

می‌دارد».<sup>۱</sup>

از انس نقل شده که گفته است: «مردی نزد پیامبر خدا ﷺ نشست بود، در این هنگام مرد عبور کرد، وی عرض کرد: ای پیامبر خدا من این مرد را دوست می‌دارم، پیامبر ﷺ فرمود: او را از آن آگاه کرده‌ای، گفت: نه فرمود: او را آگاه کن، آن مرد برخاست و به او پیوست و گفت: من به خاطر خدا تو را دوست می‌دارم آن مرد پاسخ داد: دوست بدارد تو را آن که مرا به خاطر او دوست می‌داری».

امام صادق علیه السلام فرموده است: هرگاه یکی از برادران مؤمن خود را دوست بداری او را از آن آگاه کن، چه ابراهیم علیه السلام گفت: رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيْطْمَئِنَّ قَلْبِي. <sup>۲</sup>

نیز فرموده است: «هرگاه کسی را دوست بداری او را از آن آگاه کن زیرا این امر دوستی میان شما را پایدارتر می‌کند».<sup>۳</sup>

دیل کارنگی سخن «لینکلن» را ذکر کرده که گفته است: آن جا یک مثل قدیمی است که می‌گوید: یک چکّه عسل بیش از یک بشکه حنظل مگس شکار می‌کند، حال افراد بشر نیز به همین گونه است چه اگر بخواهی کسی را به سوی خود جلب کنی باید او را قانع کنی که دوست مخلص او هستی و همین کار به منزله آن چکّه عسل است که دل او را شکار می‌کند و برای به دست آوردن دل او جز این راهی نیست.

## ۲۰- دعا برای دوست

روشنترین دلیل بر محبت و مودت صادقانه انسان نسبت به برادر مؤمن خود و اخلاص او در برادری و دوستی دعا و طلب خیر و توفیق از خداوند برای اوست چه دعا رابطه خاص بنده با پروردگار و پیوند نهانی میان خالق و مخلوق است که جز خداوند کسی بر آن آگاه نمی‌شود از آن رو جز دوستان راستین و آنهایی که در برادری و دوستی

۱- مصادقة الاخوان، ۷۲/.

۲- بقره ۲۶۰: پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی: فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای، عرض کرد چرا، ولی می‌خواهم دلم آرامش یابد...

۳- اصول کافی، ۶۴۴/۲.

صادقند و ظاهر و باطن و نهان و آشکار آنها یکی است بدان اقدام نمی‌کنند، روشن است که اگر دوستش آگاه شود که او برایش دعا می‌کند و ثوق و اعتمادش به او افزایش می‌یابد و محبتش چند برابر می‌شود چه این امر نشانه روشنی بر صدق دوستی و اخلاص اوست و دلیل قاطعی بر آن است که وی در ظاهر و باطن با او دوست و برادر است چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوست آن است که در غیاب صادق باشد»<sup>۱</sup>.

دعای برادر مؤمن درباره برادرش مستجاب است زیرا دعای او برانگیخته از دلی صادق و راستین است و در آنچه در خواست می‌کند مخلص است و خداوند وعده کرده است دعای صادقان را اجابت کند و آرزوی مخلصان را تحقق دهد و خداوند هرگز از وعده خود تخلف نمی‌کند، از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «دعای انسان درباره برادر مؤمنش به اجابت می‌رسد در حالی که ممکن است همان دعا درباره خودش به اجابت نرسد»<sup>۲</sup>.

نیز: «دعای انسان درباره برادر مؤمنش در غیاب او رد نمی‌شود»<sup>۳</sup>.

هنگامی که دعا کننده برای برادر مؤمنش دعا می‌کند رحمت و برکت الهی به قدری که مایه روشنی چشم اوست بر او نازل می‌شود و خداوند کرم و توصل خود را شامل حالش می‌سازد آنچه را برای برادر مؤمن خود خواسته است به او عطا می‌کند، چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هنگامی که انسان برای برادر مؤمنش در غیاب او دعا می‌کند فرشته می‌گوید: و همانند آن برای توست»<sup>۴</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «دعای مسلمان برای برادر مؤمنش در غیاب او روزی را به سوی دعا کننده جلب می‌کند و بلا را از او بر می‌گرداند و فرشتگان به او می‌گویند: برای تو دو برابر آن است»<sup>۵</sup>.

نیز: «دعای چهار کس رد نمی‌شود: دعای پیشوای عادل برای رعیت خود، دعای

۱- الحکم، ۵۵۸/۱؛ الغرر، ۲۵.

۲- احیاء علوم الدین، ۱۳۰/۲.

۳- وسائل الشیعه، ۱۰۹/۷؛ احیاء علوم الدین، ۱۳۰/۲.

۴- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۸۴؛ وسائل الشیعه، ۱۰۹/۷.

۵- اصول کافی، ۵۰۷/۲.

برادر برای برادر مؤمنش در غیاب او، فرشته‌ای که موکل است می‌گوید: و برای توست همانند آنچه برای برادرت دعا کرده‌ای و دیگر دعای پدر درباره فرزندش، و نیز دعای مظلوم و ستمدیده، خداوند می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند برای تو انتقام می‌گیرم اگر چه مدتی بگذرد»<sup>۱</sup>.

نیز: «کسی که برای برادر مؤمنش دعا کند خداوند بلا را از او دور و روزی را بر او سرازیر می‌کند»<sup>۲</sup>.

## ۲۱-گردهمایی دوستان و دیدار آنها با یکدیگر

شاید خوشترین ساعات زندگی انسان اوقاتی است که با یاران و دوستانش گرد هم آمده و در امور مختلف و موضوعات گوناگون با آنها به بحث و گفتگو می‌پردازد. این گرد هماییها فواید بزرگی را عاید آنها می‌سازد، چه درباره چیزهایی به گفتگو می‌نشینند که امور آنها را اصلاح و کارهایشان را تنظیم می‌کند، و هر یک با دوست خود به مشورت می‌پردازد، و هر کدام از آنها برادر مؤمنش را مورد نصیحت قرار می‌دهد، و دانشمندشان به نادانشان آموزش می‌دهد، و توانگرشان به مستمندشان کمک می‌کند، و توانای آنها به ناتوانشان یاری می‌دهد، در نتیجه الفت و همدلی میان آنها فزونی می‌یابد و دوستی و محبت آنها به یکدیگر چند برابر می‌شود، از این رو مشاهده می‌شود پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام به تشکیل این گونه مجالس دستور داده و اجتماع دوستان و دیدار آنها را یا یکدیگر محبوب شمرده‌اند.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «مَثَلُ دُوِّ بَرَادِرٍ دِينِي بِه هَنْگَامِي كِه يَكْدِيگَر رَا دِيْدَار مِي كَنْنَد مَثَلُ دُو دَسْتِ اسْتِ كِه يَكِي دِيگَرِي رَا مِي شُوِيْد. هَرْگَز دُو مَوْمِن يَكْدِيگَر رَا دِيْدَار نَمِي كَنْنَد جَز اِيْن كِه خُدَاوَنْد فَايْدِه اِيْ اَز يَكِي بَه دِيگَرِي مِي رَسَاَنْد»<sup>۳</sup>.

امام باقر علیهما السلام فرموده است: «گردد هم آييد و با هم گفتگو كنيد كه در اين حال فرشتگان

۱- بحار الانوار، ۴۷/۷۴.

۲- بحار الانوار، ۲۲۲/۱.

۳- جامع السعادات، ۲۵۵/۲.

به دور شما حلقه می زنند، خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده بدارد.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام فرموده است: «از خدا بترسید و نسبت به هم برادرانی نیکو کار باشید و به خاطر خدا یکدیگر را دوست بدارید و به هم نزدیک و مهربان باشید، به دیدار همدیگر بروید و با هم ملاقات و در امر ما گفتگو و آن را زنده کنید.»<sup>۲</sup>

نیز: «سه تن یا بیشتر از مؤمنان گرد هم نمی آیند جز این که به تعداد آنها فرشتگان حضور می یابند، اگر مؤمنان دعای خیر کنند آنها آمین می گویند، و اگر از شری به خدا پناه برند آنها دعا می کنند که خداوند آن را از آنها برگرداند، و اگر حاجتی از خدا بخواهند آنها واسطه می شوند و برآوردن آن را از خدا در خواست می کنند.»<sup>۳</sup>

خیثمه گفته است: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم تا با او تودیع کنم زیرا قصد مسافرت داشتم، آن حضرت فرمود:

«به دوستانمان سلام برسان و آنها را به تقوای الهی وصیت و به آنها سفارش کن ثروتمندان آنها به مستمندانشان و توانمندان آنها به ناتوانان آنها کمک کنند، و زنده ها بر جنازه مردگان حاضر شوند، و در خانه هایشان همدیگر را دیدار کنند چه دیدار برخی از آنها با برخی دیگر مایه زنده ماندن امر ماست.»<sup>۴</sup>

نیز: «هرگاه سه تن مؤمن در نزد برادر خود که از شر او ایمن بوده و از آزار او بیم نداشته و به او امید خوبی داشته باشند اجتماع کنند اگر خدا را بخوانند آنها را اجابت می کند و اگر از او بخواهند به آنها عطا می کند و اگر درخواست زیادتی کنند بر عطای خود می افزاید، و اگر سکوت ورزند خداوند بخشش خود را آغاز می کند.»<sup>۵</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «بکشید اوقاتتان را چهار بخش کنید، بخشی برای راز و نیاز با خدا، بخشی برای امور معاش، بخشی برای معاشرت با دوستان و معتمدانی که عیبهایتان را به شما معرفی می کنند و در باطن به شما اخلاص دارند،

۱- مصادقه/لاخوان / ۳۸.

۲- اصول کافی / ۱۷۵.

۳- اصول کافی، ۱۸۷/۲.

۴- مصادقه/لاخوان، / ۳۴.

۵- بحارالانوار، ۳۵۵/۷۱.



۱. «...».

میسر گفته است: امام جواد علیه السلام به من فرمود: «آیا شما خلوت می‌کنید و درباره هر چه بخواهید سخن می‌گویید؟».

عرض کردم: آری خلوت می‌کنیم و پیرامون آنچه بخواهیم گفتگو می‌کنیم. فرمود: «آگاه باشید به خدا سوگند دوست داشتم در برخی از این انجمنها با شما می‌بودم، بدان به خدا سوگند من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم، چه شما بر دین خدا و بر دین فرشتگان او هستید. پس ما را با تقوا و اجتهاد خود یاری کنید».<sup>۲</sup> اسلام به خاطر اهمیتی که در جهت گرد آمدن دوستان و دیدار آنها با یکدیگر دارد نظر کردن به چهره برادر دینی را عبادت شمرده است تا این امر انگیزه‌ای برای نزدیکی آنان به یکدیگر باشد، و هرگاه از گفتگو و مذاکره و مشاوره سودی عاید آنها نشود به طور قطع از نظر کردن به چهره یکدیگر که عبادت است فایده برند و استحقاق اجر و ثواب الهی را پیدا کنند، از این رو امام زین العابدین فرموده است: «نگاه مؤمن از روی مودت و محبت عبادت است».<sup>۳</sup>

## ۲۲- شکر و ستایش در برابر کار نیک

هرگاه دوست خود بلکه هر انسانی را مشاهده کردی که به کار خوبی اقدام کرده یا کمکی به تو ارزانی داشته و یا به نیکی با تو رفتار کرده از شکرگزاری و قدردانی و ستایش او دریغ مکن چه این امر پاکیزه‌ترین احساسات او را نسبت به تو بر می‌انگیزد و این قدردانی تو جبرانی در برابر حسن رفتار او به شمار می‌آید، و احسانی است که نسبت به او روا داشته‌ای و این جبران و احسان در خور شکرگزاری و به یاد ماندنی است.

اگر همه دوستان توافق کنند که از همدیگر تشکر و کارهای یکدیگر را تقدیر و تحسین کنند محبت میان آنان چند برابر می‌شود و در میدان عمل و فعالیت پیشی

۱- تحف العقول، ۳۰۷/.

۲- مصادقة الاخوان، ۳۲/ بحارالانوار، ۲۶۰/۷۱.

۳- بحارالانوار، ۲۸۰/۷۱ و ۱۴۰/۷۵.

می‌گیرند چه تقدیر و تشویق بزرگترین انگیزه برای پیشرفت و بزرگترین عامل برای حصول تکامل و ترقی است.

دیل کارینگی می‌گوید: پس ما باید بکوشیم صفات پاکیزه هر انسانی را که دیدار می‌کنیم بشناسیم. تملق و چاپلوسی را باید فراموش کنی، خالصانه و بی‌شایبه تحسین خود را به کارگیری، در ستایش و قدرشناسی دریغ مکن چه مردم سخنان تو را در حافظه خود نگه می‌دارند و در طول سالیان دراز آنها را تکرار می‌کنند حتی در زمانی که تو آنها را به کلی فراموش کرده‌ای.

نیز می‌گوید: همانا هر کسی را که دیدار می‌کنی احساس می‌کند دست کم از یک جنبه بر تو برتری دارد، و در این که بتوانی به قلب او راه یابی تنها یک راه وجود دارد و آن این که او را به طور مستقیم متوجه کنی که تو به اهمیت او اعتراف داری و خالصانه به آن اقرار می‌کنی، و قول «ایمرسون» را به یاد آور که گفته است: هر شخصی را که دیدار می‌کنم دست کم از یک جنبه بر من برتری دارد و ممکن است از همین جنبه من از او چیز فراگیرم و درس بیاموزم.

سپس دیل کارننگی بحث خود را با این جملات پایان می‌دهد:

هرگاه می‌خواهی مردم تو را دوست بدانند از قاعده شماره ۶ پیروی کن:  
«قدرشناسی مخلصانه خود را نسبت به دیگری به طور کامل انجام، و او را در وضعی قرار ده که اهمیت آن را درک کند».

نیز می‌گوید: «برای این که مردم را رام و با خود همراه کنی بی آن که نسبت به آنها بدی ورزی و دشمنی آنها را برانگیزی از قاعده شماره ۱ پیروی کن:  
«با ستایش پاکیزه و قدرشناسی خالصانه سخن را آغاز کن»

اینها سخنانی است که دیل کارننگی درباره قدردانی انسان نسبت به دیگران و ستایش او از کردار و گفتار کسانی که سزاوار ستایش و تقدیرند گفته است و اینک به آنچه از پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام درباره این موضوع مهم وارد شده است توجه کن تا بدانی آنها در هیچ مورد از راهنمایی و ارشاد کوتاهی نکرده و در هر امر مهم که در خوشبختی و سعادت جامعه بشری دارای تأثیر است دستورهای جامع و کافی داده‌اند.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی که کار نیکی برای شما انجام داد به او تلافی کنید و اگر توانایی تلافی ندارید برای او دعا کنید تا حدی که یقین کنید تلافی کرده‌اید».<sup>۱</sup>  
نیز: «کسی که کار نیکی برای شما انجام داد به او تلافی کنید و اگر توانایی ندارید او را بستایید چه ستایش پاداشی است».<sup>۲</sup>

نیز: «بر کسی که به او احسانی کرده‌ای حق است که آن را تلافی کند و اگر نکند عمل تو را بستاید و اگر این کار را نیز نکند ناسپاسی کرده است».<sup>۳</sup>

پیامبر خدا ﷺ در دعای خود می‌فرمود: «بار الها من از دوست بد اندیش به تو پناه می‌برم، چشمانش مرا می‌نگرد و دلش مراقب من است اگر عمل خوبی از من ببیند آن را پنهان می‌کند و اگر کار بدی از من مشاهده کند آن را پخش می‌کند».<sup>۴</sup>

علی علیه السلام به هنگامی که مالک اشتر او را به حکومت مصر منصوب کرد وصیّت می‌کند:

«جنگاوران و دلیران را در بر آوردن آرزویشان به حدّی که منتهای آرزوی توست اختصاص ده و این امر را از طریق بذل نصیحت و ستایش نیکو و سرپرستی ملاحظت‌آمیز نسبت به یکایک آنها به انجام برسان و در هر جا آزمایش خوبی داده‌اند از آن یاد کن چه یادآوری مکرر کارهای خوب آنها از سوی تو دلیر را به جنبش در می‌آورد و از کار باز مانده را به کار و می‌دارد».<sup>۵</sup>

امام حسن مجتبی علیه السلام دوست شایسته را بدین‌گونه توصیف می‌کند: اگر از تو کار نیکی مشاهده کرد آن را بر می‌شمارد و پخش می‌کند».<sup>۶</sup>

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرموده است: «محمد بن شهاب زهری بر علی بن الحسین علیه السلام وارد شد در حالی که افسرده و اندوهگین بود، امام زین العابدین به او

۱- بحارالانوار، ۱۵۲/۷۴ و ۱۵۴/۷۷.

۲- بحارالانوار، ۴۳/۷۲.

۳- بحارالانوار، ۱۶۰/۷۷.

۴- وسائل الشیعه، ۳۹/۲۰.

۵- بحارالانوار، ۲۴۸/۷۴ و ۲۴۹/۷۷.

۶- بحارالانوار، ۱۳۹/۴۱ و ۱۳۹/۴۴.

فرمود: چه شده است که دلتنگ و غمگینی؟ پاسخ داد: ای فرزند پیامبر هم و غم پیایی بر من وارد می‌شود و این به سبب آن است که من کسانی را که به نعمتهای من حسد می‌ورزند، و در من طمع دارند، و آنانی را که امید به آنها بسته‌ام و کسانی را که به آنها احسان کرده‌ام آزموده‌ام و در مورد همه آنها گمانم بر خطا رفته است.

امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «زبان‌ت را نگهدار تا بر دوستان‌ت قدرت یابی».

زهری گفت: ای فرزند پیامبر خدا من در برابر شتاب در گفتار به آنها احسان می‌کنم، امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود: هیئات که از این عمل خود خشنود باشی، و زینهار از این که سخنی بگویی که دلها بر انکار آن پیشی می‌گیرد، و اگر برای آن عذری داری باید بدانی که برای همه کسانی که آن را به گوششان می‌رسانی نمی‌توانی عذری داشته باشی. ای زهری! کسی که خودش از کاملترین چیزهایی نباشد که در اوست هلاک او از ساده‌ترین چیزهایی است که در اوست.

ای زهری! بر توست که مسلمانان را به منزله افراد خانواده خود قرار دهی، بزرگسالان آنها را در حکم پدر و خردسالان آنها را به منزله فرزند و همسالان آنها را همچون برادر خود بدانی، در این صورت می‌خواهی به کدام یک از آنها نفرین کنی؟ و می‌خواهی پرده کدام یک از اینها را بدری؟ اگر شیطان به تو وانمود کرده که بر یکی از اهل قبله برتری داری بنگر اگر آن کس از نظر سنّ از تو بزرگتر است بگو: وی در ایمان و عمل صالح بر من سبقت دارد پس از من بهتر است، و اگر به سال از تو کوچکتر است بگو: من در گناه و معصیت بر او پیشی گرفته‌ام پس او از من بهتر است، و اگر همسن و سال توست بگو: من به گناهان خود یقین و در امر او شک دارم پس نباید با شک یقین خود را رها کنم، و اگر می‌بینی مسلمانان تو را بزرگ می‌دارند و احترام و تجلیل می‌کنند بگو: این فضیلتی است که آنها را به کار بسته‌اند، و اگر تو از آنها بد رفتاری مشاهده کنی و از آن دلتنگ باشی بگو: این به سبب گناهی است که مرتکب شده‌ام. هرگاه چنین کنی زندگی بر تو آسان و دوستانت زیاد و دشمنانت کم خواهد شد و به نیکیهای آنها خوشحال خواهی گردید و از بد رفتاری آنها دلتنگ نخواهی شد. و بدان گرامیترین مردم

نزد مردم کسی است که خیر او بر آنها بسیار و خود از آنان بی‌نیاز و پرهیزگار باشد.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام در توصیف انسان مؤمن فرموده است: «کسی را دیدار نمی‌کند جز این که می‌گوید: بهتر و پرهیزگارتر از من است. چه مردم دو گونه‌اند: کسی است که بهتر و پرهیزگارتر از اوست، و کسی است که بدتر و پست‌تر از اوست. هنگامی که بهتر از خود را دیدار می‌کند در برابر او فروتنی می‌کند تا به او بپیوندد و چون بدتر و پست‌تر از خود را می‌بیند بگوید: شاید بدی او ظاهری و خیر او باطنی و پنهان باشد. انسان اگر چنین رفتار کند بی‌شک بر اهل زمان خود برتری و آقایی می‌یابد».<sup>۲</sup>

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «کسی که به او احسانی شده است باید آن را تلافی کند و تلافی آن نیست که معامله به مثل کنی مگر آنگاه که برتری خود را نشان دهی چه اگر معامله به مثل کنی برتری از آن اوست که احسان را آغاز کرده است».<sup>۳</sup>

امام عسکری علیه السلام فرموده است: «بهترین دوستان کسی است که گناهت را فراموش کند و احسانت را به او به یاد آورد».<sup>۴</sup>

بلکه حتی اگر بدانی دوست تو قصد خیر خود را در دل پنهان می‌کند و در این راه عملی انجام نمی‌دهد بر توست که در برابر نیت خیر او وی را مورد تحسین و ستایش قرار دهی چه کسی که در شکر نیت سستی می‌کند در شکرگزاری از عمل نیز سستی خواهد کرد، از این رو امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «کسی که دوستش را در برابر حسن نیت او نستااید کار نیک او را نیز نخواهد ستود».<sup>۵</sup>

دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره احسان به کسی که شکر آن را به جا نمی‌آورد این است که تضييع احسان است همچنان که دوستی با کسی که وفا ندارد نیز تضييع آن است چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: چهار چیز است که ضایع و باطل می‌شود: دوستی نسبت به کسی که وفا ندارد، کار نیک درباره کسی که شکر آن را به جا

۱- بحارالانوار، ۱۵۵/۷۱.

۲- بحارالانوار، ۱۰۸/۱.

۳- بحارالانوار، ۴۳/۷۲ و ۴۴/۷۲.

۴- بحارالانوار، ۳۷۹/۷۸.

۵- الحکم، ۴۵۳/۲؛ بهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۳۱۱/۲۰.

نمی آورد، دانش کسی که برای او شنونده ای نیست و و رازی به کسی سپرده شود که از استحکام عقل و راز داری بی بهره است».<sup>۱</sup>

بلی هرگاه انسان در ستایش خود زیاده روی کند و ممدوح را بیش از آنچه سزاوار اوست بستاید این عمل از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام چاپلوسی و زشت است و چنانچه در ستایش او کوتاهی ورزد و کمتر از آنچه در خور اوست وی را توصیف کند از نظر آنها به حقّ او ستم کرده است، و این سخن امیرمؤمنان علیه السلام گویای همین مطلب می باشد که فرموده است: «ستایش بیش از استحقاق چاپلوسی و کمتر از آن ناتوانی یا حسد است».<sup>۲</sup>

### ۲۳- نیکی در برابر بدی

نیکی در برابر بدی صفتی است برجسته که از بزرگترین موهبت های الهی و عالیترین ملکات انسانی به شمار می آید و تنها طبقه عالی جامعه که نفسشان تزکیه شده و دل هایشان پاکیزه و وجدانشان پاک و درونشان به صلاح آراسته است از این صفت ارزشمند انسانی برخوردارند. و تأثیر آن در نفوس مردم بسیار زیاد و غیر قابل انکار است. این صفت والا از مهمترین ارکان دوستی و برادری و مؤثرترین عامل انس و آشنایی و بزرگترین انگیزه محبت و نزدیکی مردم به یکدیگر است. چه احسان در انسان مؤثر است و باعث تملک قلب اوست از این رو خداوند به این امر دستور داده و مردم را بدان دعوت و تشویق کرده است.

خداوند فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ**.<sup>۳</sup>

نیز: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ**.<sup>۴</sup>

نیز: **وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**.<sup>۵</sup>

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دلها بر محبت کسانی که به آنها نیکی می کنند و بر دشمنی

۱- الموعظ، ۱۲۶/.

۲- بحار الانوار، ۲۹۵/۷۳.

۳- نحل ۹۰/ : خداوند به عدل و احسان... فرمان می دهد.

۴- نحل ۱۲۸/ : خداوند با کسانی است که تقوا پیشه می کنند و کسانی که نیکوکارند.

۵- آل عمران ۱۳۴/ : و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

کسانی که به آنها بدی می‌کنند سرشته شده است».<sup>۱</sup>  
 امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «به هر کس که خواهی نیکی کن تا فرمانروای او شوی».<sup>۲</sup>

یکی از شاعران این معنا را گرفته و گفته است:

أَحْسِنُ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعْبِدُ قُلُوبَهُمْ      فطالما استعبد الانسان احساناً<sup>۳</sup>  
 چون نیکی به کسی که به تو بدی کرده عالیتین مرتبه و بزرگترین منزلت است و  
 بیشترین تأثیر را در اصلاح نفوس دارد. قرآن کریم ما را بدان ارشاد کرده و در توصیف  
 مؤمنان فرموده است: وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ<sup>۴</sup> و نیز: إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ  
 وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ.<sup>۵</sup>

از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام دستورهای بسیار وارد شده که مردم را  
 تشویق می‌کند بر این که در برابر بدی نیکی کنند، و سیئات را با حسنات دفع کنند بویژه  
 بادوستان چنین باشند تا با خوشبختی و شادکامی زندگی را به سر برند.

روش پیشوایان معصوم علیهم السلام سر مشقی نیکو و الگوی روشنی است که باید از آن  
 پیروی و به آنها اقتدا کرد، چه آنان سنگدلی و بدرفتاری دشمنان را با بردباری و اخلاق  
 کریمانه و گذشت‌های بزرگ و شکیبایی و نیکی به بدان و بخشش به آنان پاسخ می‌دادند.  
 انس بن مالک روایت کرده که من به همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌رفتم و آن حضرت  
 عبایی با حاشیه ضخیم بر دوش داشت در این هنگام مردی اعرابی با او برخورد کرد و  
 عبا را به سختی از دوش او کشید به طوری که وقتی من به صفحه گردن آن حضرت  
 نگرستم اثر حاشیه ضخیم عبا را بر روی آن به سبب کشیدن شدید مشاهده کردم. سپس  
 اعرابی گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم دستور ده از مال خدا که در نزد توست به من بدهند،

۱- مصادقة الاخوان، ۵۵؛ تحف العقول، ۲۶/.

۲- بحار الانوار، ۴۱۱/۴.

۳- به مردم نیکی کن تا دلهای آنها را بنده خود سازی؛ دیر زمانی است که احسان انسان را به بندگی گرفته  
 است.

۴- رعد / ۲۲: ... و با نیکی بدی را از میان می‌برند.

۵- فصلت / ۳۴. بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سر سخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند.

پیامبر خدا ﷺ رو به او کرد و خندید و دستور بخشش داد. نیز روایت شده است که یک تن اعرابی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و چیزی خواست که آن حضرت به او داد، سپس به او فرمود: «آیا به تو نیکی کردم؟» اعرابی پاسخ داد: نه و خوبی نکردی، مسلمانان به خشم درآمدند و آهنگ او کردند پیامبر ﷺ اشاره فرمود که دست از او باز دارید، سپس برخاست و به درون منزلش رفت و چیزی بر عطایش افزود و برای او فرستاد. پس از آن به او فرمود: «آیا به تو نیکی کردم؟» پاسخ داد: آری خداوند از خانواده و عشیره به تو خیر دهد. پیامبر ﷺ به او فرمود: «تو پیش از این چیزی گفתי که در ذهن اصحابم اثر نامطلوبی به جا گذاشت، اگر دوست داری همان را که در حضور من گفתי در پیش روی آنها نیز بگو». پاسخ داد: آری. چون بامداد شد اعرابی آمد، پیامبر ﷺ فرمود: «این اعرابی چیزی گفت و من بر عطای خود به او افزودم و می‌گوید راضی هستم، آیا این طور است؟». پاسخ داد: آری خداوند از خانواده و عشیره به تو جزای خیر دهد. پیامبر ﷺ فرمود: «داستان من و این داستان مردی است که ناقه‌ای داشت و از او فراری شد مردم به دنبال آن افتادند که آن را برگردانند لیکن ناقه بر فرار خود می‌افزود، صاحب ناقه به مردم فریاد زد: مرابا ناقه‌ام واگذارید، من به آن مهربانتر و داناتر، سپس رو به سوی ناقه کرد که در پیش روی آن قرار داشت، و مقداری از خار و خاشاک زمین برگرفت و آن را برگردانید تا آنگاه که ناقه به زانو خوابید و او پالانش را بر آن بست و سوارش شد. و من اگر شما را به حال خود رها می‌کردم با توجه به آنچه این مرد گفت: او را می‌کشید و وارد دوزخ می‌شد».

روایت شده است که یک نفر شامی امام حسن بن علی علیه السلام را در حالی که سوار بر مرکب بود مشاهده کرد، وی شروع به دشنام دادن به او کرد و آن حضرت پاسخی نمی‌داد، هنگامی که ناسزا گویی وی به پایان رسید امام حسن علیه السلام رو به او کرد و به او سلام داد و خندید، سپس فرمود: ای پیرمرد گمان می‌کنم غریب باشی و شاید امر به تو مشتبه شده است، اگر از ما خشنودی بخواهی تو را خشنود می‌کنیم، و اگر چیزی از ما بخواهی به تو می‌دهیم، و اگر از ما راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می‌کنیم، و اگر از ما می‌خواهی سوارت کنیم سوارت می‌کنیم، و اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌کنیم، و اگر



برهنه‌ای تو را می‌پوشانیم، و اگر مستمندی بی‌نیازت می‌کنیم، و اگر آواره‌ای تو را جا می‌دهیم، و اگر حاجتی داری آن را بر می‌آوریم و اگر نزد ما فرود آیی و تا هنگام برگشت مهمان ما باشی برای تو سودمندتر است چه ما محلی فراخ و آبرویی وسیع و مالی فراوان داریم، هنگامی که آن مرد این سخنان را شنید گریست و گفت گواهی می‌دهم تو خلیفه خدا در روی زمینی و خداوند داناتر است به این که رسالتش را در کجا قرار می‌دهد، و تو و پدرت تا کنون منفورترین خلق خدا نزد من بوده‌اید و اکنون تو در نزد من محبوبترین آفریدگار خدایی.<sup>۱</sup>

عصام بن مصطلق که از مردم شام و اموی بود روایت کرده است که: به مدینه وارد شدم و حسین بن علی علیه السلام را مشاهده کردم که از هیأت و حسن منظر و زیبایی و جمالی شایان برخوردار بود، در این هنگام حسادت و کینه‌ای که از پدرش در دل نهفته می‌داشتم برانگیخته شد نزد او رفتم و گفتم: تو پسر ابوترابی؟ فرمود: آری، من بسختی او و پدرش را دشنام دادم، آن حضرت با نگاهی رأفت‌آمیز به من نگریست و فرمود: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَإِنَّمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ. وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ.**<sup>۲</sup> سپس به من فرمود: جوش نزن من برای تو و خودم از خداوند طلب آمرزش می‌کنم. اینک اگر تو از ما کمکی بخواهی به تو کمک می‌کنیم و اگر بخششی از ما می‌خواهی به تو می‌بخشیم، و اگر خواهان راهنمایی از مایی تو را راهنمایی می‌کنیم.

عصام می‌گوید: من از گفتار خود پشیمان شدم و آثار ندامت از این گستاخی بر چهره‌ام ظاهر شد، آن حضرت فرمود: **لَا تُتْرَبُ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.**<sup>۳</sup> سپس فرمود: تو از مردم شام هستی؟ گفتم: آری، فرمود: نیش عقرب نه از ره

۱- بحارالانوار، ۳۴۳/۴۳ و ۳۴۳/۴۰.

۲- اعراف / ۲۰۰ و ۲۰۱.... و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه بر که او شنونده و داناست. همانا پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد (خدا و پاداش و کیفرا و) می‌افتند و بینا می‌گردند، ولی (ناپرهیزگاران) برادرانشان (یعنی شیاطین) آنان را پیوسته در گمراهی پیش می‌برند و باز نمی‌ایستند.

۳- یوسف / ۹۲... امروز ملامتی بر شما نیست خداوند شما را می‌بخشد و او از همه مهربانان مهربانتر است.

کین است، خداوند ما و شما را سلامت بدارد، هر حاجتی داری و هر چه به نظرت می‌رسد برای ما توضیح ده به خواست خدا ما را محلّ نیکوترین حسن ظنّ خود خواهی یافت.

عصام گفته است: زمین خدا با همه پهناوری بر من تنگ شده بود، و دوست داشتم مرا در خود فرو برد سپس آهسته خود را از حضور او بیرون کشیدم در حالی که در روی زمین کسی از او و پدرش نزد من محبوبتر نبود.

نیز روایت شده است مردی از امام زین العابدین بدگویی کرد و به او تهمت زد. آن حضرت به او فرمود: «اگر من چنانم که تو گفته‌ای از خداوند طلب آمرزش می‌کنم، و اگر آن‌گونه که تو گفتی نیستم خدا تو را بیامرزد».

آن مرد برخاست و سر آن حضرت را بوسید و گفت: قربانت شوم شما آن‌گونه که من گفتم نیستی برایم طلب آمرزش کن، امام علیه السلام فرمود: «خداوند تو را بیامرزد». عرض کرد: **اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ**<sup>۱</sup>.

روایت شده است که مردی آن حضرت را در بیرون مسجد ملاقات کرد و به او دشنام داد، غلامان به او شوریدند، امام علی بن الحسین علیه السلام به آنها فرمود: آرام باشید، سپس رو به آن کرد و فرمود: «آنچه از امر ما بر تو پوشیده است بیشتر است، آیا تو را حاجتی است تا به تو کمک کنیم؟». آن مرد شرم‌منده شد و به خود آمد، امام علیه السلام رو لباسی خود را که بر دوش داشت و از خز بود به سوی او انداخت و دستور داد هزار درهم به او دادند، پس از این آن مرد می‌گفت: گواهی می‌دهم تو از پیامبر زادگانی<sup>۲</sup>.

نیز روایت شده است که مردی از اهل کتاب (یهودی یا نصرانی) به امام باقر علیه السلام گفت: تو بقری، امام علیه السلام فرمود: «نه من باقرم»، گفت: تو فرزند زن آشپزی، امام علیه السلام فرمود: «آن پیشه او بود»، گفت: تو فرزند سیاه‌زنگباری دشنام دهنده‌ای، فرمود: «اگر راست می‌گویی خدا او را بیامرزد، و اگر دروغ می‌گویی خدا تو را بیامرزد». سپس آن مرد به دست آن حضرت مسلمان شد.<sup>۳</sup>

۱- انعام / ۱۲۴: خداوند آگاهتر است به این که رسالتش را در کجا قرار دهد.

۲- بحارالانوار، ۹۹/۴۶ و ۹۹/۴۳.

۳- بحارالانوار، ۲۸۹/۴۶.

نیز نقل شده مردی از تبار عمرین خطاب در مدینه بود و پیوسته امام موسی بن جعفر علیه السلام را آزار و به علی علیه السلام دشنام می‌داد، برخی از اطرافیان آن حضرت اجازه خواستند که او را بکشند لیکن امام علیه السلام آنها را بسختی از آن منع کرد، و از حال مرد عمری پرسش فرمود گفتند در یکی از نواحی اطراف مدینه مشغول کشاورزی است، آن حضرت سوار و رهسپار مزرعه او گردید هنگامی که او را در آن جا یافت با مرکب خود وارد کشتزارش شد، عمری فریاد زد: زراعت، را لگد مال مکن، لیکن آن حضرت همچنان وارد مزرعه شد تا به او رسید، سپس نزد او نشست و او را خندانید، پس از آن به او فرمود: «چه قدر خسارت به این زراعت تو وارد شده است؟» عرض کرد: یکصد دینار، فرمود: «امیدواری چه قدر از آن سود ببری؟» گفت: من علم غیب نمی‌دانم، فرمود: «من می‌گویم: امیدواری چقدر از آن به دست تو برسد»، گفت: امیدوارم دوپست دینار از آن عاید من شود. امام علیه السلام سیصد دینار به او داد و فرمود: «این هم مزرعه توست که بر حال خود باقی است»، عمری برخاست و سر آن حضرت را بوسید و برگشت، و امام علیه السلام نیز رهسپار مسجد شد در آن جا دید عمری نشسته است و هنگامی که نظرش بر امام علیه السلام افتاد گفت: **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ**<sup>۱</sup> اصحاب آن حضرت با شگفتی برخاستند و به او گفتند: داستان تو چیست؟ تو پیش از این سخنانی خلاف این می‌گفتی، وی با آنها به کشمکش و ناسزاگویی پرداخت و برای ابی الحسن امام موسی بن جعفر علیه السلام در هر زمان که وارد و خارج می‌شد دعا می‌کرد. امام علیه السلام به اطرافیان خود که قصد کشتن وی را داشتند فرمود: «آیا آنچه شما اراده کردید بهتر بود یا آنچه من با این مقدار وجه اصلاح امر او کردم؟»<sup>۲</sup>

اینک به برخی از احادیثی که از ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره نیکی در برابر بدی وارد شده و مشتمل بر کلمات درخشان و حکمتهای جاویدان است توجه کن:

امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «در برابر کسی که با تو درشتی می‌کند نرم باش تا بزودی با تو به نرمی در آید»<sup>۳</sup>.

۱- انعام / ۱۲۴: خداوند داناتر است به این که رسالتش را در کجا قرار دهد.

۲- بحارالانوار، ۱۰۲/۴۸.

۳- بحارالانوار، ۱۶۸/۷۱ و ۲۱۲/۷۷.

نیز: «برادر (دینی) خود را فرمانبردار باش هر چند تو را نافرمانی کند، و با او بییونند اگر چه با تو بدرفتاری کند».<sup>۱</sup>

نیز: «خود را وادار کن به هنگامی که دوستت از تو می برد تو با او بییوندی، و در وقتی که از تو رو می گرداند تو با او اظهار ملاحظت و یگانگی کنی همچنین در زمانی که بخل می ورزد بذل و بخشش کنی و آنگاه که از تو دوری می کند تو خود را به او نزدیک کنی، و وقتی به خشم آید تو نرم باشی و هرگاه جرمی مرتکب شود او را معذور بدانی و چنان باشی که گویا بنده و برده اوایی و او ولینعمت توست. لیکن زنهار که این امور را در غیر مورد خود پیاده کنی، و این رفتار را درباره کسی که شایستگی آن را ندارد به کار بری».<sup>۲</sup>

نیز: «دوست خود را با نیکی به او سرزنش کن و شرّ او را با احسان به او دور گردان».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «با کسی که او بریده است بییونند، و به آن کس که تو را محروم ساخته ببخش، و به کسی که به تو بدی کرده نیکی کن، و به آن که تو را ناسزا گفته سلام گوی، و به کسی که نسبت به تو دشمنی ورزیده با انصاف باش، و کسی را که به تو ستم کرده عفو کن چنان که دوست داری تو را عفو کنند و از عفو خداوند نسبت به خودت عبرت گیر، آیا نمی بینی خورشید او بر نیکوکاران و بدکاران یکسان می تابد، و باران او بر پاکان و گنهکاران فرود می آید».<sup>۴</sup>

## ۲۴- حفظ برادر (دینی) در غیاب او

از بزرگترین نشانه های وفاداری نسبت به دوست آن است که انسان در غیاب او از شوون وی پاسداری کند و از همین طریق است که دوست راستین از دروغین شناخته می شود، و حقیقت دوستان مکشوف می گردد، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوست کسی است که در غیاب دوست صادق باشد».<sup>۵</sup>

۱- الحکم، ۱۳۲/۱؛ الغرر، ۶۰/۱.

۲- بحار، ۱۶۸/۷۱؛ الحکم، ۶۷/۱؛ الغرر، ۴۴/۱.

۳- الحکم، ۵/۲.

۴- بحارالانوار، ۱۷۱/۷۴.

۵- بحارالانوار، ۲۱۳/۷۷ و ۲۱۳/۷۴.

چه بسا کسی که نسبت به تو دوستی و محبت بسیار اظهار می‌کند به طوری که تو را وادار می‌سازد که وی را در زمره دسته نخست دوستان و برگزیدگان خود به شمار آوری لیکن بزودی با غیبت تو پرده از او برداشته می‌شود چه در جهت بدنامی و رسوایی تو اقدام می‌کند و خلاف آنچه را برای تو ظاهر می‌کرد نشان می‌دهد. روشن است که وقتی خبر این اعمال او به تو برسد خوش گمانی و امیدواری تو نسبت به او به بدگمانی و نومیدی تبدیل می‌شود و شیرینی محبت او از دلت بیرون می‌رود و ممکن است مشاجره و کشمکش زبانی پیش آید و بسا کار به قطع رابطه و جدایی بینجامد. از این رو پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام حفظ شئون دوست را در غیبت او از بزرگترین حقوق برادری و مهمترین حدود آن شمرده‌اند.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی که برادر (دینی) خود را در غیاب او یاری کند خداوند وی را در دنیا و آخرت یاری خواهد کرد».<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان علیؑ فرموده است: «دوست انسان دوست نخواهد بود جز آنگاه که در سه چیز پاس او را بدارد:

در بدبختی او، در غیبت او و در وفات او».<sup>۲</sup>

امام حسین علیؑ فرموده است: «درباره برادر مؤمن خود به هنگامی که از تو غایب شود چیزی مگو جز آنچه را که دوست داری در صورت غیبت تو از او درباره‌ات بگوید».<sup>۳</sup>

امام باقر علیؑ فرموده است: «برادر دینی خود را هرگاه از تو غایب شود چنان یاد کن که دوست داری به هنگامی که از او غایب می‌شوی تو را یاد کند».<sup>۴</sup>

امام صادق علیؑ فرموده است: «برادر دینی خود را هرگاه از شما غایب شود به نیکوترین نحوی یاد کنید که دوست دارید در صورت غیبت خود بدان گونه یاد شوید».<sup>۵</sup>

۱- وسائل الشیعه، ۲۹۳/۱۲.

۲- الحکم، ۲۳۵/۲؛ الغرر، ۳۵۱.

۳- بحارالانوار، ۱۲۷/۷۵ و ۲۶۲/۷۲.

۴- جامع السعادات، ۱۹۰/۲؛ بحارالانوار، ۱۹۶/۷۵.

۵- اختصاص شیخ مفید، ۲۳۱/۱.

نیز: «کسی که دوستش را پاس می‌دارد خداوند او را پاس می‌دارد».<sup>۱</sup> همان گونه که بر تو لازم است در غیاب دوست خود چیزی نگویی که موجب تحقیر و کاستی قدر او شود همچنین بر تو واجب است که گفتار دیگران را در صورتی که از این قبیل باشد رد، و در غیاب وی او را یاری کنی.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی که به برادر (دینی) خود کمک کند بدین گونه که در مجلسی بشنود از او بدگویی می‌کنند و او آن را رد کند خداوند هزار نوع شر را در دنیا و آخرت از او دور می‌سازد، و اگر رد نکند در حالی که بر آن تواناست گناه کسی را دارد که هفتاد بار او را غیبت کرده باشد».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که در نزد او برادر مؤمنش غیبت شود و وی او را یاری کند خدا او را در دنیا و آخرت یاری خواهد کرد. و کسی که در نزد او برادر مؤمنش غیبت شود و وی او را یاری و از او دفاع نکند خداوند او را در دنیا و آخرت پست و خوار می‌سازد».<sup>۳</sup>

روش ائمه اهل بیت علیهم السلام در حفظ شوون برادر (دینی) چه در حال زندگی و چه پس از مرگ جالبترین نمونه است چه هر یک از آنها اصحاب خود را پیوسته به نیکی یاد می‌کردند و اعمال نیک و مفاخر و مزایا و صفات پسندیده و سجایای کریم آنها را بر می‌شمردند و بر فقدان آنها افسوس می‌خوردند و اشتیاق خود را به دیدار آنها اظهار می‌کردند.

چنان که امیرمؤمنان علیه السلام هنگامی که از یکی از برادران دینی خود که زندگی را بدرود گفته بود یاد می‌کند می‌فرماید: «در گذشته مرا برادری به خاطر خدا بود که کوچک بودن دنیا در نظرش او را در چشم من بزرگ می‌داشت او از زیر سلطه شکمش بیرون رفته بود به طوری که اگر چیزی نمی‌یافت آن را آرزو نمی‌کرد، و اگر می‌یافت آن را زیاد به کار نمی‌برد، و در بیشتر عمر خود خاموش بود و اگر سخن می‌گفت بر گویندگان غلبه می‌کرد و تشنگی پرسش کنندگان را فرو می‌نشاند، او ضعیف بود و ضعیف پنداشته می‌شد لیکن

۱- الکافی، ۱۶۲/۸

۲- بحارالانوار، ۲۲۶/۷۲.

۳- جامع السعادات، ۲۹۹/۲.

هرگاه زمان کوشش فرا می‌رسید شیر خشمگین و مار پر زهر بیابان بود، برهان و دلیل نمی‌آورد مگر زمانی که نزد قاضی می‌آمد و کسی را به کاری که در مانند آن عذری می‌یافت سرزنش نمی‌کرد جز آنگاه که عذر او را می‌شنید، و از دردی شکایت نمی‌کرد مگر وقتی که بهبودی می‌یافت، و آنچه را می‌گفت انجام می‌داد، و آنچه نمی‌کرد نمی‌گفت، و اگر در سخن بر او غلبه می‌کردند در خاموشی بر او غلبه نمی‌یافتند، در شنیدن حریصتر بود تا بر گفتن، و اگر ناگهان دو امر به او رو می‌آورد می‌نگریست کدام یک به خواهش نفس نزدیکتر است و با آن مخالفت می‌کرد.

بر شماست که این صفات را دارا و به آنها رغبت داشته باشید، و اگر توانایی همه آنها را ندارید بدانید که فراگرفتن اندک بهتر او فرو گذاشتن بسیار است»<sup>۱</sup>.

روایت شده است امام حسن علیه السلام روزی در توصیف یکی از یاران خود به اصحاب خویش فرمود: «و میان گفتار آن حضرت و سخنان پدر بزرگوارش که در فوق ذکر شد مشابهت بسیاری است»، من شما را آگاه کنم از دوستی که در نظر من از بزرگترین افراد این مردم بود، و آنچه او را در نظر من بزرگ کرده بود کوچکی دنیا در نظر او بود، وی از زیر سلطه شکم بیرون رفته بود از این رو میلی به آنچه نمی‌یافت نداشت، و از آنچه می‌یافت زیاد استفاده نمی‌کرد، همچنین او از زیر سلطه جهل خارج شده بود لذا دستش را دراز نمی‌کرد جز در وقت وثوق به این که سودی به دیگری برساند و گامی بر نمی‌داشت جز برای این که کار نیکی انجام دهد، و هرگز خشمگین و رنجیده نمی‌شد، و هرگاه در محضر دانشمندان حاضر می‌شد به شنیدن حریصتر بود تا به گفتن، و هرگاه در سخن بر او غلبه می‌کردند در خاموشی بر او غلبه نمی‌یافتند و بیشتر عمرش را به خاموشی گذرانید و هرگاه سخن می‌گفت بر گویندگان فایق می‌آمد، هرگز در نزاعی شرکت نمی‌جست و در جدالی وارد نمی‌شد، و جز به هنگام مشاهده داور اقامه دلیل نمی‌کرد.... تا پایان»<sup>۲</sup>.

آری دوست وفادار دوستش را در غیاب او به همان گونه بلکه بهتر از آنچه در حضور

۱- بحارالانوار، ۳۱۴/۶۴.

۲- بحار، ۲۹۴/۶۹ و ۱۰۸/۷۸.

از او نام می برد یاد می کند، چنان که شاعر گفته است:

و اذا الفستی حسنت مودّته      فی القرب ضاعفها علی البعد<sup>۱</sup>  
 همچنین شوون او را پس از مرگش به همان گونه حفظ می کند که در زمان حیات او  
 حفظ می کرده است به طوری که شاعر گفته است:  
 و إني لاستحييد و التُّرب بيننا      كما كنتُ استحييد و هویراني<sup>۲</sup>

## ۲۵- نرمی و مدارا در معاشرت

شک نیست در این که دولت داری میان مردم محبوب باشی... و بی گمان خواهان  
 آنی که دلهای مردم را به سوی خود بکشانی، و بی تردید می خواهی در دلهای مردم  
 پاکیزه ترین تأثیر را داشته باشی و دوستی و محبت آنان را به دست آوری، این آرزوی هر  
 انسانی و هدف هر شخصی در زندگی است. اکنون آیا می دانی باید از چه راهی بروی تا  
 به این مقصد برسی و این آرزو را تحقق دهی؟

بهترین راه رسیدن به این مقصود حسن معاشرت، لطف و مدارا، سخن خوش و  
 انعطاف پذیری است این امور پایه و اساس سعادت اجتماعی است و انسان از این راه  
 می تواند دوستانی به دست آورد، و در مردم مؤثر واقع شود، قرآن کریم ما را به همین راه  
 ارشاد کرده و فرموده است: **وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا**.<sup>۳</sup>

جامعه انسانی بهترین گواه بر صدق این مدعاست، چه کسی که به خلق خوش و نرمی  
 و حسن معاشرت و ملایمت طبع شناخته می شود دوستان و یارانش زیاد می شوند و  
 مردم به او انس می گیرند و به او رو می آورند. اما کسی که درشتخو و بد خلق است مردم  
 از بیم شرّ و بدی رفتارش از او دور می شوند و می گریزند. قرآن کریم به این حقیقت ثابت  
 اجتماعی تصریح کرده و فرموده است: **وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ**.<sup>۴</sup>

۱- و هرگاه جوانمرد در نزدیک دوستش نیکو باشد؛ به هنگام دوری دوستش را چند برابر می کند.

۲- و من در حالی که میان ما فاصله باشد از او حیا می کنم؛ همان گونه که در هنگامی که مرا می بیند از او حیا  
 می کنم.

۳- بقره / ۸۳؛ و به مردم نیک بگویید.

۴- آل عمران / ۱۵۹؛... و اگر خشن و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند.



پیامبرگرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به این امر مهم که اثر عمیق در سعادت جامعه دارد مانند همه امور شایسته‌ای که منتهی به خیر و صلاح جامعه می‌شود نهایت اهتمام رامبذول داشته‌اند:

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «شما را آگاه می‌کنم بر این که فردا آتش بر چه کسی حرام می‌شود، بر آن که ساده، نرم، همدل و انعطاف‌پذیر باشد».<sup>۱</sup>

نیز: «به کسی که حسن خلق و مدارا عطا گردیده خیر و راحتی به او داده شده و حال او در دنیا و آخرت نیکو خواهد بود. و آن که از حسن خلق و مدارا محروم شده این حرمان برای او راهی به سوی هر شرّ و بلیه‌ای است جز کسی که خداوند او را حفظ کند».<sup>۲</sup>

نیز: «شما هرگز با اموالتان نمی‌توانید مردم را راضی کنید پس با اخلاقتان آنان را خشنود سازید».<sup>۳</sup>

نیز: «کسی که از مدارا (با مردم) محروم شده از همه خوبیها محروم گردیده است».<sup>۴</sup>  
نیز: «کسی که برادر مسلمانش را با کلمه ملاطفت آمیزی گرامی بدارد و غم را از او بزدايد پیوسته در سایه لطف بی‌کران الهی خواهد بود، و مادام که بر این روش است رحمت خدا شامل حال اوست».<sup>۵</sup>

نیز: «هر بنده‌ای از ائمت من برادر دینی خود را به نوعی مورد لطف قرار دهد خداوند خدمتکاری از خادمان بهشت در اختیار او قرار می‌دهد».<sup>۶</sup>

نیز: «خداوند مداراگر است و مدارا با دیگران را دوست می‌دارد، و آنچه در برابر رفق و مدارا عطا می‌کند در برابر عنف و زور عطا نمی‌کند».<sup>۷</sup>

نیز: «همانا رفق و مدارا در هر چیزی زینت بخش آن است، و جدایی آن از هر چیز

۱- وسائل الشیعه، ۱۲/۱۵۸.

۲- بحارالانوار، ۱۸۶/۷۵.

۳- بحارالانوار، ۱۶۶/۷۴.

۴- تحف العقول، ۳۵/.

۵- علل الشرایع، ۲/۵۲۳.

۶- اصول کافی، ۲/۲۰۶.

۷- اصول کافی، ۲/۱۱۹.

موجب زشتی و ناپسندی آن است».<sup>۱</sup>

نیز: «خداوند آنچه در برابر رفق و مدارا عطا می‌کند در برابر تندى و درشتخویى عطا نمی‌کند، و چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد به او نرمی و مدارا می‌بخشد، هیچ خاندانی از رفق و مدارا محروم نشدند جز این که از همه خوبیها محروم گردیدند».<sup>۲</sup>

نیز: «اگر رفق و مدارا مخلوقی دیدنی بود در میان آنچه خدا آفریده چیزی زیباتر از او نبود».<sup>۳</sup>

نیز: «دو نفر که با هم رفاقت می‌کنند آن یک پاداشش بزرگتر و نزد خداوند محبوبتر است که بیشتر با رفیقش مدارا می‌کند».<sup>۴</sup>

نیز: «همانا در رفق و مدارا زیادتی و برکت است و آن که از نرمی و مدارا محروم شده از همه خوبیها محروم گردیده است».<sup>۵</sup>

«مدارا و سازش از خاندانی دور نشده جز آن که همه خیر و خوبی از آنها دور شده است».<sup>۶</sup>

نیز: «اخلاقت را با خانواده و همسایگان و معاشران خود و با مردمی که همنشینى داری نیکو کن تا در نزد خداوند نام تو در درجات بالا ثبت شود».<sup>۷</sup>

امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «هر کس گفتارش نرم باشد محبت او لازم و گفتگویش نیکو و دلها برای دیدارش تشنه است».<sup>۸</sup>

نیز: «اساس دانش رفق و مدارا است».<sup>۹</sup>

نیز به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده است: «قدری امساک از بخشش به دوست

۱- وسائل الشیعه، ۲۱۴/۱۱.

۲- بحارالانوار، ۵۴/۷۵ و ۵۶/۷۵.

۳- وسائل الشیعه، ۲۱۳/۱۱.

۴- اصول کافی، ۶۶۹/۲؛ وسائل الشیعه، ۲۱۵/۱۱؛ احیاء علوم الدین، ۱۲۱/۲.

۵- اصول کافی، ۱۱۹/۲؛ وسائل الشیعه، ۲۱۴/۱۱.

۶- اصول کافی، ۱۱۹/۲؛ وسائل الشیعه، ۲۱۴/۱۱.

۷- تحف العقول، ۱۲/؛ بحارالانوار، ۶۹/۷۷.

۸- الحکم، ۴۴۹/۲؛ الغرر، ۲۷۳/.

۹- الحکم، ۴۷۱/۱؛ الغرر، ۱۸۲/.

خود ضمن به کار بردن لطف و مدارا بهتر است از بذل مال و ستم به او.<sup>۱</sup>  
نیز: «زبان خوش و طعام دادن به دیگران شما را در به دست آوردن بهشت توانا می‌سازد».<sup>۲</sup>

نیز: «در بهشت غرفه‌هایی است که بیرون آنها از درون آنها و درون آنها از بیرون آنها دیده می‌شود خداوند آنها را برای کسانی آماده کرده است که اطعام می‌کنند و زبانی خوش دارند».<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «کسی که رفق و مدارا بهره او شده ایمان نصیب وی گردیده است».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «اگر می‌خواهی محترم باشی نرم باش و اگر خواهان آنی که توهین شوی تندی کن».<sup>۵</sup>

نیز: «کسی که در کارهایش مدارا می‌کند به آنچه از مردم می‌خواهد میرسد».<sup>۶</sup>

نیز: «حسن خلق دوستی را جلب می‌کند».<sup>۷</sup>

دیل کارنگی می‌گوید: «هرگاه دل کسی از کینه و دشمنی تو پر شود هرگز نخواهی توانست با هیچ منطقی او را به سوی دیدگاه‌های خود جلب کنی. بنابراین می‌باید پدران ملامتگر و همسران خرده‌گیر و مدیران پرخاشگر این واقعیت را درک کنند چه به احتمال نزدیک اگر اینان به ملاطفت و مدارا و نرمی متوسل شوند به اهداف خود برسند». سپس گفتار خود را به ذکر این قاعده مهم به پایان می‌رساند که هرگاه می‌خواهی مردم را به سوی اهداف خود جلب کنی از قاعده شماره ۴ پیروی کن:

«به نرمی و مدارا اقدام، و خشم و زور را رها کن».

۱- بحارالانوار، ۲۰۹/۷۴ و ۲۱۱/۷۷.

۲- بحارالانوار، ۱۱۸/۸ و ۳۶۹/۶۹.

۳- بحارالانوار، ۱۱۸/۸، ۳۶۹/۶۹ و ۲/۷۶.

۴- بحارالانوار، ۵۶/۷۲.

۵- اصول کافی، ۲۷/۲.

۶- بحارالانوار، ۶۴/۷۲ و ۵۶/۷۲.

۷- اصول کافی، ۲۷/۲.

## ۲۶- تبادل دوستی میان دوستان

بیشتر مردم از نبودن این صفت در میان خود شکایت دارند و می‌بینیم در هر زمان سخنانی که در زیر ذکر می‌شود بر زبان دوستان جاری می‌گردد که در ضمن آن یکدیگر را سرزنش می‌کنند و هر یک از آنها هنگامی که با دوست خود دیدار می‌کند به او می‌گوید:

من بارها در خانه ات به ملاقات تو آمده‌ام چرا تو به دیدار من نمی‌آیی؟  
برای چه هر قدر من در نزدیکی به تو می‌افزایم تو بر دوری از من می‌افزاید؟  
من تو را بیش از آنچه تو مرا دوست داری دوست می‌دارم.  
چه بسیار عمل زیبا و نیکو نسبت به تو انجام دادم و تو هرگز زیبا را به زیبا و نیکو را به نیکو تلافی نکردی.  
من با خوشرویی و گشاده رویی تو را ملاقات می‌کنم و تو باروگردانی و گرفتگی با من دیدار می‌کنی.  
چرا تو در برخورد با من درود و سلام را آغاز نمی‌کنی همان گونه که من آغاز می‌کنم؟

من تو را بیش از آنچه احترام به من می‌گذاری احترام می‌کنم.  
چرا تو از من جز وفاداری نمی‌بینی و من از دیر زمان جز جفا و بدرفتاری از تو نمی‌بینم.

امثال این گونه جملات عتاب‌آمیز و سرزنشها و نکوهشهایی که میان دوستان مبادله می‌شود و صفای دوستی را بر آنان مکرر می‌سازد و حلاوت برادری را از میان می‌برد.  
آنچه موجب برانگیختن این نگرانیها می‌شود آن است که در میان بیشتر دوستان برادری و همیاری به طور یکسان انجام نمی‌شود و دوستی و محبت بر اساس عدالت میان آنها تبادل نمی‌یابد و حقوق به طور متقابل و برابر میان آنها برقرار نیست از این رو این گونه احساسات که در سینه‌ها به جوش می‌آید ظهور می‌یابد و نفس را مکدر و فکر را مشغول می‌سازد. لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به ضرورت مقابله و برابری در محبت هشدار داده‌اند تا صفای دوستی و برادری به کمال برسد.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی از شما ایمان نمی‌آورد مگر آنگاه که برای برادر مؤمنش همان را بخواهد که برای خودش می‌خواهد».<sup>۱</sup>

نیز فرموده است: «هر کس با مردم به گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد آنها بدان گونه با او رفتار کنند او عادل است».<sup>۲</sup>

نیز: «آنچه را برای خود ناخوش می‌داری برای دیگران نیز ناخوش بدار، و آنچه را برای خودت دوست داری برای برادر مؤمنت نیز دوست بدار تا در حکم خود عادل و در عدالت دادگر، و در میان اهل آسمان و در دل مردم زمین محبوب باشی».<sup>۳</sup>

به هنگامی که پیامبر خدا ﷺ عازم یکی از غزوات خود بود یک تن اعرابی نزد آن حضرت آمد و رکاب شتر را گرفت و گفت: ای پیامبر خدا! عملی به من بیاموز که به وسیله آن به بهشت درآیم، پیامبر ﷺ فرمود: «به همان گونه که دوست داری مردم با تو رفتار کنند با آنها رفتار کن، و از آنچه ناخوش می‌داری مردم نسبت به تو عمل کنند از آن عمل خود داری کن. از راه شتر کناررو».<sup>۴</sup>

امیرمؤمنان ع در وصیت خود به فرزندش امام حسن ع فرمود: «ای پسر من! در رابطه میان خود و دیگران خود را میزان قرار ده، و برای دیگران همان چیزی را دوست بدار که برای خودت دوست می‌داری و آنچه را برای خودت ناخوش می‌داری برای آنان نیز ناخوش بدار، ستم مکن چنان که دوست نداری بر تو ستم شود، نیکی کن همان گونه که دوست داری به تو نیکی شود، آنچه را زشت می‌شماری از دیگری سرزند از خودت نیز زشت بشمار و آنچه را خودت برای مردم سزاوار و رضایتبخش می‌دانی از آنان به همان راضی باش».<sup>۵</sup>

نیز در وصیت خود به کمیل بن زیاد فرموده است: «ای کمیل! اگر برادر (دینی) خود

۱- بحارالانوار، ۲۲۶/۷۱؛ احیاء علوم الدین، ۱۴۲/۲.

۲- بحارالانوار، ۱۷۳/۷۷.

۳- بحارالانوار، ۶۷/۷۴.

۴- اصول کافی، ۱۴۶/۲.

۵- الحکم، ۴۵/۱؛ الغرر، ۶۶/۱.

را دوست نداشته باشی برادر نیستی».<sup>۱</sup>

نیز: «برادر (دینی) تو همان حقّ را بر تو دارد که تو بر او داری».<sup>۲</sup>

نیز: «با مردم همان گونه معاشرت کن که دوست داری آنان بدان گونه با تو معاشرت کنند تا عادل باشی».<sup>۳</sup>

نیز: «بی میلی تو نسبت به کسی که به تو تمایل دارد کژبختی است، و رغبت تو به کسی که به تو رغبت ندارد زیبونی است».<sup>۴</sup>

زیرا در هر دو حالت تبادل محبّت و برابری میان تو و دوستت وجود ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام در بیان حقوق دوست فرموده است: «این که او را احترام کنی همان گونه که تو را احترام می کند، و او را پاسداری کنی همان طور که تو را پاسداری می کند».<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «در رفاقت کسی که برای تو آن حقّ را نمی شناسد که تو برای او می شناسی سودی نیست».<sup>۶</sup>

نیز: «با مردم به همان گونه رفاقت کن که با تو رفاقت می کنند تا بر ایمان خود بیفزایی».<sup>۷</sup>

نیز: «کسی که با برادر (دینی) خود مانند آنچه نسبت به خودش عمل می کند رفتار نکند حقّ برادری را ادا نکرده است».

نیز: «خداوند به آدم علیه السلام وحی فرمود: من همه سخنها را در چهار کلمه جمع کرده ام، عرض کرد: پروردگارا آنها کدامند؟ فرمود: یکی از آنها برای من، یکی برای تو، و یکی میان من و تو، و یکی میان تو و مردم است.

عرض کرد: ای پروردگار من! آنها را بیان فرما تا بدانم. فرمود: آن که برای من است آن است که مرا پرستش کنی و در هیچ چیزی به من شرک نوری. و آن که برای تو است این

۱- الحکم، ۲۱۰/۱؛ تحف العقول ۱۷۳/

۲- تحف العقول، ۶۰/؛ بحارالانوار، ۱۶۵/۷۱.

۳- بحارالانوار، ۱۷۳/۷۷، ۱۱۱/۷۸ و ۱۱۲/۷۵.

۴- بحارالانوار، ۱۹۵/۶۷.

۵- تحف العقول ۱۹۱/؛ بحار، ۱۹۴/۶۷.

۶- بحارالانوار، ۱۹۸/۷۱.

۷- بحارالانوار، ۲۶۱/۷۸ و ۲۶۱/۷۵.

است که تو به پاداشی که در برابر اعمالت به تو می‌دهم از هر چیز دیگری که بدان مشغولی نیازمندتری. اما آن که میان من و تو می‌باشد دعاست و آن بر توست و بر من اجابت است. و آنچه میان تو و مردم است این که برای مردم خشنود باشی به آنچه برای خود خشنود می‌شوی و برای آنها ناخوش بداری آنچه را برای خود ناخوش می‌داری»<sup>۱</sup>.

امام هادی علیه السلام فرموده است: «کسی که دوستی و رأی خود را به تو اختصاص داده طاعت خود را به او اختصاص ده»<sup>۲</sup>.

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام زشت است که دوستت حقّ تو را پاس بدارد و تو حقّ او را حفظ نکنی چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «چقدر برای انسان زشت است که دوست وی حقّ او را بشناسد و او حقّ وی را نداند»<sup>۳</sup>.

## ۲۷- مداومت بر دوستی

یکی از ویژگیهای دوستی صادقانه و مؤدّت خالصانه آن است که پیوسته رو به افزایش است، و هر چه زمان بر آنهایی که در راه خدا دوستی یکدیگر را اختیار کرده‌اند می‌گذرد روابط آنان مستحکمتر و پیوند آنها ریشه دارتر می‌شود، چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوستی برادران دینی پایدارتر است»<sup>۴</sup>.

برعکس دوستیهایی که بر اغراض شخصی و مصلحتهای مادی تکیه دارد از همان روز نخست زوال و ناپایداری بر آن نوشته شده است، اینان دوستان روزگار خوشی و رفاه می‌باشند و همانهایی هستند که امام علی بن ابی طالب علیه السلام در شعر مشهور خود آنها را نشان داده است:

و ما أكثر الاخوان حين تعدّهم  
ولكنّهم في النائبات قليل<sup>۵</sup>

۱- بحارالانوار، ۲۵۷/۱۱، ۳۸/۷۵ و ۶۳/۹۳.

۲- بحارالانوار، ۳۶۵/۷۵.

۳- مصادقة الاخوان، ۴۲/.

۴- الحکم، ۷۲/۱؛ الغرر، ۲۹/.

۵- چه قدر دوستان به هنگامی که آنها را می‌شماری زیادند؛ ولیکن آنها در مصیبتها و سختیها اندکند.

آنان به مقتضای شرایط رنگ عوض می‌کنند، و همگام با اوضاع زمان تغییر ماهیت می‌دهند، بر دوستی پایدار نمی‌مانند و بر محبت ایستادگی نمی‌کنند. آری آنان دشمنانند و باید از آنها دوری جست، زیرا در دوستی آنها سودی نیست، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است:

وَلَا خَيْرَ فِي وَدِّ امْرِئٍ مَتَلَوْنٍ      اِذَا الرِّيحُ مَالَتْ مَالَ حَيْثُ تَمِيلُ<sup>۱</sup>

آری، همنشین شایسته و دوست راستین کسی است که در دوستی و برادری ثابت قدم باشد و در سختی و رفاه به دوستی و محبت خود ادامه دهد، از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «خداوند مداومت بر دوستی دوستان دیرین را دوست می‌دارد پس بر آن مداومت کنید».

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «از کرامت انسان است که بر روزگار گذشته خود بگرید، و به وطن خویش مشتاق باشد، و دوستان دیرین خود را پاس بدارد».<sup>۲</sup>

داوود علیه السلام به فرزندش سلیمان علیه السلام گفت: «ای فرزند من! دوست دیرین خود را مادام که بر دوستی تو پایدار است با دوست تازه به دست آمده عوض مکن، و اگر تو را تنها یک دشمن است او را اندک مشمار، و اگر تو را هزار دوست است آنها را زیاد مپندار».<sup>۳</sup>

یکی از شاعران این معنا را گرفته و گفته است:

و لیس کثیر الف خلٌّ و صاحبٌ      و إنَّ عدوًّا و احداً لکثیر<sup>۴</sup>

دوست دیرینی که دلش غرق در محبت دوست خویش و درونش لبریز از محبت او و وجدانش پایبند دوستی و برادری با او است ممکن نیست دوستش را در هر رویدادی که احساس و وظیفه کند ترک کند. چه کسی که دوستش را در حوادث رها سازد یا او را با دیگری عوض کند هرگز دوستی راستین و یا صدیقی گرم و صمیمی نیست بلکه او جز نادانی احمق چیز دیگر به شمار نمی‌آید، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوستی

۱- در دوستی انسان متلون سودی نیست؛ او به هر سویی که باد می‌وزد مایل می‌شود.

۲- بحارالانوار، ۲۶۴/۷۱.

۳- بحارالانوار، ۲۶۴/۷۱.

۴- هزار دوست و رفیق بسیار نیست، و یک دشمن بسیار است.



احمق مانند خاک زدوده می‌شود».<sup>۱</sup>

نیز: «نگهبان دوستی باش هر چند نگهبان نمی‌یابی».

امام صادق علیه السلام این دوست نمونه را با این دو بیت که در این باره از دیر زمان بدانها تمثیل جسته‌اند مجسم ساخته است:

أخوك الذي لو جئت بالسيف عامداً      لتضربه لم يستغشك في الود<sup>۲</sup>  
ولو جئته تدعوه للموت لم يكن      یردك ابقاءً عليك من الرد<sup>۳</sup>

آن حضرت می‌فرمود: «نادانی در سه چیز است: تبدیل دوستان، مخالفت بدون دلیل و جستجو از چیزی که به تو مربوط نیست».<sup>۴</sup>

اما کسی که دوست شایسته‌اش را پس از گذشت رفاقتی طولانی ملول و آزرده سازد دوست به شمار نمی‌آید، چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «از دل آزرده ایمن مباش چه براندازی کوه‌های استوار از الفت دادن دل‌های گریزان آسانتر است».<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «ملول هرگز دوستی نمی‌کند».<sup>۶</sup>

نیز: «به دوستی انسان آزرده اطمینان مکن چه در آن هنگام که بیشترین اطمینان را به او داری تو را تنها می‌گذارد، و در آن وقت که بیشترین پیوند را به او برقرار می‌کنی از تو می‌برد».<sup>۷</sup>

نیز: «برای انسان ملول و آزرده دوستی نیست».<sup>۸</sup>

دوستی درست هر چه بر دورانش بگذرد و مدتش به درازا کشد بر ثبات آن در نفس و رسوخ آن در دل افزوده می‌شود و به صورت قرابت و خویشاوندی نزدیک در می‌آید،

۱- تهذیب، ۹۶/۴.

۲- دوست تو کسی است که اگر با شمشیر قصد زدن او کنی در دوستی به تو خیانت نمی‌کند.

۳- و اگر نزد او روی و او را به مرگ فرا خوانی تو را رد نمی‌کند و این برای آن است که تو باقی بمانی.

۴- بحارالانوار، ۲۳۰/۷۸.

۵- بحارالانوار، ۲۵/۴۷ و ۱۰/۷۵.

۶- بحارالانوار، ۱۰/۷۵.

۷- بحارالانوار، ۲۳۰/۷۵.

۸- تحف العقول، ۲۷۲/.

چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «دوستی خویشاوندی به دست آمده‌ای است».<sup>۱</sup>  
 نیز: «دوستی پیوسته‌ترین نسبتهاست».<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است: «مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است چه خداوند مؤمنان را از گل بهشت آفریده و نسیم بهشت را در سینه آنها به وزش در آورده است از این رو آنها هم از طریق پدر و هم مادر برادرند».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «بیست روز رفاقت، خویشاوندی است». بسا دوستی از حیث همبستگی و روابط بر خویشاوندی فزونی یابد، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «بسا بیگانه که از خویشاوند نزدیکتر است».<sup>۴</sup>

نیز: «خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است تا دوستی به خویشاوندی».<sup>۵</sup>  
 امام حسن علیه السلام فرموده است: «خویشاوند کسی است که محبت او را نزدیک کرده هر چند نسبتش دور باشد و بیگانه کسی است که نبودن محبت او را دور کرده اگر چه نسبتش نزدیک باشد».<sup>۶</sup>

هرگاه برادری و دوستی میان دو تن به سر حد کمال رسد مودت در دل آنان رسوخ یابد به گونه‌ای که گذشت زمان و دگرگونی شرایط نتواند در آن مؤثر واقع شود این امر روشنگر آن است که میان این دو دوست همگونی فطری و قرابت طبیعی و گفت و شنود روحی وجود دارد و گر نه با یکدیگر سازگار نمی‌شدند و میان آنها توافق حاصل نمی‌شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «ارواح سپاهانی منظم‌اند آنچه از آنها یکدیگر را می‌شناسند با هم الفت می‌گیرند و آنچه از آنها یکدیگر را نمی‌شناسند پشت به هم می‌کنند».<sup>۷</sup>

علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «نفوس شکلهایی هستند هر چه از آنها با هم

۱- بحار الانوار، ۱۸۳/۱.

۲- بحار الانوار، ۸۲/۷۵ و ۲۱۰/۷۵ و ۱۶۹/۷۷.

۳- اصول کافی، ۱۶۶/۲.

۴- تحف العقول، ۶۴/۱.

۵- بحار الانوار، ۱۶۴/۷۱.

۶- تحف العقول، ۱۶۵/۱.

۷- المواعظ، ۵۴/۱.

شباهت دارد با یکدیگر متفق می‌شوند، و مردم به همشکل‌های خود راغبترند.<sup>۱</sup>

## ۲۸- خوب گوش دادن به سخن دوست

هنگامی که دوستت با تو سخن می‌گوید آنچه وفاداری و ادب بر تو واجب می‌کند آن است که روی خود را متوجه او کنی و به سخنان او گوش دهی و رشته سخنان او را پاره نکنی، و در طول گفتار او دل را به چیزی مشغول نگردانی، چه این امور به دوستی آسیب می‌زند، و صفای محبت را تیره می‌سازد. و بکوش که با دوست خویش چنان باشی که شاعر گفته است:

مَنْ لِي بِإِنْسَانٍ إِذَا أَغْضَبْتَهُ      وَ جَهَلْتُ كَانِ الْحَلْمُ رَدَّ جَوَابِهِ<sup>۲</sup>  
و إِذَا طَرَبْتُ إِلَى الْمَدَامِ شَرِبْتُ مِنْ      إِخْلَاقِهِ وَ سَكَّرْتُ مِنْ آدَابِهِ<sup>۳</sup>  
وَ تَرَاهُ يَصْغِي لِلْحَدِيثِ بِقَلْبِهِ      وَ بِسَمْعِهِ وَ لَعَلَّهُ أُدْرِي بِهِ<sup>۴</sup>

پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام خوب گوش دادن به گفتار کسی را که با تو سخن می‌گوید نشانه مروّت و جوانمردی انسان شمرده‌اند، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «از مروّت و جوانمردی است که انسان به هنگامی که دوستش با او سخن می‌گوید به گفتارش گوش دهد، و از خوبی همراهی دوست است که وقتی بند کفش دوستش پاره شود به خاطر او بایستد».

نیز خوب گوش دادن به سخن دوست دلیل بر درستی رأی توست، چنان که امام صادق علیّه السلام فرموده است: «از چیزهایی که بر درستی رأی انسان دلالت دارد برخورد نیکو و خوب گوش دادن است».

همچنین پیامبر گرامی ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام گوش ندادن به سخنان گوینده را تا آنگاه که به پایان رسد از دلایل نادانی و روش نادانها شمرده‌اند، امام صادق علیّه السلام فرموده است: «از خوبیهای نادانهاست که پیش از آن که بشنوند پاسخ می‌گویند، و پیش از آن که

۱- بحار الانوار، ۹۲/۷۵.

۲- کجاست انسانی که هرگاه او را به خشم آورم، و نادانی کنم حلم و بردباری پاسخ او باشد.

۳- و هرگاه به شراب میل کنم از اخلاق او، بنوشم و از آداب او سرمست شوم.

۴- می‌بینی او با دل و گوش به سخن گوش، می‌دهد در حالی که شاید او به آن داناتر باشد.

بفهمند مخالفت می‌کنند، و به چیزی که در آن آگاهی ندارند داوری می‌کنند.<sup>۱</sup> کسی که به سخنان تو گوش نمی‌دهد و گفتار تو را شنوا نیست سخن گفتن و گفتگو با او سزاوار نیست، و اگر بر اثر عدم رعایت این اصل احساس اهانت کردی نباید جز خودت را ملامت کنی، چنان که پیامبر خدا ﷺ در وصیت خود به امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «ای علی! هشت نفرند که اگر دچار اهانت شوند نباید جز خودشان را ملامت کنند: آن که به میهمانی می‌رود بی آن که دعوت شده باشد، کسی که به صاحبخانه امر و نهی می‌کند، آن که از دشمنانش خواهان نیکی باشد، کسی که از فرومایگان درخواست بخشش کند، آن که در رازی که میان دو تن جریان دارد وارد شود بی آن که او را دخالت داده باشند، کسی که به حاکم اهانت کند، آن که در جایی از مجلس بنشیند که شایستگی آن را ندارد، و دیگر آن که با کسی سخن گوید که به او گوش نمی‌دهد.»<sup>۲</sup> یکی از شاعران این معنا را در ابیاتی به نظم در آورده که ما آنها را با اندک تصرفاتی نقل می‌کنیم:

یستوجب الذمّ فی الدنیا ثمانیة <sup>۱</sup>	لالوم فی واحدٍ منهم اذا صُفعا <sup>۲</sup>
فطالبٌ من لئام الناس مکرمة <sup>۳</sup>	و باغی الخیر من أعدائه طمعا <sup>۴</sup>
و مُتَحِفٌ بحدیث غیر سامعه	و الضیف یأمر ربّ البیت مُرتفعا <sup>۵</sup>
و مستخفّ بسُلطانٍ له خطرُ	و داخل بین سرّ اثنین مندفعاً <sup>۶</sup>
و جالس مجلساً فی غیر موضعه	و داخل الدار تطفیلاً بغير دعا <sup>۷</sup>

دیل کارنگی درباره خوب گوش دادن و تأثیر فوق العاده آن در کسب قلوب و جذب

۱- بحارالانوار، ۶۲/۲.

۲- من لایحضره الفقیه، ۳۵۵/۴.

۳- در دنیا هشت تن سزاوار ملامتند، که هرگاه یکی از آنها سبلی خورد ملامتی متوجه کسی نیست.

۴- کسی که از مردمان فرومایه خواهان نیکی شود، و آن که از دشمنانش طمع خیر و خوبی داشته باشد.

۵- و آن که سخن بگوید برای کسی که شنونده او نیست، و میهمانی که برای برتریجویی به صاحبخانه امر و نهی کند.

۶- و آن که حاکمی را با وجود خطر تحقیر کند، و آن که فضولی کرده در راز میان دو تن وارد شود.

۷- و آن که در مجلسی جایی بنشیند که جای او نیست، و آن که به طور طفیلی وارد خانه‌ای شود که بدان دعوت نشده است.

نفوس سخن گفته و گفتار خود را به این جمله کوتاه پایان داده است که: اگر می‌خواهی مردم تو را دوست بدانند از قاعده شماره ۴ پیروی کن:

«شنونده خوبی باش، و گوینده را تشویق کن که از خودش سخن گوید».

در این فصل آمده است: اگر می‌خواهی مردم از گرد تو پراکنده شوند و هنگامی که اجتماع آنها را ترک کردی تو را مسخره کنند چنین باش:

«به کسی فرصت سخن گفتن مده... و پیوسته از خودت سخن گوی، و هرگاه ضمن آن که دیگری سخن می‌گوید اندیشه‌ای به ذهنت خطور کرد منتظر مباش تا او گفتارش را تمام کند چه او مانند تو تیز هوش و با ادب نیست پس چرا وقت خود را با شنیدن گفتار یاه‌اش ضایع کنی... بلکه در میان سخنانش بر او وارد، و در نیمه گفتارش با او روبرو شو».

سپس می‌گوید: «برای آن که گوینده برجسته‌ای بشوی نخست شنونده خوبی باش».

## ۲۹- با دوستان به انصاف رفتار کردن

هرگاه می‌خواهی رفیقان و دوستان تو زیاد شوند، و مقام و منزلت تو در میان مردم بزرگ گردد، و مردم به دیده احترام به تو بنگرند در گفتار خود منصف و در احکام خویش عادل باش. در حق برادر دینی خود بی‌انصاف مباش، و حق هیچ‌کس را پایمال مکن، چه این رویه باعث افزایش دوستی و استحکام علائق و پیوندهاست. از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام اهتمام فراوانی به این امر که دارای فواید بسیار و متضمن نفع عمومی است مبذول داشته‌اند.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «خوشا به حال کسی که اخلاقش پاک، و نهادش پاکیزه، و نیاتش شایسته و ظاهرش پسندیده باشد، زیادتی مالش را انفاق کند، و از زیاده‌روی در گفتار امساک ورزد، و با مردم به انصاف رفتار کند»<sup>۱</sup>.

نیز: «برترین اعمال با مردم به انصاف رفتار کردن، و مواسات با برادر دینی، و به یاد

۱- اصول کافی، ۱/۴۴/۲؛ بحار الانوار، ۴۰۰/۶۶ و ۲۹/۷۲.

خدا بودن در همه احوال است».<sup>۱</sup>

نیز: «کسی که در مالش با مستمندان مواسات و با مردم به انصاف رفتار کند او برآستی مؤمن است».<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «بدانید کسی که با انصاف با مردم رفتار کند خداوند بر عزت او می افزاید».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «ایا تو را خبر ندهم به سخت ترین چیزی که خداوند بر خلق خود واجب کرده است؟»

پرسش کننده گفت: چرا، امام علیه السلام فرمود: «با مردم به انصاف رفتار کردن، و مواسات با برادر دینی، و به یاد خدا بودن در همه جا».<sup>۴</sup>

نیز: «کسی که به انصاف با مردم رفتار کند شایسته است که نسبت به دیگران داوری کند».<sup>۵</sup>

نیز: «هرگز دو نفر در امری نزاع نمی کنند جز این که هرگاه یکی از آن دو با رفیقش به انصاف رفتار کند آن دیگری که نپذیرد از او شکست خورده است».<sup>۶</sup>

نیز: «دوستی میان اشخاص به سه چیز نیاز دارد اگر آنها را به کار برند دوستی ادامه می یابد و گر نه جدایی و دشمنی اتفاق می افتد، و آنها عبارتند از: انصاف، ترحم متقابل و ترک حسد».<sup>۷</sup>

نیز: «سه چیز دوستی را جلب می کند: انصاف در معاشرت، همدردی و مواسات در سختیها، و داشتن قلب سلیم».

لیکن - با تأسف بسیار - اکثر مردم از روح انصاف به دورند و به همین سبب دوستی صادقانه و برادری صحیح میان آنها اندک است، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است:

۱- اصول کافی، ۱۴۵/۲؛ بحارالانوار، ۶۲/۷۴.

۲- بحارالانوار، ۲۵/۷۲؛ وسائل الشیعه، ۲۱۳/۱۱.

۳- بحارالانوار، ۱۳۳/۴۱ و ۱۳۳/۳۸.

۴- امالی شیخ مفید، ۸۸/۱؛ اصول کافی، ۱۴۴/۲.

۵- اصول کافی، ۱۴۶/۲.

۶- اصول کافی، ۱۴۷/۲.

۷- بحارالانوار، ۲۳۶/۷۵.

«اندکی از دوستان به انصاف رفتار می‌کنند».

### ۳۰- اطعام دوستان

همه ما درک می‌کنیم که اجتماع دوستان در یک خانه و بر سر یک سفره بودن در برانگیختن روح دوستی و نزدیکی میان آنها از چه اهمیتی فوق العاده‌ای برخوردار است. اینان از چنین مجالسی بر نمی‌گردند جز این که در بازگشت دلهایشان از محبت لبریز و نفوسشان سرشار از مودت نسبت به یکدیگر است و همگی شکرگزار و ثناگوی دوستی هستند که آنها را مورد لطف قرار داده و مشمول فضل و احسان خود ساخته است و در نتیجه بر محبت و مودت خویش نسبت به او می‌افزایند.

از این رو روایات بسیاری از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در تشویق و ترغیب بر اطعام دوستان وارد شده است تا منافع بسیار آن در دنیا و پاداش بزرگ آن در آخرت عاید آنان گردد. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده است: «اگر یک صاع «سه کیلو گرم» طعام فراهم سازم و برادران دینی خود را برگرد آن جمع کنم نزد من محبوبتر است از این که بنده‌ای آزاد کنم».<sup>۱</sup>

از سدیر نقل شده که گفته است: ابوجعفر امام باقر علیه‌السلام به من فرمود: «ای سدیر آیا هر روز بنده‌ای آزاد می‌کنی؟ عرض کردم: نه، فرمود: پس هر ماه؟ عرض کردم: نه، فرمود: پس هر سال؟ عرض کردم: نه، فرمود: «سبحان الله آیا دست برادر دینی خود را نمی‌گیری و او را به خانه ات نمی‌بری و اطعام نمی‌کنی، به خدا سوگند این اطعام از آزاد کردن برده‌ای از فرزندان اسماعیل علیه‌السلام افضل است».<sup>۲</sup>

از ابی بصیر نقل شده که گفته است: سخن از اصحاب ما (برادران مذهبی) به میان آمد، گفتم: من ناهار و شام نمی‌خورم مگر آن که دو یا سه تن یا کمتر یا بیشتر از برادران در کنارم باشند. ابی عبدالله علیه‌السلام فرمود: «احسان آنها بر تو بزرگتر از احسان تو بر آنهاست». عرض کردم: فدایت شوم، این چگونه است و حال آن که من به آنها طعام

۱- بحارالانوار، ۳۶۶/۷۱.

۲- اصول کافی، ۲۰۲/۲.

می‌خورانم، و مالم را برای آنها خرج می‌کنم، و خانواده و خدمتکارانم به آنها خدمت می‌کنند؟» فرمود: «وقتی آنها بر تو داخل می‌شوند رزق فراوانی را بر تو وارد می‌کنند و زمانی که خارج می‌شوند با مغفرت و آمرزش الهی بیرون می‌روند».<sup>۱</sup>

به اسحاق فرمود: آیا برادران دینی تو به خانهات وارد می‌شوند و از طعامت می‌خورند و از آشامیدنیهایت می‌نوشند، و پا بر فرش تو می‌نهند؟ عرض کردم: آری، فرمود: «بدان آنها از خانهات بیرون نمی‌روند جز این که بر تو فضیلت دارند». اسحاق گفت: ای آقای من، آنها به خانهام وارد می‌شوند، و طعامم را می‌خورند و بر روی فرش من می‌نشینند با این همه از خانهام بیرون می‌روند در حالی که بر من فضیلت دارند؟ فرمود: «آری آنان روزی خود را خورده‌اند و گناهان تو و عائلهات را از خانه بیرون برده‌اند».

نیز: «کسی که برادر دینی خود را اطعام کند پاداش کسی را دارد که فئامی از مردم را اطعام کرده باشد، پرسیدند فئام چیست؟ فرمود: «یکصد هزار نفر از مردم».<sup>۲</sup>

نیز: «یک وعده غذا که برادر مسلمانم نزد من بخورد برایم محبوبتر است از آن که بنده‌ای آزاد کنم».<sup>۳</sup>

از صحّاف روایت شده که گفته است: ابی عبدالله علیه السلام فرمود: «ای حسین آیا برادران دینی خود را دوست می‌داری؟ عرض کردم: آری، فرمود: به مستمندان آنها سود می‌رسانی؟ عرض کردم: آری، فرمود: آگاه باش بر تو واجب است دوست بداری کسی را که خدا را دوست می‌دارد، اما به خدا سوگند سود نمی‌رسانی به کسی از آنها مگر آن که او را دوست بداری، آیا آنها را به خانهات دعوت می‌کنی؟ عرض کردم: من غذا نمی‌خورم جز وقتی که دو یا سه مرد از آنها یا کمتر و یا بیشتر در کنارم باشند، ابی عبدالله علیه السلام فرمود: آگاه باش احسان آنها به تو بیشتر از احسان تو به آنهاست، عرض کردم: فدایت شوم، طعام خود را به آنها می‌خورانم، و آنها را در خانه و زندگیم وارد می‌کنم، با این حال احسان آنها بر من بیشتر است؟ فرمود: آری، آنها وقتی داخل خانه ات

۱- بحارالانوار، ۳۷۵/۷۱.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۶۴/۱.

۳- اصول کافی، ۲۰۳/۲.



می‌شوند با آمرزش تو و عائله‌ات وارد می‌شوند و هنگامی که از خانه‌ات خارج می‌شوند گناهان تو و عائله‌ات را به همراه خود بیرون می‌برند»<sup>۱</sup>.

### ۳۱- زیادی موافقت و کمی مخالفت

اگر دوستان عادت کنند که هماهنگی را میان خود بیشتر و مخالفت و ناسازگاری را کمتر کنند و این خوی برجسته را در خود به وجود آورند بی‌شک همگی خوشبخت خواهند شد و از وفور نعمت و زندگی گوارا برخوردار خواهند گردید، و ریشه‌های اختلاف و نزاع در میان آنها قطع خواهد شد و هرگز بین آنان برخورد و مخالفت اتفاق نخواهد افتاد چه مخالفت دوستان با آرای یکدیگر و پافشاری هر کدام در اثبات رأی خود موجب قطع رشته محبت و شکستن پیوند برادری است.

اما کثرت موافقت و هماهنگی از مهمترین عوامل دوستی و نزدیکی و همسویی است، از این رو ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نظر دوستان را به این امر مهم که فواید بزرگ و منافع سرشار آن به خودشان برگشت دارد جلب کرده‌اند.

امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام فرموده است: «در دوستی کثرت موافقت و قلت مخالفت انسان کافی است».

از امام حسن بن علی علیه‌السلام پرسیدند: شرف چیست؟ فرمود: «موافقت با دوستان و حفظ همسایگان»<sup>۲</sup>.

امام جواد علیه‌السلام فرموده است: «کثرت موافقت و قلت مخالفت از نشانه‌های محبت است».

### ۳۲- اصلاح خویشان پیش از اصلاح دیگران

اگر هر انسانی در عیوب نفس خویش بیندیشد همان گونه که در عیبهای دیگران می‌اندیشد بی‌تردید همه مردم از سعادت و نیکبختی برخوردار می‌شدند، و چنانچه هر

۱- اصول کافی، ۲/۲۰۱؛ بحارالانوار، ۳۶۲/۷۱.

۲- بحارالانوار، ۱۰۴/۷۵.

کسی به محاسبه نفس خویش می‌پرداخت چنان که به محاسبه دیگران می‌پردازد بی شک از فایده‌ای بزرگ بهره‌مند بودیم. لیکن انسان با دیده‌ای به دیگران می‌نگرد که با آن به خود نمی‌نگرد، و آنچه را از دیگران زشت می‌شمارد از خود زشت نمی‌داند. به همین سبب است که در تعلیم و وعظ تأثیر چندانی در نفوس برای آنها نمی‌بینیم، زیرا واعظ اگر به وعظ خود عمل نکند در موعظه او سودی نیست، و آموزگار هرگاه از کمال بهره‌مند نبوده و اخلاقش را پاکیزه نکرده باشد در تعلیم او فایده‌ای وجود ندارد. ابوالاسود و ثعلبی این معنا را بسیار شیوا و بدیع سروده و گفته است:

یا أَيُّهَا الرَّجُلُ الْمَعْلَمُ غَيْرِهِ	هَلَّا لِنَفْسِكَ كَانِذَا التَّعْلِيمِ <sup>۱</sup>
تَصِفُ الدَّوَاءَ لِذِي السَّقَامِ وَذِي الضَّنَا	كَيْمًا يَصْحَحُ بِهِ وَأَنْتَ سَقِيمٌ <sup>۲</sup>
وَنَرَاكَ تَصْلِحُ بِالرَّشَادِ عَقُولَنَا	أَبْدًا وَأَنْتَ مِنَ الرَّشَادِ عَدِيمٌ <sup>۳</sup>
أَبْدًا بِنَفْسِكَ وَأَنْهَاهَا عَنْ غِيَّهَا	فَإِذَا أَنْتَ أَنْتَهَتْ عَنْهُ فَأَنْتَ حَكِيمٌ <sup>۴</sup>
فَهَنَّاكَ يُسْمَعُ مَا تَقُولُ وَيُهْتَدَى	بِالْقَوْلِ مِنْكَ وَيَنْفَعُ التَّعْلِيمُ <sup>۵</sup>
لَاتَنَّهُ عَنِ خَلْقٍ وَتَأْتِي مِثْلَهُ	عَارٌّ عَلَيْكَ إِذَا فَعَلْتَ عَظِيمٌ <sup>۶</sup>

ابتدا کردن به اصلاح نفس خویش و رفع نقایص و سدّ عیوب آن پیش از شروع به اصلاح دیگران یکی از راههای کسب محبوبیت میان مردم و به دست آوردن مودت و تحسین آنهاست همان گونه که محاسبه وضع مردم و پیگیری لغزشهای آنها ضمن اهمال در اصلاح خویش سبب دشمنی و ناخشنودی از او در میان مردم است.

دیل کارنگی گفته است: آیا همین حالا در ذهن خود کسی را سراغ داری که از ته دل دوست داشته باشی صفات او را اصلاح و اخلاق او را تهذیب و وی را به راه راست هدایت کنی، اگر امر چنین است این بزرگواری و بخششی است که سزاوار شکرگزاری

۱- ای مردی که دیگران را تعلیم می‌دهی؛ چرا تعلیم دهنده نفس خویش نیستی.

۲- دارو را برای رنجور و بیمار توصیف می‌کنی؛ تا بدان بهبود یابد در حالی که خودت بیماری.

۳- تو را می‌بینیم که پیوسته خرده‌های ما را اصلاح می‌کنی؛ در حالی که تو از رشد و صواب بی بهره‌ای.

۴- از نفس خود آغاز کن و از گمراهی باز دار؛ چه اگر از گمراهی باز ایستاد تو حکیمی هستی.

۵- در این صورت آنچه می‌گویی شنیده و به گفتار تو؛ هدایت می‌شود و تعلیم و آموزش سود می‌بخشد.

۶- از خوبی نهی مکن که تو مانند آن را می‌آوری؛ ننگ بر تو هرگاه چنین کار بزرگی را مرتکب شوی.

است، لیکن چرا از خودت شروع نمی‌کنی چه از دیدگاه طبیعت انسانی اهتمام و توجه به خود محبوبتر از اهتمام به غیر و نیز خطر آن کمتر است. سپس می‌گویی در این که فی‌المثل یک سال تمام را برای رفع نقایص نفس خویش و تصحیح معایب آن تخصیص دهی و پس از آن می‌توانی همه سالهای پس از آن را برای اصلاح نهاد و تهذیب اخلاق مردم اختصاص دهی.

نیز: «گفته است: برای آن که زمام مردم را به دست آوری بی آن که نسبت به آنها بدی روا داری یا دشمنی آنان را برانگیزی از قاعده شماره ۳ پیروی کن: «از خطاهای خود سخن گو پیش از آن که دیگری را مورد انتقاد و خرده‌گیری قرار دهی»

اکنون گوش فراده به آنچه درباره این موضوع مهم از پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام وارد شده است.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «در عیبناک بودن انسان همین بس که به چیزی در مردم بنگرد که از دیدن آن در وجود خودش نابیناست، و مردم را به چیزی سرزنش کند که خود توانایی ترک آن را ندارد، و همنشین خود را به چیزی که به او مربوط نیست آزار دهد»<sup>۱</sup>.

نیز: «خوشا به حال کسی که عیب او وی را از توجه به عیوب مردم بازداشته است»<sup>۲</sup>.  
نیز: «هنگامی که می‌خواهی عیوب دیگری را بازگو کنی عیبهای خود را بازگو کن»<sup>۳</sup>.  
امیر مؤمنان علیؑ فرموده است: «هر کس خود را پیشوای مردم قرار دهد باید پیش از آموزش دیگران نفس خود را آموزش دهد، و باید تأدیب دیگران به وسیله رفتارش مقدم بر تأدیب مردم با زبانش باشد»<sup>۴</sup>.

نیز: «کسی که به عیب خود بنگرد از عیب دیگران روی می‌گرداند»<sup>۵</sup>.

۱- اصول کافی، ۴۶۰/۲.

۲- الحکم، ۵۸۰/۱.

۳- جامع السعادات، ۳۰۶/۲.

۴- الحکم، ۴۶۳/۲.

۵- بحارالانوار، ۴۹/۷۲.

نیز: «عیبهای مردم را پیگیری مکن چه اگر درک کنی آنچه تو را به عیبجویی از مردم  
وا می‌دارد از عیوب توست».<sup>۱</sup>  
آن حضرت به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده است: «آنچه را از دیگری زشت  
می‌دانی از خودت نیز زشت بدان».<sup>۲</sup>

---

۱- الحکم، ۱۵۹/۲، الغرر، ۳۳۵/.

۲- بحارالانوار، ۲۹/۷۲، ۲۹/۷۵.

## آنچه زداينده محبت است

آنچه در صفحات پيش مورد بحث قرار گرفت همگي درباره مقدمات دوستي و موجباتي بود که انسان را در به دست آوردن دوستان و کسب محبوبيت در ميان آنان ياري مي دهد. اکنون در مباحثي که بزودي خواهد آمد از آنچه اين پيوند روحي را مي گسلد و اين رابطه مقدس را مي برد سخن گفته خواهد شد.

پيامبر گرامي ﷺ و ائمه اهل بيت عليهم السلام که اين کتاب ما بر پايه راهنمايهاي درست و آموزشهاي صحيح آنها استوار است به هر چيزي که بر دوستي و وداد بيفزاید و نهال محبت و برادري را در سرزمين دلها بنشانند دعوت و بدان مردم را ارشاد و تشويق کرده اند و به همين گونه از هر چيزي که در نفوس کينه و دشمني پديد آورد مردم را بر حذر داشته و به زيانها و خطرهايي که در اين راه است هشدار داده اند، خطرهايي که به هر خردمندی واجب است از آنها دوري جويد تا بتواند با دوستانش در زندگي سراسر توأم با رفاه و سرور که شاديها آن را احاطه کرده دوستي و وفاداري آن را فرا گرفته باشد به سر برد.

### ۱- چاپلوسی

تملق و چاپلوسی جرثومه مرگباري است که پيوسته پيکره دوستي را مي پوساند تا آنگاه که آن را از بن براندازد و پايه هاي آن را منهدم سازد، چه دوستي اگر بر اخلاص

صحیح قلبی و مودت روحی صادقانه و بی شایبه تکیه نداشته باشد چیزی جز یک نوع دوستی ظاهری نیست که نه امیدی به سود آن است و نه فایده‌ای از آن به دست می‌آید. از این رو پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ما را به اخلاص در دوستی امر کرده و از تملق و چاپلوسی پرهیز داده و از عواقب وخیم آن بر حذر داشته‌اند. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «هنگامی که مردم اظهار علم و دانش کنند در حالی که عمل به آن را ضایع سازند و به زبان دوستی کنند در صورتی که به دل، با یکدیگر دشمن باشند، و قطع رحم می‌کنند خداوند آنها را لعن می‌کند و کر و کورشان می‌گرداند».<sup>۱</sup>

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «چاپلوسی از اخلاق مؤمن نیست».<sup>۲</sup>

امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «چاپلوسی زیاد موجب بدگمانی است، هنگامی که مورد اعتماد دوست خود قرار گرفتی از تملق به حسن نیت باز گرد».<sup>۳</sup>

امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «بد بنده‌ای است آن که دارای دو چهره و دو زبان است دوستش را در حضور می‌ستاید و در غیاب از او بد می‌گوید، اگر چیزی به دوستش عطا شود به او رشک می‌برد، و اگر گرفتار شود او را یاری نکرده و خوار می‌کند».<sup>۴</sup>

## ۲- خیانت به دوستان

خیانت از زشت‌ترین گناهها و ناپسندترین رذیله‌ها و نشانه پلیدی باطن و پستی اخلاق است، و هرگاه خیانت نسبت به دوستان صورت گیرد جرمی سخت‌تر و گناهی بزرگتر است چه علاوه بر قبیح ذاتی موجب از میان رفتن حرمت دوستی و تعدی به حقوق آن و سبب گسیختن پیوند رفاقت و بریدن رشته مودت و برادری است. از این رو ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام اهتمام بسیار به این امر داشته و جامعه اسلامی را از آلودگی به این خوی زشت هشدار داده و بر حذر داشته‌اند. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «مؤمن برادر (دینی) خود را سرزنش نمی‌کند، و به او

۱- بحار الانوار، ۳۷/۱۴.

۲- تحف العقول، ۲۱۸.

۳- بحار الانوار، ۲۹۵/۷۰ و ۲۹۵/۷۳.

۴- اصول کافی، ۳۴۳/۲.

خيانت نـمی‌ورزد، و او را متهم نـمی‌سازد، و وی را خوار نـمی‌کند، و از او بيزاری نـمی‌جوید».<sup>۱</sup>

امام صادق عليه السلام فرموده است: «مسلمان برادر مسلمان است به او ستم نـمی‌کند و او را خوار نـمی‌سازد، و به او خيانت نـمی‌کند».<sup>۲</sup>

نيز: «مؤمن برادر مؤمن است به او ستم نـمی‌کند، خوارش نـمی‌گرداند، فريش نـمی‌دهد، از او بدگویی نـمی‌کند، به او خيانت نـمی‌ورزد، و به وی دروغ نـمی‌گويد».<sup>۳</sup>

نيز: «با مردم غش به کار مير که بی دوست می‌مانی»<sup>۴</sup> و غش شعبه‌ای از خيانت است.

نيز: «مسلمان برادر مسلمان است به او خيانت نـمی‌کند و فريش نـمی‌دهد، و ستم به او نـمی‌کند، و به وی دروغ نـمی‌گويد، و از او بدگویی نـمی‌کند».<sup>۵</sup>

هرگاه نسبت به برادر دينی خود قصد بدی در دل داشته باشی به او خيانت کرده‌ای، چنان که امام باقر عليه السلام فرموده است: «بر شما باد تقوای الهی و این که در دل خود نسبت به برادر مؤمن خویش چیزی را پنهان نکنید که آن را برای خود دوست ندارید چه هر بنده‌ای چیزی را درباره برادر مؤمنش در دل پنهان ندارد که آن را برای خود دوست نـمی‌دارد خداوند آن را سبب بروز نفاق در دلش قرار می‌دهد».

هرگاه برادر دينیت تو را بر رازی امين دانست چنانچه آن را افشا کنی به او خيانت کرده‌ای، چنان که امام باقر عليه السلام فرموده است: «از خيانت است که از راز برادر دينی خود سخن گویی».<sup>۶</sup>

هرگاه برادر دينیت با تو مشورت کند و تو او را به راهی راهنمایی کنی که در آن زیان اوست به او خيانت کرده‌ای، چنان که پیامبر خدا عليه السلام فرموده است: «کسی که برادر دينی خود را به امری راهنمایی کند و بداند صلاح او در غير آن است به وی خيانت کرده

۱- الحکم، ۴۹۶/۲؛ تحف العقول، ۱۱۲/۱.

۲- مستدرک الوسائل، ۳۸۰/۸.

۳- بحارالانوار، ۳۷۳/۷۱.

۴- بحارالانوار، ۲۷۳/۷۱.

۵- بحارالانوار، ۲۴۸/۷۱؛ مستدرک الوسائل، ۳۸۰/۸.

۶- بحارالانوار، ۸۹/۷۴.

است»<sup>۱</sup>.

از خیانت به دوست آن است که برخی از لغزشهایش را در خاطر نگهداری کنی تا او را میان مردم رسوا گردانی بلکه این عمل به کفر نزدیکتر است، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کمترین کفر آن است که انسان از برادر دینی خود سخنی بشنود و آن را در خاطر نگهدارد و بخواهد به وسیله آن او را مفتضح سازد، آنان (در آخرت) بهره‌ای نخواهند داشت»<sup>۲</sup>.

نیز از خیانت است که چیزی درباره او بگویی که از قدرش بکاهد و به حرمت او زیان رساند، چنان که پیامبر گرامی ﷺ فرموده است: «هر کس از برادر (دینی) خود چیزی نقل کند و منظورش از میان بردن عدالت و مروت او باشد و از او عیبجویی کند خداوند به کیفر گناهش او را هلاک خواهد کرد تا آنگاه که از عهده آنچه گفته است برآید و هرگز نخواهد توانست از عهده آن برآید»<sup>۳</sup>.

از خیانت است آن که به او دروغ بگویی در حالی که او تو را راستگو می‌پندارد، چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «خیانت بزرگی است که تو به برادر (دینی) خود مطلبی بگویی که او تو را در آن صادق می‌داند در حالی که تو در آن به او دروغ می‌گویی»<sup>۴</sup>.  
از خیانت است آن که مشاهده کنی که برادر دینی تو کار زشتی انجام می‌دهد و تو او را باز نداری، چنان که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «کسی که ببیند برادر (دینی) وی مرتکب کاری است که ناخوشایند اوست و وی را از آن باز ندارد به او خیانت کرده است»<sup>۵</sup>.

از خیانت است این که در دل برادر (دینی) خود را دوست بداری لیکن او را از آن خبر ندهی و آگاهی نکنی، چنان که پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «کسی که نسبت به برادر مسلمانش در دل خود احساس دوستی کند و او را بدان آگاه نسازد به وی خیانت

۱- بحارالانوار، ۲۰۲/۷۹.

۲- بحارالانوار، ۱۹۳/۷۴.

۳- بحارالانوار، ۱۹۳/۷۴.

۴- جامع السعادات، ۳۲۲/۲.

۵- بحارالانوار، ۱۹۰/۷۴ و ۶۵/۷۵.



ورزیده است»<sup>۱</sup>.

از خیانت آن است که برادر دینی تو در حاجتی از تو کمک بخواهد و تو در برآوردن حاجتش با تمام توان خود نکوشی، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر مردی از اصحاب ما که یکی از برادرانش در حاجت خود از او کمک بخواهد و او با تمام توان خود در برآوردن حاجتش نکوشد به خدا و پیامبرش و مؤمنان خیانت کرده است»<sup>۲</sup>.

کسی که دلش را پاک و درونش را نسبت به برادران مؤمن خود اصلاح کند و کینه و نیت بدی از آنها به دل نداشته و در دوستی و محبت خود اخلاص داشته باشد زندگانی خود را به اتفاق آنان با سعادت و خوشبختی سپری خواهد کرد و پس از مرگ به مقامات عالی دست خواهد یافت چنان که از حدیث زیر روشن خواهد شد.

انس بن مالک نقل کرده که: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم، آن حضرت فرمود: «همین حالا مردی از اهل بهشت بر شما وارد می شود» پس از آن مردی از انصار در حالی که قطره های آب وضویش از محاسنش می چکید و نعلین خود را به دست چپش آویزان کرده بود وارد شد. فردای آن روز نیز پیامبر صلی الله علیه و آله همان سخن را تکرار فرمود، و همان مرد مانند بار نخست ظاهر گردید. چون روز سوم شد پیامبر صلی الله علیه و آله همان کلمات را تکرار کرد، و آن مرد مانند بار نخست وارد شد. هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جا برخاست عبدالله بن عمر به دنبال آن مرد رفت و به او گفت: من با پدرم کشمکش داشتم به همین سبب سوگند یاد کردم که تا سه روز بر او وارد نشوم اگر صلاح بدانی مرا نزد خود سکناده تا این سه روز بگذرد. آن مرد گفت: آری.

انس گفته است: عبدالله نقل می کرد که این سه شب را نزد او به سر بردم و ندیدم که در ساعتی از شب برای عبادت برخیزد و تنها هنگامی که در بستر خود تغییر وضع می داد ذکر خدا می گفت تا آنگاه که برای ادای نماز صبح بر می خاست.

عبدالله گفته است: اما من در این مدت جز خوبی از او نشیندم. هنگامی که آن سه شب سپری شد و نزدیک بود عمل او را حقیر بشمارم به او گفتم: ای بنده خدا! میان من و

۱- بحارالانوار، ۱۵/۳۶.

۲- اصول کافی، ۳۶۲/۲.

پدرم درگیری و هجرتی واقع نشده است لیکن از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که سه بار می فرمود: همین الآن مردی از اهل بهشت بر شما وارد می شود و در هر سه بار تو وارد می شدی از این رو خواستم نزد تو به سر برم تا بنگرم عملت چیست تا به تو اقتدا کنم، و ندیدم عمل بزرگی انجام دهی پس چه چیزی تو را به آن جا رسانده که پیامبر خدا ﷺ درباره ات چنین فرموده است؟ پاسخ داد: جز آنچه دیدی عملی ندارم. عبدالله گفته است: هنگامی که بر می گشتم مرا صدا کرده و گفت: من غیر از آنچه دیدی نیستم جز این که در درون خود نسبت به احدی از مسلمانان کینه ندارم، و به کسی که خداوند خیری را به او عطا کرده است حسد نمی ورزم. عبدالله گفت: این همان چیزی است که تو را به این مرتبه رسانده است».

شایسته ذکر است که انسان خردمند تنها با کسی دوستی می وزد که در محبت با اخلاص و در برادری وفادار باشد و هرگز دوستی و محبت را در غیر مورد خود به کار نمی برد چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «با کسی که وفا ندارد دوستی مکن».<sup>۱</sup>

### ۳- جدال و ستیز

گمان مکن برای ویران کردن پایه های دوستی و تیره کردن صفای برادری میان مردم چیزی از جدال و کشمکش مؤثرتر باشد هر چند جدال کننده در عمل خود بر حق باشد. این امری ملموس و برای هر کسی که با مردم آمیختگی و معاشرت دارد و به امور آنها آگاه است محسوس می باشد، از این رو احادیث متواتری از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام وارد شده که مردم را به ترک جدال و کشمکش تشویق می کند و نتایج بد و عواقب وخیم آن را که موجب زیانهای بزرگ و ایجاد کینه و دشمنی در دلهاست توضیح می دهد.

از ابی امامه باهلی نقل شده که گفته است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد در حالی که ما با یکدیگر در مجادله بودیم، آن حضرت در خشم شد و فرمود: «جدال را که خیرش اندک است رها سازید و کشمکش را که سودش ناچیز است ترک کنید چه آن دشمنی را

۱- بحارالانوار، ۱۶۷/۲.

در میان برادران و دوستان برمی‌انگیزد»<sup>۱</sup>.

نیز: «با برادر (دینی) خود مجادله و شوخی مکن و به او وعده‌ای مده که در آن تخلف کنی»<sup>۲</sup>.

نیز: «جدال را ترک کنید چه حکمتی از آن فهمیده نمی‌شود و از فتنه آن ایمنی نیست»<sup>۳</sup>.

نیز: «هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را کامل نمی‌گرداند مگر آنگاه که جدال را ترک کند هر چند بر حق باشد».

نیز: «از جدال و دشمنی پرهیزید چه آن دلها را نسبت به دوستان بیمار می‌کند و نفاق در آنها می‌رویاند»<sup>۴</sup>.

امیر مؤمنان علیه السلام در وصیت خود به کمیل بن زیاد نخعی فرموده است: «ای کمیل از مجادله و کشمکش پرهیز چه تو با این عمل بی‌خردان را بر خود می‌شورانی»<sup>۵</sup>.

امام حسین علیه السلام فرموده است: «با افراد بردبار و اشخاص بی‌خرد مجادله مکن چه بردبار با تو دشمن می‌شود و بی‌خرد تو را نابود می‌کند»<sup>۶</sup>.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «با افراد برابر و اشخاص بی‌خرد جدال مکن چه بردبار با تو دشمن می‌شود و بی‌خرد به تو آزار می‌رساند»<sup>۷</sup>.

به مؤمن طاق وصیت فرمود که: «ای پسر نعمان اگر می‌خواهی دوستی تو با برادر دینیت صاف و پیوسته از تیرگی مصون باشد با او شوخی و جدال و مخاصمه و فخر فروشی مکن»<sup>۸</sup>.

نیز: «از دشمنی پرهیزید چه دل را به خود مشغول می‌سازد و نفاق ایجاد می‌کند و

۱- احیاء علوم الدین، ۱۲۵/۲.

۲- بحار الانوار، ۱۵۲/۷۴.

۳- تحف العقول، ۳۳۳/۱.

۴- بحار الانوار، ۱۳۸/۲.

۵- بحار الانوار، ۲۶۸/۷۴.

۶- بحار الانوار، ۱۲۷/۷۵.

۷- بحار الانوار، ۱۲۷/۷۵.

۸- تحف العقول، ۲۳۰/۱؛ بحار الانوار، ۲۹۱/۷۵.

کینه‌ها پدید می‌آورد».<sup>۱</sup>

امام هادی علیه السلام فرموده است: «جدال دوستیهای کهن را تباه می‌کند، و پیوندهای محکم را می‌گسلد، و کمترین چیزی که در آن است غلبه جویی است و آن اساس از هم گسیختگی است».<sup>۲</sup>

امام عسکری علیه السلام فرموده است: «ستیز مکن تا شکوه تو از میان برود».<sup>۳</sup> دلیل کارنگی بخشی از آن را زیر عنوان «مجادله مکن» به این موضوع اختصاص داده که از جمله در آن آمده است: من در آن هنگام که کودک بودم آماده بودم که در هر چیزی به کشمکش و مباحثه پردازم و چون وارد دانشگاه شدم منطق را فرا گرفتم تا به کمک آن بر بحث و مجادله توانایی یابم و سرانجام در مناظراتی که تشکیل می‌شد در هر موضوعی که بود شرکت می‌کردم.

بر من لازم بود میل به خود نمایی و اظهار وجود را که در من بود به هر قیمتی که باشد اشباع کنم و سرانجام در نیویورک به فرا گرفتن دانش مناظره و طرق مجادله پرداختم و روزی فرا رسید - و از گفتن آن بسیار شرمندهام - که کتابی در این موضوع فراهم کردم من از همه این کار و کوششها یک نتیجه به دست آوردم و آن این که برای پیروزی در مجادله تنها یک راه وجود دارد و آن دوری جستن از آن است به همان گونه که از مار خوش خط و خال یا زلزله ویرانگر دوری می‌شود.

سپس بحث خود را با این گفتار پایان می‌دهد: برای آن که مردم را به سمت دیدگاههای خود جلب کنی از قاعده شماره ۱ پیروی کن:  
«مجادله مکن و بدان که بهترین راه برای پیروزی در مجادله دوی جستن از آن است».

#### ۴- تکلف با دوستان

انسان خوش دارد که در رفتار با دوستش از آزادی خویش برخوردار باشد خواه در نشستن یا لباس پوشیدن و یا سخن گفتن و این که پایبند قیدها و رسمهایی نباشد که

۱- بحارالانوار، ۴۰۸/۷۳.

۲- بحارالانوار، ۳۶۹/۷۸.

۳- تحف العقول، ۳۶۵/۱.

جامعه بر او تحمیل کرده است، چه آزادی از این قیود از حفظ آداب و شرم، در دوستی گویاتر و به محبت نزدیکتر است.

اما هرگاه از دوستش رودربایستی داشته باشد به همان گونه که نسبت به دیگر مردم دارد و در برابر او پایبند آداب و رسوم باشد همان طور که در برابر جامعه پایبند است هرگز در این دوستی لذت و حلاوتی نخواهد یافت بلکه سنگینی بار آن را بر دوش خود احساس خواهد کرد و بسا این احساس او را به انصراف از دوستی و قطع آن بکشاند. از این رو پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «بدترین دوستان کسی است که برای او به رنج بیفتی».<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «شرط همدمی ترک تعارفات است».<sup>۲</sup>

نیز: «هرگاه مؤمن با دوستش کمرویی کند از او جدا شده است».<sup>۳</sup>

نیز: «بدترین دوستان کسی است که برای او به رنج افتد و بهترین آنها کسی است که دیدارش برایت اطمینان آور و غیبت او برایت آرامش بخش باشد».<sup>۴</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «سنگین ترین دوستان بر من کسی است که به خاطر من خود را به رنج اندازد و سبکترین آنها بر دل من کسی است که با او چنان باشم که در تنهایی هستم».<sup>۵</sup>

متکلف و تعارفی را با نشانه هایی که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذکر کرده است می توان شناخت، فرموده است: «انسان متکلف را سه نشانه است: در حضور تملق می گوید، در غیاب غیبت می کند، و در هنگام مصیبت شماتت و شادکامی می کند».<sup>۶</sup>

یکی از حکیمان گفته است: «بریدن مردم از همدیگر به سبب تکلفات و تعارفات است».

۱- بحارالانوار، ۱۶۵/۷۱.

۲- الحکم، ۵۳۸/۱.

۳- بحارالانوار، ۱۶۵/۷۱.

۴- بحارالانوار، ۱۶۵/۷۴.

۵- مستدرک الوسائل، ۱۴۶/۹؛ احیاء علوم الدین، ۱۳۲/۲.

۶- بحارالانوار، ۵۲/۷۷، ۶۶/۷۷.

## ۵- دوری گزیدن از دوستان

از آنچه گذشت اهمیت دوستی و آثار گسترده آن در زندگی انسان و شدت اهتمام پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در این باره بخوبی دانسته شد تا آن جا که آنان برقراری رابطه دوستی را از برترین اعمال و مقرب کننده ترین آنها به خداوند شمرده اند، به همین سبب دوری از دوست گناهی است که عقل سالم آن را زشت می شمارد، و وجدان زنده و بیدار از آن سرباز می زند، و پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام مردم را از آن برحذر داشته اند، چه این عمل به بروز کینه منجر می شود و رشته مودت و پیوند برادری و دوستی را در معرض قطع و گسیختگی قرار می دهد.

پیامبر خدا ﷺ در وصیت خود به اباذر فرموده است: «ای اباذر از دوری جستن از برادر (دینی) خود بپرهیز چه با دوری جستن (از برادر دینی) عمل مورد قبول واقع نمی شود. ای اباذر من تو را از هجران نهی می کنم و اگر از آن ناگزیری بیش از سه روز دوری مجوی زیرا کسی که در حال هجران از برادر دینی خود بمیرد دوزخ برایش سزاوارتر است».<sup>۱</sup>

نیز: «هر کس بیش از سه روز از برادر (دینی) خود دوری کند وارد دوزخ می شود».<sup>۲</sup>  
 نیز: «اعمال انسان در هر دو شب و پنجشنبه به پیشگاه خداوند عرضه می شود و حق تعالی همه کسانی را که به او شرک نورزیده اند می آمرزد جز کسی که میان او و برادر (دینی) وی دشمنی باشد، خداوند می فرماید: این دو را ترک کنید تا آشتی کنند».<sup>۳</sup>  
 امام باقر علیهما السلام فرموده است: «دو تن مؤمن که بیش از سه روز از همدیگر جدایی گزینند من از آنها بیزار می جویم».<sup>۴</sup>

امام صادق علیهما السلام فرموده است: «دو تن از همدیگر دوری اختیار نمی کنند جز این که یکی از آنها سزاوار بیزاری و لعنت است و بسا هر دو سزاوار آن باشند». یکی از اصحاب آن حضرت عرض کرد: فدایت شوم، ستمکار مستحق آن است لیکن ستم دیده چرا؟

۱- بحار الانوار، ۸۹/۷۴.

۲- کنز العمال ح/ ۲۴۷۹۳ (مضمون).

۳- بحار الانوار، ۱۸۶/۷۲ (مضمون).

۴- بحار الانوار، ۱۸۸/۷۵.

فرمود: «برای آن که ستمدیده برادرش را به حفظ پیوند با خود دعوت نکرده و از گفتار او چشم‌پوشیده است از پدرم شنیدم که می‌فرمود: هرگاه دو تن با همدیگر نزاع کنند و یکی دیگری را ترک کند باید مظلوم به رفیقش مراجعه کند و به او بگوید: ای برادر! من ستمکارم، تا بدین گونه جدایی میان آنها بر طرف شود، چه خداوند متعال داوری دادگر است و حق ستمدیده را از ستمکار می‌گیرد»<sup>۱</sup>.

ائمّه اهل بیت علیهم‌السلام به ما دستور داده‌اند که با برادران دینی خود پیوند و ارتباط برقرار کنیم هر چند به وسیله سخنانی خوش باشد. امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «با برادران (دینی) خود بیونید و به آنها نیکی و احسان کنید هر چند منحصر به سخنانی خوش و ادای پاسخ باشد»<sup>۲</sup>.

بازگشت دو برادر مؤمن که از همدیگر جدا شده‌اند به حالت صفا و یکدلی کار دشواری نیست بلکه بسیار آسان است و تنها به اندکی شیرین‌زبانی و گشاده‌رویی و چشم‌پوشی از بدیها و گذشت از گناهها نیاز دارد، در این صورت رجوع پس از مفارقت و وصل پس از هجران برای آنان آسان می‌شود، چنان که امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «سرعت الفت دلهای نیکان به هنگامی که همدیگر را دیدار می‌کنند - هر چند دوستی خود را به زبان اظهار نکنند - مانند سرعت آمیختگی آب باران با آب رودخانه‌هاست، و دوری الفت دلهای فاجران و بدکاران در وقتی که یکدیگر را دیدار می‌کنند - هر چند به زبان اظهار دوستی کنند - مانند دوری حیوانات از عواطف و مهربانی به یکدیگر است اگر چه مدت‌های طولانی از یک‌آخور علوفه خورده باشند»<sup>۳</sup>.

اگر میان دو برادر دینی جدایی و قطع رشته دوستی اتفاق افتد آن که برتر و محبوبتر نزد خداوند است یکی از آن دو تن است که در برقراری رابطه برادری و گشودن باب گفتگو سبقت گیرد، چنان که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «هر دو تن مسلمان که از یکدیگر دوری‌گزینند تا سه روز بگذرد و آشتی نکنند از اسلام خارج می‌شوند و میان آنها دوستی و پیوندی نیست اما هر کدام از آنها در گفت و شنود با برادر خود سبقت گیرد

۱- بحارالانوار، ۱۸۴/۷۲.

۲- بحارالانوار، ۲۶۱/۷۵.

۳- بحارالانوار، ۲۵۷/۷۵.

در روز حساب در رفتن به بهشت پیشی خواهد گرفت»<sup>۱</sup>.  
 هر قدر جدایی و دوری از یکدیگر طولانیتر باشد گناه آنها بزرگتر خواهد بود، پیامبر  
 خدا ﷺ فرموده است: «دوری گرفتن انسان از برادر (دینی) خود تا مدت یک سال به  
 منزله ریختن خون اوست»<sup>۲</sup>.  
 یکی از شاعران گفته است:

و لاتقطع أحمًا من أجل ذنبٍ      فانَّ الذَّنْبَ یَغْفِرُه الکریم<sup>۳</sup>

و به سبب آن که دوری گزیدن دوستان از یکدیگر و بریدن رشته دوستی آنها موجب  
 بروز زیانهای بزرگ برای آنان است. پیامبر خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام تفرقه‌اند از آن  
 میان دوستان را گنجه‌کارترین مردم در پیشگاه خداوند به شمار آورده‌اند، چنان که پیامبر  
 خدا ﷺ فرموده است: آیا شما را به بدترین مردم آگاه نکنم؟ عرض کردند: چرا ای پیامبر  
 خدا، فرمود: «آنها کسانی هستند که در راه سخن‌چینی و تفرقه‌افکنی میان دوستان گام  
 برمی‌دارند و در جستجوی معایب پاکانند»<sup>۴</sup>.

همچنین ایجاد الفت میان برادران دینی را در صورت نفرت از یکدیگر و فراهم کردن  
 نزدیکی میان دوستان را به هنگام دوری از هم از بزرگترین و بافضیلت‌ترین اعمال  
 شمرده‌اند.

پیامبر خدا ﷺ به ابی‌ایوب انصاری فرموده است: «ای ابا‌ایوب! آیا تو را راهنمایی  
 نکنم به عملی که خدا را خشنود می‌کند. عرض کرد: چرا ای پیامبر خدا، فرمود: «مردم را  
 با یکدیگر آشتی ده به هنگامی که رابطه آنها تباه شود و آنها را دوست یکدیگر گردان در  
 وقتی که با هم دشمن شوند»<sup>۵</sup>.

نیز: «کسی که در راه اصلاح میان دو تن گام بردارد تا زمانی که باز می‌گردد فرشتگان

۱- اصول کافی، ۳۴۵/۲.

۲- بحار الانوار، ۲۵۷/۷۵.

۳- از دوست خود به سبب گناهی که کرده است مبر؛ چه انسان کریم گناه را می‌بخشد.

۴- المواعظ / ۵۰؛ بحار الانوار، ۲۱۲/۷۲.

۵- بحار الانوار، ۴۴/۷۳.



خدا بر او درود می‌فرستند و پاداش شب قدر به او داده می‌شود».<sup>۱</sup>  
امام باقر علیه السلام فرموده است: «خدا رحمت کند کسی را که میان دو تن از دوستان ما الفت و دوستی ایجاد کند ای گروه مؤمنان با هم الفت گیرید و نسبت به همدیگر مهربان باشید».<sup>۲</sup>

شارع مقدس به سبب کثرت اهتمام نسبت به الفت دادن دلهای متنفّر از همدیگر دروغ گفتن را در این راه مباح کرده است چه زبانی که از پراکندگی و جدایی برادران دینی از هم ناشی می‌شود و آثار نامطلوب آن از دروغ بیشتر و خطر آن بزرگتر است از این رو در این مورد دروغ جایز شمرده شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «کسی که میان دو تن آشتی برقرار می‌کند دروغگو نیست».<sup>۳</sup>

نیز: «هر دروغی بر فرزند آدم نوشته می‌شود جز کسی که دروغی می‌گوید تا میان دو تن را اصلاح کند».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر دروغی مورد بازخواست قرار می‌گیرد جز در سه جا: مردی که در جنگ‌های حمله به کار می‌برد، این گناه از او برداشته شده است، و کسی که میان دو تن را آشتی می‌دهد و دیدار او با یکی غیر از دیدار او با دیگری است و منظورش اصلاح میان آنهاست، و کسی که به همسرش وعده‌ای می‌دهد و نمی‌خواهد آن را انجام دهد».<sup>۵</sup>

## ۶- دشمنی دوست و دوستی دشمن

از جمله چیزهایی که تحمل آن بسیار دشوار و وقوع آن برای انسان مشقّت بار می‌باشد آن است که مشاهده کند دوست او با دشمنش همگام است و وی را دیدار و با

۱- نواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۳۳۹/۲.

۲- اصول کافی، ۳۴۵/۲.

۳- جامع السعادات، ۳۲۵/۲.

۴- جامع السعادات، ۳۳۵/۲.

۵- اصول کافی، ۳۴۲/۲.

او دوستی و برادری می‌ورزد، این امر در انسان ایجاد درد و اندوه می‌کند، و گاهی این درد و اندوه به نفرت و دشمنی تبدیل، و پس از آن به قطع رشته دوستی و کناره‌گیری از هم منجر می‌گردد، و سرانجام به برخوردها و درگیری‌هایی می‌رسد که عواقب آنها پسندیده نیست، چه دوستی با دشمن عواطف دوست را جریحه دار می‌کند و دلش را به درد می‌آورد و به دوستی و برادری آسیب می‌رساند.

همچنین اگر مشاهده کنی کسی با دوست وفادار و عزیز تو دشمنی می‌کند و یا حيله و مکرری را نسبت به او در ضمیر خود می‌پروراند بی شک تو رنجیده و بیگانه وار با او روبرو می‌شوی و دلت را درباره او پر از خشم می‌یابی، زیرا کسی که نسبت به دوست تو بدی کند مانند آن است که به تو بدی کرده، و آن که با او دشمنی کند چنان است که با تو دشمنی ورزیده است، چه تو و او در درک و احساس یک روح هستید هر چند کالبدتان اختلاف دارد. از این رو بر همه دوستان لازم است که هر یک از آنها دوست دوست خود را دوست بدارد و با او دشمنی نکند، همچنین دشمن دوست خود را دشمن خویش بشمارد و با او دوستی نکند. ائمه اهل بیت علیهم‌السلام از این امر که در زندگی دوستان دارای اهمیت بسیار است غفلت نورزیده بلکه نسبت به آن هشدار داده‌اند تا مردم در امور خود روشن و آگاه شوند و در زندگی خویش دارای بصیرت و بینایی باشند.

امیر مؤمنان علیه‌السلام به فرزندش امام حسن علیه‌السلام فرموده است: «دشمن دوستت را به دوستی مگیر که با دوستت دشمنی می‌کنی».<sup>۱</sup>

نیز: «هرگاه به دوست خود وثوق و اطمینان داری مال و توان خود را در راه او صرف کن و با دوست او دوست و با دشمنش دشمن باش».<sup>۲</sup>

نیز: «دوستان و دشمنان تو هر کدام سه دسته‌اند، دوستان عبارتند از: دوست و دوست دوست، و دشمن دشمن، اما دشمنان عبارتند از: دشمن، و دشمن دوست، و دوست دشمن».<sup>۳</sup>

یکی از شاعران این معنا را گرفته و گفته است:

۱- الحکم، ۱۵۹/۲؛ غررالحکم، ۳۳۷/

۲- بحارالانوار، ۱۹۳/۶۷.

۳- بحارالانوار، ۱۶۴/۷۱.

آنچه زداينده محبت است / ۱۷۹

صديق عدوى داخل فى عداوتى و ائسى لمن وذا الصديق ودود<sup>۱</sup>  
ديگرى گفته است:  
تودّ عدوى ثمّ تزعم ائنى صديقك انّ الرأى عنك لعازب<sup>۲</sup>

### ۷- شماتت (سرکوفت زدن) به دوست

از ستمهای بزرگ است که تو کسی را که به دوستش شماتت و در رنج او شادی می‌کند دوست بنامی بلکه او دشمنی است که لباس دوست را به تن کرده است. و این برای انسان از دشمنی که متظاهر به دشمنی است بسیار زیانبارتر است، چه انسان می‌تواند از دشمن خود دوری‌گزیند و از او بگریزد تا از آزار او مصون بماند لیکن دشوار است که انسان بتواند از این دشمن پنهان شده در لباس دوست احتراز کند و خود را از شر او محفوظ بدارد، زیرا وی، مانند دوستان در کنار او قرار می‌گیرد و همچون اخلاصمندان وفادار با او معاشرت می‌کند اما در درون خود مکر و خشمی را نسبت به او پنهان کرده که اگر وی بر آن آگاه شود بی‌درنگ به او پشت می‌کند و از او می‌گریزد و سراسر وجود او پر از ترس و بیم می‌شود. به همین مناسبت شاعر گفته است:

و من نکد الدنیا علی الخّر ان یری عدوّاً له ما من صداقته بدّ<sup>۳</sup>

براستی دوست هرگز دوست نمی‌شود جز آنگاه که هر چه را برای خود می‌خواهد برای دوستش بخواهد و در دل خود هرگز نیت بدی نسبت به او نداشته باشد و گرنه از مرز دوستی بیرون رفته بلکه وی دشمنی پلید است.

امام باقر علیه السلام فرموده است: «بر شما باد به تقوای الهی مبادا کسی از شما نسبت به برادر دینی خود چیزی را در دل پنهان کند که آن را برای خود دوست نمی‌دارد چه هر بنده‌ای که چیزی درباره برادر دینی خود در دل پنهان کند که آن را برای خود نمی‌پسندد خداوند همان را سببی برای بروز نفاق در قلب او قرار می‌دهد».

معنای شماتت این است که انسان از بلا و مصیبتی که بر دوستش وارد شده است

۱- دوست دشمنم در دشمنی با من دست دارد، و من کسی را که با دوستم دوستی کند دوست می‌دارم.

۲- با دشمنم دوستی می‌کنی سپس می‌پنداری که من، دوست تو هستم، این رأی بسیار دوری است.

۳- و از بدبختیهای دنیا برای انسان آزاده آن است که ببیند، دشمنی دارد که از دوستی با او ناگزیر است.

شادمانی یا وانمود کند که دوستش به سبب عمل و کردار بدش سزاوار چنین رویدادی است. در این صورت هنگامی که دوستش بر این شماتت او آگاه شود گمان می‌کند چه برداشتی از آن خواهد کرد؟

آیا بر دوستی و اخلاص خود باقی خواهد ماند؟ هرگز و هرگز... بلکه دلش از خشم و کینه او لبریز خواهد شد از این رو ائمه اهل بیت علیهم‌السلام ما را از داشتن این خوی زشت پرهیز داده و به ما دستور داده‌اند که دارای قلب سلیم باشیم.

امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «سه چیز مایه جلب دوستی است: انصاف در معاشرت، مواسات در سختی، و داشتن قلب سلیم».

نیز: «به برادر دینی خود شماتت مکن که خدا او را می‌آمرزد و شماتت را بر تو وارد می‌کند».<sup>۱</sup>

نیز: «کسی که برادر دینی خود را به سبب مصیبتی که بر او وارد شده شماتت کند از دنیا بیرون نمی‌رود تا آنگاه که عذاب شود».<sup>۲</sup>

## ۸- آزار رسانیدن به دوست

بسیاری از مردم به خود اجازه می‌دهند که دوستانشان را به دست یا به زبان بیازارند و می‌پندارند که کار خوبی انجام می‌دهند. گاهی دیده می‌شود که شخصی سخت‌ترین واژه‌ها و گزیده‌ترین آنها را متوجه دوست خود می‌کند و به او می‌نگرد که چگونه از سخنان او به خود می‌پیچد و او هیچ اعتنایی به حال او ندارد بلکه این کار را مایه تفریح و خوشحالی خود قرار داده است.

دیگری رامی‌بینی که گاهی دوستش را با ضرباتی دردناک می‌زند و هنگامی که دوستش اظهار ناراحتی می‌کند از او پوزش می‌طلبد به این که شوخی و مزاح می‌کند.

کسان دیگری دیده می‌شوند که گاهی از دوستانشان بدون آگاهی او چیزی را برمی‌دارند و وی را رها می‌کنند که برای یافتن آن همه جا را جستجو کند، و این‌جا و

۱- بحارالانوار، ۲۱۶/۷۲.

۲- بحارالانوار، ۲۱۶/۷۲.

آنجا را بکاود در حالی که آن چیز ممکن است گرانقیمت و یا نزد او امانت باشد و در نتیجه فقدان آن بشدت دچار اضطراب و آزدگی شود، و برای یافتن آن تلاش و وقت و سعی را صرف کند. و در همین حال دوستان سخت دل و بدرفتار او به وی می‌نگرند و به او می‌خندند تا آنگاه که خوشمزگی و خوشحالی خود را به پایان برسانند، در این هنگام گمشده‌اش را به او می‌دهند و او آن را می‌گیرد در حالی که او با اندوه فراوان از این که گرفتار این‌گونه دوستان شده است دلش دچار سوزش است، و هرگاه ناخشنودی و رنجیدگی خود را به آنها اظهار کند پاسخ خواهند داد که ما با تو قصد شوخی داشته‌ایم و جز خیر و خوبی تو را نمی‌خواهیم.

براستی در این روزگار و در جامعه ما این قبیل دوستان فراوانند و در میان آنها دارندگان انصاف بسیار اندکند، چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «اندکی از دوستان دارای انصافند»<sup>۱</sup> به همین سبب است که در میان مردم اثری از برادری صحیح و دوستی صادقانه نمی‌یابیم زیرا مردم از حقیقت اسلام و تعالیم آن دور و بیگانه‌اند. اینک قرآن که قانون اساسی اسلام است فریاد می‌زند: **وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصریح می‌کند که: مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او ایمن باشند».<sup>۳</sup>

امیرمؤمنان علی علیه السلام دوستی را مشروط به خالی بودن آن از اذیت و آزار دانسته و فرموده است: «به دوستی کسی که از آزار او ایمن هستی راغب باش».<sup>۴</sup>

برای آن‌که دوستان دچار این‌گونه نتایج بد و عواقب وخیم دوستی نشوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام ما را از آزار و تعدی به دوست نهی فرموده و آن را تجاوز به حقوق دوستی و از میان بردن حرمت آن به شمار آورده‌اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «برای مسلمان روا نیست که به برادر دینی خود نگاهی

۱- الحکم، ۱۰۱/۲؛ غررالحکم/۲۳۴.

۲- سورة البقره.

۳- المواعظ/۲۵؛ جامع السعادات، ۲۱۵/۲.

۴- بحارالانوار، ۱۶۶/۷۱.

اندازد که موجب آزار او شود».<sup>۱</sup>

نیز: «هرکس از برادر (دینی) خود چیزی نقل کند و منظورش از میان بردن عدالت و مرّوت او باشد و از او عیبجویی کند خداوند به کیفر گنااهش او را هلاک خواهد کرد تا آنگاه که از عهده آنچه گفته است برآید و هرگز نخواهد توانست از عهده آن برآید».<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «هرکس برای برادر (دینی) خود چاهی کند خودش در آن خواهد افتاد».<sup>۳</sup>

نیز: «در کمال آدمی تو را همین بس که آنچه را بدان ستوده نمی‌شود ترک کند». تا آن‌جا که می‌فرماید: «و از حسن مصاحبت اوست که زحمت آزارش را از دوستش بردارد، و از دوستی وی کثرت موافقت و سازگاری اوست».<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده است: «برای برادر (دینی) خویش چاه مکن تا در آن بیفتی زیرا همان‌گونه که می‌دهی داده می‌شوی».<sup>۵</sup>

نیز: «هرگاه انسان به برادر (دینی) خود «اف» بگوید پیوند ولایت آنها منقطع می‌شود، و هرگاه به او بگوید: «تو دشمن منی» یکی از آن دو کافر می‌شود و هرگاه او رامتّهم کند ایمان در دل او مانند نمک در آب حلّ می‌گردد».<sup>۶</sup>

نیز: «هرکس برادر (دینی) خود را با سرزنش دیدار کند خداوند او را در دنیا و آخرت سرزنش خواهد کرد».<sup>۷</sup>

اسلام به سبب کثرت اهتمام خود به این که دوستان به یکدیگر بدی و آزار نرسانند کسی را که به برادر دینی، خود آزار رساند در دوستی دروغگو شمرده و کسی را که با دروغ خود به برادر (دینی) خویش سود رساند راستگو دانسته است و همین دلیل‌تورا بس است.

۱- جامع السعادات، ۲/۲۱۵.

۲- بحارالانوار، ۱۹۳/۷۴.

۳- الحکم، ۲/۳۹۳؛ غررالحکم ۲۸۸/۲۸۸.

۴- بحارالانوار، ۸۰/۷۵ و ۸۰/۷۸.

۵- بحارالانوار، ۲۴۹/۷۲.

۶- اصول کافی، ۲/۱۷۰.

۷- اصول کافی، ۲/۳۵۶.

امام صادق عليه السلام فرموده است: «انسانی که به دوستش راست می‌گوید لیکن دوستش از سخن راست او دچار زیان و مشقت می‌شود در نزد خداوند دروغگو به شمار می‌آید، همچنین انسانی که به دوستش دروغ می‌گوید و می‌خواهد به او منفعتی برساند در نزد خداوند راستگو به حساب می‌آید».<sup>۱</sup>

نیز سختگیری در احقاق تمام حق خود از برادر دینی خویش آزار رسانیدن و بدی کردن به اوست، چنان که امام صادق عليه السلام به یکی از اصحابش فرموده است: «چرا برادر (دینی) تو از تو شکایت می‌کند؟» عرض کرد: از این که حق خود را به تمامی از او بگیرم از من شکایت می‌کند. امام عليه السلام در حالی که خشمگین بود نشست و سپس فرمود: گویا تصوّر می‌کنی هرگاه حق خود را به تمامی از او بگیری به او بدی نکرده‌ای؟ به من خبر ده آنچه را خداوند درباره گروهی نقل می‌کند که از بدی حساب در روز قیامت می‌ترسند آیا از این حیث می‌ترسند که خداوند به آنان ستم کند؟ نه هرگز لیکن از آن می‌ترسند که خداوند در حساب سختگیری و موشکافی کند، و خداوند آن را سوء الحساب نامیده است. بنابراین هر کس در حساب تعمق و سختگیری کند بدی کرده است».<sup>۲</sup>

آری ائمه اهل بیت عليهم السلام دستور می‌دهند که زندگی دوستان بر پایه انصاف و احسان و ترحم قرار داده شود و هیچ‌کس به دیگری بدی نکند و به یکدیگر حسد نورزند. امام صادق عليه السلام فرموده است: «دوستی به سه چیز نیاز دارد اگر آنها به کار گرفته شوند دوستی برقرار خواهد بود و گرنه منجر به جدایی و دشمنی خواهد شد: انصاف، ترحم، و نداشتن حسد».<sup>۳</sup>

نیز: «سه چیز دوستی را جلب می‌کند: انصاف در معاشرت، مواسات و همیاری در سختیها و داشتن قلب سلیم».<sup>۴</sup>

۱- وسائل الشیعه، ۱۲/۲۵۵.

۲- تحف العقول، ۲۷۷/.

۳- تحف العقول، ۲۲۹/.

۴- بحارالانوار، ۸۲/۷۵.

## ۹- خودپسندی

خودپسندی صفت نفرت‌انگیزی است که هر انسانی آن را زشت می‌شمارد لیکن انسانهایی که از این خوی تهی باشند اندکند. در تعریف آن گفته‌اند انسان خودپسند پیوسته برای وجود خودش کوشش واهتمام دارد نه دیگران و درباره مصالح جز خودش نمی‌اندیشد. عالیت‌ترین چیزی که در زندگی مورد نظر اوست وجود خود و بلندترین آرزوی وی در دنیا حفظ مصالح خویش است.

اسلام با این خوی زشت نبردی آشتی‌ناپذیر دارد، چه این آیین آسمانی مبادی عالی و تعلیمات الهی خود را بر پایه مصالح عامه و منافع متبادل میان مردم قرار داده و بنیان خود را بر اساس قاعده بزرگی که پیامبر اکرم ﷺ آن را بیان داشته متمرکز ساخته که فرموده است: «هیچ‌یک از شما ایمان نمی‌آورد مگر آنگاه که آنچه را برای خودش دوست می‌دارد برای برادر مؤمنش دوست بدارد».<sup>۱</sup>

همنشینی با انسان خودخواه قابل تحمل نیست و معاشرت با او گوارا نمی‌باشد، چه او آن‌گونه که درباره خود فکر می‌کند نسبت به دوست خود نمی‌اندیشد و آنچه را برای خود دوست می‌دارد برای او نمی‌خواهد، و آنچه را برای خودش ناپسند می‌داند برای او ناپسند نمی‌شمارد. آنچه شایسته این‌گونه انسانهاست بریدن و دوری گرفتن از آنهاست. از این رو پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «در مصاحبت آن کس سودی نیست که برای تو نمی‌خواهد آنچه را برای خودش می‌خواهد».<sup>۲</sup>

ائمّه اهل بیت علیهم‌السلام دوستان را به منزله روح واحد می‌شمردند که هر کدام از آنان به همان‌گونه که در راه مصالح خود می‌کوشد در راه مصلحت دوستان تلاش می‌کند و همان‌طور که برای حفظ منافع خود حرص می‌ورزد در حفظ منافع دوست خویش حریص است بلکه علاوه بر این دستور داده‌اند که انسان برادر دینی خود را بر خودش ترجیح دهد و منافع او را بر مصالح خویش مقدم بدارد تا میان دوستان همدلی و همفکری و هماهنگی روحی پدید آید. و این معانی بلند ضمن بحثهای گذشته بخوبی

۱- بحارالانوار، ۲۲۶/۷۱.

۲- تحف العقول، ۲۷۴/۱؛ بحارالانوار، ۱۹۸/۷۱.



روشن شده و شايد برجسته‌ترين چيزي که اين همدلي و نزديکي را ميان دوستان مجسم مي‌سازد همان است که امام زين العابدین عليه السلام ما را بدان فراخوانده است در آن هنگام که به مردی فرمود: «آيا کسی از شما دستش را در جيب يا کيسه برادر (دینی) خود می‌کند و بی‌اجازه او آنچه را می‌خواهد از آن برمی‌دارد؟» عرض کرد: نه، فرمود: «شما برادر نیستید»<sup>۱</sup>.

از امام صادق عليه السلام پرسيدند: «کمترين حق مؤمن بر برادر (مؤمن) او چيست؟ فرمود: «اين که چيزی را که برادر مؤمنش از او بدان محتاجتر است برای خود برنگزیند»<sup>۲</sup>.  
از داستانهای لطيفی که نقل شده اين است که اباسليمان دارانی گفته است: در عراق دوستی داشتم که در سختیها نزد او می‌رفتم و به او می‌گفتم: از دارایی خود چيزی به من بده، و او کيسه‌اش را به سوی من می‌انداخت و من آنچه را می‌خواستم از آن برمی‌داشتم. یک روز نزد او رفتم و گفتم: به چيزی نیازمندم، گفت: چه مقدار می‌خواهی؟ پس از آن شیرینی برادری او از دلم بیرون رفت.

#### ۱۰- فراموش کردن دوست

شايد از بزرگترین جفاها و بدرفتاریها نسبت به دوست آن است که او را به هنگامی که غایب شود فراموش کنی، زیرا فراموشی تو نشانه عدم استحکام پیوند میان تو و اوست، چه اگر دوستی مستحکم و برادری راسخ و استوار و محبت پابرجا بود می‌باید صورت دوست در هر جا که باشی و به هر سو روآوری در پیش روی تو مجسم و نصب‌العین تو باشد، نه تو او را فراموش کنی و نه او تو را از یاد برد هر چند زمانه میان شما جدایی انداخته و یکی از شما را از دیگری دور کرده باشد.

از این‌رو حکیمان فراموش کردن دوست را جفای به او شمرده‌اند، و جفا بزرگترین ویران‌کننده بنای دوستی و مهمترین عامل جدایی افکن میان دوستان است. از این‌رو ائمه اهل بیت عليهم السلام به ما دستور داده‌اند به این که دوست پیوسته جویای حال دوست خود

۱- بحارالانوار، ۱۸۵/۷۵.

۲- بحارالانوار، ۳۹۱/۷۴ و ۳۹۱/۷۱.

باشد و او را فراموش نکند.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «سزاوارترین دوست تو که باید او را به یاد داشته باشی کسی است که تو را فراموش نمی‌کند و شایسته‌ترین کس برای آن که به او توجه کنی کسی است که سودش برای تو و زیانش متوجه دشمن توست، و سزاوارترین کس به این که در برابر او شکیبایی ورزی کسی است که نسبت به وی چاره‌ای جز کنار آمدن با او نداری». ترک رسیدگی به حال دوست به سبب دوری از او موجب قطع پیوند برادری است، چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «ترک رسیدگی به احوال دوست انگیزه بریدن از اوست».<sup>۱</sup>

از آن حضرت درباره مرؤت و جوانمردی پرسیدند فرمود عبارت است از «اطعام طعام، رسیدگی به حال دوستان و خودداری از آزار رسانیدن به همسایگان».<sup>۲</sup>

### ۱۱- طبقه‌بندی دوستان

مردم از حیث آغاز و پایان با همدیگر برابر و همچون دندان‌های شانه‌اند همه از آدم علیه السلام و آدم از خاک آفریده شده است. لیکن از نظر مواهب و ویژگیها و ملکات درجات و طبقات آنها مختلف است.

دسته‌ای از عالمان و حکیمان و پرهیزگارانند که بالاترین طبقاتند.

دسته دیگر نادانان و فاسقان و اشرارند که در پایین‌ترین طبقات جای دارند.

میان این دو طبقه درجات متعدد و مراتب بسیاری است.

قرآن کریم بر این تفاوت و اختلاف تصریح فرموده است: **يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ**

**وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ.**<sup>۳</sup>

نیز: **أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ الْكِبْرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا.**<sup>۴</sup>

۱- بحارالانوار، ۴۲۱/۷۴ و ۴۲۳/۷۷.

۲- اصول کافی، ۶۶۰/۲؛ بحارالانوار، ۷۵/۷۵.

۳- مجادله / ۱۱: ... خداوند آنها را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که از علم بهره دارند درجات بزرگی می‌بخشد.

۴- اسرا / ۲۱: ببین چگونه بعضی را بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم، درجات آخرت و برتریهایش از این هم بیشتر است.

نيز: أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ.<sup>۱</sup>

نيز: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.<sup>۲</sup>

نيز: أَمْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ.<sup>۳</sup>

اکنون درباره آنچه در برابر دوستان بر انسان واجب است گمان تو چیست؟ آیا به طور برابر با آنها رفتار کند یا اختلاف را در نظر گیرد. اگر به طور برابر رفتار کند بی شک حق بلندپایه را انکار کرده یا به فرومایه چیزی را که استحقاق ندارد بخشیده است. و اگر اختلاف را در نظر گیرد کینه‌هایی بر ضد خود در دل یاران و دوستانش برانگیخته است. بنابراین برای اصلاح این امر راه حل صحیح و رأی درست چیست؟ بی شک رأی درست آن است که میان دوستان از حیث محبت قلبی تفاوت قایل شود، چه این تفاوت برحسب صفات محبوب و ویژگیها و خصایص او امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین از حیث ارزش و بزرگواری و احترام شخصی باید اختلاف میان آنها را در نظر گرفت و هر کدام را در حد استحقاقی که دارد مورد اکرام و احترام قرار داد.

آری اگر دوستان همه در یک جا گرد هم آمده باشند شایسته است در حفظ مظاهر دوستی و روکردن و خوشامدگویی به آنها و سخن گفتن با آنان و شنیدن گفتارشان و امثال اینها که از لوازم دوستی و حقوق برادری است میان آنها تساوی را برقرار کرد. اما اگر با هر یک از دوستان به طور جداگانه دیدار کند باید آنچه را در خور است بی کم و کاست رعایت و حق او را ادا کند.

امام صادق عليه السلام در این حدیث به همین نکته دقیق اشاره کرده و فرموده است: «هرگاه افراد حاضر سه تن از مؤمنان باشند دو نفر از آنها به سخنگویی بیخ گوشي نپردازند چه این امر دوست آن دو را غمگین می‌سازد».<sup>۴</sup>

نيز فرموده است: «پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نگاههای خود را میان اصحابش تقسیم می‌فرمود،

۱- ص ۲۸/ یا پرهیزگاران را همچون فاجران قرار می‌دهیم.

۲- زمر ۹/ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

۳- سجده ۱۸/ آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق باشد؟ نه هرگز این دو برابر نیستند.

۴- اصول کافی، ۲/ ۶۶۰.

و به این و آن به تساوی نظر می‌کرد».<sup>۱</sup>  
امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «هرگاه سه نفر در خانه‌ای باشند دو نفر از آنها بتنهایی سخن بیخ‌گوشی نگویند چه این امر رفیق آنها را غمگین می‌کند».<sup>۲</sup>

---

۱- اصول کافی، ۶۷۱/۲.

۲- اصول کافی، ۶۶۰/۲.

## وصیت امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام

### درباره معاشرت با دوستان

سزاوار است ما این بحث را به بخشی از وصیت جاوید امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام پایان دهیم. به خدا سوگند که آن بزرگترین دستور اجتماعی و برترین قانون اخلاقی است که همه مبانی عالیترین نمونه دوستی را در بر گرفته و برای برقراری برادری و دوستی صادقانه راهی روشن ترسیم کرده به طوری که هر کس خواهان زندگی اجتماعی سعادت‌مندانه است از تدبّر در معانی و عمل به محتوای آن بی‌نیاز نیست.

فرموده است: «خود را وادار کن بر پیوستن به دوست خویش به هنگام جدایی او، و بر مهربانی و دوستی به هنگام روی گردانیدن او، و بر بخشش در وقت بخل ورزی او، و بر نزدیکی به هنگام دوری جستن او، و بر نرمی هنگام درشتی کردن او، و بر عذر در وقت بدکرداری او تا آن جا که گویا تو او را بنده‌ای و او را بر تو نعمتی است. و زنه‌ار از این که این روش را در غیر جای خود به کار بری یا نسبت به کسی که شایستگی آن را ندارد به جا آوری. دشمن دوستت را به دوستی مگیر تا به دوست خود دشمنی کرده باشی. خدعه و فریب به کار مبر که این خوی فرومایگان است. برای دوستت پند را خالص و بی‌آلایش کن خواه (اندرز تو نزد او) نیکو باشد یا زشت. و در همه احوال به او کمک کن. و با او باش در هر جا که باشد. خواهان مجازات دوست خود مباش هر چند بر دهند خاک بپاشد. به دشمنت احسان و نیکی کن که آن شیرین‌تر از پیروزی است. خشم را کم‌کم فروده چه من آشامیدنی شیرین‌تر و گواراتر از آن در پایان ندیدم. با شک از دوستت مبر و پیوندت را با او بی آن که خشنودی او را بخواهی قطع مکن. در برابر کسی که با تو

درشتی می‌کند نرم باش چه زود باشد که با تو از در نرمی درآید. چقدر زشت است بریدن پس از پیوند، و جفا و بدرفتاری پس از رفاقت و برادری، و دشمنی پس از دوستی، و خیانت نسبت به کسی که تو را امین دانسته، و عمل بر خلاف گمان کسی که به تو امیدوار بوده است، و خیانت به کسی که به تو اعتماد کرده است. و اگر خواستی از دوست خود ببری جای مقداری از دوستیت را باقی گذار که اگر روزی مایل شود بدان بازگردد و کسی که به تو گمان نیکی دارد گمان نیک او را تحقق ده. و حق دوست خود را به اطمینان دوستی میان تو و او تباه مکن زیرا آن که حقش را تباه کرده‌ای دوست تو نیست. و نباید خانواده‌ات به سبب تو بدبخت‌ترین مردم باشند، و به کسی که از تو دوری می‌جوید رغبت مکن، و از آن که به تو رغبت دارد در صورت امکان معاشرت از او دوری مجوی، و نباید دوستت بر بریدن از تو و بدی کردن به تو و بخل ورزیدن نسبت به تو و کوتاهی در فضل و بخششش از تو تواناتر باشد به این که به او بپیوندی و به وی احسان کنی و درباره او بذل و بخشش روا داری.

نباید ستم ستمکار بر تو گران آید چه او به زیان خود و سود تو می‌کوشد و پاداش کسی که تو را خشنود می‌کند بدی کردن به او نیست»<sup>۱</sup>.

در این جا زمام قلم را می‌کشیم چه گمان می‌کنیم ما خواننده عزیز را به گنجینه علمی و ثروت اخلاقی بی‌مانندی آگاه کرده‌ایم که پیش از این در لابه‌لای کتابها پراکنده و بر روی صفحات کتب دستخوش تباهی بوده است. این سرمایه بزرگ یکی از آثار خیر خاندان پاک پیامبر ﷺ و احسان آنها بر امت اسلامی بلکه همه جوامع بشری است، و چقدر آثار خیر آنها زیاد و احسان آنها بسیار و حق آنها بزرگ است، اما بیشتر مردم ناسپاسند، و اگر به حق آنها ایمان آورند و از مخالفت با آنان بپرهیزند خداوند ابواب برکات خود را از آسمان و زمین به روی آنها خواهد گشود، لیکن آنها را تکذیب کردند و خداوند آنها را به کیفر اعمالشان مجازات کرد.

«وَأٰخِرُ دَعْوَانَا اِنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ»<sup>۲</sup>

۱- تحف العقول، ۵۴/

۲- و آخرین سخن ما این که ستایش ویژه خداوند است که پروردگار جهانیان است.

## منابع

- قرآن کریم، کتاب جاوید خداوند.
- نهج البلاغه، امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- رساله حقوق، امام زین العابدین علیه السلام.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق.
- مصادفة الاخوان، شیخ صدوق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق.
- بحار الانوار، مجلسی.
- مکارم الاخلاق، ابی نصر حسن طوسی.
- مشکاة الانوار، ابی الفضل علی طبرسی.
- کنز الفوائد، کراجکی.
- جامع السعادات، نراقی.
- احیاء العلوم، غزالی.
- ارشاد القلوب، دیلمی.
- جامع الاحادیث، ابی محمد قمی.
- وافی، ملامحسن فیض.
- تحف العقول، ابی محمد حسن حرّانی.
- الصدافة والصدیق، ابی حیّان توحیدی.
- کشف الغمّة، ابی الفتح اربلی.
- مجمع البحرين، شیخ فخرالدین طریحی.
- المواظع العددیة، سید محمد حسینی عاملی.
- الدرر اللامعة، سید محمد باقر موحدابطحی.
- الاصول الستة عشر، گروهی از دانشمندان.
- خصائص الشيعة، سید محمد مهدی قزوینی.
- اعیان الشيعة، سید محمد امین.
- أنیس النفس، شیخ نظرعلی حائری.
- جوامع الآداب، شیخ جمال الدین دمشقی.
- لباب الآداب، اسامة بن منقذ.
- الاخلاق والواجبات، شیخ عبدالقادر غربی.
- الامام الصادق علیه السلام، شیخ محمد حسین مظفر.
- الحسن بن علی علیه السلام کامل سلیمان.
- الخلق الكامل، محمداحد جادالمولی.
- اخلاق آل محمد صلی الله علیه و آله شیخ موسی سبتی.
- خلق المسلم، محمد غزالی.
- حکّم الامام علی علیه السلام، لکورینلوس.
- السعادة والسلام، لرد افبری.
- آئین دوستیابی، دیل کارنگی.